

نگین آفرینش (۱)

(درسنامه دوره مقدماتی معارف مهدویت)

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مؤلفان:

محمد امین بالادستیان؛

محمد مهدی حائری پور؛

مهدی یوسفیان



نگین آفرینش (۱) (درسنامه دوره مقدماتی معارف مهدویت)

ویرایش سوم

- مؤلفان: محمدامین بالادستیان، محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۶۰-۴
- شمارگان چاپ شده تاکنون: ۲۰۷۵۰۰ نسخه
- نوبت چاپ: چهل و یکم - تابستان ۱۳۹۱
- شمارگان: دو هزار نسخه
- قیمت: ۴۵۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰
- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵
- www.imammahdi-s.com ○ info@imammahdi-s.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فزادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدالم... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فریدی (صفحه آرا)، عباس فریدی (طراح جلد) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

حسین احمدی

کد فایل: ۰۹۲۱۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بالادستیان، محمد امین، ۱۳۴۸-

نگین آفرینش (۱) [یک] (درسنامه دوره مقدماتی معارف مهدویت) / مؤلفان محمد امین بالادستیان، محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان. - قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۱،

۲۶۲ ص. - (بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت؛ ۱۳۷) - ریال:

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۶۰-۴

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

Negin-e afarinesh

پشت جلد به انگلیسی:

کتابنامه: ص، [۲۶۱] - ۲۶۲؛ همچنین به صورت زیر نویس:

۱. محمد بن حسن علیه السلام، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. ۲. مهدویت - انتظار. ۳. مهدویت. الف. حائری پور، محمد مهدی، ۱۳۴۸- ب. یوسفیان، مهدی، ۱۳۴۹ - ج. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام. مرکز تخصصی مهدویت. د. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

Bp ۵۱ / ب ۷۱ ن ۲

۱۳۹۱

۲۴۴۷۹۷۱

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۳
مقدمه ویرایش سوّم.....	۱۵
درس اول: ضرورت طرح مباحث مهدویت.....	۱۷
مقدمه.....	۱۸
یک. بُعد اعتقادی.....	۱۸
دو. بُعد اجتماعی.....	۲۰
سه. بُعد سیاسی.....	۲۱
چهار. بُعد تاریخی.....	۲۲
پنج. بُعد فرهنگی.....	۲۲
۱. تبیین و ترویج فرهنگ انتظار.....	۲۲
۲. آسیب شناسی.....	۲۲
۳. دشمن شناسی.....	۲۳
پرسش های درس.....	۲۵
پرسش های پژوهشی.....	۲۵
درس دوم: کلیات امامت.....	۲۷
مفهوم و جایگاه امامت.....	۲۸
نیاز به امام.....	۲۹
امام، مفسر قرآن و بیان گر احکام.....	۲۹
امام، حافظ و نگهبان دین.....	۳۰
رهبری و اداره امور جامعه.....	۳۱
امام، الگوی کامل و مربی مردم.....	۳۲
ویژگی های امام.....	۳۲
۱. علم.....	۳۳
۲. عصمت.....	۳۳
۳. مدیریت اجتماعی.....	۳۵
۴. آراستگی به کمالات اخلاقی.....	۳۵

۵. نصب از سوی خدا ۳۶
- بیانی جامع و زیبا از امام رضا علیه السلام ۳۷
- پرسش‌های درس ۴۰
- پرسش‌های پژوهشی ۴۰

درس سوم: امام مهدی علیه السلام در یک نگاه ۴۱

- یک. میلاد امام زمان علیه السلام ۴۲
- دو. نام، کنیه و القاب ۴۳
- سه. ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام ۴۳
۱. بشارت به آمدن او ۴۴
۲. ولادت پنهانی ۴۴
۳. غیبت طولانی و پیش‌گویی آن ۴۶
۴. طول عمر ۴۷
- چهار. شمایل و خصوصیات ۵۱
- پنج. دوره‌های زندگی حضرت ۵۲
- پرسش‌های درس ۵۴
- پرسش‌های پژوهشی ۵۴

درس چهارم: دوران پنهان زیستن حضرت ۵۵

- از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری علیه السلام ۵۶
- معرفی امام مهدی علیه السلام به شیعیان ۵۶
۱. نشان دادن مهدی علیه السلام به خواص ۵۷
۲. سنت عقیقه ۵۸
۳. نامه‌نگاری ۵۸
۴. پاسخگویی به سؤالات ۵۸
۵. دریافت هدایای مادی ۶۰
- معجزات و کرامات ۶۱
- تربیت و هدایت ۶۲
- نماز بر پیکر پدر ۶۳
- پرسش‌های درس ۶۶
- سؤالات پژوهشی ۶۶

درس پنجم: امام مهدی علیه السلام در آینه قرآن ۶۷

- سیری در آیات مهدویت ۶۸

شیوه‌های معرفی افراد در قرآن.....	۶۸
چرا نام حضرت مهدی علیه السلام در قرآن نیامده است؟.....	۷۰
تفسیر و تأویل در آیات مهدویت.....	۷۱
تحلیل و بررسی آیات مهدوی.....	۷۱
یک. امام مهدی علیه السلام تحقق بخش وعده بزرگ الهی.....	۷۱
نتیجه بررسی آیه.....	۷۳
تفسیر آیه نور با کلامی نورانی.....	۷۴
حکومت صالحان اراده ازلی خداوند.....	۷۴
دو. مستضعفان، پیشوایان و وارثان زمین.....	۷۶
سه. امام مهدی ذخیره بزرگ الهی.....	۷۸
پرسش‌های درس.....	۸۱
پرسش‌های پژوهشی.....	۸۱
درس ششم: امام مهدی علیه السلام در آینه روایات	۸۳
سیری کوتاه در احادیث مهدویت.....	۸۴
منابع حدیثی مهدویت در یک نگاه.....	۸۵
ویژگی‌های روایات مهدوی.....	۸۷
الف. تنوع و گوناگونی موضوع.....	۸۷
ب. مهدویت در کلام همه معصومان علیهم السلام	۸۷
ج. راویان احادیث مهدوی.....	۸۸
اعتبار روایات مهدویت.....	۸۸
عرصه‌های مشترک حدیثی مسلمین.....	۸۹
۱. جهانی بودن حکومت مهدی و عدالت فراگیر او.....	۸۹
۲. نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان.....	۹۰
۳. فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء.....	۹۰
۴. مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل فاطمه علیها السلام	۹۱
۵. هم نام بودن مهدی با پیامبر صلی الله علیه و آله	۹۱
پرسش‌های درس.....	۹۴
پرسش‌های پژوهشی.....	۹۴
درس هفتم: غیبت امام زمان علیه السلام و علل آن	۹۵
غیبت.....	۹۶
مفهوم غیبت.....	۹۶

۹۷.....	پیشینه غیبت
۹۸.....	فلسفه غیبت
۹۹.....	حفظ جان امام
۹۹.....	استقلال و نبودن تحت پیمان دیگران
۱۰۰.....	آزمایش مردم
۱۰۰.....	تأدیب مردم
۱۰۱.....	مراحل غیبت
۱۰۲.....	غیبت کوتاه مدت
۱۰۴.....	غیبت بلندمدت
۱۰۷.....	پرسش‌های درس
۱۰۷.....	پرسش‌های پژوهشی

۱۰۹.....	درس هشتم: فواید امام غایب 
۱۱۰.....	فواید امام غایب
۱۱۰.....	امام محور هستی
۱۱۳.....	امید بخشی
۱۱۳.....	پایداری مکتب
۱۱۵.....	خودسازی
۱۱۶.....	پناهگاه علمی و فکری
۱۱۸.....	هدایت باطنی و نفوذ روحانی
۱۱۹.....	ایمنی از بلاها
۱۲۰.....	دادرسی شیعیان و مردم
۱۲۰.....	بهره مندی از دعا و استغفار حضرت
۱۲۴.....	پرسش‌های درس
۱۲۴.....	پرسش‌های پژوهشی

۱۲۵.....	درس نهم: ملاقات
۱۲۶.....	دیدار یار
۱۲۷.....	انواع ملاقات
۱۲۷.....	نقل کردن دیدار، آثار و پیامدها
۱۲۸.....	شرط اساسی ملاقات
۱۲۹.....	آنچه از ما خواسته اند
۱۲۹.....	تشرف حاج علی بغدادی
۱۳۴.....	پرسش‌های درس

۱۳۴	سوالات پژوهشی.....
۱۳۵	درس دهم: انتظار
۱۳۶	انتظار سبز.....
۱۳۶	حقیقت انتظار و جایگاه آن.....
۱۳۸	ویژگی‌های انتظار مهدی علیه السلام
۱۳۹	ابعاد انتظار.....
۱۴۱	وظایف منتظران.....
۱۴۱	۱. شناخت امام.....
۱۴۳	۲. الگوپذیری.....
۱۴۴	۳. یادِ امام.....
۱۴۶	۴. وحدت و همدلی.....
۱۴۸	آثار انتظار.....
۱۴۹	پاداش منتظران.....
۱۵۴	پرسش‌های درس.....
۱۵۴	پرسش‌های پژوهشی.....
۱۵۵	درس یازدهم: شرایط ظهور
۱۵۶	مقدمه.....
۱۵۶	زمینه‌های ظهور.....
۱۵۸	الف. طرح و برنامه.....
۱۵۹	ب. رهبری.....
۱۶۰	ج. یاران.....
۱۶۱	۱. معرفت و اطاعت.....
۱۶۱	۲. عبادت و صلابت.....
۱۶۲	۳. جان نثاری و شهادت طلبی.....
۱۶۲	۴. شجاعت و دلیری.....
۱۶۲	۵. صبر و بردباری.....
۱۶۳	۶. اتحاد و همدلی.....
۱۶۳	۷. زهد و پارسایی.....
۱۶۴	د. آمادگی عمومی.....
۱۶۷	پرسش‌های درس.....
۱۶۷	پرسش‌های پژوهشی.....

درس دوازدهم: ظهور و نشانه‌های آن ۱۶۹

۱۷۰	ظهور.....
۱۷۰	زمان ظهور.....
۱۷۱	راز نهان بودن زمان ظهور.....
۱۷۱	تداوم امید.....
۱۷۲	زمینه سازی.....
۱۷۲	علائم ظهور.....
۱۷۳	آثار و فوائد دانستن علائم.....
۱۷۳	انواع نشانه‌های ظهور.....
۱۷۴	علائم حتمی و غیر حتمی.....
۱۷۴	نشانه‌های حتمی ظهور.....
۱۷۴	الف. خروج سفیانی.....
۱۷۵	ب. خَسَفِ یَیْدَاء.....
۱۷۵	ج. خروج یمانی.....
۱۷۶	د. صیحه آسمانی.....
۱۷۷	ه. قتل نفس زکیّه.....
۱۷۸	علائم غیر حتمی.....
۱۷۸	خروج خراسانی.....
۱۷۸	خروج حسنی.....
۱۷۹	فتنه دَجَال.....
۱۸۰	جهان در آستانه ظهور.....
۱۸۱	هنگامه قیام.....
۱۸۲	چگونگی قیام.....
۱۸۷	پرسش‌های درس.....
۱۸۷	پرسش‌های پژوهشی.....

درس سیزدهم: حکومت جهانی (۱): برنامه‌های حکومت حضرت مهدی عج ۱۸۹

۱۹۰	اهداف حکومت.....
۱۹۱	رشد معنوی.....
۱۹۲	عدالت گستری.....
۱۹۵	الف. برنامه فرهنگی.....
۱۹۵	۱. احیای کتاب و سنّت.....
۱۹۶	۲. گسترش معرفت و اخلاق.....
۱۹۷	۳. نهضت علمی.....

۱۹۷	۴. مبارزه با بدعت ها.....
۱۹۹	ب. برنامه اقتصادی.....
۱۹۹	۱. بهره وری از منابع طبیعی.....
۲۰۰	۲. توزیع عادلانه ثروت.....
۲۰۱	۳. عمران و آبادانی.....
۲۰۱	ج. برنامه اجتماعی.....
۲۰۲	۱. احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر.....
۲۰۲	۲. مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی.....
۲۰۳	۳. اجرای حدود الهی.....
۲۰۳	۴. عدالت قضایی.....
۲۰۶	پرسش های درس.....
۲۰۶	پرسش های پژوهشی.....
۲۰۷	درس چهاردهم: حکومت جهانی (۲): دستاوردهای حکومت حضرت مهدی عج.....
۲۰۹	۱. عدالت فراگیر.....
۲۱۰	۲. رشد فکری و اخلاقی و ایمانی.....
۲۱۱	۳. اتحاد و همدلی.....
۲۱۲	۴. سلامت جسمی و روانی.....
۲۱۳	۵. خیر و برکت فراوان.....
۲۱۳	۶. ریشه کن شدن فقر.....
۲۱۵	۷. حاکمیت اسلام و نابودی کفر.....
۲۱۶	۸. امنیّت عمومی.....
۲۱۷	۹. گسترش دانش.....
۲۲۱	پرسش های درس.....
۲۲۱	پرسش های پژوهشی.....
۲۲۳	درس پانزدهم: حکومت جهانی (۳): ویژگی های حکومت و سیره حضرت مهدی عج.....
۲۲۴	قلمرو حکومت و مرکز آن.....
۲۲۶	مدت حکومت.....
۲۲۸	سیره حکومتی امام.....
۲۲۹	سیره جهادی و مبارزاتی.....
۲۳۰	سیره قضایی امام.....
۲۳۱	سیره مدیریتی امام علیه السلام
۲۳۲	سیره اقتصادی امام.....

۲۳۳	سیره شخصی امام
۲۳۴	مقبولیت عمومی
۲۳۷	پرسش های درس
۲۳۷	پرسش های پژوهشی
۲۳۹	درس شانزدهم: رجعت
۲۴۰	مفهوم رجعت
۲۴۰	فلسفه رجعت
۲۴۱	جایگاه رجعت در متون دینی
۲۴۲	رجعت، در قرآن و روایات
۲۴۵	رجعت در ادعیه و زیارات
۲۴۵	ویژگی های رجعت
۲۴۹	پرسش های درس
۲۴۹	پرسش های پژوهشی
۲۵۱	درس هفدهم: آسیب شناسی مباحث مهدویت
۲۵۲	برداشت های غلط
۲۵۴	استعجال ظهور
۲۵۵	تعیین زمان ظهور
۲۵۶	تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص
۲۵۶	طرح مباحث غیرضروری
۲۵۷	مدعیان دروغین
۲۶۰	پرسش های درس
۲۶۰	پرسش های پژوهشی
۲۶۱	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

موضوع مهدویت از دیرباز در گستره فرهنگ اسلام مطرح بوده است و در این راستا تألیفات گرانسنگی به رشته تحریر درآمده است؛ از کتابهایی که بیش از یک هزار سال از نگارش آنها می‌گذرد، تا هزاران کتاب دیگر که هم اکنون در کتابخانه‌ها موجودند یا در حال نگاشته شدن هستند.^۱

هر یک از این کتاب‌ها دارای سبک و منطق خاص خود هستند و برای هدفی علمی، ترویجی، تبلیغی یا پاسخ به شبهات تألیف شده‌اند.

آنچه در این مجموعه به چشم نمی‌آید، کتابی است که با هدف آموزش مباحث مهدویت نگارش یافته باشد. این نیاز، مرکز تخصصی مهدویت را بر آن داشت تا کتابی به منظور پاسخ‌گویی به این نیاز تألیف کند. در این راستا کتاب «نگین آفرینش» با تلاش پژوهشگران مرکز نوشته شد.

چاپ‌های نخستین کتاب دارای فصل‌بندی ویژه‌ای بود؛ ولی ترکیبی کاملاً آموزشی نداشت. با توجه به نیاز گسترده جامعه به این موضوع و ضرورت آموزش در این عرصه، مرکز بر آن شد تا با نگرش مجدد، کتاب را فصل‌بندی کند و به آن سامان آموزشی دهد.

۱. برای آشنایی با این کتاب‌ها ر.ک: مرجع مهدویت.

در پایان شایسته است از مؤلفان، حجج اسلام، آقایان: محمدامین بالادستیان، محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان و محققان گرامی، آقایان: روح الله شاکری زواردهی، قنبرعلی صمدی، محمدرضا نصوری و محمد عمران که در تدوین و ویرایش جدید کتاب ما را یاری کردند نهایت سپاسگزاری را داشته باشیم.

امید است این اثر مورد توجه اهل نظر قرار گیرد و صاحب نظران همانند گذشته ما را از راهنمایی‌ها و نقدهای خود بهره‌مند سازند.

این کتاب به منظور بهره‌گیری در دوره‌های مقدماتی موضوع مهدویت تدوین شده است. عزیزان می‌توانند برای تکمیل مباحث در این زمینه و ادامه دوره، به کتاب *درسنامه مهدویت* که این مرکز، آن را به چاپ رسانده است مراجعه فرمایند.

مرکز تخصصی مهدویت
حوزه علمی قم

مقدمه ویرایش سوّم

مهدویت، عقیده اسلامی و مشترک بین همه مذاهب است که قرآن کریم و روایات فریقین بر آن تأکید فراوان دارد. تبیین و ترویج صحیح این باور دینی، رسالت مهم دانشمندان مسلمان و به ویژه علمای شیعه و حوزه‌های علمی و دانشگاهی است.

در این راستا کتاب «نگین آفرینش» گامی نو برداشت و موضوعات مرتبط با مهدویت را با روشی جدید و متناسب با فهم عموم، به علاقه‌مندان امام عصر (ع) تقدیم کرد. مرکز تخصصی امامت و مهدویت این اثر را پس از ویرایش نخست و اضافات و اصلاحات، در قالب درسنامه‌ی مقدماتی مرکز ارائه کرد؛ ولی با توجه به استقبال قشرهای گوناگون فرهنگی از این اثر، بازنگری موضوعات کتاب و تکمیل مباحث آن ضروری می‌نمود. بنابراین با پیشنهاد معاونت پژوهش مرکز تخصصی مهدویت، این مهم، با همت گروه مؤلفان کتاب انجام شد. و این بار «نگین آفرینش» در قالبی جدید از نظر ساختار محتوایی و قالبی تدوین شد، به گونه‌ای که درسهایی مانند امام مهدی (ع) در یک نگاه، دوران اختفا و پنهان زیستی حضرت، امام مهدی (ع) در آینه قرآن، امام مهدی (ع) در آینه روایات، ملاقات، ظهور و نشانه‌های آن و رجعت، با محتوایی کامل‌تر و مفیدتر ارائه شده و تعداد درس‌ها نیز به هفده درس افزایش یافته است.

در اینجا لازم است ضمن تشکر از همه محققانی که با ارائه نظریات اصلاحی خود، ما را در ویرایش جدید یاری کردند، توفیق روزافزون ایشان را از خداوند متعال بخواهیم و از مدیر محترم مرکز، جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مجتبی کلباسی که همواره ما را یاری کرده‌اند و نیز جناب حجت الاسلام و المسلمین سید مسعود پورسیدآقائی که «نگین آفرینش» با ارشاد و راهنمایی و پی‌گیری مؤثر ایشان وارد عرصه آثار مهدوی شد به طور ویژه تشکر کنیم.

در پایان ضمن تقدیم این تحفه ناچیز به محضر صاحب و ولی نعمتمان و سرور و سالار عالم عرض کنیم:

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجَنَّا بِيضَاعَةَ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾ (سوره یوسف / آیه ۸۸)

گروه مؤلفان

قم، تابستان سال ۱۳۹۱

دَرسِ اول

ضرورت طرح مباحث مهدویت

اهداف

- اهمیت و ضرورت مباحث مهدویت
- آشنایی با ابعاد مختلف ضرورت طرح مباحث مهدویت

فوائد

- توجه به اهمیت موضوع مهدویت و لزوم بررسی ابعاد گوناگون آن
- احساس نیاز به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه

مطالب آموزشی

- یک. بعد اعتقادی
- دو. بعد اجتماعی
- سه. بعد سیاسی
- چهار. بعد تاریخی
- پنج. بعد فرهنگی
۱. تبیین و ترویج فرهنگ انتظار
۲. آسیب شناسی
۳. دشمن شناسی

مقدمه

در ابتدای بحث درباره مهدویت، این سؤال مهم مطرح است که با وجود علوم و فنون مختلف، بحث کردن در موضوع مهدویت چه ضرورتی دارد؟ آیا این بحث، یک بحث فرعی است یا جزء مباحث مهم و اصلی زندگی است؟ آیا سخن از مهدویت، نیازی از نیازهای امروز ماست و می‌تواند تحوّل اساسی در زندگی ما ایجاد کند؟

روشن است که شناخت ضرورت و بایستگی این موضوع، سبب تقویت انگیزه و نشاط در پی‌گیری این بحث و به کارگیری تمام امکانات مادی و معنوی در جهت ترویج این عقیده و راهبرد اساسی زندگی خواهد شد. ما مدعی هستیم که بر اساس متون دینی، امامت و مهدویت، هویت اصلی و اساسی مسلمین است و به همین دلیل در رأس توصیه‌های پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ بوده است. امامت، اصلی است که در راستای اصول مهم دین، یعنی توحید و نبوت، طرح شده و مکمل و متمم آن اصول است.

بجاست در این مجال، ضرورت پرداختن به بحث مهدویت را در ابعاد گوناگون بررسی کنیم:

یک. بُعد اعتقادی

بدون شک، اعتقاد رکن اصلی شخصیت انسان است که اعمال و رفتار آدمی را شکل

می‌دهد؛ به همین دلیل، انبیای الهی در جهت اصلاح عقاید انسان کوشیدند. در اسلام، مردم به اعتقاد به خدا و پیامبر و سپس جانشینان پیامبر دعوت شده‌اند و امام مهدی علیه السلام آخرین جانشین رسول خداست که هر مسلمانی مکلف است پس از شناخت او امامتش را بپذیرد و مطیع او باشد.

در متون دینی، معرفت امام، جایگاه بسیار مهمی دارد و اساس سعادت دنیا و آخرت دانسته شده است:

قرآن کریم می‌فرماید:

یوم ندعوا کل أناس بإمامهم^۱

روز قیامت، هر گروهی را با امام و پیشوای خود فرا می‌خوانیم.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛^۲

هر کس بمیرد، در حالی که امام زمان خود را نشناخته است، به مرگ جاهلیت مرده است.

امام حسین علیه السلام نیز در پاسخ کسی که پرسید: «[راه] معرفت خدا چیست؟» فرمود:

[راه] شناخت خدا [و اطاعت از او] این است که مردم هر زمان، امام زمان خود را - که اطاعتش بر آنها واجب است - بشناسند.^۳

این همه تأکید بر اعتقاد به امام و لزوم شناختن او برای این است که پس از پیامبر خدا، "امام" راه مستقیم الهی است. هر کس بخواهد به خدا ایمان داشته باشد و از او اطاعت کند، باید از امام زمانش فرمان برد و لازمه اطاعت، شناختن امام و پذیرفتن امامت اوست.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

لا یكون العبد مؤمناً حتى یعرف الله و رسوله و الائمة کلهم و امام زمانه و یردّ إلیه و یسلّم له؛

هیچ بنده‌ای مؤمن نیست، مگر اینکه خدا و رسول او و همه امامان و امام زمانش را بشناسد و [همه امور را] به او برگرداند و تسلیم [امر] او باشد.

۱. سوره اسراء، آیه ۷۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، مترجم منصور پهلوان، ج ۲، ح ۹، ص ۴۰۹.

۳. کافی، تهران، ج ۱، باب معرفة الامام و الرد الیه، ح ۲، ص ۱۸۰.

به دلیل همین اهمیّت و لزوم معرفت است که اهل بیت علیهم السلام سفارش کرده‌اند که «معرفت» را از خدا بخواهید:

... اللهم عَرَفْنِي حجتک فانک إن لم تُعَرِّفْنِي حجتک ضللت عن دینی؛^۱
خداایا! حجت خود را به من بشناسان که اگر او را به من شناسانی، از مسیر دین الهی، گمراه خواهم شد.

نکته مهم دیگر، این است که «معرفت امام» مثل «ایمان به خدا»، مراتب و درجات مختلفی دارد و هر کس به اندازه شناخت و معرفتش از امامت امام، بهره می‌گیرد. روشن است که شناخت نام و نسب امام، کافی نیست؛ بلکه کمترین حد معرفت، آن است که شخص بداند امام، منصوب از طرف خداست که به وسیله پیامبر یا امام پیشین به مردم معرفی می‌شود. او برخوردار از دانش الهی - و نه بشری - و معصوم از هر گناه و خطایی است. اطاعت از او در تمام امور، واجب و به منزله اطاعت از پیامبر و خداست.

دو. بُعد اجتماعی

مهدویت از نظر اجتماعی نیز اهمیت دارد؛ زیرا مهدویت نگاه روشن و امیدوارانه به آینده بشریت است. جامعه‌ای که آرمانش رسیدن به مدینه فاضله مهدوی است، جامعه‌ای امیدوار است و در پرتو دین، به حرکت و نشاط و پویایی، امید دارد و از یأس و نومیدی در امان خواهد بود.

نیز جامعه‌ای که به آینده زیبا و آرمانی امیدوار است، همین امروز به صلاح و اصلاح می‌پردازد و با ارزش‌های اسلامی و انسانی احیا می‌شود. بدین سان مهدویت، بهترین عامل برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و بسترسازی برای ترویج فضائل در افراد جامعه است؛ به ویژه که شناخت عمیق افراد نسبت به امام مهدی علیه السلام با افزایش عشق و محبت آن‌ها، زمینه اطاعت از امام را بیشتر فراهم می‌کند.

همچنین جامعه‌ای که به عدالت مهدوی دل بسته است و آرمانش تحقق عدالت در همه جهان و برچیده شدن ظلم و ستم از همه زمین است، حرکتی عدالت‌خواهانه را در پیش

۱. تمام دعا این است: «اللهم عرفنی نفسک فانک إن لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک. اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک، اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی» (کافی، ج ۱، باب فی الغیبه، ح ۵، ص ۳۳۷).

می‌گیرد و برای آن، زمینه‌سازی می‌کند. از همین جاست که حرکت‌های با رویکرد عدالت طلبی و ظلم ستیزی شکل می‌گیرد؛ چنان که انقلاب اسلامی ایران با هدف زمینه‌سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام به راه افتاد و ملت با همین انگیزه و آروز، تمام امکانات مادی و معنوی‌اش را در مسیر انقلاب فدا کرد.

سه. بُعد سیاسی

بشر در طول تاریخ خود، مکتب‌ها و حکومت‌های زیادی را تجربه کرده است؛ ولی در هیچ یک از آن‌ها گمشده خود را که عدالت و صلح و امنیت است، پیدا نکرده و پیوسته در ناکامی و شکست قرار گرفته است. در دوره‌های اخیر کاپیتالیسم و کمونیسم نیز در پاسخ‌گویی به نیازهای بشر، ناکام ماندند که نشانه‌های آن، بحران اخلاقی و امنیتی است که به آن گرفتار شده‌اند. حال تکلیف این بشر وامانده و سرگشته از ناکامی‌ها و شعارهای بی‌عمل و نظاره‌گر سراب‌ها چیست؟

امروز بشریت به دنبال اندیشه سیاسی دیگری است که ارزش‌های انسانی را در آن بیابد و آن، اندیشه سیاسی اسلام و حکومت مهدوی علیه السلام است که در رأس آن، شایسته‌ترین مردم قرار گرفته است. نظریه مهدویت، یک اندیشه جهانی است و این اندیشه برای جهان و اداره آن، طرح و برنامه دارد. مهدویت در عرصه حکومت، دارای اهداف بلند و ارزشی است و حتی می‌تواند برای حکومت دینی در عصر غیبت، یک طرح راهبردی باشد.

به علاوه مهدویت از بُعد سیاسی «نظام ولایت فقیه» را به عنوان نیابت از مهدی در زمان غیبت، طرح می‌کند و الگوی مناسبی از حکومت صالحان و نیکان را به جهانیان ارائه می‌نماید. این نظام سیاسی، تداوم نظام سیاسی مهدوی است و پذیرش و سر سپردن به فرمان ولی فقیه، در ادامه اطاعت پذیری از امام زمان علیه السلام است. بنابراین مهدویت، ضامن شکل‌گیری یک نظام الهی به سرپرستی فقیه جامع شرایط است که حرکت جامعه اسلامی را در جهت آرمان‌های قرآنی و مهدوی قرار داده، امت را برای فراهم کردن زمینه‌های ظهور مهدی علیه السلام و حکومت جهانی او بسیج می‌کند؛ چنان که در جریان انقلاب بزرگ خمینی کبیر، شاهد آن بوده‌ایم.

چهار. بُعد تاریخی

مهدویت از بُعد تاریخی، سابقه‌ای طولانی دارد. تاریخ اسلام و مسلمین از همان آغاز با این موضوع گره خورده است. در روز بزرگ غدیر، پیامبر ﷺ همگام با معرفی امام علی علیه السلام به عنوان امام پس از خود، همه امامان و از جمله حضرت مهدی علیه السلام را معرفی کرد و ظهور او را به همگان بشارت داد. پس از آن، یک یک امامان از حضرت مهدی و ظهور او گفتند. بنابراین برخلاف ادعای بعضی از گمراهان، مهدویت، سخن امروز و دیروز نیست؛ بلکه تاریخی به گسترده تاریخ اسلام دارد؛ پس بحث کردن درباره مهدویت، سخن گفتن درباره متن اسلام و قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ است و مهدویت، حقیقتی است که همه تاریخ اسلام، پشتوانه آن است.

نیز تاریخ طولانی شیعه و پیروان اهل بیت علیهم السلام گواه است که بخش مهمی از هویت تشیع، مهدویت و انتظار ظهور مهدی علیه السلام بوده است؛ به ویژه در طول حدود دوازده قرن غیبت امام مهدی، آثار علمی و عملی عالمان شیعه پیوسته در مسیر ترویج این حقیقت و تبیین موضوعات و مسائل آن بوده است.

پنج. بُعد فرهنگی

از مهم‌ترین وظایف ما، گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی ظهور و فرج امام عصر علیه السلام است. در این بخش باید راهبردی اساسی و روشن، پیش رو داشته باشیم که برخی از محورهای آن به شرح زیر است:

۱. تبیین و ترویج فرهنگ انتظار

انتظار به معنای آمادگی برای امر ظهور است. لازم است همه امکانات و توانایی‌های جامعه در مسیر زمینه‌سازی و تحقق ظهور سازماندهی شود و همه عناصر مؤمن و منتظر فرج برای این هدف بزرگ، بسیج شوند. شکل‌گیری چنین فرایندی به یک برنامه جامع و کامل نیاز دارد که اهداف یاد شده را در نظر بگیرد و مسیر روشنی را برای تحقق آن‌ها ترسیم کند.

۲. آسیب‌شناسی

مهدویت، یک عقیده اسلامی و راهبرد اساسی برای پیشرفت همه جوامع بشری و به

ویژه جامعه بزرگ اسلامی است.

همه باید هوشیار باشند که برخی آسیب‌های فرهنگی، سبب انحراف در عقاید و باورهای مردم نشود و مفاهیم بلند مهدوی را به معانی پست و فرودست نکشاند؛ برای نمونه، تفسیر غلط از انتظار مهدی عجله الله تعالی فرجه یا تعیین وقت برای ظهور، آسیب‌هایی است که این مجموعه فرهنگی نجات‌بخش را تهدید می‌کند و آثار ارزشمند و حیات‌بخش آن را مخدوش می‌نماید. بنابراین همگان به ویژه متولیان فرهنگ جامعه باید مراقب انحرافات باشند و پیوسته مسیر صحیح را برای قشرهای مختلف بیان کنند.

۳. دشمن‌شناسی

دشمن از هر سلاحی استفاده می‌کند تا از رشد تفکر مهدویت در جامعه، جلوگیری کند؛ به ویژه در این زمان با توجه به تنوع ابزارهای فرهنگی، این سیاست شیطانی با امکانات بیشتری دنبال می‌شود. سایت‌ها، وبلاگ‌ها، مجلات، کتب و حتی فیلم‌ها و بازی‌های کامپیوتری عرصه‌ای است که دشمن برای تخریب فرهنگ مهدویت از آن‌ها بهره می‌گیرد. معتقدان و منتظران مهدی عجله الله تعالی فرجه باید بکوشند با شناخت عمیق از مهدویت از همین ابزار و در جهت مقابله با ترفندهای دشمن و خنثاسازی علمیات خراب‌خانه مخالفان مهدویت بهترین بهره را ببرند.

خلاصه درس

- شناخت امام زمان علیه السلام راه معرفت الهی و لازمه ایمان درست به خدا و نبوت است.
- با توجه به جایگاه اصیل مهدویت، تبیین معارف مهدوی و بررسی ابعاد آن، امری مهم و ضروری است.
- طرح مباحث مهدوی سبب امیدواری مردم در زندگی، ترویج فضائل در جامعه و شناخت امام زمان علیه السلام و عشق و محبت مردم به امام مهدی علیه السلام می شود.
- دشمنان اسلام تلاش می کنند با عقیده مهدویت که راهبرد اساسی پیشرفت همه جوامع بشری است، مقابله کنند.
- از مهم ترین وظائف ما، گسترش فرهنگ مهدویت و توجه به شبهات مربوط به آن است.

پرسش‌های درس

۱. ضرورت طرح معارف مهادویت از بعد اعتقادی را بیان کنید.
۲. تلاش دشمن چه نقشی در بررسی مباحث مهادویت دارد؟
۳. بُعد فرهنگی ضرورت طرح مباحث مهادویت را توضیح دهید.
۴. چه ارتباطی بین آسیب‌ها و ضرورت طرح مباحث مهادویت وجود دارد؟

پرسش‌های پژوهشی

۱. اهمیت و جایگاه معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه را تبیین نمایید.
۲. ارتباط حدیث ثقلین با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را تشریح کنید.
۳. از نظر سیاسی، ضرورت پرداختن به مهادویت را ترسیم نمایید.
۴. ضرورت اجتماعی طرح معارف مهادویت را بیان کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

- ضرورت طرح مباحث مهادویت، روح الله شاکری.
- فصلنامه/انتظار موعود، شماره ۱، مقاله مبانی اعتقادی مهادویت.
- امامت و مهادویت، آیت‌الله صافی گلپایگانی.

درس دوم

کلیات امامت

اهداف

۱. شناخت جایگاه امامت
۲. آگاهی از شؤون امام

فوائد

۱. احساس نیاز و وابستگی به امام
۲. شناخت اوصاف شؤون امام

مطالب آموزشی

- مفهوم و جایگاه امامت
- نیاز به امام
- امام، مفسر قرآن و بیانگر احکام
- امام، حافظ و نگهدار دین
- رهبری و اداره امور جامعه
- امام، الگوی کامل و مربی مردم
- ویژگی‌های امام
- علم
- عصمت
- مدیریت اجتماعی
- آراستگی به کمالات اخلاقی
- نصب از سوی خدا
- بیانی جامعه و زیبا از امام رضا علیه السلام

مفهوم و جایگاه امامت

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ مهم‌ترین بحثی که در جامعه نوپای اسلامی مطرح شد، خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ بود. گروهی بر اساس آرای بعضی از صحابه پیامبر ﷺ، خلافت ابوبکر را پذیرفتند و گروه دیگر معتقد شدند که جانشین پیامبر بنابر تعیین آن حضرت، امام علی علیه السلام است. در زمان‌های بعد، دسته اول به عامّه (اهل سنت و جماعت) و گروه دوم به خاصّه (شیع) معروف شدند.

نکته قابل توجه اینکه اختلاف شیعه و سنی تنها در شخص جانشین پیامبر ﷺ نیست؛ بلکه در دیدگاه هر یک، «امام» معنا و مفهوم و جایگاه ویژه‌ای دارد که این دو مذهب را از یک‌دیگر متمایز می‌کند.

برای روشن شدن موضوع، معنای امام و امامت را بررسی می‌کنیم تا تفاوت دیدگاه‌ها آشکار شود.

«امامت» در لغت به معنای پیشوایی و رهبری است. «امام» کسی است که سرپرستی یک گروه را در مسیری مشخص بر عهده می‌گیرد. در اصطلاح علم دین، امامت به گونه‌های مختلف تفسیر شده است.

به نظر اهل سنت، امامت حاکمیتی دنیوی (و نه منصبی الهی) است که از رهگذر آن، جامعه مسلمین سرپرستی و اداره می‌شود. از نظر اهل تسنن از آنجا که هر جمعیتی به پیشوا

و بزرگی نیاز دارند جامعه مسلمین نیز پس از پیامبر ﷺ باید برای خود رهبری برگزیند و چون برای این گزینش، راه و رسم ویژه‌ای در دین ترسیم نشده است، انتخاب جانشین پیامبر ﷺ می‌تواند از راه‌های مختلف همچون رجوع به آرای اکثریت مردم یا بزرگان آن‌ها یا وصیت خلیفه پیشین یا حتی کودتا و غلبه نظامی باشد.

ولی شیعه که امامت را ادامه نبوت و امام را حجت خدا در میان خلق و واسطه فیض او به مخلوقات می‌داند، معتقد است که «امام» تنها به تعیین الهی است که از زبان پیامبر ﷺ و یا امام پیشین معرفی می‌شود. این ایده به دلیل جایگاه رفیع و بلند امامت در تفکر شیعی است که امام را نه تنها سرپرست و مدیر جامعه مسلمین، که بیان کننده احکام الهی و مفسر قرآن کریم و راهبر راه سعادت می‌داند.

نیاز به امام

پس از روشن شدن دیدگاه‌ها، بجاست به این سؤال پاسخ دهیم که با وجود قرآن و سنت پیامبر ﷺ چه نیازی به امام و رهبر دینی - آن‌گونه که شیعه معتقد است - وجود دارد؟

پاسخ، این است که در دیدگاه شیعه، امامت، تداوم رسالت و پیامبری است؛ یعنی اگرچه امام، نبی نیست، ولی کارهای نبی را انجام و ادامه می‌دهد و به همین دلیل باید ویژگی‌های او را دارا باشد، جز اینکه به او وحی نمی‌شود. در اینجا درباره شئون امام و وظایف او بحث می‌کنیم تا ضرورت وجود او پس از پیامبر روشن شود.

امام، مفسر قرآن و بیان گر احکام

همان دلیلی که نیاز به پیامبر را بیان می‌کند، بیان گر نیاز مردم به «امام» نیز هست؛ زیرا از سویی، اسلام، آخرین دین و حضرت محمد ﷺ آخرین پیامبر خداست؛ بنابراین، اسلام باید پاسخ‌گوی تمام نیازهای بشر تا قیامت باشد. از سوی دیگر، قرآن کریم، اصول و کلیات احکام و معارف الهی را بیان کرده و تبیین و توضیح آن به پیامبر ﷺ واگذار شده است.^۱ روشن است که پیامبر ﷺ در جایگاه رهبر مسلمین، مطابق نیازها و ظرفیت جامعه

۱. خداوند خطاب به پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «ما ذکر [قرآن] را بر تو فرستادیم تا آنچه را بر مردم نازل شده است برای ایشان بیان کنی» (سوره نحل، آیه ۴۴).

اسلامی زمان خود به بیان آیات الهی پرداخته است و لازم است برای او جانشینان لایقی باشند که همچون او به دریای بیکران علم خدا متصل باشند تا آنچه را پیامبر ﷺ، تبیین فرموده است، بیان کنند و نیازهای جامعه مسلمین را در هر زمان، پاسخ گویند.

در روایتی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده‌اند، آمده است:
 اِنِّی تَارِکٌ فِیْکُمْ مَا اِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِہِ لَنْ تَضِلُّوْا بَعْدِی، کتاب الله و عترتی - اهل بیتی - ...^۱
 به راستی که من دو چیز گران‌بها در میان شما باقی می‌گذارم که تا وقتی به این دو چنگ بزنید، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد. [آن دو عبارتند از: کتاب خدا و عترتم (اهل بیتم)].

طبق این حدیث، هیچ زمانی خالی از حضور عترت پیامبر در کنار قرآن نخواهد بود.

امام، حافظ و نگهبان دین

پس از پایان گرفتن دوره پیامبری حضرت موسی و عیسی علیهما السلام این دو دین بزرگ الهی گرفتار تحریف‌های فراوان شد، به گونه‌ای که امروز در عالم یهود و مسیحیت امکان دسترسی به دین صحیح، وجود ندارد.

در مکتب حیات بخش اسلام نیز همین خطر وجود داشته و دارد که پس از رحلت پیامبر ﷺ افراد و گروه‌هایی از روی دشمنی یا نادانی، معارف اسلامی را به انحراف و بیراهه بکشانند؛ چنانکه چنین کردند و شد آن چه شد؛ اما آنچه قرآن و سنت پیامبر ﷺ را از تفسیرهای غلط و باطل حفظ کرد، سخنان امامان علیهم السلام و روشنگری‌های ایشان بوده است. اگر امامان نبودند، امروز امت اسلامی، هیچ معیار روشنی برای فهم درست قرآن و سنت پیامبر ﷺ نداشت.

امام صادق علیهما السلام می‌فرماید:

ان الله لم يدع الأرض بغير عالم و لولا ذلك لم يعرف الحق من الباطل؛^۲
 به راستی خداوند هیچ گاه زمین را بدون عالم [=امام] نگذاشته و اگر جز این بود، حق از باطل شناخته نمی‌شد.

هم چنین حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید:

۱. کمال الدین، ج ۱، ب ۲۲، ح ۵۳، ص ۴۴۶.
 ۲. کافی، ج ۱، باب أن الأرض لا تخلو من حجة، ح ۵، ص ۱۷۸.

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ كَيْمَا إِنْ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً رَدُّهُمْ وَ إِنْ نَقَصُوا شَيْئاً أَتَمَّهُ لَهُمْ^۱؛

همانا زمین از امام خالی نیست تا اگر مؤمنان چیزی [به دین] اضافه کردند^۲ برگرداند و اگر چیزی از آن [دین] کم کردند تکمیل کند.

با توجه به بیان قطعی و روشن پیامبر ﷺ که ائمه علیهم السلام را همتای قرآن دانسته و پیروی از قرآن و عترت یعنی هردو در کنار هم را تنها راه نجات معرفی کرده است، شیعیان برای دسترسی به معارف قرآن و سنت پیامبر ﷺ به مکتب امامان معصوم علیهم السلام به عنوان حافظان دین ایمان آوردند تا از انحراف‌ها و تحریف‌ها در امان بمانند.

رهبری و اداره امور جامعه

بدیهی است که هیچ‌گاه جامعه و مردم، از حاکم و رهبر و مدیر، بی‌نیاز نیستند. در اسلام نیز اهمیت زیادی به امر حکومت داده شده است؛ زیرا یک حاکم اسلامی و الهی، نقش بسیار مهمی در صلاح جامعه دارد. نیز بسیاری از احکام اسلام تنها در سایه حکومت اسلامی، امکان اجرا می‌یابند؛ مثل احکام حدود و دیات، جهاد و سایر احکام اجتماعی. یکی از وظایف پیامبر اکرم ﷺ تشکیل حکومت و اجرای احکام اجتماعی اسلام بود. پس از آن حضرت این وظیفه باید به وسیله جانشین معصوم او انجام بگیرد. اگر امامت نباشد، حکومت در دست افرادی قرار می‌گیرد که نه دانش کافی برای مدیریت جامعه دارند و نه در عمل، از خطا و لغزش در امانند. بنابر این کامل‌ترین شکل مدیریت جامعه، آن است که حاکم اسلامی، امام معصوم باشد تا مردم، بهتر و بیشتر به اطاعت خدا بپردازند.^۳

البته روشن است که در همه زمان‌ها شرایط تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امامان معصوم علیهم السلام فراهم نبوده است و حاکمان جائز و پیشوایان ستم‌گر، آن‌ها را از حق

۱. همان، ح ۲.

۲. بر اثر اشتباه یا نقص علم.

۳. البته در زمان غیبت معصوم، این وظیفه به وسیله امام علی (ع) به عالمان و فقیهان سپرده شده است و آن‌ها هستند که در صورت فراهم شدن شرایط، حکومت تشکیل می‌دهند و در رأس حکومت اسلامی قرار می‌گیرند. نمونه آن، حکومت جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) است.

حاکمیت الهی محروم کرده‌اند؛ ولی این واقعیت، نیاز مردم را به حاکم الهی و معصوم، واقعی تر و عینی تر کرده است؛ به گونه‌ای که دوره غیبت معصوم، دوره انتظار حکومت امام و حاکمیت او بر عالم، شمرده می‌شود و این شأن از شؤون امام، بیش از سایر وظایف او مورد درخواست عمومی است.

امام، الگوی کامل و مربی مردم

«امام» به عنوان انسان کامل، الگوی جامعی در همه ابعاد انسانی است. بشر به چنین نمونه‌ای نیاز جدی دارد تا با دست‌گیری و هدایت او - آن گونه که در خور کمال انسانی است - تربیت شود و در پرتو راهنمایی‌های این مربی آسمانی، از انحراف‌ها و دام‌های نفس سرکش خود و شیطان‌های بیرونی، محفوظ بماند.

از مطالب بالا روشن شد که نیاز مردم به امام، یک نیاز حیاتی است. برخی از وظایف امام به شرح زیر است:

- تفسیر صحیح قرآن و معارف دین و بیان احکام؛

- رهبری و اداره امور جامعه (تشکیل حکومت)؛

- حفظ دین از تحریف؛

- تزکیه نفوس و هدایت معنوی مردم.^۱

ویژگی‌های امام

جانشین پیامبر ﷺ که ضامن تداوم حیات دین و نیز پاسخ‌گوی نیازهای بشر است، به تناسب جایگاه والای پیشوایی و رهبری، ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. تقوا و پرهیزکاری و برخورداری از ملکه عصمت به گونه‌ای که کوچک‌ترین گناهی از او سر نمی‌زند.

۲. علم و دانش که از علم پیامبر ﷺ سرچشمه گرفته و متصل به علم الهی است؛

۱. گفتنی است که «تشکیل حکومت» توسط امام معصوم، وابسته به زمینه‌ها و شرایط آن است؛ ولی سایر وظایف، حتی در زمان غیبت، انجام می‌گیرد، اگرچه در زمان ظهور امام و حضور آشکارش در میان مردم، ملموس و عینی است. نکته دیگر اینکه آنچه در این بخش گفته شد، نیاز مردم به امام در حیات معنوی آن‌هاست؛ اما نیاز مجموعه عالم به «وجود امام» در بحث «فوائد امام غایب» خواهد آمد.

بنابراین پاسخ گوی همه نیازها در همه زمینه‌های مادی و معنوی، دینی و دنیایی است.

۳. آراستگی به فضائل و سجایای اخلاقی در بالاترین درجات؛

۴. توان اداره جامعه بشری و مدیریت صحیح آن بر اساس آموزه‌های دینی.

با توجه به صفات یادشده برای امام، بدیهی است که انتخاب چنین فردی از توان و دانش مردم، بیرون است و تنها خداوند است که به سبب علم بی‌نهایت خود می‌تواند پیشوایان و جانشینان پیامبر ﷺ را برگزیند. بنابراین از مهم‌ترین ویژگی‌های امام، منصوب بودن او از سوی خداست.

با توجه به اهمیت این ویژگی ها، به اختصار درباره هر یک توضیح می‌دهیم:

۱. علم

امام که سمت پیشوایی و رهبری مردم را بر عهده دارد، لازم است دین را در تمام زوایای خود بشناسد و به قوانین آن آگاهی کامل داشته باشد. نیز با دانستن تفسیر آیات قرآن و احاطه کامل به سنت پیامبر ﷺ به تبیین معارف دین پرداخته، به همه سؤالات مردم در موضوعات مختلف پاسخ دهد و آن‌ها را به بهترین شیوه، راهنمایی کند. بدیهی است که چنین مرجع علمی‌ای می‌تواند مورد اعتماد و تکیه گاه توده‌ها قرار گیرد. چنین پشتوانه علمی‌ای تنها به واسطه اتصال به علم الهی می‌تواند وجود داشته باشد؛ به همین دلیل، شیعه معتقد است علم امامان و جانشینان واقعی پیامبر ﷺ برگرفته از علم بی‌کران خدایی است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره علامت‌های امام برحق می‌فرماید:

امام، آگاه‌ترین فرد است به حلال و حرام خدا، و احکام گوناگون، و اوامر و نواهی او و هر چه مردم نیازمند آن هستند.^۱

۲. عصمت

یکی از صفات مهم امام و شرایط اساسی امامت، «عصمت» است و آن، ملکه‌ای است که از علم به حقایق و اراده‌ای قوی به وجود می‌آید. امام به سبب برخورداری از این دو، از ارتکاب هر گناه و خطایی خودداری می‌کند. امام، هم در شناخت و تبیین معارف دینی و هم

۱. بحار الانوار، ج ۲۵، ح ۳۲، ص ۱۶۵.

در عمل به آن‌ها و هم در تشخیص مصالح و مفاسد جامعه اسلامی، معصوم از لغزش است. برای عصمت امام، دلائل عقلی و نقلی (از قرآن و روایات)، وجود دارد. مهم‌ترین دلیل‌های عقلی عبارتند از:

الف. حفظ دین و راه و رسم دینداری، در گرو عصمت امام است؛ چون امام مسئولیت حفظ دین از تحریف و هدایت دینی مردم را بر عهده دارد و نه تنها سخن او، که رفتار او و تأیید و عدم تأییدش نسبت به عمل دیگران، در رفتار جامعه تأثیر می‌گذارد؛ پس باید در فهم دین و عمل به آن از هر لغزشی محفوظ باشد تا پیروان خود را به گونه صحیح، هدایت کند.

ب. یکی از دلایل نیاز جامعه به امام، این است که مردم در شناخت دین و اجرای آن، مصون از خطا نیستند. حال اگر پیشوای مردم نیز چنین باشد، چگونه می‌تواند مورد اعتماد کامل آن‌ها قرار گیرد؟ به بیان دیگر، اگر امام معصوم نباشد، مردم در پیروی از او و انجام همه دستوراتش، دچار تردید خواهند شد.^۱

آیاتی از قرآن نیز بر لزوم عصمت امام دلالت دارد که یکی از آن‌ها آیه ۱۲۴ سوره بقره است. در این آیه شریف آمده است که پس از مقام نبوت، خداوند مقام والای امامت را نیز به حضرت ابراهیم علیه السلام عطا فرمود. آن‌گاه حضرت ابراهیم از خداوند درخواست کرد که مقام امامت را در نسل او نیز قرار دهد. خداوند فرمود: «عهد من [امامت] به ستمکاران و ظالمان نمی‌رسد»؛ یعنی منصب امامت، مخصوص آن دسته از ذریه ابراهیم علیه السلام است که ظالم نباشند.

حال با توجه به اینکه قرآن کریم، شرک به خدا را ظلم بزرگ دانسته و نیز هر گونه تجاوز از دستورات الهی (= گناه) را ظلم به نفس برشمرده است، هر کس در برهه‌ای از زندگی خود، مرتکب گناهی شده، مصداق ظالم است و شایسته مقام امامت نخواهد بود. به بیان دیگر، بدون شک حضرت ابراهیم علیه السلام «امامت» را برای آن دسته از ذریه خود که در تمام عمر گناه کار بوده و یا در آغاز، نیکوکار بوده و سپس بدکار شده‌اند، درخواست نکرده است. بنابراین دو دسته باقی می‌ماند:

۱. به علاوه اگر امام مصون از خطا نباشد، باید به دنبال امام دیگری بود تا نیاز مردم را پاسخ دهد و اگر او نیز محفوظ از خطا نباشد، امام دیگری لازم است و این رشته همچنان تا بی نهایت ادامه خواهد یافت و چنین امری از نظر فلسفی، باطل است.

۱. آنان که در آغاز، گناه کار بوده‌اند و سپس توبه کرده و نیکوکار شده‌اند.

۲. آن‌ها که هیچ‌گاه مرتکب گناهی نشده‌اند.

خداوند در کلام خود، دسته اول را استثنا کرده است. نتیجه اینکه مقام «امامت» تنها به دسته دوم اختصاص دارد.^۱

۳. مدیریت اجتماعی

از آن جا که انسان، موجودی اجتماعی است و اجتماع بر روح و روان و رفتار او تأثیر فراوانی دارد، لازم است برای تربیت صحیح و رشد او به سوی قرب الهی، زمینه‌های اجتماعی مناسب پدید آید و این در سایه تشکیل یک حکومت الهی، ممکن خواهد بود. بنابراین امام و پیشوای مردم باید توان اداره امور جامعه را دارا باشد و با استفاده از تعالیم قرآن و سنت نبوی ﷺ و بهره‌گیری از عناصر کارآمد، حکومتی اسلامی را پی ریزی کند.

۴. آراستگی به کمالات اخلاقی

امام که پیشوا و راهبر جامعه است باید از همه بدی‌ها و رذائل اخلاقی دور باشد و در مقابل، همه کمالات اخلاقی را در عالی‌ترین حد آن دارا باشد؛ زیرا او به عنوان انسان کامل بهترین الگو برای پیروان خود به شمار می‌رود. امام رضا علیه السلام فرمود:

برای امام نشانه‌هایی است: او داناترین، ... پرهیزکارترین، بردبارترین، شجاع‌ترین، سخاوتمندترین و عابدترین مردم است.^۲

به علاوه او در مقام جانشینی پیامبر ﷺ، در پی تعلیم و تربیت انسان هاست. بنابراین خود باید پیش از همگان و بیشتر از مردمان، به اخلاق الهی آراسته باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

کسی که [به امر خدا] خود را امام مردم قرار داده است، بر اوست که پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود همت گمارد، و باید دیگران را به وسیله رفتار خود

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، باب فی علامات الامام، ح ۱، ص ۱۹۲.

۲. تفسیر المیزان، ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره.

تربیت کند پیش از آنکه با گفتار تربیت کند.^۱

۵. نصب از سوی خدا

از دیدگاه شیعه، امام و جانشین پیامبر تنها به دستور خدا و انتخاب او انجام می‌گیرد و پیامبر، امام پس از خود را معرفی می‌کند. بنابراین هیچ فرد یا گروهی حق دخالت در این امر را ندارند. ضرورت نصب امام از سوی خداوند دلیلی هائی دارد؛ از جمله:

الف. به فرموده قرآن، حاکم مطلق بر همه چیز خداوند است و همه باید تنها از او اطاعت کنند. بدیهی است این حاکمیت می‌تواند از سوی خداوند به هر کسی که شایستگی دارد، داده شود. بنابراین، همان گونه که پیامبر به وسیله خدا انتخاب می‌شود، امام نیز به تعیین الهی، بر مردم ولایت می‌یابد.

ب. پیش از این برای امام، ویژگی‌هایی را از قبیل عصمت و علم و... بیان کردیم. روشن است که یافتن و شناختن کسی که دارای این صفات - آن هم در عالی‌ترین درجه - باشد تنها به وسیله خداوند دانای به آشکار و نهان، امکان‌پذیر است. همان گونه که خداوند در قرآن کریم به ابراهیم می‌فرماید: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم».^۲ از سیره پیامبر اکرم استفاده می‌شود که آن حضرت امامت را امری الهی دانسته و انتخاب امام را در اختیار خدا می‌دانست. در سیره ابن هشام آمده است:

بنی عامر بن صعصعه خدمت رسول خدا رسیدند. حضرت آنان را به سوی خدا دعوت کرد. در این هنگام یک نفر از آن گروه به نام بحیره بن فراس گفت: «اگر با تو بر اسلام بیعت کردیم و خداوند تو را بر مخالفینت غلبه داد، آیا ما در خلافت بعد از تو سهمی داریم؟» پیامبر فرمود: «امر خلافت به دست خداست و هر جا بخواهد، قرار می‌دهد». در این هنگام بحیره گفت: «آیا ما جان خود را برای دفاع از تو بدهیم؛ ولی وقتی خداوند تو را بر دشمنان غلبه داد، خلافت به غیر ما برسد؟ ما احتیاجی به اسلام تو نداریم».^۳

۱. نهج البلاغه (فیض الاسلام)، حکمت ۷۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۳. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۳۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۸۴؛ سیره ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۵۸.

بیانی جامع و زیبا از امام رضا علیه السلام

در پایان این گفتار، مناسب است بخشی از بیان زیبای پیشوای هشتم، حضرت رضا علیه السلام درباره مقام و ویژگی های امام را بیاوریم:

آن‌ها [که در امر امامت اختلاف کردند و گمان کردند که امامت، امری انتخابی است] نادانی کردند... مگر مردم، مقام و منزلت امامت در میان امت را می‌دانند تا روا باشد که به اختیار و انتخاب ایشان واگذار شود؟ همانا امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگ‌تر و منزلتش عالی‌تر و مکانش رفیع‌تر و عمقش ژرف‌تر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند یا با آرای خود، آن را دریابند...

همانا امامت، مقامی است که خدای عزوجل، بعد از رتبه نبوت و خلّت [= مقام خلیل الهی] در مرتبه سوم به ابراهیم علیه السلام اختصاص داد... امامت، خلافت خدا و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است.

به راستی که امامت، زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است... کامل شدن نماز، روزه، حج و جهاد... نیز حفظ مرزها به سبب امام [و پذیرفتن ولایت] است.

امام، حلال خدا را حلال، و حرام او را حرام می‌کند [و مطابق حکم واقعی پروردگار، حکم می‌کند] و حدود الهی را به پا می‌دارد و از دین خدا حمایت کرده، با حکمت و موعظه نیکو و دلیل رسا به راه پروردگار دعوت می‌نماید. امام مانند خورشید طلوع کننده است که نورش عالم را فرا می‌گیرد و خودش در افق است؛ به گونه‌ای که دست‌ها و دیدگان به او نرسد. امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره راهنما در شدت تاریکی‌ها و در راه‌های شهرها و کویرها و در گرداب دریاها [و نجات دهنده از انواع فتنه‌ها و نادانی‌ها] است...

امام، انیسی همراه، پدری مهربان، برادری تنی، مادری نیکوکار به فرزند کوچک و پناهگاه بندگان در مصیبت‌های بزرگ است. امام، کسی است که از گناهان پاک و از عیب‌ها برکنار است. او به دانش، مخصوص و به خویشتن داری و حلم، نشانه دار است... امام، یگانه روزگار خویش است؛ کسی به [ساحت] او نزدیک نمی‌شود و هیچ دانشمندی با او برابر نمی‌گردد. نه کسی جای او را

می‌گیرد و نه برای او مثل و مانندی یافت می‌شود... .

پس کیست که بتواند امام را بشناسد یا انتخاب امام برای او ممکن باشد؟

هیئات هیئات!^۱ اینجا خردها گم گشته و عقل‌ها سرگردان و حیران شده است.

[اینجا] دیده‌ها بی‌نور، بزرگان کوچک، حکیمان متحیر... و سخن دانان در مانده‌اند از اینکه بتوانند یکی از شوؤن یا فضیلت‌های امام را توصیف کنند و آنان همگی به عجز و ناتوانی اعتراف می‌کنند!...^۲.

۱. «هیئات» در عربی برای دور شمردن و بعید دانستن یک کار استفاده می‌شود.

۲. کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱، ص ۱۹۸.

خلاصه درس

- طبق حدیث «ثقلین»، قرآن و عترت، ملازم هم و جدایی ناپذیر از یکدیگرند.
- ضرورت وجود امام حی و حاضر، یک اعتقاد مستحکم و خدشه ناپذیر است.
- به اعتقاد شیعه، امامت منصب الهی و از اصول دین است؛ اما از نظر اهل سنت امامت یک مقام دنیایی و از فروع است.
- امام، مفسر قرآن، بیان گر احکام، حافظ دین، الگوی مردم در زندگی و مدیر جامعه است.
- امام آراسته به کمالات مانند: علم، عصمت، مدیریت و دیگر ارزش های الهی و صفات عالی انسانی است.

پرسش‌های درس

۱. امامت را تعریف کنید.
۲. تفاوت بنیادین دیدگاه شیعه با اهل سنت در باب امامت و خلافت را بیان کنید.
۳. فلسفه و دلیل نیاز انسان به امام را شرح دهید.
۴. با توجه به ویژگی‌های مقام امامت، لزوم انتصابی بودن امام علیه السلام چگونه قابل اثبات است؟
۵. منشأ پیدایش ملکه عصمت را معرفی کنید و دلائل اثبات عصمت امام علیه السلام را به اختصار توضیح دهید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. اهمیت و جایگاه معرفت امام زمان علیه السلام را تبیین نمایید.
۲. ارتباط حدیث ثقلین با امام مهدی علیه السلام را تشریح کنید.
۳. اضطرار به حجّت را تبیین کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

- بحار/الانوار، ج ۲۳، باب وجوب معرفه الامام.
- کافی، ج ۱، کتاب الحجّه.
- فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱، مقاله مبانی اعتقادی مهدویت.
- امامت و مهدویت، آیت الله صافی گلپایگانی.
- منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی.

دَرسِ سوم

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در یک نگاه

اهداف

معرفی اجمالی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه

فوائد

- آشنایی با نام، کنیه و القاب حضرت
- چگونگی ولادت
- آشنایی با اوصاف و ویژگی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

مطالب آموزشی

- یک. میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- دو. نام، کنیه و القاب
- سه. ویژگی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه
 - بشارت به آمدن او
 - ولادت پنهانی
 - غیبت طولانی و پیش‌گویی آن
 - طول عمر
 - چهار. شمایل و خصوصیات
 - پنج. دوره‌های زندگی حضرت

یک. میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق [۸۶۸م] در سامراء یکی از شهرهای عراق، دیده به جهان گشود. پدر گرامی او، پیشوای یازدهم شیعیان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر بزرگوار آن حضرت، بانویی شایسته به نام «نرجس» بود که درباره ملیّت او روایات، مختلف است. مطابق روایتی، آن بانو دختر «یشوع» پسر امپراتور روم و مادرش از نسل «شمعون» وصی حضرت عیسی علیه السلام بود. برابر این روایت، نرجس در پی خوابی شگفت، مسلمان شد و به هدایت امام عسکری علیه السلام خود را در میان سپاه روم که عازم نبرد با مسلمانان بودند قرار داد و همراه جمعی دیگر به اسارت لشکر اسلام در آمد. امام هادی علیه السلام کسی را فرستاد که او را خریداری کرد و به سامراء آورد.^۱

البته روایات دیگری نیز نقل شده است؛^۲ ولی آنچه مهم و قابل توجه است، اینکه حضرت نرجس علیه السلام مدتی در خانه حکیمه خاتون - از خواهران بزرگوار امام هادی علیه السلام - تحت تعلیم و تربیت او قرار گرفته و مورد احترام فراوان حکیمه علیه السلام بوده است.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱، ص ۱۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵، ح ۲۹، ص ۲۲، و ح ۱۴، ص ۱۱.

حضرت نرجس علیها السلام بانویی است که سال‌ها پیش در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام و امام صادق علیه السلام^۲ مورد ستایش قرار گرفته و از او به عنوان بهترین کنیزان و سرور آنان یاد شده است.

گفتنی است که مادر امام عصر علیه السلام به نام‌های دیگری مانند سوسن، ریحانه، ملیکه و صیقل (صقیل) نیز خوانده می‌شد.

دو. نام، کنیه و القاب

نام و کنیه^۳ امام زمان علیه السلام همان نام و هم کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. در برخی روایات، از بردن نام آن حضرت تا هنگام ظهور، نهی شده است.

لقب‌های مشهور آن حضرت عبارتند از: مهدی، قائم، منتظر، بقیه الله، حجّت، خلف صالح، منصور، صاحب الامر، صاحب الزمان و ولی عصر که معروف‌ترین آن‌ها «مهدی» است.

هر یک از این لقب‌ها، بیان‌گر پیام و ویژه‌ای درباره آن بزرگوار است.

آن امام خوبی‌ها را «مهدی» گفته‌اند؛ زیرا هدایت شده‌ای است که مردم را به سوی حق می‌خواند. «قائم» خوانده‌اند؛ چون برای حق، قیام خواهد کرد. «منتظر» نامیده‌اند؛ زیرا همگان در انتظار مقدم اویند. «بقیه الله» لقب داده‌اند؛ چرا که باقی‌مانده حجت‌های خدا و آخرین ذخیره الهی است.

«حجّت» به معنای گواه خدا بر خلق و «خلف صالح» به معنای جانشین شایسته برای اولیای خداست. او «منصور» است، چون از سوی پروردگار یاری می‌شود و «صاحب الامر» است؛ چون امر ایجاد حکومت عدل الهی بر عهده اوست. «صاحب الزمان و ولی عصر» نیز به معنی آن معنا است که او حاکم و فرمانروای یگانه زمان می‌باشد.

سه. ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام

شخصیت امام مهدی علیه السلام و زندگی آن حضرت ویژگی‌هایی دارد که آن بزرگوار را از سایر امامان علیهم السلام متمایز کرده است. این خصوصیات در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و

۱. کتاب الغیبه، (طوسی)، ح ۴۷۸، ص ۴۷۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱، ص ۲۱.

۳. اسمی است که با لفظ «أب» یا «أم» شروع می‌شود؛ مانند: اباعبدالله و أم البنین.

امامان علیهم السلام به صورت برجسته بیان شده است که در اینجا به برخی از آنها می پردازیم:

۱. بشارت به آمدن او

از ویژگی های امام مهدی علیه السلام بشارت های فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام درباره ولادت آن حضرت و ظهور او است. این روایات، هم در کتاب های شیعه و هم در آثار اهل سنت آمده است^۱ که تنها به ذکر چند نمونه بسنده می کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

شما را به مهدی علیه السلام بشارت می دهم. او وقتی که مردم گرفتار اختلاف و پراکندگی شده اند، برانگیخته می شود و زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور، پر شده است...^۲

امام حسین علیه السلام فرمود:

قائم این امت همانا نهمین نفر از فرزندان من است. او دارای غیبت است و کسی است که میراث او تقسیم می شود؛ در حالی که زنده است.^۳

از امام رضا علیه السلام سؤال شد: «قائم شما اهل بیت کیست؟» فرمود:

چهارمین نفر از اولاد من خواهد بود؛ فرزند بهترین کنیزان که خداوند به وسیله او زمین را از هرگونه ظلم و ستم پاک خواهد کرد. اوست کسی که مردم در ولادتش شک می کنند و او همان است که قبل از قیامش، غیبت خواهد نمود...^۴

۲. ولادت پنهانی

در روایات فراوان، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که مردی از خاندان او به نام «مهدی» قیام خواهد کرد و بنیان ستم را وازگون خواهد ساخت. فرمانروایان ستم گر عباسی با اطلاع از این روایات در پی آن بودند که در همان ابتدای ولادت، امام مهدی علیه السلام را به قتل رسانند. بنابراین از زمان امام جواد علیه السلام زندگی امامان معصوم علیهم السلام با محدودیت های

۱. ر. ک: منتخب الاثر، فصل دوم (ص ۲۳۲-۱۹۱).

۲. کتاب الغیبه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ مسند احمد، ج ۳، مسند ابو سعید خدری، ص ۳۷.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ح ۱، ص ۵۸۳.

۴. همان، ج ۲، باب ۳۵، ح ۵، ص ۶۰.

بیشتری همراه شد و در زمان امام حسن عسکری علیه السلام به اوج خود رسید؛ به گونه‌ای که کمترین رفت و آمد به خانه آن بزرگوار از نظر دستگاه حکومت، مخفی نبود. پیداست در چنین شرایطی باید تولّد آخرین حجّت حق و موعود الهی در پنهانی و به دور از چشم دیگران می‌بود. به همین دلیل حتی نزدیکان امام یازدهم از جریان ولادت امام مهدی علیه السلام بی‌اطلاع بودند و تا چند ساعت پیش از تولّد نیز نشانه‌های بارداری در نرجس خاتون، مادر بزرگوار امام دوازدهم، دیده نشد.

حکیمه خاتون، دختر گرامی امام جواد علیه السلام، جریان ولادت را چنین حکایت کرده است: امام حسن عسکری علیه السلام به دنبال من فرستاد و فرمود: «ای عمّه! امشب افطار نزد ما باش؛ چرا که شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب [آخرین] حجّت خود بر روی زمین را آشکار خواهد کرد». پرسیدم: «مادر او کیست؟» فرمود: «نرجس». گفتم: «فدای شما شوم! نشانه بارداری در او پیدا نیست». فرمود: «سخن، همان است که گفتم».

پس [بر نرجس] وارد شدم و سلام کردم و نشستم. او پیش آمد تا کفش‌هایم را بیرون آورد و به من گفت: «بانوی من! حال شما چطور است؟» گفتم: «بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان منی». سخن مرا نپذیرفت و گفت: «عمّه جان! چه می‌فرمایید؟» گفتم: «دخترم! امشب خداوند متعال به تو پرسی عطا می‌فرماید که سرور دنیا و آخرت خواهد بود». پس خجالت کشید و حیا کرد.

حکیمه گوید: پس از نماز عشاء، افطار کردم و در بستر خود آرامیدم. هنگام نیمه شب برای انجام نماز [شب] برخاستم و آن را به جای آوردم؛ در حالی که نرجس [به آرامی] خوابیده بود بدون آنکه اتفاقی برایش روی دهد. پس از انجام تعقیبات [نماز] خوابیدم. سپس هراسان بیدار شدم و حال آن که او همچنان در خواب بود. لحظاتی بعد برخاست و نماز [شب] گزارد و خوابید.

حکیمه ادامه می‌دهد: بیرون آمدم و در جست‌وجوی فجر [سپیده] به آسمان نگریدم. پس فجر اوّل^۱ را مشاهده کردم و نرجس همچنان در خواب بود. به شک افتادم، ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام از جایگاه خود ندا برآورد: «ای عمّه! شتاب مکن. امر [ولادت] نزدیک

۱. مقصود، سفیدی‌ای است که اندکی پیش از اذان صبح، در افق دیده می‌شود.

است». نشستیم و به قرائت سوره‌های «سجده» و «یس» مشغول شدم که نرجس با اضطراب بیدار شد. به سرعت نزد او رفتم و گفتم: «اسم الله علیک!^۱ آیا چیزی احساس می‌کنی؟» گفت: «آری ای عمّه!» گفتم: «بر خود مسلط باش و دلت را استوار دار که این، همان است که با تو گفتم». در این هنگام ضعفی من و نرجس را فرا گرفت. پس به صدای سرورم [نوزاد تولد یافته] به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و او را در حال سجده دیدم. در آغوشش گرفتم و او را کاملاً پاکیزه یافتم.

در این هنگام امام عسکری علیه السلام مرا ندا داد: «ای عمّه! پسر مرا نزد من بیاور». او را نزد وی بردم... در آغوشش گرفت و فرمود: «پسر! سخن بگو». پس لب به سخن گشود و فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و أشهد انّ محمداً رسول الله». سپس بر امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام درود فرستاد تا به نام پدرش رسید و از سخن گفتن باز ایستاد. امام عسکری علیه السلام فرمود: «ای عمّه! او را به نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند»...^۲

۳. غیبت طولانی و پیش‌گویی آن

از ویژگی‌های مهم امام مهدی علیه السلام غیبت آن حضرت از مردم است. جالب این است که در روایات فراوان، همه پیشوایان معصوم علیهم السلام از آن خبر داده‌اند و این از جمله خبرهای غیبی معصومان علیهم السلام است که به وقوع پیوسته. چند نمونه از این روایات را می‌آوریم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

... مهدی از فرزندان من است. برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن، گمراه شوند...^۳

امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا غیبت در ششمین نفر از فرزندانم رخ خواهد داد. او دوازدهمین نفر از امامان هدایت پس از رسول خداست که اولین آن‌ها امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب و آخرین آن‌ها قیام‌کننده به حق، بقیه الله در روی زمین است.^۴

۱. این جمله، کنایه از این است که بلا از تو دور باد.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱، ص ۱۴۳.

۳. همان، ج ۱، باب ۲۵، ح ۵، ص ۵۳۶.

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ح ۱۳، ص ۱۴۵.

امام جواد علیه السلام فرمود:

همانا قائم از ما [اهل بیت] مهدی علیه السلام است که باید در زمان غیبتش، مورد انتظار مردم باشد و هنگام ظهورش از او اطاعت شود. او سومین نفر از فرزندان من است.^۱

گفتنی است این غیبت طولانی که از آغازین سال‌های زندگی امام شروع شده از عواملی است که سبب شده که ما از امور شخصی آن حضرت، اطلاع و آگاهی دقیق و مستندی نداشته باشیم. بسیاری از علاقه‌مندان به امام، از مکان زندگی حضرت و همسر و فرزندان او می‌پرسند، ولی جواب محکم و مستندی نمی‌شنوند؛ زیرا ندانستن این امور، از پیامدهای غیبت آن بزرگوار است. البته بدیهی است که جهل ما از این بخش از زندگی حضرت، به روند معرفت و اطاعت و تسلیم ما نسبت به آن امام و حجت الهی زیانی نمی‌رساند و پرداختن به این مسائل، مشکلی را حل نمی‌کند؛ پس بهتر است از بحث و گفت‌وگو در این مجال بپرهیزیم؛ چنانکه حضرت مهدی علیه السلام خود فرمود:

فاغلقوا أبواب السؤال عما لا يعنیکم؛^۲

درهای پرسش را از آنچه به حال شما سودی ندارد، ببندید.

۴. طول عمر

از ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام عمر طولانی آن حضرت است. تاکنون^۳ نزدیک به دوازده قرن از عمر شریفش می‌گذرد. این عمر طولانی به دلیل آن است که مطابق اراده الهی، او آخرین حجت خدا و همان ذخیره الهی برای اجرای اهداف انبیا است و پیداست که باید تا زمان فراهم شدن زمینه‌های قیام جهانی‌اش زنده بماند. این حقیقت در روایات فراوانی بیان شده است.

البته برای بعضی، این سؤال مطرح است که چگونه ممکن است انسانی، عمری چنین طولانی داشته باشد. برای پاسخ‌گویی به این سؤال، بجاست مقداری درباره طول عمر بحث کنیم:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۶، ح ۱، ص ۷۰.

۲. احتجاج، ج ۲، ح ۳۴۴، ص ۵۴۴.

۳. اکنون در سال ۱۴۳۳ قمری هستیم و پیشوای ما ۱۱۷۸ سال دارد.

سرچشمه این سؤال و علت طرح آن، این است که آنچه در جهان امروز، معمول و متداول است، عمرهای محدودی است که معمولاً به صد سال نمی‌رسد؛ از این رو^۱ بعضی نمی‌توانند یک عمر طولانی را باور کنند؛ در حالی که عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری، امری غیرممکن نیست. دانشمندان با مطالعه اجزای بدن به این حقیقت رسیده‌اند که ممکن است انسان، سال‌های بسیار طولانی زنده بماند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود. برنارد شاو می‌گوید:

از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست، این است که برای عمر بشر نمی‌توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی نیز مسأله مرزناپذیری است.^۲

پروفسور «اتینگر» می‌نویسد:

به نظر من با پیشرفت تکنیک‌ها و کاری که ما شروع کرده ایم، بشر قرن بیست و یکم خواهد توانست هزاران سال عمر کند.^۳

بنابراین تلاش دانشمندان برای دست یافتن به راه‌های غلبه بر پیری و رسیدن به درازعمری نشان‌گر امکان چنین پدیده‌ای است؛ چنانکه در این مسیر، گام‌های موفقیت آمیزی برداشته شده است و هم اکنون در گوشه و کنار جهان، کم نیستند افرادی که بر اثر شرایط مناسب آب و هوایی و تغذیه مناسب و فعالیت مناسب بدنی و فکری و عوامل دیگر، عمری نزدیک به صدوپنجاه سال و گاهی بیشتر از آن دارند. مهم‌تر اینکه عمر طولانی در گذشته تاریخ انسان‌ها بارها تجربه شده است. در کتاب‌های آسمانی و تاریخی، انسان‌های زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده‌اند که مدت عمر آن‌ها بسیار درازتر از عمر بشر امروز بوده است. برای نمونه چند مورد را بیان می‌کنیم:

۱. در قرآن آیه‌ای هست که نه تنها از عمر طولانی، بلکه از امکان زنده ماندن تا روز رستاخیز، خبر می‌دهد و آن آیه درباره حضرت یونس علیه السلام است که می‌فرماید:

اگر او [یونس علیه السلام در شکم ماهی] تسبیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم

۱. البته هم اکنون عمرهای بالای صد سال هم یافت می‌شود که به نسبت بسیار کم است.

۲. راز طول عمر/امام زمان علیه السلام، ص ۱۳.

۳. مجله دانشمند، سال ۶، ش ۶، ص ۱۴۷.

ماهی می ماند.^۱

بنابراین از نظر قرآن، عمری بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست شناسان، عمر جاویدان نامیده می شود برای انسان و ماهی، امکان پذیر است.^۲

۲. قرآن کریم در مورد حضرت نوح علیه السلام می فرماید:

به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ پس ۹۵۰ سال در میان آنها درنگ کرد.^۳

آنچه در این آیه شریف آمده است، مدت پیامبری آن حضرت است. بر اساس برخی روایات، مدت عمر آن بزرگوار ۲۴۵۰ سال بوده است.^۴

جالب اینکه در روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمود:
در امام مهدی علیه السلام سنت و شیوه‌ای از زندگی حضرت نوح علیه السلام می باشد و آن، طول عمر است.^۵

۳. و نیز درباره حضرت عیسی علیه السلام می فرماید:

... و هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند؛ بلکه امر بر آنها مشتبه شد...
به یقین او را نکشتند؛ بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند، توانا و فرزانه است.^۶

همه مسلمانان به استناد قرآن و احادیث فراوان، معتقدند که عیسی علیه السلام زنده است و در آسمان هاست و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرود آمده، او را یاری خواهد کرد.
امام باقر علیه السلام فرمود:

در صاحب این امر [مهدی علیه السلام] چهار سنت از چهارتن از پیامبران است... و از عیسی علیه السلام سنتی دارد و آن اینکه [درباره مهدی نیز] می گویند: او مرده است؛

۱. سوره صافات، آیه ۱۴۴.

۲. خوشبختانه کشف ماهی چهارصد میلیون ساله در سواحل ماداگاسکار، امکان چنین عمری را برای ماهی، عینی کرد (کیهان، ش ۶۴۱۳ - ۴۳/۸/۲۲).

۳. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۶، ح ۳، ص ۳۰۹.

۵. همان، ج ۱، باب ۲۱، ح ۴، ص ۵۹۱.

۶. سوره نساء، آیه ۱۵۷.

در حالی که او زنده می‌باشد.^۱

علاوه بر قرآن در تورات و انجیل نیز سخن از عمرهای طولانی مطرح شده است. در تورات آمده است:

... تمام ایام آدم که زیست نهصد و سی سال بود که مُرد... جمله ایام «انوش» نهصد و پنج سال بود که مُرد... و تمامی ایام «قینان» نهصد و ده سال بود که مُرد... پس جمله ایام «متوشالیم» نهصد و شصت و نه سال بود که مُرد
...^۲

بنابراین تورات صریحاً به وجود افرادی با داشتن عمرهای طولانی (بیش از نهصد سال) اعتراف می‌کند.

در انجیل نیز عباراتی نشان‌گر آن است که عیسی علیه السلام پس از به دار کشیده شدن، زنده گردیده و به آسمان بالا رفته است^۳ و در روزگاری فرود خواهد آمد. مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

با این بیان روشن می‌شود که پیروان دو آئین یهود و مسیحیت باید به علت اعتقاد به کتاب مقدس به عمرهای طولانی نیز معتقد باشند.

گذشته از اینکه طول عمر از نظر علمی و عقلی پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی‌نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد پیروان همه ادیان آسمانی، تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سبب‌ها و علّت‌ها به اراده او بستگی دارد. اگر او نخواهد، سبب‌ها از تأثیر باز می‌مانند و نیز او بدون سبب و علّت طبیعی، ایجاد می‌کند و می‌آفریند. او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می‌آورد، آتش سوزنده را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت می‌سازد، دریا را برای موسی و پیروانش خشک می‌کند و آن‌ها را از میان دو دیوار آبی عبور می‌دهد.^۴ آیا چنین خدایی از اینکه به عصاره انبیا و اولیا و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق بخش وعده بزرگ قرآن، عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟!۱

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۲. تورات (ترجمه فاضل خانی)، سفر پیدایش باب پنجم، آیات ۵ - ۳۲.

۳. عهد جدید، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱ - ۱۲.

۴. اینها حقایقی است که در قرآن کریم آمده است: سوره انبیاء، آیه ۶۹؛ سوره شعراء، آیه ۶۳.

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

... خداوند عمر او [مهدی علیه السلام] را در دوران غیبتش طولانی می‌کنند؛ سپس به قدرت خدایی اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می‌نماید تا مردمان دریابند که خداوند بر هر کاری تواناست.^۱

بنابراین جریان طول عمر امام دوازدهم علیه السلام از ابعاد مختلف عقلی و علمی و تاریخی امری ممکن و پذیرفتنی است و پیش از همه این‌ها از جلوه‌های اراده خداوند بزرگ و تواناست.

چهار. شمایل و خصوصیات

در روایات پیامبر اکرم و اهل بیت پیامبر علیه السلام شمایل و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

آن بزرگوار چهره اش جوان و گندم‌گون، پیشانی اش بلند و تابنده، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت، بینی اش کشیده و زیبا و دندان هایش برّاق و گشاده است. بر گونه راست آن امام، خالی مشکین و در میان شانه اش اثری چون اثر نبوت دیده می‌شود و اندام مبارکش متناسب و دلرباست.

بعضی از ویژگی‌های آن وجود شریف که در سخنان معصومان علیهم السلام بیان شده، از این قرار است:

او اهل عبادت و شب زنده داری، زهد و ساده زیستی، صبر و بردباری، عدالت و نیکوکاری است. آن حضرت سرآمد همگان در علم و دانش و وجود نازنینش چشمه سار برکت و پاکی است. او اهل قیام و جهاد، رهبر جهانی، انقلابی بزرگ، منجی نهایی و مصلح موعود بشریت است. آن وجود نورانی از تبار رسول خدا صلی الله علیه و آله و از اولاد فاطمه زهرا علیها السلام و نهمین فرزند از نسل سیدالشهداء علیه السلام است که هنگام ظهور بر کعبه تکیه زند و پرچم پیامبر را در دست گیرد و با قیام خود، دین خدا را زنده و احکام خداوند را در سراسر گیتی جاری کند و جهان را پر از مهربانی و داد گرداند، پس از آن که پر از جور و

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

بیداد شده باشد.^۱

پنج. دوره‌های زندگی حضرت

زندگی امام مهدی علیه السلام شامل سه دوره پرفراز و نشیب است:

۱. دوره اختفا: شامل زندگی پنهانی آن حضرت از آغاز ولادت تا زمان شهادت امام عسکری علیه السلام است.

۲. دوران غیبت: از هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام شده و تا ظهور آن حضرت، ادامه خواهد یافت.

۳. عصر ظهور: پس از طی شدن دوران غیبت به خواست پروردگار جهان، امام دوازدهم علیه السلام ظهور خواهد کرد و دنیا را از خوبی‌ها و زیبایی‌ها سرشار خواهد نمود. هیچ کس زمان ظهور آن موعود منتظر را نمی‌داند و از طبق روایتی امام عصر رحمه الله علیه، آن‌ها که برای ظهور، زمانی را تعیین کنند، دروغ‌گو هستند.^۲

۱. منتخب‌اللائثر، فصل دوم، ص ۲۳۹ - ۳۸۳.

۲. احتجاج، ج ۲، ش ۳۴۴، ص ۵۴۲.

خلاصه درس

- امام زمان علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام و از مادری به نام نرجس در سپیده دم جمعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ ق در سامرا چشم به جهان گشود.
- نام و کنیه حضرت، همانند رسول خدا است و لقب معروف حضرت، «مهدی علیه السلام» است.
- بنا به حکمت الهی، امام مهدی علیه السلام دارای ولادت پنهانی، عمر طولانی و غیبت است.
- معصومان علیهم السلام به آمدن او بشارت داده و ویژگی های آن حضرت را در روایات ذکر کرده اند.
- دوران زندگی امام مهدی علیه السلام شامل دوره پنج ساله اختفا، دوره هفتاد ساله غیبت صغرا و دوره طولانی غیبت کبرا و عصر ظهور است.

پرسش‌های درس

۱. نام، نسب و شخصیت مادرگرامی امام زمان علیه السلام را بیان کنید.
۲. هشت مورد از القاب مشهور حضرت را ذکر نمایید.
۳. دلیل مخفی بودن قضیه ولادت امام زمان علیه السلام را توضیح دهید.
۴. دلیل طول عمر امام مهدی علیه السلام را اجمالاً بیان کنید.
۵. دوران زندگی امام عصر علیه السلام را با تعیین مقاطع تاریخی آن، توضیح دهید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. دلایل اثبات ولادت امام مهدی علیه السلام را بیان کنید.
۲. حکم ذکر نام حضرت در دوران غیبت کبرا را توضیح دهید.
۳. شیوه‌های معرفی امام مهدی علیه السلام توسط امام عسکری علیه السلام را با توجه به حساسیت دشمن، تشریح کنید.
۴. وضعیت سیاسی، اجتماعی و فکری شیعه در آستانه غیبت صغرا را بیان کنید.
۵. ملیت مادر امام زمان علیه السلام را بر اساس روایات تاریخی بررسی نمایید.

معرفی منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. الغیبه، شیخ طوسی.
۲. تاریخ غیبت صغرا، سید محمد صدر.
۳. منتخب الاثر، آیت‌الله صافی گلپایگانی.
۴. در سنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، ج ۱.
۵. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، جاسم حسین.
۶. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲.
۷. تاریخ عصر غیبت، پورسیدآقای و ...
۸. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، محمدکاظم قزوینی.

درس چهارم

دوران پنهان زیستن حضرت

اهداف

- توجه به تلاشهای امام عسکری علیه السلام برای معرفی فرزندش
- شناخت راهکارهای معرفی آخرین حجت خدا به شیعیان

فواید

- اثبات ولادت حضرت علیه السلام
- مشخص شدن امام دوازدهم علیه السلام
- تثبیت اعتقاد شیعیان
- آشنایی با زندگی امام در دوران کودکی و اختفا

مطالب آموزشی

- معرفی امام مهدی به شیعیان
۱. نشان دادن مهدی علیه السلام به خواص
۲. نسبت عقیقه
۳. نامه نگاری
۴. پاسخ گویی به سؤالات
۵. دریافت هدایای مادی
- معجزات و کرامات
- تربیت و هدایت
- نماز بر پیکر پدر

از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری علیه السلام

این دوره زندگی حضرت مهدی علیه السلام تا پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام که پنج سال و چند ماه طول کشیده است، در بردارنده نکات مهمی است. در این دوره، امام عسکری علیه السلام امام مهدی علیه السلام را به شیعیان، معرفی می کند، تا در شناخت آخرین امام، به گمراهی نیفتند. نیز معجزات و کرامات فراوانی از موعود، آشکار می شود که شواهدی گویا بر امامت و حجت بودن اوست. در اینجا به بخش هایی از حوادث این دوره می پردازیم:

معرفی امام مهدی علیه السلام به شیعیان

سال های آغازین زندگی امام مهدی، دوره بسیار حساسی است. از سویی دشمنان به دنبال آنند که فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را شناسایی کرده، به قتل برسانند و از سوی دیگر شیعیان و دوستان مهدی علیه السلام می خواهند امام دوازدهم را بشناسند تا به گمراهی گرفتار نشوند؛ بنابراین امام عسکری علیه السلام در همان حال که مراقب است دشمن از تولد فرزندش باخبر نشود و ولادت او پوشیده بماند، برای جلوگیری از گمراهی شیعیان و انحراف از مسیر امامت و رهبری، آنان را از ولادت فرزندش که همان جانشین بر حق اوست آگاه می سازد. برخی از اقدامات آن حضرت عبارتند از:

۱. نشان دادن مهدی علیه السلام به خواص^۱

احمد بن اسحاق که از بزرگان شیعه و از پیروان ویژه امام یازدهم علیه السلام است می گوید: خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و می خواستم درباره امام پس از او سؤال کنم؛ ولی پیش از آن که سخنی بگویم، فرمود: «ای احمد! همانا خدای متعال از آن زمان که آدم را آفریده، زمین را از حجت خود خالی نگذاشته است و تا قیامت نیز چنین نخواهد کرد. به واسطه حجت خدا، بلا از اهل زمین برداشته می شود و [به برکت وجود او] باران باریده و بهره های زمینی بیرون می آید».

عرض کردم: «ای پسر رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟» آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت و در حالی که پسری سه ساله بر دوش داشت که رویش همانند ماه تمام می درخشید، فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای متعال و حجت های او گرمی نبودی، این پسر مرا به تو نشان نمی دادم. همانا او هم نام و هم کنیه رسول خداست و کسی است که زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است».

گفتم: سرور من! آیا نشانه ای هست که قلبم به آن آرام گردد؟
[در این هنگام] آن کودک، لب به سخن گشود و به زبان عربی روان گفت:
«من بقية الله در زمین هستم که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت. ای احمد بن اسحاق، پس از این که با چشم خود می بینی در پی نشانه مباش!».
احمد بن اسحاق گوید: «پس [از شنیدن این سخنان] با شادمانی از خانه امام علیه السلام بیرون شدم...»^۱.

همچنین محمد بن عثمان^۲ و چند تن دیگر از بزرگان شیعه نقل می کنند:
چهل نفر از شیعیان نزد امام یازدهم علیه السلام گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما نشان داد و فرمود:

پس از من، این امام شما و جانشین من است. از او فرمان برید و بعد از من در

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۸، ح ۱، ص ۸۰.

۲. او دومین نائب خاص امام مهدی علیه السلام در دوره غیبت صغرا است که در بخش غیبت، شرح حال او خواهد آمد.

دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد و [بدانید که] پس از امروز، او را نخواهید دید...^۱

۲. سنت عقیقه

یکی از برنامه‌های دینی و سنت‌های اسلامی، عقیقه کردن و ولیمه دادن برای نوزاد است؛ یعنی گوسفندی قربانی کرده، جماعتی از مردم را میهمان می‌نمایند که در سلامتی و طول عمر فرزند، تأثیر فراوان دارد. امام حسن عسکری علیه السلام بارها برای فرزندش عقیقه کرد،^۲ تا ضمن عمل به این سنت نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گروه‌های بسیاری از شیعیان را از ولادت امام دوازدهم آگاه سازد.

محمد بن ابراهیم گوید: امام عسکری علیه السلام برای یکی از شیعیان خود، گوسفند سربریده‌ای فرستاد و فرمود: «این از عقیقه فرزندم، محمد است».^۳

۳. نامه‌نگاری

یکی از نوادگان احمد بن اسحاق قمی که از برجستگان و شایستگان شعیه است می‌گوید: نامه‌ای از مولایمان حضرت عسکری علیه السلام به جدّ بزرگوارم احمد بن اسحاق که نماینده آن حضرت بود رسید که در آن، به خط آن حضرت آمده بود:

برای ما فرزندی به دنیا آمد. این رازی است که باید نزد تو باشد و از مردم پوشیده بماند. ما [ولادت] او را جز برای نزدیک‌ترین بستگان و دوستان آشکار نکردیم. دوست داشتیم آن را به شما اعلان کنیم، تا خدا تو را به وسیله آن، شاد گرداند؛ همان‌گونه که ما را به وسیله او شاد کرد. والسلام.^۴

۴. پاسخ‌گویی به سؤالات

یکی از برنامه‌های دوران کودکی امام مهدی علیه السلام پاسخ‌گویی به سؤالات بود. این نیز راهی برای شناخت امام و حجت آخرین بود که عقیده شیعیان را تقویت می‌کرد و دلگرمی و آرامش خاطر آنان را فراهم می‌ساخت. برای نمونه روایتی را به اختصار نقل

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲، ص ۱۶۲.

۲. همان، ج ۲، باب ۴۲.

۳. همان، ح ۱۰، ص ۱۵۸.

۴. همان، ح ۱۵، ص ۱۶۰.

می‌کنیم.

سعد بن عبدالله قمی از بزرگان شیعه همراه احمد بن اسحاق قمی و کیل امام حسن عسکری علیه السلام برای طرح سؤالات و دریافت پاسخ آن‌ها به محضر آن امام شریفاب می‌شود. او جریان این دیدار را چنین نقل کرده است:

چون خواستم سؤال کنم، امام عسکری علیه السلام به فرزندش اشاره کرد و فرمود: «از نور چشمم سؤال کن». در این هنگام، کودک رو به من کرده فرمود: «هر چه می‌خواهی سؤال کن»... پرسیدم: «مقصود از کهیصص [از حروف مقطعه قرآن] چیست؟» فرمود: «این حروف، از خبرهای غیبی است. خداوند بنده خود، زکریا را از آن آگاه ساخته و سپس آن را برای محمد صلی الله علیه و آله باز گفته است. داستان از این قرار است که زکریا علیه السلام از پروردگارش خواست تا نام‌های پنج تن [آل عبا] را به او بیاموزد. خداوند متعال جبرئیل علیه السلام را بر او فرو فرستاد و آن نام‌ها را به او یاد داد. زکریا چون [نام‌های مقدس] محمد صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن علیه السلام را بر زبان می‌آورد، اندوه و گرفتاری‌اش برطرف می‌شد و وقتی حسین علیه السلام را یاد می‌کرد، بغض گلویش را می‌گرفت و مبهوت می‌شد. روزی گفت: «بارالها چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می‌کنم، از اندوه‌ها و نگرانی‌هایم راحت شده و دل آرام می‌شوم و چون حسین علیه السلام را به یاد می‌آورم، اشکم جاری و ناله‌ام بلند می‌شود؟» خداوند او را از داستان حسین علیه السلام آگاه کرد و فرمود: «کهیصص» [رمز این داستان است]. «کاف» رمز کربلا و «هائ» رمز هلاکت خاندان [او] و «یاء» کنایه از نام «یزید» که جفاکننده نسبت به حسین علیه السلام است می‌باشد و «عین» اشاره به عطش و تشنگی او دارد و «صاد» نشانه صبر و استقامت امام حسین علیه السلام است....»

گفتم: «ای مولای من! چرا مردم از برگزیدن امام برای خود منع شده اند؟» فرمود: «[مقصود تو برگزیدن] امام مصلح است یا امام مفسد؟» گفتم: «امام مصلح [که جامعه را اصلاح کند]». فرمود: «با توجه به اینکه هیچ کس از درون دیگری آگاه نیست که به صلاح و درستی می‌اندیشد یا به فساد و تباهی، آیا احتمال ندارد که برگزیده مردم، مفسد (و اهل تبهکاری) باشد؟» گفتم: «آری؛ امکان دارد». فرمود: «علت، همین است».^۱

۱. همان، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۱، ص ۱۹۰.

۲. توضیح این سخن، در فصل اول کتاب در بخش منصوب بودن امام از سوی خدا، گذشت.

گفتنی است که در ادامه روایت، امام مهدی علیه السلام علت دیگری نیز بیان کرده‌اند و به سؤالات دیگر هم پاسخ فرموده‌اند که برای رعایت اختصار، از بیان آن‌ها خودداری شد.

۵. دریافت هدایای مادی

یکی از برنامه‌های شیعیان، فرستادن هدایای مادی و واجبات مالی برای امامان معصوم علیهم السلام بوده است. آن بزرگواران نیز پس از پذیرفتن آن‌ها، از نیازمندان جامعه رفع نیاز می‌کردند.

ابن اسحاق یکی از وکیل‌های امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید:

اموالی از شیعیان را به محضر امام یازدهم علیه السلام بردم تا به آن حضرت تقدیم کنم. در آن حال، فرزند خردسال حضرت با چهره‌ای که مانند ماه تمام می‌درخشید در کنار امام حضور داشت. امام عسکری علیه السلام رو به فرزند خود کرده، فرمود: «فرزندم! هدایای شیعیان و دوستان را باز کن». کودک فرمود: «ای مولای من! آیا رواست دست پاک [خود] را به هدایای ناپاک و اموال پلیدی که حلال و حرام آن به یک‌دیگر آمیخته است، دراز کنم؟» امام عسکری علیه السلام فرمود: «ای ابن اسحاق، آنچه در میان اینان است بیرون آور تا حلال و حرام آن را جدا کند». پس اولین کیسه را بیرون آوردم. کودک گفت: «این کیسه از فلان شخص از فلان محله شهر قم است [و نام او و نام محله اش را فرمود] که در آن شصت و دو اشرفی است. چهل و پنج اشرفی از آن، بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود، ارث برده است و چهارده دینار آن بهای نه جامه است که فروخته، و سه دینارش وجه اجاره دکان‌ها است».

امام عسکری علیه السلام فرمود: «فرزند عزیزم! راست گفتی. اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدام [از این اموال] حرام است؟» کودک با دقت تمام، سگه‌های حرام را مشخص و علت حرام بودن آن‌ها را به روشنی بیان کرد.

سپس کیسه دیگری بیرون آوردم. آن کودک پس از بیان نام و نشان و محل سکونت صاحب آن، فرمود: «در آن کیسه، پنجاه اشرفی است که دست زدن بدان برای ما روا نیست». سپس علت ناپاکی آن اموال را یک به یک بیان کرد. آن گاه امام عسکری علیه السلام فرمود: «پسر جانم! راست گفتی. سپس رو به احمد بن اسحاق کرد و فرمود: «همه را به صاحبش برگردان یا سفارش کن که آن‌ها را به صاحبانش برسانند. ما را نیازی به آن

نیست...»^۱.

معجزات و کرامات

یکی از فرازهای خواندنی زندگی امام مهدی علیه السلام در سال‌های نخستین تولد و پیش از دوران غیبت، معجزه‌ها و کرامت‌هایی است که به وسیله آن حضرت، انجام گرفته و معمولاً این بخش از حیات آن آیت بزرگ الهی، مورد غفلت واقع شده است. ما تنها یک نمونه از آن‌ها را می‌آوریم:

ابراهیم بن احمد نیشابوری گوید:

زمانی که عمرو بن عوف [که فرمانروایی ستمگر بود و به کشتن شیعیان، علاقه فراوان داشت] قصد کشتن مرا کرد، به شدت بیمناک شدم و وحشت همه وجودم را فرا گرفت. پس با خاندان و دوستان خود خداحافظی کرده و رو به جانب خانه امام حسن عسکری علیه السلام کردم تا با ایشان نیز وداع کنم و در نظر داشتم که پس از آن بگریزم. چون به خانه امام وارد شدم، در کنار امام حسن عسکری علیه السلام پسری دیدم که رویش مانند شب چهاردهم می‌درخشید، به گونه‌ای که از نور سیمای او حیران گشتم و نزدیک بود آنچه را در خاطر داشتم [یعنی ترس از کشته شدن و تصمیم به فرار] فراموش کنم.

[در این هنگام آن کودک] به من گفت: «ای ابراهیم! نیازی به گریختن نیست. به زودی خدای متعال، شرّ او را از تو دور خواهد کرد».

حیرتم بیشتر شد. به امام عسکری علیه السلام گفتم: «فدای شما شوم! این پسر کیست که از درون من خبر می‌دهد؟» امام عسکری علیه السلام فرمود: «او فرزند من و جانشین پس از من است»... .

ابراهیم گوید: «بیرون آمدم؛ در حالی که به لطف خداوند امیدوار بودم و به آنچه از امام دوازدهم، شنیده بودم، اعتماد داشتم. چندی بعد، عمویم مرا به کشته شدن عمرو بن عوف، بشارت داد».^۲

نیز در روایتی که جناب حکیمه عمه بزرگوار امام عسکری علیه السلام درباره ولادت امام

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۱، ص ۱۹۰.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، فصل ۷، ص ۷۰۰.

مهدی عجل الله تعالی فرجه نقل کرده، آمده است:

چون روز هفتم فرا رسید، آمدم و سلام کردم و نشستم. امام فرمود: «فرزندم را نزد من آور. من سرورم را آوردم... امام فرمود: «فرزندم! سخن بگوی». نوزاد [لب بگشود و] پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر اکرم و پدران بزرگوارش، این آیات را تلاوت فرمود:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَ نُزِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُبْرِىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾^۱؛

به نام خداوند بخشنده مهربان و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانش، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند، نشان دهیم.

تربیت و هدایت

از برنامه‌های امام، هدایت افراد است، امام حتی در کودکی شأن هدایت‌گری دارد. شیخ صدوق رحمته الله روایت کرده است: ابونصر [خادم امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه] می‌گوید: به خدمت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه رسیدم. فرمود: «آیا مرا می‌شناسی؟» عرض کردم: «آری». فرمود: «من کیستم؟» گفتم: «شما آقای من و پسر آقای من هستید». فرمود: «مقصودم این نبود». عرض کردم: «خداوند مرا فدای شما بگرداند! شما بفرمایید». فرمود: «من آخرین وصی پیامبرم، خداوند به وسیله من، بلا را از خاندانم و شیعیانم برطرف می‌کند».^۲

در روایت یادشده گرچه ابونصر پاسخ امام را می‌دهد؛ ولی امام عجل الله تعالی فرجه او را راهنمایی می‌کند و معرفت و شناخت بیشتر و عمیق‌تری را به او می‌بخشد و آن، شناختن جایگاه امام و معرفت آثار وجودی اوست. بدیهی است که شناخت امام به عنوان آخرین جانشین پیامبر، اطاعت و تسلیم کامل در برابر او را به دنبال دارد.

۱. سوره قصص، آیه ۵ و ۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱، ص ۱۴۳.

۳. همان، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.

گفتنی است که جریان هدایت و تربیت انسانها در همه برخوردهای امام پدیدار است که نمونه‌های دیگر آن در بخش «پاسخ‌گویی به سوالات» بیان شد.

نماز بر پیکر پدر

آخرین فراز از زندگی امام مهدی علیه السلام در دوران اختفا و پیش از شروع غیبت، نماز خواندن آن حضرت بر جنازه پاک پدر بزرگوارش است. ابوالآذیان خدمتکار امام یازدهم علیه السلام در این باره می‌گوید:

امام حسن عسکری علیه السلام در آخرین روزهای عمر شریف خود، نامه‌هایی را به من داد و فرمود: «این‌ها را به شهر مدائن برسان؛ پس از پانزده روز به سامراء بازخواهی گشت و از خانه من، ناله و افغان خواهی شنید و [بدن] مرا در محل غسل خواهی دید». گفتم: «ای سرور من! چون چنین روی دهد، امام و جانشین شما که خواهد بود؟» فرمود: «هر کس پاسخ نامه‌های مرا از تو بخواهد، امام پس از من خواهد بود». گفتم: «نشانه دیگری بفرماید». فرمود: «کسی که بر من نماز بخواند، امام پس از من خواهد بود». گفتم: «نشانه دیگری بفرماید». فرمود: «کسی که از آنچه در کیسه است خبر دهد، امام پس از من خواهد بود». هیبت و شکوه امام، مانع از آن شد که بیرسم در آن کیسه چیست.

نامه‌ها را به مدائن بردم و جواب آن‌ها را گرفتم. همان‌گونه که فرموده بود، روز پانزدهم وارد سامراء شدم. در آن حال، فریاد ناله و افغان از سرای آن حضرت شنیدم و [بدن] امام عسکری علیه السلام را در محل غسل یافتم.

در آن حال جعفر، برادر آن حضرت را دیدم که بر در خانه امام ایستاده است و جمعی از شیعیان، وی را [در مرگ برادر] تسلیت و [بر امامتش] تبریک می‌گفتند. با خود گفتم: اگر این [جعفر] امام باشد، امامت، تباه می‌شود؛ زیرا او را می‌شناختم که اهل شراب و قماربازی و تارزنی است. [چون در پی نشانه‌ها بودم] پیش رفتم و [مانند دیگران] تبریک و تسلیت گفتم؛ ولی او درباره هیچ چیز [از جمله جواب نامه‌ها] از من سؤالی نکرد. در آن حال، عقید [یکی از خدمتکاران از خانه] بیرون آمد و [خطاب به جعفر] گفت: «ای سرور من! برادرت [امام عسکری علیه السلام] کفن شده است. برخیز و بر او نماز گزار». من همراه جعفر و جمعی از شیعیان، داخل خانه شدم و امام یازدهم علیه السلام را کفن شده بر تابوت دیدم. جعفر

پیش رفت تا بر برادرش نماز گزارد؛ ولی چون خواست تکبیر بگوید، کودکی گندم گون با گیسوانی مجعد و دندان‌های پیوسته بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و گفت: «ای عمو! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم». جعفر با چهره‌ای رنگ پریده و زرد، عقب رفت. آن کودک پیش آمد و بر بدن امام علیه السلام نماز گزارد. پس از آن [به من] فرمود: «جواب نامه‌هایی را که همراه داری، به من بده». نامه‌ها را به او دادم و با خود گفتم: این دو نشانه [از نشانه‌های امامت این کودک است] و جریان کیسه، باقی مانده است. نزد جعفر رفتم و او را دیدم که آه می‌کشید. یکی از شیعیان از او پرسید: «این کودک کیست؟»

جعفر گفت: «به خدا سوگند! هرگز او را ندیده و نمی‌شناسم».

ابوالادیان ادامه می‌دهد:

ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از امام حسن عسکری علیه السلام سراغ گرفتند. چون از شهادت آن حضرت باخبر شدند گفتند: «به چه کسی تسلیت بگوییم؟» مردم به جعفر اشاره کردند. آن‌ها بر او سلام کردند و تبریک و تسلیت گفتند. سپس خطاب به جعفر گفتند: «همراه ما نامه‌ها و اموالی است. بگو نامه‌ها از کیست و اموال چقدر است؟» جعفر برآشفته و از جا برخاست و گفت: «آیا از ما علم غیب می‌خواهید؟» در این حال، خدمتکار [از اندرون] بیرون آمد و گفت: «نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماست [و نام و نشانی صاحبان نامه‌ها را گفت] و نیز کیسه‌ای با شماست که در آن، هزار دینار است که نقش ده دینار آن، محو شده است». آن‌ها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: «آن که تو را برای گرفتن این‌ها فرستاده، امام است...»^۱.

۱. همان، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲، ص ۲۲۳.

خلاصه درس

- امام عسکری علیه السلام با توجه به مخفی بودن ولادت فرزندش، وی را به افراد مورد اعتماد و گروهی از بزرگان شیعه، معرفی و نشان داد تا مردم در شناخت آخرین امام علیه السلام دچار حیرت و گمراهی نگردند.
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در سنین کودکی به پرسش‌های کلامی و اعتقادی سعد بن عبدالله پاسخ دادند.
- حضرت بنا به سفارش پدر، هدایای ارسالی شیعیان توسط احمد بن اسحاق را دریافت و با معرفی صاحبان اموال، حلال و حرام آن را جدا کرده و اموال حرام را به صاحبان اصلی آنان ارجاع دادند.
- بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خود بر جنازه پدر نماز گذارد.

پرسش‌های درس

۱. چرا امام عسکری علیه السلام اقدام به معرفی و نشان دادن فرزندش به برخی از شیعیان نمودند؟
۲. آیه شریفه «انا بقية الله في ارضه...» توسط امام مهدی علیه السلام خطاب به چه کسی و در پاسخ به چه سوالی قرائت گردید؟
۳. امام عصر علیه السلام در پاسخ سعد بن عبدالله قمی، دلیل عدم انتخابی بودن امام علیه السلام را چگونه بیان فرموده است؟
۴. جریان تحویل وجوهات و هدایای شیعیان به امام عسکری علیه السلام توسط محمد بن اسحاق را توضیح دهید.
۵. سه نشانه از علانمی که امام عسکری علیه السلام به ابوالادیان جهت تشخیص امام بعد از خود معرفی فرموده را توضیح دهید.

سوالات پژوهشی

۱. دو وظیفه حساس و به ظاهر متضاد امام عسکری علیه السلام نسبت به فرزندش امام مهدی علیه السلام را تشریح نمایید. (اخفاء به جهت حفظ جان و اعلان به جهت معرفی)
۲. دلایل عدم موفقیت جعفر و نقش قمی‌ها در این رابطه را بیان کنید.
۳. اقدامات عسکریین علیهم السلام برای ورود شیعه به عصر غیبت را بیان فرمایید.

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲.
۲. تاریخ عصر غیبت، مسعود پورسیدآقای و ...
۳. دادگستر جهان، ابراهیم امینی
۴. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، محمدکاظم قزوینی.
۵. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، جاسم حسین.
۶. حیات فکری امامان شیعه، رسول جعفریان.
۷. تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری، غلامحسین محرمی.
۸. تاریخ غیبت صغری، سیدمحمد صدر.

درس پنجم

امام مهدی علیه السلام در آینه قرآن

اهداف

۱. معرفی امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن
۲. تبیین شیوه بیان قرآن درباره مهدویت

فوائد

۱. شناخت دلائل قرآنی موضوع مهدویت
۲. آشنایی با تفسیر و تاویل
۳. تعمیق اعتقاد قلبی مردم به حضرت

مطالب آموزشی

- سیری در آیات مهدوی
- شیوه های بیان در قرآن
- چرا نام امام مهدی علیه السلام در قرآن نیامده است؟
- تفسیر و تاویل در آیات مهدوی
- تحلیل و بررسی آیات مهدوی
- امام مهدی علیه السلام تحقق بخش وعده بزرگ خدا
- حکومت صالحان، اراده ازلی خدا
- مستضعفان، پیشوایان و وارثان زمین
- امام مهدی علیه السلام ذخیره بزرگ الهی

قرآن کریم، چشمه زلال‌ترین معارف الهی و ماندگارترین حکمت‌ها و دانش‌های مورد نیاز بشر است؛ کتابی است سراسر راستی و درستی که خبرهای گذشته و آینده جهان را بیان نموده و هیچ حقیقتی را فروگذار نکرده است. قیام انقلاب آخرین سفیر الهی، از بزرگ‌ترین حقایق جهان است که در کتاب خدا به آن، بشارت داده شده و به عنوان فرجام زیبای نیکان و صالحان از آن، سخن گفته شده است.

سیری در آیات مهدویت

موضوع مهدویت و حکومت جهانی صالحان در آیات فراوانی از قرآن کریم بیان شده است. بعضی از محققان تا ۲۶۵ آیه را در این موضوع بررسی کرده‌اند. این فراوانی آیات از تنوع موضوع هم برخوردار است؛ به گونه‌ای که برخی از آیات به شخص امام اشاره فرموده و در تعدادی از آیات، سخن از غیبت آن حضرت و حکومت جهانی او و نیز ویژگی‌های یاران او مطرح شده است. در ادامه بحث به نمونه‌هایی از این آیات خواهیم پرداخت.

شیوه‌های معرفی افراد در قرآن

با بررسی دقیق آیات در می‌یابیم که این کتاب الهی، معارف خود را به دو شیوه بیان کرده است:

الف. نام بردن

ب. بیان ویژگی‌ها و صفات

مقصود، این است که گاهی قرآن از حقیقتی نام می‌برد و با صراحت و بی‌پرده در باره آن سخن می‌گوید. گاهی نیز به دلایلی از نام بردن خودداری می‌کند و بیان ویژگی‌ها را ترجیح می‌دهد و از این مسیر، آن را به دیگران معرفی می‌کند؛ برای مثال، قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را بارها نام برده؛ ولی یاران او را با بیان ویژگی‌ها شناسانده است. از جمله:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾^۱

محمد، پیامبر خداست؛ و کسانی که با او هستند بر کافران سخت‌گیرند و با یک‌دیگر مهربان. آنان را می‌بینی که رکوع می‌کنند، به سجده می‌آیند و جویای فضل و خشنودی خدا هستند. نشانشان، اثر سجده‌ای است که بر چهره آن‌هاست.

همچنین در معرفی اولیای امر مؤمنان، خدا و پیامبرش را با صراحت نام می‌برد؛ اما درباره مصداق ولیّ پس از پیامبر، از بیان صفات و ویژگی‌های او بهره می‌گیرد؛ آن‌جا که می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۲

جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می‌خوانند و همچنان که در رکوعند، انفاق می‌کنند.

بنابراین ادبیات و شیوه بیان حقایق در قرآن، یکسان نیست و نباید انتظار داشته باشیم که هر حقیقتی در قرآن نام برده شده باشد. امام مهدی علیه السلام نیز در قرآن نام برده نشده است؛ ولی چنان که گفتیم، در آیات فراوان درباره حکومت جهانی او بشارت داده شده و به آن حضرت و غیبتش اشاره شده است.

۱. سوره فتح، آیه ۲۸.

۲. سوره مائده، آیه ۵۵.

چرا نام حضرت مهدی علیه السلام در قرآن نیامده است؟

در تمام آیات مهدویت از امام مهدی علیه السلام نام برده نشده است؛ همان گونه که از سایر امامان به ویژه اولین جانشین پیامبر، حضرت علی علیه السلام نام برده نشده است. علت چیست؟

اولاً چنانکه گفتیم، شیوه قرآن در معرفی دو گونه است و معرفی به ویژگی‌ها و صفات، در مواردی گوینده را از نام بردن بی‌نیاز می‌کند؛ به ویژه در مسأله امامت که بیان ویژگی‌های شخص امام، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های او را برای امامت آشکار می‌کند.^۱

ثانیاً گاهی در نام بردن، مانعی مانند خطر تحریف وجود دارد؛ چنانکه در معرفی شخص امام و بردن نام او این گونه بود؛ یعنی اگر قرآن از امام علی علیه السلام نام می‌برد، دشمنان کینه‌توز و منافقان برای حذف نام او از قرآن، به تحریف و کم و زیاد کردن قرآن اقدام می‌کردند و این سند جاودان الهی و آخرین کتاب آسمانی را بی‌اعتبار می‌نمودند.

ثالثاً خداوند در قرآن، نماز و زکات و حج را بیان کرده؛ اما بیان حدود و احکام آن‌ها را به پیامبر واگذار کرده است و در امامت نیز، لزوم پیروی از امام معصوم را بیان کرده؛ ولی معرفی مصادیق و اشخاص آن را به پیامبر حواله کرده است. روشن است که این وظیفه از سوی خدا به پیامبر اکرم داده شده است، آن جا که می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۲

و بر تو قرآن را نازل کردیم، تا آنچه را برای مردم نازل شده است، برایشان بیان کنی.

پیامبر اکرم در حدیث ثقلین، عترت خود را در ردیف قرآن قرار داد و به پیروی از آن‌ها دستور داد، تا ایشان را نیز به عنوان مفسران واقعی قرآن پس از خود به مسلمین بشناساند.

بنابراین همان گونه که سخن پیامبر در توضیح و تفسیر قرآن برای همه مسلمین حجت است، بیان امامان معصوم علیهم السلام نیز در شرح ظاهر و باطن آیات قرآن، حجیت دارد.

۱. در آیه ولایت (سوره مائده، آیه ۵۵) وقتی امام علی علیه السلام را با ویژگی‌های ایمان و نماز و زکات در حال رکوع معرفی می‌کند، او را به عنوان بنده صالحی که بین عبادت خدا و انفاق نیازمندان جمع کرده الگوی دیگران قرار داده است؛ چنانکه بزرگان اهل سنت مانند زمخشری در تفسیر کشاف، به آن اعتراف کرده‌اند.

۲. سوره نحل، آیه ۴۴.

تفسیر و تأویل در آیات مهدویت

اگر سؤال شود چگونه می‌توانیم ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام و حکومت او را در آیات بیابیم و از کجا بدانیم که این آیه به آن حقیقت بزرگ پرداخته است پاسخ این است که آیات قرآن با دو رویکرد به مهدویت نظر دارد: تفسیر و تأویل.

بعضی از آیات به گونه‌ای از آینده جهان و حاکمیت صالحان سخن گفته است که به روشنی به قیام و انقلاب مهدی علیه السلام تفسیر می‌شود و مصداقی جز آن نمی‌تواند داشته باشد؛ اما بیشتر آیات مهدویت با رویکرد تأویل، به امام مهدی علیه السلام و حکومت او نظر دارد؛ یعنی در ظاهر آیات، عبارتی نمی‌بینیم که با فهم و درک سطحی ما بر امام مهدی علیه السلام تطبیق شود؛ اما با توجه به بیان پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام - که مفسران حقیقی قرآنند - همان آیات، در بردارنده بشارت‌هایی درباره ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام است.

به بیان دیگر، آیات قرآن، ظاهری دارد و باطنی. بخشی از حقایق و معارف، در ظاهر عبارات قرآنی بیان شده است که تفسیر قرآن، همین بخش را توضیح می‌دهد؛ ولی پاره‌ای دیگر از حقایق در لایه‌های درونی آیات نهفته است که از دسترس افراد عادی دور است و معصومان علیهم السلام که همتای قرآنند آن حقایق را آشکار می‌کنند. این بخش را تأویل قرآن می‌گویند.

تحلیل و بررسی آیات مهدوی

در باره آیات مرتبط با امام مهدی علیه السلام در کتب تفسیر شیعه و اهل سنت، بحث شده است. بعضی از عالمان در کتاب‌های مستقلی این آیات را گردآوری کرده‌اند و در توضیح آن آیات، از روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بهره برده‌اند.^۱ در این بخش چند نمونه از آیات مهدوی را با شرح و تفسیری کوتاه می‌آوریم.

یک. امام مهدی علیه السلام تحقق بخش وعده بزرگ الهی

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

۱. برای نمونه ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۷، تألیف جمعی از مؤلفان؛ سیمای امام مهدی در قرآن ترجمه کتاب المحجه تألیف علامه سید هاشم بحرانی.

اَسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمْكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبْدِلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَّعْبُدُوْنَنِي لَا يُشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ^۱

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین، جانشین دیگرانشان کند؛ هم چنان که مردمی را که پیش از آن‌ها بودند، جانشین دیگران کرد. و دینشان را- که خود برایشان پسندیده است- استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند. و آن‌ها که از این پس ناسپاسی کنند، نافرمانند.

در توضیح این آیه شریف چند نکته را بیان می‌کنیم:

الف. مطابق این آیه، خداوند وعده داده است که جامعه‌ای را برای مؤمنان پدید آورد که سه ویژگی مهم داشته باشد:

۱. حاکمیت در آن جامعه در اختیار مؤمنان باشد؛

۲. دین اسلام به استقرار کامل برسد و بر همه ادیان چیره شود؛

۳. مؤمنان در امنیت کامل به سر برند و هیچ ترسی برای ایشان نباشد.

ب. در این آیه، خداوند با تأکیدهای پی در پی به مؤمنان وعده داده است و روشن است که وعده خدا حتماً واقع می‌شود و تخلف ندارد؛ چنان که خود فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾^۲.

ج. در ابتدای آیه آمده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾؛ یعنی این وعده الهی، مخصوص مؤمنانی است که اهل عمل صالح هستند و خداوند می‌خواهد برای چنین گروهی چنان جامعه‌ای را پدید آورد. پس شرط ایجاد جامعه‌ای صالح و شایسته، افراد مؤمن پرهیزکار است.

د. در اولین فراز وعده، به خلافت مؤمنان در زمین بشارت داده است (لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ) و برای این که چنین نویدی دور از ذهن مخاطبان نباشد، فرمود: چنانکه پیشینیان

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. سوره آل عمران، آیه ۹.

ایشان را خلیفه قرار داد (كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ)؛ یعنی پیش از شما هم صالحان از اقوام پیشین به لطف الهی به حاکمیت زمین رسیده‌اند.^۱

ه در فراز دوم وعده، از تمکین دین اسلام که دین مورد رضای خدا است خبر داده است که به معنای غلبه و چیرگی اسلام بر همه ادیان است،^۲ یعنی این که در آن زمان، دین اسلام، جهانی می‌شود و خطری آن را تهدید نخواهد کرد.

و. در فراز سوم وعده الهی، این بشارت است که مؤمنان پس از دوره‌ای که از سوی دشمن داخلی و خارجی در تهدید و ناامنی بودند به یک زندگی سراسر امن و خالی از هر ترس و نگرانی می‌رسند.

ز. در پایان آیه نتیجه شکل‌گیری جامعه‌ای که سه ویژگی خلافت صالحان، استقرار دین اسلام و امنیت فراگیر را داراست بیان کرده که عبارت است از بندگی خالص برای خدا که هیچ شرکی در آن نباشد. روشن است که این مهم، همان هدف عالی خلقت است که در جای دیگر قرآن آمده: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾.^۳

نتیجه بررسی آیه

درباره مراد و مقصود آیه، مفسران برداشت‌های گوناگونی دارند؛ ولی دقت در عبارات آیه به روشنی این معنا را می‌رساند که جامعه وعده داده شده در این آیه، جامعه‌ای ایده‌آل است که در گذشته تاریخ اسلام تحقق نیافته، بلکه پیوسته دین اسلام و نیز مسلمین و مؤمنین در خطر و تهدید بوده‌اند و چون مضمون آیه، وعده خداست، پس باید در آینده جهان، چنان جامعه‌ای پدیدار شود.

مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید:

این جامعه با این صفات تا کنون به وجود نیامده است و اگر مصداقی داشته باشد در روزگار امام مهدی علیه السلام خواهد بود. حق مطلب این است که این آیه جز با جامعه‌ای که با ظهور امام مهدی علیه السلام تشکیل می‌شود، با هیچ جامعه

۱. سوره نور، آیه ۵۵. البته لازم نیست اقوام صالح در گذشته در همه زمین حاکم شده باشند؛ زیرا ممکن است آیه، اصل خلافت را به خلافت گذشتگان تشبیه کرده باشد نه گستره خلافت را.

۲. مفسر بزرگ شیعه، مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان به این نکته تصریح کرده است.

۳. و «من جن و انس نیافریدم، مگر برای اینکه مرا عبادت کنند» (سوره ذاریات، آیه ۵۶).

دیگری قابل انطباق نیست.^۱

تفسیر آیه نور با کلامی نورانی

چنانکه از ظاهر آیه ۵۵ سوره نور پیداست و همان گونه که در کلام علامه طباطبایی گذشت این آیه با رویکردی تفسیری بر حکومت جهانی مهدی منطبق می‌شود. علاوه بر این در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز این حقیقت بزرگ با صراحت بیان شده است. امام سجاد علیه‌السلام پس از قرائت این آیه فرمود:

به خدا سوگند! اینان که در آیه وعده داده شده‌اند، شیعیان ما اهل بیت هستند. خداوند به وسیله مردی از ما برای ایشان، چنین جامعه‌ای را پدید خواهد آورد. او مهدی این امت است و او همان کسی است که رسول خدا در باره‌اش فرمود: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، هر آینه خداوند، آن روز را چنان طولانی می‌سازد، تا مردی از عترت من به حکومت رسد که نامش نام من است و زمین را از عدالت پر می‌کند؛ چنانکه از ستم آکنده باشد.»^۲

حکومت صالحان اراده ازلی خداوند

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۳

و ما در زبور- پس از تورات- نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.

در توضیح این آیه نکاتی را می‌گوییم تا چگونگی ارتباط آیه با مهدویت روشن شود: الف. مقصود از نوشتن (کتبنا) حتمی بودن یک کار است و کلمه «الارض» بدون قید به معنای همه زمین است. «ارث» درباره چیزی به کار می‌رود که بدون معامله و داد و ستد به کسی انتقال می‌یابد و در قرآن کریم گاهی به معنای تسلط و پیروزی یک قوم شایسته بر قوم بدکار و در اختیار گرفتن امکانات و دارایی آن‌ها به کار رفته است.^۴ بنابراین، آیه از

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ذیل آیه ۵۵ نور.

۲. مانند این حدیث از امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام نیز روایت شده است.

۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۵.

پیروزی قطعی صالحان خبر داده است

ب. در باره معنای زبور و ذکر، احتمالات گوناگونی بیان شده است. زبور، کتاب حضرت داوود بوده است؛ ولی کلمه زبور در لغت به هر کتابی گفته می‌شود؛ بنابراین ممکن است مقصود، تمام کتب آسمانی باشد.

واژه ذکر در قرآن درباره تورات^۱ و نیز قرآن^۲ به کار رفته است؛ ولی به دلیل معنای اصلی آن که یادآوری و تذکر است، درباره همه کتاب‌های آسمانی هم به کار می‌رود. از میان نظرهای فوق، تفسیر نمونه آیه را این گونه معنا کرده است:

ما در زبور نوشتیم پس از آنکه در تورات بیان کردیم که زمین را بندگان شایسته به ارث خواهند برد.^۳

اما چون در همه ادیان الهی بشارت ظهور منجی آخرالزمان وجود داشته و پیروزی صالحان جزء سنت‌های الهی در تاریخ بشر است، این معنا هم دور نیست که: ما در زبور نوشتیم پس از آن که در کتاب‌های آسمانی بیان کردیم که زمین را بندگان شایسته ما وارث خواهند شد.

ج. «عبادی الصالحون»، یعنی بندگان شایسته خدا که هم ایمان و توحید آنان را بیان می‌کند و هم شایستگی آن‌ها را از نظر عمل و پرهیزکاری و نیز از جهت علم و آگاهی اعلام کرده است.

گویی آیه شریف، شرط حاکمیت و پیروزی مستضعفان بر مستکبران را در دو محور عبودیت خدا و صلاحیت علمی و عملی خلاصه کرده است.^۴

در شرح و بیان آیه روایت شده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

کتاب‌های آسمانی همه ذکر هستند و مقصود از «عبادی الصالحون» قائم و یاران او هستند.

آخرین نکته درباره آیه مورد بحث، بشارت‌هایی است که در زبور داوود علیه السلام در ضمن

۱. سوره انبیاء، آیه ۴۸.

۲. سوره تکویر، آیه ۲۷.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۷.

۴. همان، ص ۵۱۸.

کتاب عهد قدیم آمده است:

زیرا که شریران منقطع می‌شوند و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد...

اما متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی، منقطع خواهند شد... خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد.^۱

با دقت در عبارات بالا روشن می‌شود که در زبور داوود همان تعبیر قرآنی صالحان آمده و به علاوه با کلمه شبیه آن یعنی متوکلان و متبرکان از آن‌ها یاد شده است.

دو. مستضعفان، پیشوایان و وارثان زمین

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ* وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَآ كَانُوا يُحْذَرُونَ﴾^۲

و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم و آن‌ها را در آن سرزمین، مکانت بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریان‌شان چیزی را نشان دهیم که از آن می‌ترسیدند.

برای توضیح این آیات و چگونگی ارتباط آن‌ها با موضوع مهدویت، نکاتی را بیان می‌کنیم:

الف. وقتی به آیات ابتدایی سوره قصص می‌نگریم درمی‌یابیم که خداوند از اراده قطعی خود مبنی بر پیروزی مستضعفان بر مستکبران خبر داده است و این که قوم بنی اسرائیل را به پیشوایی می‌رساند و آن‌ها را پس از دوره‌ای محرومیت، وارث زمین و نعمت‌های آن قرار می‌دهد و دشمنان آن‌ها را به دست ایشان خوار و زبون می‌سازد.

ب. با اینکه داستان بنی اسرائیل مربوط به گذشته تاریخ است، قرآن کریم در این دو آیه، با صیغه مضارع و فعل آینده سخن گفته است؛ گویی درباره یک جریان جاری در گذر زمان سخن می‌گوید که محدود به زمین خاصی مانند مصر و قوم مخصوصی چون

۱. همان، ص ۵۲۰.

۲. سوره قصص، آیه ۶ و ۵.

بنی اسرائیل نیست؛ بلکه سخن از یک قانون کلی در نظام آفرینش و سنت همیشگی خدا مبنی بر پیروزی مستضعفان در گستره زمان و در پهنه زمین است.

ج. با توجه به نکات گذشته، داستان بنی اسرائیل یکی از مصادیق آیه است؛ ولی خداوند، این بشارت بزرگ را به همه اقوام و ملت‌های مستضعف داده است. بنابراین پیروزی مسلمانان بر مشرکان و شکل‌گیری حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز از مصادیق همین آیات است.

آیا در آینده تاریخ نیز چنین اراده‌ای برای خداوند خواهد بود؟ پاسخ این است که آری؛ نمونه گسترده‌تر و کامل‌تر پیروزی مستضعفان در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام رخ خواهد داد که در آن روز، صالحان به پیشوایی زمین رسیده، همه زمین را به ارث خواهند برد؛ چنان که این حقیقت به روشنی در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء بیان شد.^۱

د. این حقیقت که این آیات به حکومت جهانی مهدی اشاره دارد در روایات متعدد از معصومان علیهم السلام بیان شده است. امام سجاد علیه السلام در توضیح این آیه فرمود:

والذی بعث محمداً بالحق بشیراً و نذیراً ان الابرار منا اهل البیت و شیعتهم بمنزلة موسی و شیعتہ و ان عدونا و اشیاعهم بمنزلة فرعون و اشیاعه؛^۲
سوگند به کسی که محمد را به حق، بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد! نیکان از ما اهل بیت و پیروان آنها به منزله موسی و پیروان او هستند و دشمنان ما و پیروان آنها به منزله فرعون و پیروان او می‌باشند.

یعنی سرانجام ما پیروز می‌شویم و آنها نابود می‌شوند و حکومت حق و عدل از ما خواهد بود.

و امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

این گروه، آل محمد هستند. خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و سختی‌ای که بر ایشان وارد می‌شود، بر می‌انگیزد و به آنها عزت داده، دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.^۳

گفتنی است در جایی دیگر امیرالمؤمنین در نهج البلاغه به این آیه استناد کرده و از

۱. شرح و بیان آیه در بخش‌های پیشین همین درس گذشت.

۲. مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث.

۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ح ۱۴۳، ص ۱۸۴.

حاکمیت امامان در آینده جهان خبر داده است:

تعتطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها و تلا عقیب ذلك
و نرید ان نمّن علی الذین...؛

«دنيا همانند شتر بدخو که به بچه اش گاز می گیرد (و باز به او مهربانی می کند)
به ما باز می گردد» سپس این آیه را قرائت فرمود: و (نرید ان نمّن علی
الذین...).^۱

سه. امام مهدی ذخیره بزرگ الهی

یکی از معروف ترین آیات درباره وجود مبارک امام مهدی آیه ۸۶ سوره هود است که
از مشهورترین لقب های آن حضرت گردیده است.

قرآن کریم می فرماید:

﴿بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾^۲

ذخیره خدا برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید.

این آیه شریف از نظر تفسیری، درباره حضرت شعیب و قومش است. آن پیامبر الهی
درباره رعایت حقوق مردم و کم فروشی نکردن، به قوم خود سفارش می کند و این نکته را
گوشزد می نماید که افزایش ثروت - اگر از راه ستم و خیانت بر دیگران باشد - خیر و
برکتی نخواهد داشت؛ بلکه سود حلال معامله که خدا برای شما باقی می گذارد (= بقیة
الله) سبب برکت و افزایش نعمت است و این واقعیت را کسانی درک می کنند که به خدا و
قوانین او ایمان داشته باشند و تنها به او اعتماد کنند.

از توضیح بالا روشن شد که مقصود از «بقیة الله» در این آیه شریف که یگانه مورد
به کارگیری این واژه در تمام قرآن است، سرمایه و سود حلال معامله می باشد؛ ولی از آن
جا که «بقیة الله» از نظر ترکیب لغوی به معنای بازمانده خدا است، در اصل لغت به معنای
هر موجود سودمندی است که به لطف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت
او می شود. بنابراین «بقیة الله» در این آیه، مصداق خاصی دارد؛ ولی محدود و منحصر به
این مورد نخواهد بود و با توجه به معنا و مفهوم جامعی که برای آن گفتیم، می تواند بر

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۰۰.

۲. سوره هود، آیه ۸۶.

مصدق‌های دیگر تطبیق شود.

طبق این برداشت، همه پیامبران خدا و پیشوایان بزرگ، بقیة الله هستند؛ چنانکه در زیارت جامعه کبیره، همه امامان با این لقب بقیة الله خطاب شده‌اند.^۱ چون مهدی موعود آخرین امام از سلسله امامان علیهم السلام و تنها بازمانده اولیای الهی بعد از پیامبران و امامان و آخرین امید مستضعفان و صالحان جهان است، مهم‌ترین و روشن‌ترین مصداق «بقیة الله» و از همه به این لقب شایسته‌تر است. به همین دلیل است که در روایات معصومان علیهم السلام نیز از او به همین تعبیر زیبا یاد می‌کنند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

نخستین جمله‌ای که مهدی پس از ظهور خود بر زبان می‌آورد، این آیه است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» سپس می‌گوید: «منم بقیة الله و حجت و خلیفه خدا در میان شما». پس از آن، هیچ کس بر او سلام نمی‌کند، مگر به این عبارت: «السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه».^۲

۱. «السلام علی الائمة الدعاء و القادة الهداة و السادة الولاة و الزادة الحماة و أهل الذکر و أولى الأمر و بقیة الله و خیرته و حزبه عبیة علمه و حجت و صراطه و نوره و برهانه و رحمة الله و برکاته (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره).

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶.

خلاصه درس

- قرآن، گاهی به صراحت از موضوعی نام می‌برد و در مواردی به بیان ویژگی های آن اکتفا می‌کند.
- به علت جلوگیری از تحریف قرآن، نام امام مهدی در این کتاب آسمانی نیامده است.
- خداوند در آیات فراوانی از قرآن مانند: آیه پنجم، سوره قصص، صد و پنجم سوره انبیاء و هشتاد و ششم سوره هود به موضوع مهدویت پرداخته است.
- سه وعده خداوند به «حاکمیت فراگیر مومنان، استقرار اسلام و برقراری امنیت» در آیه ۵۵ سوره نور، توسط امام مهدی عج محقق می‌شود.

پرسش‌های درس

۱. شیوه‌های بیان یک موضوع در قرآن را توضیح دهید.
۲. علت عدم تصریح به نام امام مهدی علیه السلام در قرآن را تبیین کنید.
۳. دیدگاه علامه طباطبائی در باره آیه ۵۵ سوره نور و چگونگی دلالت آن بر مهدویت را توضیح دهید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. مراد از «مستضعفین» در آیه ۵ سوره قصص را توضیح دهید.
۲. آیه مبارک ۸۶ سوره هود (بقیة الله خیر لکم...) را با توجه به روایات ذیل آن معنا نمایید.
۳. دو آیه از آیات ناظر به وجود حجت حیّ در هر زمان و چگونگی استدلال به آن آیات را بیان و اثبات کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام ج ۷.
۲. امام مهدی علیه السلام در قرآن، مهدی یوسفیان.
۳. درسنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، ج ۱.
۴. من هو المهدی، ابوطالب تجلیل تبریزی.
۵. فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۹، ویژه نامه امام مهدی علیه السلام در قرآن.
۶. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی‌نیا.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در آینه روایات

اهداف

۱. معرفی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از منظر روایات
۲. تبیین عرصه های مشترک مهدویت بین شیعه و اهل سنت

فوائد

۱. آگاهی از ویژگی های روایی مهدویت
۲. شناخت اصالت مهدویت از منظر روایات
۳. وحدت بخشی مهدویت

مطالب آموزشی

- سیری کوتاه در احادیث مهدویت
- منابع حدیثی مهدوی
- ویژگی های روایات مهدوی
- الف. تنوع و گوناگونی روایات
- ب. مهدویت در کلام معصومان علیهم السلام
- ج. راویان احادیث مهدوی
- د. اعتبار روایات مهدویت
- عرصه های مشترک مهدوی در روایات مسلمین
۱. جهانی بودن حکومت امام عجل الله تعالی فرجه
۲. نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان
۳. فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء
۴. مهدی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل فاطمه (س)
۵. هم نام بودن مهدی با پیامبر صلی الله علیه و آله

از منابع اصیل و غنی اسلامی برای فهم معارف دین، روایات و سنت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است. این گنجینه گران سنگ در کنار قرآن کریم، پاسخ گوی بخش زیادی از پرسش‌ها و راهنمای مسلمین در حوزه معرفت دینی است. وقتی قرآن کریم درباره اصول دین مانند توحید و معاد سخن می‌گوید، یا در باره فروع دین مانند نماز و حج و زکات، بحث می‌کند، بیان بسیاری از احکام و معارف و حد و مرزهای این موضوعات را به سنت معصومان علیهم السلام وا می‌گذارد. فقه غنی اسلامی - به ویژه اجتهاد شیعی - در بخش عمده‌ای، بر روایات معصومان علیهم السلام پایه گذاری شده است.^۱

مهدویت از اصیل‌ترین موضوعات اسلامی است که از آغاز اسلام، مطرح و پیوسته مورد توجه و عنایت مسلمین بوده است. پیشوایان معصوم اسلام علیهم السلام کوشیده اند ابعاد گوناگون این جریان را بیان کنند. این تلاش فرهنگی، مجموعه عظیمی از معارف مهدوی را فراهم آورده است که تهیه و تدوین آن، محصول مجاهدت ارزشمند و پیوسته عالمان راستین است.

سیری کوتاه در احادیث مهدویت

در بین موضوعات اسلامی، کمتر موضوعی است که به اندازه مهدویت، روایت داشته

۱. مجموعه مفصل وسائل الشیعه تألیف مرحوم شیخ حر عاملی گواهی بر این ادعاست.

باشد. بعضی از محققان حدود دو هزار روایت از کتاب‌های روایی مسلمین را در این موضوع گردآورده‌اند.^۱

روایات مهدویت در کتاب‌های فراوانی از شیعه و اهل سنت نقل شده‌اند که در این مجموعه، منابع قدیمی و اصیلی وجود دارد که سابقه آن به عصر امامان معصوم علیهم السلام می‌رسد. این بدان معنا است که روایات مهدوی حتی پیش از تولد امام مهدی علیه السلام در میان اصحاب امامان علیهم السلام معروف بوده و در اصول حدیثی شیعه تدوین شده است.^۲

منابع حدیثی مهدویت در یک نگاه

منابع حدیثی، کتاب‌های اصلی و مادر هستند که مرجع و مستند کتاب‌های دیگر قرار گرفته‌اند و به همین سبب از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. این مجموعه در همه مذاهب اسلامی نزد محققان و عالمان شناخته شده و مورد توجه هستند. مهم‌ترین منابع حدیثی شیعه در موضوع مهدویت به شرح زیر است:

الف. «کافی» اثر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹): این کتاب از قدیمی‌ترین و معتبرترین آثار روایی شیعه است که حاوی موضوع‌های مختلف اسلامی است و بخش‌هایی از آن درباره امامت و مهدویت است.

ب. «الغیبه» اثر محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، معروف به نعمانی: نعمانی از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است و همه کتابش را به روایات مهدویت اختصاص داده و ۴۷۸ حدیث نقل کرده است.

ج. «کمال الدین و تمام النعمه» اثر شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی (م ۳۱۸ق): وی از عالمان بزرگ شیعه است که کتابش را به دستور امام عصر علیه السلام نوشته.^۳ تمام بخش‌های کتاب، درباره حضرت مهدی علیه السلام است و از مهم‌ترین منابع روایی ما به شمار می‌رود.

د. «الارشاد» اثر شیخ مفید (م ۴۱۳ق): او از استوانه‌های بزرگ شیعه و استاد بزرگانی

۱. ر. ک: معجم احادیث الإمام المهدی. در این کتاب، روایات پیامبر و معصومان علیهم السلام در هشت جلد، گردآوری شده است.

۲. مانند کتاب الغیبه للحجه، اثر عباس بن هشام ابوالفضل الناشری (م ۲۲۰ق).

۳. توضیح این جریان در مقدمه مؤلف در همین کتاب آمده است.

مانند شیخ طوسی و سید مرتضی و سید رضی است. این کتاب، دربردارنده تاریخ و فضائل امامان معصوم علیهم السلام و از جمله امام دوازدهم حضرت ولی عصر علیه السلام است.

ه. «کتاب الغیبه» اثر شیخ طوسی (م ۴۶۰ق): این کتاب از مهم ترین و کامل ترین منابع شیعه در بحث مهدویت است؛ زیرا دلائل عقلی و نقلی وجود امام مهدی علیه السلام و غیبت و ظهور و نیز علائم ظهور، فضائل و سیره آن امام را آورده است. مؤلف کتاب، از بزرگان عالمان شیعه است که آثار ارزشمند دیگری به ویژه در بخش فقه و تفسیر از خود به جا گذاشته است.

گفتنی است که محدث بزرگ شیعه، مرحوم علامه مجلسی رحمته الله مجموعه روایات کتب یاد شده را در سه جلد (۵۱-۵۳) از مجموعه گران سنگ بحار الانوار گردآوری کرده است.

اهل سنت نیز در مهم ترین کتاب های خود احادیث مهدویت را نقل کرده اند. برای نمونه می توان به مسند احمد بن حنبل پیشوای مذهب حنبلی (م ۲۴۱ق) و سنن ابوداود (م ۲۷۵ق) و سنن ترمذی (م ۲۷۹ق) از مجموعه صحاح سته اشاره کرد.

به علاوه، بعضی از عالمان اهل سنت کتاب مستقلی درباره مهدویت نوشته اند؛ همچون محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۲۵۸ق) که *البیان فی اخبار صاحب الزمان* را نگاشته است.^۱

گفتنی است که جمعی از محققان معاصر، روایات شیعه و سنی را در مجموعه ای با عنوان *معجم احادیث الامام المهدی* تدوین کرده اند.

از بهترین کتاب های حدیثی زمان ما کتاب منتخب الاثر تألیف آیت الله صافی گلپایگانی است که ۹۲۲ روایت از ۱۵۷ کتاب روایی شیعه و اهل سنت را در موضوعات مختلف با نظم و ترتیب، گردآورده است. این اثر ارزشمند می تواند نیازهای اولیه محققان عرصه مهدویت را پاسخ دهد؛ ولی این نکته را باید مد نظر داشت که بهره مندی از روایات مهدوی، پایه ای از دانش و تسلط بر علوم عربی و حوزوی را می طلبد و باید بدانیم که در همان حال که از این سرچشمه زلال استفاده می کنیم، نباید خود را از معلم و استاد این فن بی نیاز بدانیم.

۱. برای آشنایی بیشتر با آثار اهل سنت در موضوع مهدویت، ر. ک: *الامام المهدی عند اهل السنة* تألیف مهدی فقیه ایمانی.

ویژگی‌های روایات مهدوی

روایات مربوط به مهدویت، ویژگی‌هایی دارند که آشنایی با آن‌ها می‌تواند مطالعه و تحقیق در این مجموعه را دقیق‌تر و آسان‌تر کند و راه معرفت به آن حضرت را هموارتر سازد. برخی از ویژگی‌های روایات مهدویت را به اختصار بیان می‌کنیم.

الف. تنوع و گوناگونی موضوع

زندگی امام مهدی علیه السلام با پدران بزرگوارش علیهم السلام متفاوت است. شرایط ویژه‌ای در حیات آن حضرت وجود داشته و دارد که در سایر امامان نبوده است؛ مانند ولادت پنهانی، غیبت طولانی، وضعیت مردم در دوران غیبت، طول عمر حضرت، حکومت جهانی، عدالت و امنیت و... این زوایای مختلف که همگی نیازمند توضیح و تفسیر هستند موجب شده که روایات معصومان درباره مهدویت، بسیار متنوع و گوناگون باشند. در واقع معصومان علیهم السلام کوشیده‌اند نیاز مردم به معرفت امام زمان را در حوزه‌های گوناگون تامین کنند.

کتاب منتخب الاثر موضوعات مربوط به امام عصر علیه السلام را مطرح، و برای هریک، روایاتی را نقل کرده است.

ب. مهدویت در کلام همه معصومان علیهم السلام

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مهدویت، این است که همه معصومان از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا شخص امام مهدی علیه السلام در باره این موضوع سخن گفته‌اند. کتاب معجم احادیث الامام المهدی روایات هر یک از معصومان را به طور جداگانه آورده است که در این میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ۵۶۰ روایت، بیشترین روایت را دارد.^۱ این گسترده‌ی روایات از یک سو نشانه اهتمام پیشوایان ما به موضوع مهدویت و زنده نگهداشتن آن، و از سوی دیگر، نشانه علاقه مسلمین برای پرسش و پاسخ در این موضوع و لزوم معرفت عمیق و جزء به جزء به این حقیقت است.

۱. این مجموعه در هشت جلد توسط گروهی از محققان (علی کورانی، نجم الدین طوسی و...) تدوین شده است.

ج. راویان احادیث مهدوی

در منابع شیعه و اهل سنت، مجموعه‌ای گسترده از روایات مهدوی موجود است. این روایات به وسیله حدود شصت نفر از اصحاب پیامبر ﷺ نقل شده است که در کمتر موضوعی چنین بوده است. نکته مهم این که در مجموعه راویان، شخصیت‌های بزرگ و بی‌نظیر از اهل بیت پیامبر ﷺ و چهره‌های مشهور اصحاب پیامبر وجود دارد. برخی از راویان عبارتند از:

حضرت امام علی علیه السلام (شهادت ۴۰ ق)، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (شهادت ۱۱ ق)، حضرت امام حسن علیه السلام (شهادت ۵۰ ق)، حضرت امام حسین علیه السلام (شهادت ۶۱ ق)، ابوذر غفاری (م ۳۲ ق)، سلمان فارسی (م ۳۲ ق)، عمار یاسر (شهادت ۳۷ ق)، جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۸ ق) و حتی کسانی مانند عمر بن خطاب (م ۲۳ ق)، عثمان بن عفان (م ۳۵ ق) و عایشه (م ۵۲ ق) که در موضوع خلافت و امامت بعد از پیامبر ﷺ موضعی متفاوت با اهل بیت علیهم السلام پیامبر داشتند.

اعتبار روایات مهدویت

از ویژگی‌های ارزشمند یک موضوع روایی، صحیح بودن روایاتی است که در آن موضوع نقل شده است. این ویژگی، سبب قبولی آن روایات و در نتیجه اصالت و اعتبار آن موضوع می‌شود. در مهدویت با توجه به فراوانی روایات و منابع کهن و اصیل، روایات صحیح فراوانی موجود است. نکته مهم این که بسیاری از بزرگان اهل سنت به صحیح بودن روایات مهدویت اعتراف کرده اند و به همین دلیل، اعتقاد به قیام مهدی علیه السلام را از مسلمات دین و از جمله واجبات دانسته‌اند.

بعضی از علمای اهل سنت در مقام دفاع از عقیده مهدویت و ردّ منکران این عقیده، کتاب و مقاله نوشته اند و با بیانات علمی و شواهد روایی جریان امام مهدی را از امور قطعی و غیر قابل انکار دانسته‌اند؛ همچون محمد صدیق مغربی که در ردّ گفتار ابن خلدون که تلاش کرده است روایات مهدویت را ضعیف و غیر معتبر جلوه دهد، کتابی نگاشته و

به سختی از او انتقاد کرده است.^۱

ویژگی دیگر در روایات مهدویت، تواتر آن است. به این معنا که گاهی تعداد راویان یک حدیث به اندازه‌ای زیاد است که امکان دروغ بودن سخن آن‌ها به صفر می‌رسد و در این صورت، مطمئن می‌شویم که آن حدیث از معصوم علیه السلام است. این امر، پدیده نادری است که از علمای اهل سنت بزرگانی مانند قرطبی مالکی، ابن حجر عسقلانی و سیوطی نیز به آن اعتراف کرده‌اند.^۲

عرصه‌های مشترک حدیثی مسلمین

با مطالعه و تحقیق در منابع روایی شیعه و اهل سنت، موارد متعددی یافت می‌شود که همه مسلمین در باره آن‌ها اتفاق نظر دارند. در این مجال، امکان طرح و بررسی همه آن‌ها نیست؛ ولی بجاست نمونه‌هایی را یاد آور شویم.^۳ در هر نمونه روایتی از کتب اهل سنت و پس از آن، روایتی از کتب شیعه می‌آوریم.

۱. جهانی بودن حکومت مهدی و عدالت فراگیر او

این که حکومت مهدی موعود و عدالت او همه جا را فراخواهد گرفت، مورد قبول همه مسلمین بوده است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

تملاً الارض جوراً و ظلماً فیخرج رجل من عترتی یملک الارض... فیملأ الارض قسطاً و عدلاً؛^۴

زمین از ستم و ظلم پر می‌شود. مردی از عترت من قیام می‌کند و بر زمین حاکم می‌شود... پس زمین را از عدل و داد، پر می‌کند.

۱. نام کتاب او *ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون* (آشکار کردن توهم پوشیده در کلام ابن خلدون) است.

۲. شیخ ناصرالدین البانی از بزرگان اهل سنت می‌گوید: «همانا عقیده به خروج مهدی عقیده ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم است که ایمان به آن، واجب است» (مجله *التمیذ الاسلامی*، ش ۲۲، ص ۵۴۳). نیز ر.ک: *انتظار*، شماره ۴؛ کتاب *امام مهدی در احادیث شیعه و سنی*، ص ۳۴-۳۶.

۳. برای آگاهی از موارد بیش‌تر، ر.ک: *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، تألیف دکتر مهدی اکبر نژاد.

۴. *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۴، ص ۵۵۸.

امام باقر علیه السلام فرمود:

یملک القائم... یملأ الارض قسطاً و عدلاً و جوراً فیفتح الله له شرق الأرض و غربها؛^۱

قائم بر زمین حاکم می‌شود... زمین را از عدل و داد پر می‌کند و خداوند شرق و غرب عالم را برای او فتح می‌کند.

دقت در مضمون این گونه روایات می‌رساند که هم حکومت و هم عدالت مهدی، همه زمین را می‌گیرد؛ زیرا تعبیر الارض بدون قید، نشانه گسترده‌گی معنای آن است.

۲. نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان

روایات اسلامی از شیعه و سنی بر این امر اتفاق دارند که در هنگام ظهور، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و در نماز به امام مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند. این حادثه، نقطه عطفی در جریان ظهور امام عصر است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و إمامکم منکم؛^۲

چگونه است حال شما وقتی که فرزند مریم از آسمان فرود آید؛ در حالی که امام شما فردی از میان شما [= مسلمین] باشد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

فینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه...^۳

روح الله عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او [امام مهدی علیه السلام] نماز می‌خواند.

۳. فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء

برای ظهور امام مهدی در روایات، نشانه‌های فراوانی بیان شده و در مواردی از آن‌ها بین شیعه و اهل سنت، اشتراک نظر وجود دارد؛ مانند خروج سفیانی و فرو رفتن لشکرش در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۲۱۲، ص ۳۹۰.

۲. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۴، ح ۲۷، ص ۵۲۴.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لشکری آهنگ کعبه می‌کند. وقتی به سرزمین بیداء در آمدند زمین، همه آن‌ها را فرو می‌برد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

امیر لشکر سفیانی [همراه لشکرش] به بیدا فرود می‌آید. پس منادی از آسمان ندا می‌دهد: «ای زمین بیداء! نابود کن این قوم را». در این هنگام، زمین آن‌ها را در خود فرو می‌برد.^۲

۴. مهدی علیه السلام از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل فاطمه علیه السلام

درباره نسب امام مهدی نیز اشتراک نظر وجود دارد. در روایات فراوان آمده است که آن حضرت از فرزندان فاطمه علیه السلام است و روشن است که این حقیقت، ادعای بسیاری از مدعیان دروغین مهدویت را باطل می‌کند.

در منابع اهل تسنن آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمه؛^۳ مهدی از عترت من، از فرزندان فاطمه است».

این روایت با همین عبارت در کتب شیعه نیز آمده است.^۴

۵. هم نام بودن مهدی با پیامبر صلی الله علیه و آله

در روایات شیعه و سنی، امام موعود با لقب مهدی و هم نام با پیامبر معرفی شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا تذهب و لا تنقضی الدنيا حتی یملک العرب رجل من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی؛^۵

دنیا به پایان نمی‌رسد، تا این که مردی از اهل بیتم بر عرب حاکم شود که هم نام من است.

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ح ۲۰۱۲، ص ۷۴۶.

۲. الغیبه نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۲۸۰.

۳. سنن ابی داود، ج ۴، ح ۴۲۴۸، ص ۱۹۷.

۴. الغیبه شیخ طوسی، ص ۱۶۸.

۵. سنن ابی داود، ج ۴، ح ۴۲۸۴، ص ۱۷۳.

نیز آن حضرت فرمود:

القائم من ولدی، اسمہ اسمی و کنیتہ کنیتی و شمائلہ شمائلی و سنتہ سنتی...؛
قائم از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه او کنیه من است. شمایل او
همان شمایل من و سنت او همان سنت من است.

خلاصه درس

- روایات مهدویت از دیرزمان در کتاب‌های فراوانی از شیعه و اهل سنت نقل شده است.
- الغیبه نعمانی، کمال الدین شیخ صدوق، الغیبه شیخ طوسی و منتخب الاثر آیت الله صافی گلپایگانی از مهم‌ترین کتاب‌های حدیثی مهدوی هستند.
- همه معصومان درباره مهدویت حدیث دارند. نزدیک به شصت تن از صحابه راوی حدیث مهدوی هستند و ۱۸۰ نفر از محدثین اهل سنت، این روایات را در کتاب‌های خود آورده‌اند.
- پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام در سخنان خود، ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام، دوره‌های زندگی، نشانه‌های ظهور، چگونگی قیام، ویژگی‌ها و دستاوردهای حکومت آن حضرت را به روشنی بیان کرده‌اند.
- اموری مانند هم نامی با پیامبر، از عترت و از نسل حضرت زهرا علیها السلام بودن، جهانی بودن حکومت او، عدالت گستری، نزول عیسی علیه السلام در زمان او و خسف بیداء و... از مشترکات حدیثی مسلمانان در این باره است.

پرسش‌های درس

۱. ویژگی روایات مهدوی را بیان کنید.
۲. دلایل اعتبار روایات احادیث مهدوی را توضیح دهید.
۳. عرصه‌های مشترک روایات مهدوی بین شیعه و اهل سنت را تبیین کنید.
۴. نقش صحابه در ترویج روایات مهدوی را بیان کنید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. موضوعات روایات مهدوی را با دسته‌بندی بیان کنید.
۲. دیدگاه ابن خلدون را در مهدویت نقد و بررسی نمایید.
۳. جایگاه مهدویت در صحیحین را بررسی کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. معجم احادیث الا/امام المهدی (عج).
۲. امام مهدی (عج) در احادیث شیعه و سنی، مرکز تخصصی مهدویت.
۳. درسنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، ج ۲.
۴. من هو المهدی، ابوطالب تجلیل تبریزی.
۵. در انتظار ققنوس، سید ثامر العمیدی، ترجمه: علی‌زاده.
۶. بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، مهدی اکبرنژاد.

غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و علل آن

اهداف

۱. آشنایی با غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۲. آشنایی با حکمت‌ها و علل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۳. آشنایی با دوره‌های مختلف غیبت

فوائد

۱. شناخت برخی دلائل محرومیت از حضور ظاهری امام عجل الله تعالی فرجه
۲. انگیزه برای تلاش برای زمینه سازی ظهور حضرت
۳. آشنائی با دوره‌های غیبت حضرت

مطالب آموزشی

۱. مفهوم شناسی غیبت
۲. پیشینه غیبت
۳. فلسفه غیبت
- سری از اسرار الهی
- حفظ جان امام
- استقلال و نبودن تحت بیعت دیگران
- آزمایش مردم
- تأدیب مردم
۴. مراحل غیبت
- زمینه سازی برای غیبت
- غیبت کوتاه مدت
- غیبت بلند مدت

غیبت

پس از اینکه با شخصیت منجی بزرگ عالم و تحقّق بخش آرمان آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا خاتم وَعَلَيْهِ السَّلَام و آخرین ذخیره الهی، حضرت حجت بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَام آشنا شدیم، اکنون درباره غیبت آن یگانه دوران که بخش مهمی از زندگی آن حضرت است، سخن می‌گوییم.

مفهوم غیبت

اولین نکته قابل طرح، آن است که غیبت به معنای «پوشیده بودن از دیدگان» است، نه حاضر نبودن. بنابراین در این بخش، سخن از دوره‌ای است که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از چشمان مردمان غایب است و آن‌ها او را نمی‌بینند و این در حالی است که آن بزرگوار در بین مردم حضور دارد و در میان ایشان رفت و آمد می‌کند. این حقیقت در روایات امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به عبارات گوناگون بیان شده است.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

سوگند به خدای علی! حجت خدا در میان مردم هست و در راه‌ها [کوچه و بازار] گام برمی‌دارد؛ به خانه‌های آن‌ها سر می‌زند؛ در شرق و غرب زمین رفت و آمد می‌کند؛ گفتار مردم را می‌شنود و بر ایشان سلام می‌کند؛ می‌بیند و دیده

نمی‌شود، تا وقت [معین] و وعده [الهی]^۱.

البته نوع دیگری از غیبت نیز برای آن حضرت بیان شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

در صاحب این امر، سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد... اما سنت او از یوسف، پنهان بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می‌دهد؛ [به گونه‌ای که] مردم او را می‌بینند؛ ولی نمی‌شناسند.^۲

بنابراین مطابق روایات، غیبت امام مهدی علیه السلام ممکن است به دو گونه روی دهد:

یک. غیبت شخص و جسم؛ یعنی امام دیده نمی‌شود گرچه حضور دارد.

دو. غیبت شخصیت و عنوان؛ یعنی امام دیده می‌شود؛ ولی شناخته نمی‌گردد.

پیشینه غیبت

غیبت و نهان زیستی، پدیده‌ای نیست که برای نخستین بار و تنها درباره آخرین حجّت پروردگار روی داده باشد؛ بلکه از روایات فراوان استفاده می‌شود که تعدادی از پیامبران بزرگ الهی، بخشی از زندگی خود را در پنهانی و غیبت بوده‌اند و این امر به سبب حکمت و مصلحت خدایی بوده است، نه یک خواسته شخصی یا مصلحت خانوادگی.

بنابراین غیبت، یکی از سنت‌های^۳ الهی است که در زندگی پیامبرانی همچون ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال و عیسی علیهم السلام جریان یافته است و هر یک از آن سفیران الهی به تناسب شرایط، سال‌هایی را در غیبت به سر برده‌اند.^۴

به همین دلیل است که در روایات، غیبت حضرت مهدی علیه السلام یکی از سنت‌های پیامبران دانسته شده است.

۱. الغیبة نعمانی، باب ۱۰، ج ۳، ص ۱۴۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۳، ح ۴۶، ص ۲۸.

۳. قرآن کریم در سوره‌های متعددی از جمله غافر، آیه ۵۸؛ فتح، آیه ۲۳ و اسراء، آیه ۷۷ از سنت الهی سخن گفته است. از مجموع این‌ها استفاده می‌شود که مقصود از سنت الهی، قوانین ثابت و اساسی الهی است که هرگز در آن، دگرگونی روی نمی‌دهد. این قوانین، هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۵، با تلخیص).

۴. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب اول تا هفتم، ص ۲۵۴ تا ۳۰۰.

امام باقر علیه السلام فرمود: در صاحب این امر سنت‌هایی از چهار تن از پیامبران وجود دارد... اما سستی که از یوسف پیامبر دارد، غیبت است.^۱

فلسفه غیبت

به راستی چرا امام و حجت خدا در پس پرده غیبت قرار گرفته است و کدام علت سبب شد تا مردم از برکات ظهور او محروم گردند؟
درباره علت غیبت، روایات متعدد و متنوعی موجود است که در بیشتر آن‌ها از فلسفه غیبت سؤال شده است. بعضی از روایات، علتی را برای غیبت بیان کرده‌اند؛ ولی بعضی دیگر به گونه ای دیگر با این پرسش برخورد کرده اند که قاعده ای است برای پیدا کردن پاسخی مشترک به بسیاری از سؤالات ما. در این بخش در پی آنیم که با توجه به روایات، به پاسخی مناسب برسیم.

سرّی از اسرار الهی

ما ایمان داریم که خداوند عالم، هیچ کار کوچک و بزرگی را جز بر اساس حکمت و مصلحت انجام نمی‌دهد؛ خواه این مصلحت‌ها را بشناسیم یا نه. نیز همه رویدادهای خرد و کلان جهان با تدبیر پروردگار و به اراده او انجام می‌پذیرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، حادثه غیبت امام مهدی علیه السلام است؛ بنابراین غیبت آن سرور نیز مطابق حکمت و مصلحت است؛ اگرچه ما فلسفه آن را ندانیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بی تردید برای صاحب الامر غیبتی است که هر اهل باطلی، در آن به شک می‌افتد».

راوی درباره علت غیبت سؤال کرد. حضرت فرمود:

«غیبت به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم... غیبت، سرّی از اسرار الهی است؛ ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ، حکیم است، می‌پذیریم که همه کارهای او [براساس] حکمت است؛ هر چند علت آن کارها برای ما معلوم نباشد».^۲

^۱. کمال الدین و تمام العنمة، ج ۱، باب ۳۲، ح ۶، ص ۳۲۶.

^۲. همان، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱، ص ۲۰۴.

البته چه بسا انسانی که همه افعال خداوند را حکیمانه می‌داند و در برابر آن‌ها سر تسلیم فرود می‌آورد، به دنبال دانستن راز و رمز بعضی از رویدادهای عالم باشد، تا به سبب علم به فلسفه یک پدیده، آرامش نفس و اطمینان قلبی بیشتری یابد؛ بنابراین به بحث و بررسی درباره حکمت‌ها و آثار غیبت حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازیم و به روایات مربوط به آن اشاره می‌کنیم.

حفظ جان امام

یکی از عواملی که سبب کناره گیری پیامبران از قوم خود می‌شد، حفظ جان خویش بود. آن‌ها برای اینکه بتوانند در فرصتی دیگر رسالت خود را به انجام رسانند در شرایطی که مورد تهدید قرار می‌گرفتند، پنهان می‌شدند؛ همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مکه بیرون رفت و در غار پنهان شد. البته همه این‌ها به دستور و اراده خداوند است. درباره حضرت مهدی علیه السلام و علت غیبت او نیز در روایات متعدد، چنین امری بیان شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم‌ها غایب خواهد شد». از حضرت درباره علت آن سؤال شد. حضرت فرمود: «برجان خویش بیمناک است».^۱

شهادت آرزوی مردان خداست؛ ولی شهادتی مطلوب است که در میدان انجام وظیفه الهی و به صلاح جامعه و دین خدا باشد؛ اما آن گاه که کشته شدن فرد، به معنای از دست رفتن اهداف باشد، ترس از قتل، امری عقلی و پسندیده است. کشته شدن امام دوازدهم که آخرین ذخیره الهی است، به معنای فرو ریختن کعبه آمال و آرزوی تمام انبیاء و اولیاء علیهم السلام و تحقق نیافتن وعده پروردگار در تشکیل حکومت عدل جهانی است.

استقلال و نبودن پیمان دیگران

آن‌ها که به دنبال ایجاد یک تحوّل و انقلاب هستند به ناچار در ابتدای قیام با بعضی از

۱. همان، ح ۷، ص ۲۳۳.

مخالفان، عهد و پیمانی می‌بندند تا بتوانند اهداف خود را دنبال کنند؛ ولی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه آن مصلح بزرگی است که در راه برپایی انقلاب و حکومت عدل جهانی با هیچ قدرت ستم‌گری سازش نخواهد کرد؛ زیرا مطابق روایات فراوان، او مأمور به مبارزه قاطع و آشکار با همه ظالمان است. به همین سبب تا آماده شدن شرایط انقلاب، در غیبت می‌رود تا مجبور نباشد با دشمنان خدا عهد و پیمانی ببندد.

در روایتی از امام رضا علیه السلام علت غیبت، این گونه بیان شده است:

برای اینکه آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او [امام مهدی عجل الله تعالی فرجه] بیعتی نداشته باشد.^۱

آزمایش مردم

امتحان کردن مردم، یکی از سنت‌های خداوند است. او بندگان خود را به اسباب گوناگون می‌آزماید تا میزان استواریشان در مسیر حق روشن شود. البته نتیجه امتحان برای خداوند معلوم است؛ ولی در کوره آزمایش‌ها، این بندگان هستند که ساخته می‌شوند و به جوهر وجود خود پی می‌برند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را از آن بیرون نکند. برای صاحب این امر [= امام مهدی عجل الله تعالی فرجه] غیبتی خواهد بود که گروهی از پیروان او، از اعتقاد خود دست بر می‌دارند. این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن، بندگان را می‌آزماید.^۲

تأدیب مردم

وقتی امت، قدر پیامبر و امام را نشناسند و وظایف خود را در برابر او انجام ندهند، بلکه اوامر او را نافرمانی کنند، رواست که خداوند، پیشوای ایشان را از آن‌ها جدا کند، تا به خود آیند و در روزگار غیبت او، ارزش و برکت وجود او را دریابند. در این صورت، غیبت امام به مصلحت امت است؛ گرچه آن‌ها ندانند و درک نکنند.

۱. همان، ح ۴.

۲. الغیبة طوسی، فصل ۵، ح ۲۸۴، ص ۲۳۷.

امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی خداوند همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد ما را از میان آن‌ها برگیرد.^۱

گفتنی است که در روایات، نکته‌های دیگری نیز درباره علت غیبت امام دوازدهم علیه السلام بیان شده‌اند که برای رعایت اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم. آنچه مهم است، اینکه همان گونه که پیش از این گذشت، «غیبت»، سرّی از اسرار الهی است و علت اصلی و اساسی آن پس از ظهور آشکار خواهد شد و آنچه بیان شد، عواملی است که در غیبت امام عصر علیه السلام تأثیر گذار بوده است.

مراحل غیبت

با توجه به مطالب گذشته، غیبت امام مهدی علیه السلام امری لازم و ضروری بود؛ ولی از آنجا که همه اقدام‌های پیشوایان ما، در راستای تقویت پایه‌های ایمان مردم بود و بیم آن بود که غیبت آخرین حجت الهی، آسیب‌های جدّی به دیانت مسلمین وارد آورد، دوران غیبت با برنامه ریزی دقیق، آغاز شده و ادامه پیدا یافت.

زمینه‌سازی برای غیبت

یکی از اقداماتی که به آمادگی شیعیان برای دوره غیبت، بسیار کمک کرد، این بود که سال‌ها پیش از ولادت امام دوازدهم علیه السلام سخن از غیبت آن بزرگوار و ضرورت آن، در گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام مطرح شد.^۲ این اقدام سبب آشنایی شیعیان با پدیده غیبت و لزوم آن و نیز چگونگی حوادث و فتنه‌های غیبت شد، تا به سبب غیبت امام علیه السلام به انحراف نگرایند.

اقدام دیگر که برای زمینه‌سازی غیبت مفید بود، شیوه ارتباط امام هادی و امام عسکری علیه السلام با شیعیان بود که در قالبی جدید و به شکل محدودتری انجام گرفت. آن دو

۱. علل الشرایع، ص ۲۴۴، باب ۱۷۹.

۲. در درس سوّم کتاب گفتاری در این موضوع گذشت.

امام بزرگوار در آستانه غیبت، به پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام آموختند که در بسیاری از نیازهای مادی و معنوی، مجبور به شرفیابی به محضر امام حاضر و ظاهر نیستند؛ بلکه می‌توانند با مراجعه به وکلای امامان علیهم السلام به وظایف خود عمل کنند. این در زمانی بود که «نهاد وکالت» به وسیله امامان تأسیس شده و در میان شیعیان، شناخته شده بود و شیعیان به این سازمان اعتماد کافی داشتند.^۱

اقدام سوّم، دومرحله‌ای شدن غیبت بود. در مرحله نخست گرچه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه غایب بود، رابطه امام و امت به کلی قطع نشد؛ بلکه شیعیان به وسیله «نایبان خاص» با امام خود ارتباط داشتند. این دوره، آمادگی بیشتری برای غیبت کلی و نهایی امام، ایجاد می‌کرد؛ زیرا شیعیان دانستند که در غیبت کبرا نیز سرگشته و حیران نخواهند بود؛ بلکه عالمان دین و فقیهان امت، به عنوان نایبان عامّ حضرت در میان آنها و پاسخ‌گوی نیازهای آنها خواهند بود.^۲

اینک درباره ویژگی‌های دو دوره کوتاه و بلند غیبت، مطالبی را می‌آوریم.

غیبت کوتاه مدّت

با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق، دوران امامت امام دوازدهم علیه السلام آغاز شد. از همین زمان، غیبت کوتاه مدّت آن گرامی که به «غیبت صغرا» معروف است، شروع شد و تا سال ۳۲۹ ق (نزدیک به هفتاد سال) ادامه یافت.

مهم‌ترین ویژگی دوره غیبت صغرا آن است که مردم از طریق نایبان خاصّ با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در ارتباط بودند و به وسیله آنها پیام‌های آن حضرت را دریافت می‌کردند و پاسخ سؤالات خود را می‌گرفتند.^۳ گاهی نیز به واسطه نایبان امام، توفیق شرفیابی به حضور

۱. درباره «نهاد وکالت» در بخشی جداگانه، گفت‌وگو خواهیم کرد.

۲. درباره نایبان خاص و نایبان عام حضرت در بخش‌های بعد همین درس و نیز در بحث نهاد وکالت، بحث خواهیم کرد.

۳. متن نامه‌ها - که به توقیعات مشهور است - در کتاب‌های علمای شیعه موجود است؛ از جمله: بحارالانوار، ج ۵۳ باب ۳۱، ص ۱۵۰ - ۱۹۷.

امام خویش را می یافتند.

نایبان خاصّ امام زمان علیه السلام که همگی از علما و بزرگان شیعه و برگزیدگان آن حضرت بودند، چهار تن هستند که به ترتیب دوره نیابت خود، عبارتند از:

۱. عثمان بن سعید عمری؛ وی از آغاز غیبت امام، عهده دار نیابت آن حضرت شد و در سال ۲۶۷ ق در گذشت. او وکیل امام هادی و امام عسکری علیه السلام نیز بوده است.

۲. محمد بن عثمان عمری؛ او فرزند نایب اوّل است که پس از درگذشت پدر به مقام نیابت رسید و در سال ۳۰۵ ق وفات کرد.

۳. حسین بن روح نوبختی؛ او پس از ۲۱ سال نیابت، در سال ۳۲۶ ق بدرود حیات گفت.

۴. علی بن محمد سمری؛ وی در سال ۳۲۹ ق از دنیا رفت و با مرگ او دوران غیبت صغرا پایان گرفت.

نایبان خاص همگی توسط امام عسکری علیه السلام و امام مهدی علیه السلام انتخاب گردیده، به مردم معرفی می شدند. شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* خود روایت کرده است که روزی چهل نفر از شیعیان همراه عثمان بن سعید (نایب اوّل) به حضور امام عسکری علیه السلام رسیدند. امام علیه السلام، فرزند خود را به آنها نشان داد و فرمود:

پس از من، این [فرزند] امام شماس است. از او اطاعت کنید... بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید، تا عمر او به کمال برسد. پس [در غیبت او] آنچه عثمان [بن سعید] می گوید، بپذیرید و از او فرمان برید که او جانشین امام شماس و کارها به دست اوست.^۱

در روایتی دیگر امام عسکری علیه السلام به نیابت محمد بن عثمان (نایب دوم) از امام مهدی علیه السلام نیز تصریح فرموده است.^۲

اینها مربوط به دوران قبل از غیبت امام مهدی علیه السلام بود و در طول غیبت صغرا نیز هر یک از نایبان، پیش از مرگ خود، نائب بعدی را که از سوی امام مهدی علیه السلام انتخاب شده بود، به مردم معرفی می کردند.

۱. *الغیبه طوسی*، ح ۳۱۹، ص ۳۵۷.

۲. همان، فصل ۶، ح ۳۱۷، ص ۳۵۵.

این مردان بزرگ به سبب برخورداری از صفات و ویژگی‌هایی، برای نیابت خاص ولی عصر علیه السلام شایستگی یافتند. امانتداری، پاکدامنی، عدالت در گفتار و رفتار، رازداری و پنهان کاری و پوشاندن اسرار اهل بیت در شرایط ویژه غیبت از خصوصیات مهم آن‌ها بود. ایشان مورد اعتماد و اطمینان امام و پرورش یافتگان مکتب خاندان پاک پیامبر بودند. در کنار همه این صفات زیبا، آنان از توان مدیریت و رهبری شیعیان برخوردار بودند و با فهم و آگاهی کامل و درک حساسیت زمان و بهره‌گیری از امکانات موجود، جامعه شیعه را در صراط مستقیم الهی هدایت کردند و آنان را از گذرگاه غیبت صغرا به سلامت عبور دادند.

مطالعه دقیق دوره غیبت صغرا و نقش مهم نواب اربعه در ایجاد ارتباط بین امت و امام به خوبی اهمیت این دوره از حیات امام عصر علیه السلام را نشان می‌دهد. وجود این ارتباط‌ها و نیز راه یافتن برخی از شیعیان به محضر امام خویش در طول دوران غیبت صغرا تأثیر فراوانی در اثبات ولادت امام دوازدهم و آخرین حجت پروردگار داشت. این دستاورد مهم، درست در زمانی بود که دشمنان می‌کوشیدند تا شیعیان را در برابر توگد فرزندی برای امام عسکری علیه السلام دچار شک و تردید کنند.

غیبت بلندمدت

در آخرین روزهای عمر نایب چهارم امام مهدی علیه السلام در نامه‌ای خطاب به او چنین نگاشت: بسم الله الرحمن الرحيم. ای علی بن محمد سمری! خداوند در مصیبت وفات تو، به برادران دینی‌ات، پاداش بزرگ کرامت فرماید؛ چرا که تو تا شش روز دیگر به سرای باقی خواهی رفت. به کارهایت رسیدگی کن و درباره جانشین پس از خود به کسی وصیت مکن؛ زیرا دوره غیبت کامل [و طولانی] فرا رسیده است. از این پس ظهوری [برای من] نخواهد بود، مگر پس از فرمان الهی و آن پس از گذشت مدتی دراز خواهد بود که دل‌ها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ظلم و ستم پر شود....^۱

بنابراین با وفات آخرین نایب خاص امام دوازدهم در سال ۳۲۹ ق دوره غیبت طولانی که به «غیبت کبرا» معروف است، آغاز شد. این دوران، همچنان ادامه دارد تا روزی که به

۱. همان، ح ۳۶۵، ص ۳۹۵.

خواست خداوند، ابرهای غیبت، کنار رود و جهان از پرتو مستقیم خورشید فروزان ولایت، بهره مند شود.

همان گونه که گذشت، در دوره غیبت صغری، شیعیان به وسیله نایبان خاص با امام خود رابطه داشتند و با تکالیف الهی خود آشنا می شدند؛ ولی در دوران غیبت کبرا این نوع ارتباط قطع شده، مردم مؤمن برای شناخت وظایف دینی خود تنها به نایبان عام آن حضرت که همان عالمان دینی وارسته و مراجع بزرگ تقلید هستند، مراجعه می کنند. این جریان، مسیر روشنی است که امام مهدی علیه السلام خود در نامه ای به یکی از چهره های مورد اعتماد شیعه، ترسیم فرمود. در فرازی از این نامه که توسط دومین نایب خاص امام ابلاغ شد، چنین آمده است:

وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدَّثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...^۱

و اما در مورد رویدادهایی که [در آینده] رخ خواهد داد به راویان حدیث ما [= فقها] رجوع کنید؛ زیرا آن ها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم....

امام هادی علیه السلام در بیان نقش علمای دینی در زمان غیبت فرمود:

اگر نبودند عالمانی که پس از غیبت امام مهدی علیه السلام مردم را به سوی آن حضرت بخوانند و آن ها را به سوی امامشان هدایت کنند و با حجت ها و دلیل های محکم الهی از دین او [که دین خداست] حمایت کنند و اگر نبودند آن عالمان هوشیار که بندگان خدا را از دام های شیطان و شیطان صفتان و از [دشمنی های] دشمنان اهل بیت نجات دهند، هیچ کس نمی ماند، مگر اینکه از دین خدا بیرون می رفت؛ ولی ایشان هستند که سر رشته دل ها [و افکار و عقاید] شیعیان را با استواری در دست دارند؛ آنچنان که کشتی بان، سگان کشتی را به دست می گیرد. آن عالمان، برترین [بندگان] نزد خداوند متعال هستند.^۲

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۳، ص ۲۳۶.

۲. احتجاج، ج ۱، ح ۱۱، ص ۱۵.

خلاصه درس

- غیبت به معنای حاضر نبودن امام زمان علیه السلام نیست؛ بلکه به معنای نشناختن و ندیدن ایشان است.
- غیبت و پنهان زیستی اختصاص به امام زمان علیه السلام ندارد؛ بلکه تعدادی از پیامبران گذشته نیز دارای غیبت بوده‌اند.
- غیبت، سرّی از اسرار الهی است و حکمت‌هایی مانند حفظ جان امام، نبودن پیمان ظالمان بر عهده او، آزمایش و تأدیب مردم و... در روایات برای آن، ذکر شده است.
- برخی زمینه سازی های ورود به دوران غیبت عبارت است از: خبر دادن معصومان علیهم السلام از غیبت امام مهدی علیه السلام، کم شدن ارتباط امام هادی و امام عسکری علیهما السلام با مردم و دو مرحله ای بودن غیبت امام.
- نواب خاص امام مهدی علیه السلام در غیبت صغرا (۲۶۰-۳۲۹ق) عبارتند از: ۱. عثمان بن سعید، ۲. محمد بن عثمان، ۳. حسین بن روح، ۴. علی بن محمد سمري.
- امام عصر علیه السلام فقهای جامع الشرايط را حجت خود معرفی کرده که در زمان غیبت کبرا، باید زمام امور جامعه را بر عهده داشته باشند.

پرسش‌های درس

۱. مفهوم و پیشینه غیبت را توضیح دهید.
۲. سه عامل از عوامل غیبت امام عصر علیه السلام را با استناد به روایات شرح دهید.
۳. محمد بن عثمان عمری نایب و وکیل خاص چند امام بود و چند سال این مقام را بر عهده داشت؟
۴. امام زمان علیه السلام مرجعیت دینی فقها در زمان غیبت کبرا را چگونه تبیین فرموده است؟
۵. امام هادی علیه السلام اهمیت و نقش علمای شیعه در حراست از ایمان مردم در دوران غیبت را به چه چیز تشبیه کرده است؟

پرسش‌های پژوهشی

۱. علت تحقق غیبت در مورد امام مهدی علیه السلام و عدم تحقق آن در سایر امامان علیهم السلام با توجه به وجود خطر برای تمام ائمه را تبیین کنید.
۲. دیدگاه صحیح در مورد شیوه غیبت امام زمان علیه السلام را بیان نمایید.
۳. نواب اربعه امام دوازدهم علیه السلام را معرفی کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. الغیبه، شیخ طوسی.
۲. الغیبه، نعمانی.
۳. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی.
۴. تاریخ غیبت صغرا، سیدمحمد صدر.
۵. امامت و مهدویت، آیت‌الله صافی گلپایگانی.
۶. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، جاسم حسین.
۷. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری.
۸. تاریخ عصر غیبت، پورسیدآقای و ...
۹. سازمان وکالت، محمدرضا جباری.

فوائد امام غایب عجل الله تعالی فرجه

اهداف

۱. افزایش معرفت به امام غایب
۲. توجه به جایگاه و وظایف امام عجل الله تعالی فرجه در عالم هستی

فوائد

۱. تقویت اعتقاد و باور مردم به حضرت عجل الله تعالی فرجه
۲. آگاهی از شؤون امام عجل الله تعالی فرجه
۳. تلاش برای تقرب و بهره مندی از عنایات حضرت

مطالب آموزشی

۱. امام، محور هستی
۲. امیدبخشی
۳. پایداری مکتب
۴. خودسازی
۵. پناهگاه علمی و فکری
۶. هدایت باطنی و نفوذ روحانی
۷. ایمنی از بلاها
۸. دادرسی شیعیان و مردم
۹. بهره مندی از دعا و استغفار حضرت

فواید امام غایب

صدها سال است که جامعه بشری از فیض ظهور حجّت خدا محروم شده و امت اسلامی از درک محضر رهبری آسمانی و پیشوایی معصوم، بی بهره مانده است. به راستی وجود او در غیبت و زندگی او در پنهانی و دور از دسترس همگان، چه آثاری برای جهان و جهانیان دارد؟ آیا نمی شد در نزدیکی های دوران ظهور، متولد شود و شاهد روزگار سخت غیبت خویش نباشد؟

این سؤال و مانند آن، از نبود شناخت درباره جایگاه امام و حجّت الهی سرچشمه می گیرد. به راستی جایگاه امام در مجموعه هستی چگونه است؟ آیا همه آثار وجودی او به آشکار بودن او وابسته است؟ آیا او تنها برای رهبری و پیشوایی مردمان است یا وجود او برای همه موجودات دارای اثر و برکت است؟

امام محور هستی

از نظر شیعه و براساس تعالیم دینی، امام، واسطه فیض رسانی پروردگار به همه پدیده های جهان آفرینش است. او در نظام هستی محور و مدار است و بی وجود او عالم و آدم، جن و ملک و حیوان و جمادی نمی ماند.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود:

اگر زمین بدون امام بماند هر آینه اهل خود را فرو می‌برد.^۱
اینکه او در رساندن پیام‌های خدا به مردم و راهنمایی آن‌ها به سوی کمال انسانی، واسطه است و هر فیض و لطفی در این بخش به سبب وجود او به همگان می‌رسد، امری روشن و بدیهی است؛ زیرا از ابتدا خداوند متعال از طریق پیامبران و سپس جانشینان آن‌ها قافله بشری را هدایت کرده است؛ ولی از کلمات معصومان استفاده می‌شود که وجود امامان در گستره عالم واسطه‌ای برای رسیدن هر نعمت و فیضی از ناحیه پروردگار به هر موجود کوچک و بزرگی است. به بیان آشکارتر، همه موجودات، آنچه از فیوضات و عطایای الهی دریافت می‌کنند، از کانال امام می‌گیرند. هم اصل وجودشان به واسطه امام است و هم نعمت‌ها و بهره‌های دیگری که در طول حیات خود دارا هستند.

در فرازی از زیارت جامعه کبیره که یک دوره امام شناسی است، این گونه آمده است:
بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِکُمْ یَخْتُمُ وَبِکُمْ یَنْزِلُ الْغَیْثُ وَبِکُمْ یَمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ؛
[ای امامان بزرگ!] خداوند به سبب شما [عالم را] آغاز کرد و به سبب شما [نیز آن را] پایان می‌دهد و به [سبب وجود] شما باران را فرو می‌فرستد و به [برکت وجود] شما آسمان را نگه داشته است از اینکه بر زمین فرود آید، جز به اراده او.

بنابراین آثار وجودی امام تنها به ظهور و آشکاری او خلاصه نمی‌شود؛ بلکه وجود او در عالم - حتی در غیبت و نهان زیستی - سرچشمه حیات همه موجودات و مخلوقات الهی است. خدا خود این گونه خواسته است که او که موجود برتر و کامل‌تر است واسطه دریافت و رساندن فیوضات و داده‌های الهی به سایر پدیده‌ها باشد و در این عرصه، فرقی بین غیبت و ظهور او نیست. آری؛ همگان از آثار وجود امام بهره می‌گیرند و غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در این مسأله، خللی ایجاد نمی‌کند. جالب اینکه وقتی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه درباره نحوه بهره‌مندی از آن حضرت در دوره غیبت، سؤال می‌شود، می‌فرماید:

وَأَمَّا وَجْهَ الْإِنْتِفَاعِ بِي فَيُغَيَّبَتِي فَكَأَنَّ لَإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْإِبْصَارِ السَّحَابُ؛^۲

۱. کافی، ج ۱، کتاب الحجه، باب ان الارض لا تخلو من حجة، ح ۱۰، ص ۱۷۹.
۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره. توضیح اینکه این زیارت از امام هادی علیه السلام نقل شده است و از نظر سند و عبارات، عالی است و پیوسته مورد عنایت خاص عالمان شیعه بوده است.
۳. احتجاج، ج ۲، ش ۳۴۴، ص ۵۴۲.

بهره‌مندی از من در روزگار غیبت، مانند سود بردن از خورشید است، آن گاه که ابرها، آن‌ها را از چشم‌ها پوشانده‌اند.

تشبیه امام به آفتاب و تشبیه غیبت او به قرار گرفتن خورشید در پس ابر، نکته‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او حرکت می‌کنند؛ چنانکه وجود گرامی امام عصر علیه السلام مرکز نظام هستی است.

بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَيَبِيْمُنْهُ رُزْقَ الْوَرَى وَبِوُجُوْدِهِ ثَبَّتَتِ الْاَرْضُ وَالسَّمَاءُ؛

به سبب بودن او دنیا باقی است و به برکت وجود او، عالم روزی می‌خورند و به وجود او زمین و آسمان، استوار مانده است.

آفتاب، لحظه‌ای از نورافشانی دریغ نمی‌کند و هر کس به اندازه ارتباطی که با خورشید دارد از نور آن بهره می‌گیرد؛ چنانکه وجود ولی عصر علیه السلام واسطه دریافت همه نعمت‌های مادی و معنوی است که از ناحیه پروردگار جهان به بندگان می‌رسد؛ ولی هر کس به اندازه رابطه خود با آن منبع کمالات، بهره‌مند می‌شود.

اگر این آفتاب پشت ابر هم نباشد، شدت سرما و تاریکی، زمین را غیر قابل سکونت خواهد کرد؛ چنانکه اگر عالم از وجود امام - گرچه در پشت پرده غیبت - محروم بماند، سختی‌ها و نابسامانی‌ها و هجوم انواع بلاها ادامه زندگی را غیرممکن می‌کند.

آن حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید خطاب به شیعیان خود می‌فرماید:

اَنَا غَيْرُ مُهْمَلِيْنَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ
الْأَعْدَاءُ؛^۱

ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر این گونه نبود، حتماً سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان، شما را نابود می‌کردند.

بنابراین آفتاب امام بر عالم وجود می‌تابد و به همه هستی فیض می‌رساند و در این میان برای بشریت و به ویژه جامعه مسلمین و امت شیعه و معتقد به او برکات و خیرات بیشتری

۱. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۲. احتجاج، ج ۲، ش ۳۵۹، ص ۵۹۸.

دارد که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

امید بخشی

از سرمایه‌های مهم زندگی، امید است. که مایه حیات و نشاط و پویایی است. وجود امام در عالم، موجب امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق است. شیعه، پیوسته و در طول تاریخ هزار و چهارصدساله، به انواع بلاها و سختی‌ها گرفتار شده است و آنچه به عنوان نیرویی بزرگ و پشتوانه‌ای استوار، او را به ایستادگی و تسلیم نشدن و حرکت و تلاش، واداشته، امید به آینده سبز مؤمنان و دین باوران بوده است؛ آینده‌ای که خیالی و افسانه‌ای نیست؛ آینده‌ای که نزدیک است و می‌تواند نزدیک‌تر باشد؛ زیرا آن که باید رهبری قیام را به عهده گیرد، زنده است و هر لحظه پا به رکاب؛ و این، من و تو و ما، می‌کنیم که باید آماده باشیم.

پایداری مکتب

هر جامعه‌ای برای حفظ تشکیلات خود و ادامه راه تا رسیدن به مقصد، به وجود رهبری آگاه نیاز دارد، تا اجتماع، تحت نظر و فرماندهی او در مسیر صحیح، حرکت کند. وجود رهبر، پشتوانه بزرگی برای افراد است، تا در یک سازماندهی منظم، دستاوردهای قبلی را حفظ کنند و به تقویت برنامه‌های آینده، همت گمارند. رهبر زنده و فعال، گرچه در میان جمعیت و افراد خود نباشد، از ترسیم خطوط اصلی و ارائه راهکارهای کلی، کوتاهی نمی‌کند و به واسطه‌های گوناگون، درباره راه‌های انحرافی، هشدار می‌دهد.

امام عصر علیه السلام در غیبت است؛ ولی وجود او عامل جدی برای حفظ مکتب شیعه است. او با آگاهی کامل از توطئه‌های دشمنان، به شیوه‌های مختلف، مرزهای فکری شیعیان را پاسداری می‌کند و آن گاه که دشمن فریبکار با وسیله‌ها و ابزارهای گوناگون، اصول مکتب و اعتقادات مردم را نشانه می‌گیرد، با هدایت و ارشاد عالمان و برگزیدگان، راه‌های نفوذ او را می‌بندد.

برای نمونه، عنایت حضرت مهدی علیه السلام به شیعیان بحرین را از زبان علامه مجلسی^۱ می‌شنویم:

در روزگار گذشته، فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می‌کرد که وزیرش در دشمنی با شیعیان، گوی سبقت را از او ربوده بود. روزی وزیر بر فرمانروا وارد شد و اناری را به دست او داد که به صورت طبیعی، این واژه‌ها بر پوست آن نقش بسته بود: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله». فرمانروا از دیدن آن بسیار در شگفت شد و به وزیر گفت: «این، نشانه‌ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است. نظر تو درباره شیعیان بحرین چیست؟» وزیر پاسخ داد: «به باور من، باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارایه دهیم. اگر آن را پذیرفتند، از مذهب خود دست می‌کشند، وگرنه باید یکی از این سه کار را انتخاب کنند: پاسخی قانع کننده بیاورند یا جزیه^۲ بدهند یا این که مردان شان را می‌کشیم زنان و فرزندان شان را اسیر می‌کنیم و اموالشان را به غنیمت می‌بریم».

فرمانروا، رأی او را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فراخواند. آن گاه انار را به ایشان نشان داد و گفت: «اگر در این باره دلیلی روشن نیاورید، شما را می‌کشم و زنان و فرزندان را اسیر می‌کنم یا این که باید جزیه بدهید». دانشمندان شیعه، از او سه روز مهلت خواستند. آنان پس از گفت‌وگوی فراوان به این نتیجه رسیدند که از میان خود، ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند. آن گاه از میان این ده نفر نیز سه نفر را برگزیدند و به یکی از آن سه نفر گفتند: «تو امشب به سوی صحرا برو و به امام زمان علیه السلام استغاثه کن و از او، راه‌هایی از این مصیبت را بپرس؛ زیرا او امام و صاحب ماست».

آن مرد، چنین کرد؛ ولی موفق به زیارت حضرت نشد. شب دوم نیز نفر دوم را فرستادند. او نیز پاسخی دریافت نکرد. شب آخر، نفر سوم را که محمد بن عیسی نام داشت فرستادند. او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت، کمک خواست. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می‌گوید: «ای محمد بن عیسی! چرا تو را به این حال می‌بینم و چرا به سوی بیابان

۱. او از علمای بزرگ شیعه عصر صفوی است که آثار فراوانی از خود به جا گذاشته که معروف‌ترین آن‌ها کتاب *بحار الانوار* است. این کتاب، مجموعه‌ای گرانسنگ از کلمات اهل بیت علیهم السلام است که در ۱۱۰ جلد تنظیم شده. وی در سال ۱۱۱۱ ق وفات یافت و در مسجد جامع اصفهان دفن شد.

۲. پولی که غیر مسلمانانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، در برابر تأمین امنیت و برخورداری از امکانات به دولت اسلامی می‌پردازند.

بیرون آمده ای؟» محمد بن عیسی از آن مرد خواست که او را به حال خود واگذارد. او فرمود: «ای محمد بن عیسی! منم صاحب الزمان. حاجت خود را بازگو». محمد بن عیسی گفت: «اگر تو صاحب الزمانی، داستان مرا می دانی و به گفتن من نیاز نیست». فرمود: «راست می گویی. تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است، به این جا آمده ای». عرض کرد: «آری؛ شما می دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید». پس آن حضرت فرمود: «ای محمد بن عیسی! در خانه آن وزیر - لعنة الله علیه - درخت اناری است. هنگامی که آن درخت، تازه انار آورده بود، او از گل، قالبی به شکل انار ساخت. آن را نصف کرد و در میان آن، این جملات را نوشت. سپس قالب را بر روی انار که کوچک بود، گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه ها بر روی آن نقش بست. فردا نزد فرمانروا می روی و به او می گویی که من پاسخ تو را در خانه وزیر می دهم. چون به خانه وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلان اتاق برو. کیسه سفیدی خواهی یافت که قالب گلی در آن است. آن را به فرمانروا نشان ده. نشانه دیگر این که به فرمانروا بگو: چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر، چیزی در آن نیست».

محمد بن عیسی از این سخنان بسیار شادمان شد و به نزد شیعیان باز گشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر چه امام زمان عجل الله فرجه فرموده بود، آشکار شد. فرمانروای بحرین با دیدن این معجزه به تشیع گروید و دستور داد وزیر حيله گر را به قتل رساندند.^۱

خودسازی

قرآن کریم می فرماید:

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^۲

[ای پیامبر! به مردم] بگو: عمل کنید [تولی بدانید] که خداوند و پیامبر و مؤمنان، کارهای شما را می بینند.

در روایات آمده است که مراد از «مؤمنون» در این آیه شریف، امامان معصوم علیهم السلام

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

هستند؛^۱ بنابراین، اعمال مردم به نظر امام زمان علیه السلام می‌رسد و او از پس پرده غیبت، شاهد و ناظر کارها است. آن بزرگوار خود فرموده است:

فانا نحيط علماً بأننا نكم ولا يعزب عنا شيء من اخباركم؛^۲

علم ما به احوال شما احاطه دارد و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده و پنهان نیست.

این حقیقت اثر تربیتی بزرگی دارد و شیعیان را به اصلاح کارهای خود وامی‌دارد و از این که در برابر حجت خدا و امام خوبی‌ها به زشتی‌ها و گناهان آلوده شوند، باز می‌دارد. البته به هر اندازه توجه انسان به آن معدن صفا و پاکی، بیشتر باشد، آئینه دل و جان، صفای بیشتری می‌یابد و این روشنی و زلالی در گفتار و رفتار او آشکارتر می‌شود.

پناهگاه علمی و فکری

پیشوایان معصوم علیهم السلام معلمان و مربیان اصلی جامعه هستند و مردم، همواره از سرچشمه زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره‌ها برده‌اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه جانبه از محضر امام عصر علیه السلام ممکن نیست، ولی آن معدن علوم الهی به راه‌های مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می‌کند. در دوره غیبت صغرا، بسیاری از سؤالات مردم و علما، از طریق نامه‌های امام که به توقیعات مشهور است، پاسخ داده می‌شد.^۳

امام عصر علیه السلام در جواب نامه اسحاق بن یعقوب و سؤال‌های او، نوشته است:

خداوند تو را هدایت کند و ثابت قدم بدارد! اما اینکه درباره منکران از خاندان و عموزادگان ما سؤال کردی، بدان که بین خدا و هیچ کس خویشاوندی نیست و کسی که مرا انکار کند، از من نیست و عاقبت او همانند سرانجام پسر نوح است... و اما اموالتان را تا پاکیزه نکنید، قبول نمی‌کنیم...
و اما اموالی که برای ما فرستادی، از آن رو می‌پذیریم که پاکیزه و طاهر است... و کسی که اموال ما را حلال شمرده و آن را بخورد، همانا آتش

۱. کافی، ج ۱، کتاب الحجه، باب عرض الاعمال، ح ۲، ص ۲۱۹.

۲. احتجاج، ج ۲، ش ۳۵۹، ص ۵۹۸.

۳. ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ص ۲۳۵ - ۲۸۶.

خورده است... چگونگی استفاده از من، مانند بهره مندی از خورشید پشت ابر است و من امان مردم روی زمین هستم؛ همان‌طور که ستارگان، امان اهل آسمان‌ها هستند.

از اموری که سودی برایتان ندارد، نپرسید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواستند، به زحمت نیفکنید و برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که همان، فرج شماست. سلام بر توای اسحاق بن یعقوب و سلام بر هر کسی که پیرو هدایت است!^۱

پس از غیبت صغرا هم بارها علمای شیعه، مشکلات علمی و فکری خود را با امام خویش مطرح کرده و پاسخ آن را دریافت نموده‌اند. میر علام یکی از شاگردان مقدس اردبیلی^۲ چنین می‌گوید:

نیمه شبی در نجف اشرف در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بودم. ناگاه شخصی را دیدم که به سوی حرم می‌رود. به سوی او رفتم. چون نزدیک شدم، دیدم که شیخ و استادم ملا احمد مقدس اردبیلی رحمته الله است. خود را از او پنهان کردم. نزدیک حرم مطهر شد؛ در حالی که در بسته بود. ناگاه دیدم در گشوده شد و داخل حرم گردید. پس از مدتی کوتاه از حرم خارج شد و به سمت کوفه متوجه گردید. به دنبال او روانه شدم؛ به طوری که مرا نمی‌دید، تا آن که داخل مسجد کوفه شد و در نزد محرابی که امیرالمؤمنین علیه السلام را در آن ضربت زده‌اند، قرار گرفت و مدتی در آنجا درنگ کرد. سپس برگشت و از مسجد بیرون رفت و به سمت نجف متوجه گردید. من همچنان دنبال او بودم، تا آنکه به مسجد حنانه رسید. ناگاه بدون اختیار سرفه‌ام گرفت. چون صدای مرا شنید، برگشت و نگاهی به من کرد و مرا شناخت. فرمود: «میر علام هستی؟» گفتم: «آری» گفت: «اینجا چه می‌کنی؟» گفتم: «از آن زمان که داخل حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شدم، تا حال با شما هستم. شما را به صاحب این قبر قسم می‌دهم که سر این واقعه را که امشب از شما مشاهده کردم، به من خبر دهید».

۱. همان، ح ۴، ص ۲۳۷.

۲. او از علمای بزرگ شیعه در قرن دهم هجری بود که در تقوا و فضایل اخلاقی، نمونه و مثال زدنی است. بنابر نقل علامه مجلسی، او بارها محضر امام عصر علیه السلام مشرف شده است. از وی آثار ارزشمندی هم به جای مانده است؛ مانند *حلائق الشیعه*. مزار او در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام است.

فرمود: «به شرط آن که تا من زنده هستم، آن را به کسی نگویی». چون به او اطمینان دادم، فرمود: «گاهی که برخی مسائل بر من مشکل می‌شود، برای حل آن به امیرالمؤمنین علیه السلام متوسل می‌شوم. امشب نیز مسأله‌ای برای من مشکل شد و در آن فکر می‌کردم. ناگاه به دلم افتاد که باز به خدمت آن حضرت روم و سؤال کنم. چون به حرم مطهر رسیدم، چنان که دیدی در بسته بر روی من گشوده شد. پس داخل شده، به خدا نالیدم که جواب آن را از آن حضرت دریابم. ناگاه از قبر مطهر، ندایی شنیدم که فرمود: به مسجد کوفه برو و از قائم علیه السلام سؤال کن؛ زیرا که او امام زمان توست. پس به نزد محراب [مسجد کوفه] آمدم و از آن بزرگوار سؤال کرده، جواب شنیدم و اکنون به منزل خود می‌روم».^۱

هدایت باطنی و نفوذ روحانی

امام و حجّت خدا وظیفه رهبری و هدایت مردم را به عهده دارد و در تلاش است افرادی را که آماده دریافت نور هدایت او هستند، راهنمایی کند. برای انجام این مأموریت الهی، گاهی آشکارا و بی‌پرده، با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند و با گفتار و کردار زندگی ساز خود، راه سعادت و بهروزی آن‌ها را نشان می‌دهد، و زمانی دیگر با استفاده از قدرت ولایت خود که نیروی غیبی و الهی است در درون قلب‌ها اثر می‌گذارد. در این بخش، به حضور ظاهری امام و ارتباط مستقیم با او نیازی نیست؛ بلکه هدایت‌ها از راه‌های درونی و ارتباطات قلبی انجام می‌گیرد. امام امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان این بخش از فعالیت‌های امام می‌فرماید:

خداوند! جز این نیست که باید حجّتی از سوی تو در زمین باشد، تا خلق را به سوی آیین تو رهنمون شود... اگر وجود ظاهری او از مردم پنهان باشد؛ ولی بی‌شک تعالیم و آداب او در دل‌های مؤمنان پراکنده است و آن‌ها براساس آن، عمل می‌کنند.^۲

امام غایب از طریق همین هدایت‌ها به کار نیروسازی برای قیام و انقلاب جهانی، همت

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ح ۱۱۲، ص ۴۶۳.

می‌گمارد. آن‌ها که شایستگی‌های لازم را دارا باشند تحت تربیت ویژه امام، برای حضور در رکاب آن حضرت آماده می‌شوند و این یکی از برنامه‌های امام غایب است که به برکت وجود او انجام می‌شود.

ایمنی از بلاها

بدون تردید، امنیت، از اصلی‌ترین سرمایه‌های زندگی است. پدید آمدن حوادث گوناگون در عالم، همواره زندگی و حیات طبیعی موجودات را در معرض نابودی قرار داده است. کنترل آفت‌ها و بلاها با فراهم آوردن وسائل مادی ممکن است؛ ولی عوامل معنوی نیز در آن تأثیر فراوانی دارد. در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجت الهی، در مجموعه جهان آفرینش، به عنوان عامل امنیت زمین و اهل آن شمرده شده است.

امام مهدی علیه السلام خود فرموده است:

وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِّأَهْلِ الْأَرْضِ...؛

من موجب ایمنی [از بلاها] برای ساکنان زمین هستم.^۱

وجود امام، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسداتی که انجام می‌دهند به عذاب‌های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...﴾

[ای رسول ما] تا زمانی که تو در میان ایشان [مسلمانان] هستی، خداوند هرگز آن‌ها را به عذاب

[عمومی] گرفتار نخواهد کرد.^۲

حضرت ولی عصر علیه السلام که مظهر رحمت و مهر پروردگار است نیز با عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن‌ها دور می‌کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری‌گر او را در بالای سر خود نشانند.

آن گرامی در معرفی خود فرموده است:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.

۲. سوره انفال، آیه ۳۳.

أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَذْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي؛

من آخرین جانشین پیامبر خدا ﷺ هستم. خدای متعال به سبب وجود من، بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.^۱

در جریان شکل‌گیری انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سال‌های پرتلاش دفاع مقدس، بارها لطف و محبت آن امام بزرگوار بر سر ملت و مملکت سایه افکند و نظام اسلامی و ملت مسلمان و مهدوی را از گردنه توطئه‌های سنگین دشمن، عبور داد. شکسته شدن حکومت نظامی شاه در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی علیه السلام حادثه سقوط هلی کوپترهای نظامی آمریکا در ۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ در صحرای طبس، کشف کودتای نافرجام نوژه در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ و ناکامی دشمنان در جنگ هشت ساله و نیز در توطئه‌های پس از جنگ و ده‌ها نمونه دیگر، شواهد گویایی برای این عنایات است.

دادرسی شیعیان و مردم

موجود بزرگ جهانیان و قبله آمال مسلمانان و محبوب دل‌های شیعیان، همواره بر حال مردم نظر دارد. غیبت آن خورشید مهربانی، مانع از آن نیست که پرتو زندگی بخش و نشاط آفرین خود را بر جان‌های مشتاق بتاباند و آن‌ها را بر خوان کرم و بزرگواری خویش، مهمان کند. آن ماه منیر دوستی و مهرورزی، پیوسته غمخوار شیعیان و دستگیر مددجویان آستان حضرتش بوده است. گاهی بر بالین بیماران حاضر شده و دست شفا بخش خویش را مرهم زخم‌های آن‌ها قرار داده است و زمانی دیگر، به گم‌شدگان در بیابان‌ها عنایت فرموده و واماندگان در وادی تنهایی و بی‌کسی را یار و یاور و راهنما گشته است. او در لحظه‌های سرد ناامیدی، دل‌های منتظر را گرمی امید، بخشیده است که نمونه‌های آن، فراوان است.

بهره‌مندی از دعا و استغفار حضرت

یکی از برکات وجودی امام غایب، دعای آن حضرت برای سعادت مردم و به‌ویژه شیعیان و نیز درخواست آن بزرگوار برای آمرزش گناهان آن‌هاست.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.

امام باقر علیه السلام فرمود:

انى لادعو الله لمذنبى شيعة فى اليوم و الليلة الف مرة؛^۱
به راستی من هر روز و شب هزار بار برای آمرزش شیعیان گنهکارم به درگاه
خدا دعا می‌کنم.

امام عصر علیه السلام در دعای خود می‌فرماید:

الهی بحق من ناجاك و بحق من دعاك فى البر و البحر، صل على محمد و آله و
تفضل على فقراء المؤمنين و المؤمنين بالغنى و السعة...^۲
این کلام نورانی و دلنشین، سبب دلگرمی شیعیان و دوستان آن حضرت و نجات و
رهایی آن‌ها از یأس و ناامیدی است. شیعه‌ای که به دعای رهبر و پیشوای خود شادمان
است، از اینکه بار دیگر به واسطه گناه و خطا، دل و جان پدر مهربان خویش را بیازارد،
خجل و شرمسار است و تلاش می‌کند که مرهمی بر دل داغدار امام و یار شایسته‌ای برای
آن عزیز باشد.

از روایات و کتب دُعا استفاده می‌شود که شیعیان، پیوسته از لطف دعای امام بهره‌مندند
و این باران رحمت در همه حال بر کویر تفتیده جان‌ها باریده و برای شیعیان، سبزی و
خرمی را به ارمغان آورده است.

آن حضرت، بزرگ‌ترین آرمان و آرزویش فرج و گشایش در امر شیعیان و همه
مظلومان عالم است و این گونه خدا را می‌خواند:

يا نُورَ النُّورِ يا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجاً وَمِنَ الْهَمِّ مَخْرَجاً وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ وَأُطْلِقْ
لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يَفْرُجُ وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ؛^۳

ای روشنایی نور! ای تدبیر کننده کارها! ای زنده کننده مردگان! بر محمد و
خاندان او درود فرست و برای من و شیعیانم در تنگناها گشایشی قرار ده و از
غم و اندوه، راه چاره‌ای باز کن و راه [هدایت] را بر ما وسعت بخش و راهی
که در آن گشایش ما است، به روی ما بگشا و آنچنان که تو شایسته آن هستی،

۱. کافی، ج ۱، باب مولد ابی عبدالله، جعفر بن محمد علیه السلام، ح ۱، ص ۴۷۲.

۲. منتخب الاثر، فصل ۱۰، باب ۷، ش ۶، ص ۶۵۸.

۳. همان.

با ما رفتار کن ای کریم!

آنچه گفته شد، بیان‌گر آن است که یکی از آثار وجود امام - گرچه در غیبت به سر می‌برد - امکان ارتباط و اتصال به اوست و آن‌ها که لیاقت و شایستگی داشته‌اند، لذت همنشینی و همنوایی آن یار بی‌همتا را چشیده‌اند.

خلاصه درس

- امام عصر علیه السلام محور هستی، و واسطه همه فیوضات الهی به دیگران است.
- اعتقاد به ظهور و آمدن حضرت علیه السلام روح امید و نشاط و پویائی را در جامعه می‌دمد.
- امام عصر علیه السلام بر جریان امور مسلمین اشراف دارد و از مکتب شیعه، پاسداری می‌کند.
- با توجه به اشراف حضرت بر کارها و عرض اعمال مردم به حضور حضرت، این اعتقاد اثر تربیتی جدی در اصلاح و خودسازی مردم دارد.
- امام عصر علیه السلام پناهگاه علمی و فکری شیعیان و حق طلبان است.
- گاهی بزرگان شیعه، پاسخ‌های علمی خود را از طریق حضرت دریافت کرده‌اند.
- هدایت باطنی، ایمنی از بلاها و برخورداری از دعای امام، از دیگر برکات وجودی آن حضرت است.

پرسش‌های درس

۱. محوریت امام علیه السلام در عالم هستی را تشریح کنید.
۲. دو وجه از وجوه تشبیه امام عصر علیه السلام در حال غیبت به خورشید پس ابر را توضیح دهید.
۳. نقش حضرت در حراست و پایداری مکتب در عصر غیبت را بیان کنید.
۴. هدایت باطنی و نفوذ روحانی حضرت در نفوس مردم را توضیح دهید.
۵. آیا امام عصر علیه السلام خود را ایمن بخش خصوص شیعیان از بلاها معرفی نموده است یا امان همه مردم عالم؟

پرسش‌های پژوهشی

۱. خاستگاه قابل جمع بودن غیبت با امامت از دیدگاه اهل سنت را تبیین نمایید.
۲. وساطت در فیض را تشریح کنید.
۳. فلسفه و ضرورت هدایت باطنی را تبیین نمایید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. الغیبه، شیخ طوسی.
۲. کمال الدین، شیخ صدوق.
۳. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.
۴. تاریخ عصر غیبت؛ پورسیدآقایی و... .
۵. منتخب الانوار المصیئه، نیلی نجفی.

ملاقات

اهداف

- آشنایی با شیوه ارتباط شیعیان با حضرت در عصر غیبت
- انواع ملاقات با حضرت (حالت اضطرار، حالت عادی)

فوائد

- شناخت صحیح درباره مسئله ارتباط و ملاقات
- چگونگی برخورد صحیح با ناقلان ملاقات

مطالب آموزشی

- دیدار یار
- انواع ملاقات
- نقل کردن دیدار؛ آثار و پیامدها
- شرط اساسی ملاقات
- آنچه از ما خواسته اند
- تشریف حاج علی بغدادی

دیدار یار

از سختی‌ها و تلخی‌های دوره غیبت، دوری شیعیان از مولای خود و محروم ماندن از دیدار جمال آن یوسف بی‌همتاست. با شروع روزگار غیبت، منتظران ظهور، پیوسته در حسرت تماشای آن سرو بلند فضیلت سوخته‌اند و آه فراق از دل کشیده‌اند.

عزیزُ علیّیّ آن أری الخلق و لا تری؛^۱

سخت است بر من که همه را ببینم و تو دیده نشوی.

البته در دوران غیبت صغرا، شیعیان به وسیله نایبان خاص با امام عصر علیه السلام ارتباط داشتند و بعضی از آن‌ها به فیض حضور آن بزرگوار رسیدند؛ چنان که در این باره نقل‌های فراوانی وجود دارد؛ ولی در دوره غیبت کبرا که روزگار غیبت کامل امام است، رابطه یادشده قطع گردید و امکان شرفیابی به محضر آن حضرت به شکل معمول و از طریق افرادی خاص، منتفی شد.

با این حال، بسیاری از علما معتقدند که در این زمان نیز ملاقات با آن ماه منیر، امکان دارد و بارها اتفاق افتاده است. حکایت شرفیابی بزرگانی چون علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، سیدبن

^۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

طاووس و مانند آن‌ها معروف و مشهور است و در کتاب‌های بزرگان علما نقل شده است.^۱

انواع ملاقات

ملاقات با امام مهدی علیه السلام گاهی در حالت اضطرار و درماندگی افراد روی می‌دهد و گاهی در حالت عادی و به دور از اضطرار. به بیان روشن‌تر، گاهی ملاقات‌ها برای دستگیری امام علیه السلام از اشخاصی است که در وضعیتی گرفتار شده‌اند و احساس تنهایی و بی‌کسی به آن‌ها دست داده است؛ مثل جریان ملاقات بسیاری از افراد که در مکان‌های مختلف مانند سفر خانه خدا، راه را گم کرده‌اند و امام علیه السلام یا یکی از اصحاب آن حضرت، آن‌ها را از سرگردانی نجات داده است. بسیاری از ملاقات‌ها از همین قبیل است.

ولی در مواردی ملاقات‌ها در غیر حالت اضطرار بوده است و ملاقات کننده به دلیل مقام معنوی والای خود، توفیق تشرف به محضر امام را یافته است. روشن است که شرط ملاقات با حضرت، پاکی روح و تزکیه نفس است و چشمی که می‌خواهد آن مظهر جمال الهی را ببیند، باید پاک باشد.

چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است بر رخ او نظر از آینه پاک انداز
غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز

نقل کردن دیدار، آثار و پیامدها

باید بدانیم که روش و سیره بزرگان ما و نیک بختانی که توفیق دیدار امام را یافته‌اند. پنهان کردن این سعادت و عدم نقل جریان تشرف بوده است. البته برخی از نزدیکان آن‌ها به دلیل نزدیکی و محرم بودن، داستان ملاقات ایشان را دانسته و برای دیگران نقل کرده‌اند؛ ولی در این موارد، معمولاً انتشار خبر دیدار آن بزرگواران، پس از درگذشت آن‌ها بوده است؛ همان گونه در نقل دیدار جناب مقدّس اردبیلی بیان شد.

نکته مهم اینکه نقل کردن داستان ملاقات علما و صالحان به وسیله دیگران، آثار و برکات خوبی مانند تقویت اعتقاد به وجود امام غایب و افزایش محبت و دلدادگی به آن

۱. رک: جَنَّةُ الْمَأْمُورِ وَالنَّجْمُ الثَّاقِبُ، تألیف محدث نوری.

حضرت و تقویت ارتباط روحی و توسل به آن عزیز را به دنبال دارد؛ به همین دلیل، علما به نقل تشرّفات اقدام کرده و حتی کتاب‌های مستقلی برای آن نوشته‌اند؛ ولی چنانکه گفتیم، شخص دیدارکننده نباید ملاقات خود را نقل و منتشر کند؛ زیرا چنین اقدامی در سطح عموم، پیامدهای منفی خواهد داشت.

در طول مدت غیبت کبرا و به ویژه در زمان ما، افرادی با ادّعی ملاقات امام زمان علیه السلام در پی جمع کردن مردم و کسب نام و نانی برای خود بوده‌اند و از این راه، بسیاری را به گمراهی و انحراف در عقیده و عمل کشانیده‌اند. آنان با توصیه به خواندن بعضی دعاها و انجام برخی اعمال که بسیاری از آن‌ها هیچ اصل و اساسی ندارد و با دعوت از مشتاقان دیدار، برای شرکت در جلسه‌هایی که محتوای قابل قبولی ندارد، وعده دیدار حجت خدا را می‌دهند و بدین گونه امر ملاقات با آن امام غایب را کاری سهل و در دسترس همگان جلوه می‌دهند؛ در حالی که بدون تردید، آن حضرت بر طبق اراده پروردگار در غیبت کامل قرار گرفته است و ملاقاتش جز برای افرادی معدود، رخ نمی‌نماید.

شرط اساسی ملاقات

ملاقات با امام خوبی‌ها یک خواسته و نیاز به درگاه خدای حکیم است و تنها در حالی به اجابت می‌رسد که انجام آن، مطابق حکمت و مصلحت باشد؛ بنابراین هرگاه با وجود همه شور و اشتیاق یک عاشق و تلاش او برای شرفیابی به محضر امام، ملاقاتی دست ندهد، نباید گرفتار یأس و ناامیدی شود و این را نشانه نبود لطف و عنایت امام بداند؛ بلکه باید بکوشد که با توسل به آن بزرگوار و ارتباط روحی با آن سرچشمه نیکی‌ها از حضور آن عزیز بهره بگیرد که این راه، همیشه و برای همگان باز است.

احمد بن ابراهیم نوبختی، روزی به پدر همسرش محمد بن عثمان، دومین نایب خاص امام عصر علیه السلام گفت: «من به زیارت صاحب الزّمان مشتاقم». محمد بن عثمان به او گفت: «با شوقی که داری، می‌خواهی او را ببینی؟» احمد بن ابراهیم گفت: «آری». محمد گفت: «خداوند، تو را بر این شوق پاداش دهد و چهره حضرت صاحب الامر را در حالت عافیت به تو نشان دهد». سپس گفت: «در ایام غیبت، مشتاق آن حضرت باش؛ اما درخواست ملاقات نکن؛ زیرا این مسأله، از اموری است که مربوط به اراده و مشیّت الهی

است و تسلیم آن بودن، بهتر است؛ لکن به وسیله زیارت کردن به آن حضرت توجه کن.»

آنچه از ما خواسته اند

جان سخن اینکه اگر چه دیدن جمال نورانی امام عصر و سخن گفتن با آن محبوب دل‌ها سعادتی بزرگ است، امامان ما و به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام از شیعیان نخواستند که در پی دیدار امام زمان خود، چله نشینی یا بیابان گردی پیشه کنند؛ بلکه پیشوایان معصوم علیهم السلام سفارش فرموده اند که شیعیان پیوسته به یاد آن حضرت بوده، برای فرج او دعا کنند؛ نیز در جلب رضای او در گفتار و کردار بکوشند و در راستای اهداف بزرگ او قدم بر دارند، تا هر چه زودتر زمینه ظهور آن امید بشریت، فراهم گردد و عالم از فیض مستقیم او بهره مند شود. امام مهدی علیه السلام خود می‌فرماید:

«اَكثُرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛

برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که همان، فرج شماست.

نیز آن حضرت از شیعیان خود چنین خواسته است:

فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به من محبتنا و یتجنب عما یدنیه من کراهیتنا و
سخطنا؛

هریک از شما به گونه ای عمل کند که به محبت و دوستی ما نزدیک شود و از
کارهایی که موجب ناخشنودی ماست، دوری کند.

تشریف حاج علی بغدادی

در اینجا مناسب است جریان شیرین ملاقات مرحوم حاج علی بغدادی را که از خوبان
روزگار خویش بوده است، نقل کنیم؛^۲ ولی به جهت رعایت اختصار به بیان نکات مهم آن
اکتفا می‌کنیم:

آن مرد شایسته و با تقوا، همیشه از بغداد به کاظمین می‌رفت و دو امام بزرگوار
حضرت کاظم و حضرت جواد علیهما السلام را زیارت می‌کرد. او می‌گوید: مقداری خُمس و

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.

۲. محدث نوری پیش از نقل این ملاقات می‌نویسد: «این قضیه [مربوط است به] صالح متقی حاج علی بغدادی که در تاریخ تألیف این کتاب موجود است و اگر در تمام این کتاب نبود مگر این حکایت صحیح و محکم که فوائد آن بسیار است و در زمانی نزدیک به ما واقع شده، هر آینه کافی بود در شرافت و ارزش آن.»

حقوق مالی برعهده‌ام بود. به همین سبب به نجف اشرف رفتم و بیست تومان از آن را به عالم فقیه و پارسا، شیخ انصاری و بیست تومان آن را هم به عالم فقیه شیخ محمد حسین مجتهد کاظمینی و بیست تومان هم به آیت الله شیخ محمد حسن شروقی دادم و تصمیم گرفتم که بیست تومان دیگر بدهی خود را پس از بازگشت به بغداد به آیت الله آل یاسین بپردازم. روز پنج شنبه به بغداد بازگشتم. نخست به سوی کاظمین رفتم و دو امام بزرگوار را زیارت کردم. پس از آن به منزل آیت الله آل یاسین رفتم و بخشی از باقی مانده بدهی شرعی خود را به او تقدیم کردم و از او اجازه گرفتم که باقی مانده آن را به تدریج به او یا کسی که او را مستحق بدانم، بپردازم. ایشان اصرار کرد که نزد او بمانم؛ اما به دلیل کارهای ضروری، عذر خواهی و خداحافظی کردم و به سوی بغداد حرکت نمودم.

وقتی یک سوم راه را رفته بودم با سید بزرگوار و با وقاری روبه‌رو شدم. او عمامه‌ای سبز بر سر داشت و بر گونه اش خالی مشکی آشکار بود و برای زیارت به سوی کاظمین می‌رفت. نزدیک من آمد و سلام کرد. به گرمی با من دست داد و مرا در آغوش کشید و به سینه چسبانید و به من خوش آمد گفت و فرمود: «حاج علی! خیر است. کجا می‌روی؟» گفتم: «زیارت کرده‌ام و اینک عازم بغداد هستم». گفت: «شب جمعه است. برگرد به کاظمین [و امشب را در آنجا بمان]». گفتم: «نمی‌توانم». گفت: «می‌توانی. برگرد تا گواهی دهم که از دوستان جدّم امیرالمؤمنین علیه السلام و از دوستان ما هستی و شیخ نیز گواهی می‌دهد. خداوند می‌فرماید: *وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ*»^۱ [= دو نفر را شاهد بگیرید].»

حاج علی بغدادی می‌گوید: من پیش از این، از آیت الله آل یاسین خواسته بودم که برای من سندی بنویسد و در آن گواهی کند که من از شیعیان و دوستداران اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستم، تا آن نامه را در کفن خویش قرار دهم. از سید پرسیدم: «از کجا مرا شناختی و چگونه این گواهی را می‌دهی؟» فرمود: «چگونه انسان، کسی را که حق او را به طور کامل می‌دهد نمی‌شناسد» گفتم: «کدام حق؟» فرمود: «همان حقوقی که به وکیل من دادی». گفتم: «وکیل شما کیست؟» فرمود: «شیخ محمد حسن». گفتم: «آیا او وکیل شماست؟» فرمود: «آری».

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

از گفتار او شگفت زده شدم. فکر کردم میان من و او، دوستی دیرینه‌ای است که من فراموش کرده‌ام؛ زیرا در برخورد اول مرا به نام صدا زد و گمان کردم از من توقع دارد که مبلغی از آن خمس که بر عهده دارم، بدان سبب که از نسل پیامبر ﷺ است، به او تقدیم کنم؛ بنابراین گفتم: «از حقوق شما فرزندان پیامبر، مقداری نزد من هست و اجازه گرفته‌ام که آن را مصرف کنم». تبسم کرد و گفت: «آری؛ مقداری از حقوق ما را به وکلای ما در نجف پرداختی». پرسیدم: «آیا این کارم پذیرفته درگاه خداست؟» فرمود: «آری».

به خود آمدم که چگونه این سید، بزرگ‌ترین علمای عصر را وکیل خود می‌خواند؛ اما بار دیگر دچار غفلت شدم و موضوع را فراموش کردم.

گفتم: «سرورم! آیا درست است که می‌گویند: هر کس در شب جمعه امام حسین علیه السلام را زیارت کند [از عذاب خدا] در امان خواهد بود؟» گفت: «آری» و در همان حال دیدگانش پر از اشک شد و گریست. چیزی نگذشت که دیدم در حرم مطهر کاظمین علیه السلام هستیم، بی آنکه از خیابان‌ها و راه‌هایی که به حرم می‌رسد، عبور کرده باشیم. کنار در ورودی ایستادیم. گفت: «زیارت بخوان» گفتم: «سرورم! من نمی‌توانم خوب بخوانم». گفت: «آیا من بخوانم تا با من زیارت کنی؟» گفتم: «آری».

او شروع کرد و بر پیامبر و یک یک امامان سلام گفت و پس از نام مبارک امام عسکری علیه السلام رو به من کرد و گفت: «آیا امام زمانت را می‌شناسی؟» گفتم: «چگونه نمی‌شناسم؟» فرمود: «پس بر او سلام کن». گفتم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَيْنَ الْحَسَنِ!» تبسم کرد و فرمود: «عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

پس وارد حرم شدیم و ضریح را بوسیدیم. فرمود: «زیارت بخوان». گفتم: «سرورم! نمی‌توانم خوب بخوانم». فرمود: «آیا برای بخوانم؟» گفتم: «آری؛ او زیارت مشهور به «امین الله» را خواند و آنگاه فرمود: آیا جدّم حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی؟ گفتم: آری امشب شب جمعه و شب زیارتی امام حسین علیه السلام است». او زیارت مشهور امام حسین علیه السلام را خواند. هنگام نماز مغرب شد. به من فرمود تا نماز را به جماعت بخوانم. پس از نماز، آن بزرگوار از نظرم ناپدید شد و هر چه جست‌وجو کردم، او را ندیدم.

تازه به خود آمدم و به یاد آوردم که سید، مرا با نام و نشان صدا زد. خواست که به کاظمین برگردم و با اینکه نمی‌خواستم، باز گشتم. فقهای بزرگ را وکیل خود خواند و

سرانجام نیز به صورت ناگهانی پنهان شد. پس از این اندیشه دریافتم که آن حضرت امام عصر علیه السلام بوده است و دریغا که دیر او را شناختم.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، جنة المأوی، ص ۳۱۲؛ نجم الثاقب، داستان ۳۱، ص ۴۸۴ (با اندکی تصرف).

خلاصه درس

- دیدار امام عصر علیه السلام در دوران غیبت، ممکن است؛ ولی وظیفه ما انجام تکلیف و جلب رضایت امام است.
- شرط دیدار، مصلحت الهی و اذن امام است، نه علاقه و اشتیاق مردم.
- ملاقات امام، معمولاً در حالت اضطرار و گرفتاری است و به ندرت در حالت عادی ممکن است رخ دهد.
- برخی بزرگان برای تقویت اعتقاد مردم به امام عصر علیه السلام به نقل تشرفات دیگران پرداخته‌اند.

پرسش‌های درس

۱. ملاقات و دیدار با امام عصر علیه السلام در زمان غیبت کبرا، چند حالت دارد؟ توضیح دهید.
۲. شرط مهم وقوع ملاقات با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت چیست؟
۳. آیا تلاش برای ملاقات حضرت در روایات توصیه شده است؟ خواسته امامان علیهم السلام از شیعیان در زمان غیبت را توضیح دهید.

سوالات پژوهشی

۱. دلایل امکان ملاقات را تبیین نمایید.
۲. راه‌های تقرب و ارتباط معنوی با امام را ذکر کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. الغیبه، شیخ طوسی.
۲. منتخب الانوار المصیبه، نبلی نجفی.
۳. راز پنهانی و رمز پیدایی، سید محمد بنی هاشمی.
۴. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری.
۵. فصلنامه مشرق موعود، شماره ۲، مقاله تأملی در باب ارتباط و ملاقات.

انتظار

اهداف

- شناخت معنای صحیح انتظار
- توجه به بایسته‌های انتظار

فوائد

- آشنایی با مفهوم انتظار در اندیشه شیعی
- شناخت معیارهای انتظار
- تلاش برای اصلاح و خودسازی برای زمینه سازی ظهور

مطالب آموزشی

- انتظار سبز
- حقیقت انتظار و جایگاه آن
- ویژگی های انتظار مهدی
- ابعاد انتظار
- وظایف منتظران
- شناخت امام
- الگوپذیری
- یاد امام
- وحدت و همدلی
- آثار انتظار
- پاداش منتظران

انتظار سبز

دوره غیبت امام مهدی علیه السلام دوران سختی است که شیعه در فراق امام مهربان خود سپری می‌کند؛ ولی امید به آمدن او، دل و جان آن‌ها را شور و نشاط می‌بخشد و تحمل سختی‌ها و دشمنی‌ها را آسان می‌کند. این امید و آرزوی ظهور او که همیشه و همه جا برای انسان‌های مؤمن، نجات‌بخش و راهگشا بوده، در روایات اسلامی، «انتظار» نامیده شده است؛ انتظاری که منتظران را به امام موعود خود وصل می‌کند و مرهمی بر زخم فراق ایشان است.

آری؛ «انتظار» آن اکسیر ارزشمندی است که مؤمنان منتظر در دوره غیبت را آماده استقبال از ظهور مهدی موعود می‌کند و راه و رسم چگونه زیستن را به آن‌ها می‌آموزد.

حقیقت انتظار و جایگاه آن

برای «انتظار» معانی گوناگونی گفته‌اند؛ ولی با دقت و تأمل در این کلمه می‌توان به حقیقت معنای آن پی برد. انتظار، چشم به راه بودن است و این چشم به راهی به تناسب بستر و زمینه آن ارزش می‌یابد و آثار و پیامدهایی دارد. انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نیست؛ بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت و اقدام را می‌آفریند. به همین دلیل است که در روایات، انتظار، یک عمل و بلکه بهترین اعمال، معرفی شده است.

انتظار به «منتظر» شکل می‌دهد و به کارها و تلاش‌های او جهت خاصی می‌بخشد. بنابراین «انتظار» با نشستن و دست روی دست گذاشتن، نمی‌سازد. انتظار با چشم به در دوختن و حسرت خوردن، تمام نمی‌شود؛ بلکه در حقیقت انتظار، حرکت و نشاط و شور آفرینی نهفته است.

آنکه در انتظار مهمان عزیزی است، سر از پا نمی‌شناسد و در تلاش است تا خود و محیط اطراف خود را برای آمدن مهمان، آماده کند و موانع حضور او را بر طرف سازد. سخن درباره انتظار رویدادی بی‌نظیر است که در زیبایی و کمال، نهایت ندارد. انتظار روزگاری که در سبزی و حرّمی در تمام روزگاران گذشته، مثالی نداشته است و جهان چنان دوران زیبایی را هرگز تجربه نکرده است. این، همان انتظار حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که در روایات، از آن به «انتظار فرج» یاد شده و از بهترین اعمال و عبادات، بلکه پشتوانه قبولی همه اعمال، شمرده شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

بهترین اعمال امت من، انتظار فرج است.^۱

امام صادق علیه السلام به یاران خود فرمود:

آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند، بدون آن، هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟... گواهی به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اقرار به آنچه خدا امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما - یعنی ما امامان به خصوص - و تسلیم شدن در برابر ایشان [=امامان] و پرهیزکاری و کوشش و خویشتن داری و انتظار قائم.^۲

بنابراین «انتظار فرج»، انتظاری است که ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد دارد که لازم است به خوبی دانسته شود، تا رمز و راز آن همه فضیلت و آثار که برای آن خواهیم شمرد، آشکار شود.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۵۵، ح ۳، ص ۵۴۷.

۲. الغیبة نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷.

ویژگی‌های انتظار مهدی علیه السلام

گفتیم که «انتظار»، امری فطری است و برای همگان در هر قوم و آیینی که باشند وجود دارد؛ اما انتظارهای معمولی که در جریان زندگی افراد و حتی جامعه‌ها وجود دارد، هر اندازه بزرگ و با اهمیت باشد، در مقایسه با انتظار موعود جهانی، کوچک و بی‌مقدار است؛ زیرا انتظار ظهور او، ویژگی‌های خاص خود را دارد:

انتظار مهدی علیه السلام انتظاری است که از ابتدای عالم، آغاز شده است؛ یعنی از زمان‌های بسیار دور، انبیا و اولیا نوید ظهور او را داده‌اند و در زمان‌های نزدیک تر، همه امامان ما، آرزوی روزگار دولت او را داشته‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر به او خدمت می‌کردم.^۱

انتظار مهدی علیه السلام، انتظار مصلح جهانی است. انتظار حکومت عدل جهانی است و انتظار تحقق همه خوبی‌ها است. در این انتظار، بشریت چشم به راه است تا آنچه را بر اساس فطرت پاک خدایی، در آرزوی آن بوده و هیچ‌گاه به صورت کامل به آن دست نیافته است، ببیند. مهدی علیه السلام همان است که عدالت و معنویت، برادری و برابری، عمران و آبادی زمین و امنیت و صلح و عصر شکوفایی عقل و دانش بشری را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد و برچیدن بساط استعمار و بردگی انسان‌ها و نفی هر گونه ستم و ستمگری و رهایی اجتماع از انواع فسادهای اخلاقی، ره آورد حاکمیت اوست.

انتظار مهدی علیه السلام انتظاری است که تنها با فراهم شدن زمینه‌های شکوفایی آن، خواهد شکفت و آن زمانی است که همه انسان‌ها در طلب منجی و مصلح آخر الزمان باشند. او می‌آید تا با همکاری و همیاری یارانش بر ضد بدی‌ها قیام کند، نه اینکه تنها با معجزه کار جهان را سامان دهد.

انتظار مهدی علیه السلام در منتظرانش شوق یاری و همراهی او را ایجاد می‌کند و به انسان، هویت و حیات می‌بخشد و او را از پوچی و بی‌هدفی نجات می‌دهد.

آنچه گفته شد، بخشی از ویژگی‌های آن انتظاری است که به وسعت همه تاریخ است

۱. همان، باب ۱۳، ح ۴۶، ص ۲۵۲.

و ریشه در جان همه انسان‌ها دارد و هیچ انتظار دیگری به خاک پای این انتظار سترگ نمی‌ارزد. بنابراین جا دارد که ابعاد و آثار فراوان انتظار مهدی علیه السلام را بشناسیم و درباره وظایف منتظران ظهور او و پاداش بی‌نظیر آن‌ها سخن بگوییم.

ابعاد انتظار

انسان از زوایای مختلف، دارای ابعاد گوناگون است؛ از سویی از بُعد نظری و عملی برخوردار است و از سوی دیگر، دارای بُعد فردی و اجتماعی است، و از زاویه‌ای دیگر در کنار بُعد جسمی، بُعد روحی و روانی دارد. بدون تردید در همه ابعاد یاد شده به چارچوب مشخصی نیاز است تا در قالب آن، راه صحیح زندگی باز شود و مسیرهای انحرافی به روی آدمی بسته گردد و آن راه درست، همان مسیر انتظار است.

انتظار موعود جهانی در همه ابعاد زندگی منتظر تأثیر می‌گذارد. در بعد فکری و نظری که زیر بنای اعمال و رفتار انسان است، باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می‌کند. به بیان دیگر، انتظار صحیح می‌طلبد که منتظر، بنیان‌های اعتقادی و فکری خود را تقویت کند، تا در دام مکتب‌های انحرافی گرفتار نشود یا به سبب طولانی شدن دوره غیبت امام عصر علیه السلام به چاه یأس و ناامیدی سقوط نکند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام ایشان غایب خواهد شد؛ پس خوشا به حال آنان که در آن زمان، بر امر [ولایت] ما ثابت و استوار بمانند.^۱

یعنی در دوره غیبت که دشمنان با انواع شبهه‌ها می‌کوشند تا اعتقادات درست شیعیان را از بین ببرند به برکت قرار گرفتن در سنگر انتظار، مرزهای عقیدتی حفظ می‌شود.

در بُعد عملی، انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می‌دهد. منتظر باید در میدان عمل بکوشد تا زمینه‌های ظهور دولت حق فراهم شود؛ بنابراین، منتظر در این بخش، هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می‌گمارد. در بُعد فردی نیز، هم به حیات روحی و روانی خود و کسب فضیلت‌های اخلاقی روی می‌آورد و هم به تقویت جنبه جسمی و بدنی می‌پردازد تا نیرویی کارآمد برای جبهه نور باشد.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

امام صادق علیه السلام فرمود:

... کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در حال

انتظار، پرهیزگاری پیشه کند و به اخلاق نیکو، آراسته شود...^۱

ویژگی «انتظار» آن است که آدمی را از محدوده خود فراتر می‌برد و او را با تک تک افراد جامعه مرتبط می‌کند؛ یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر، مؤثر است که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه دارد و او را به تأثیرگذاری مثبت در جامعه وادار می‌دارد. از آنجا که شرط ظهور دولت حق، آمادگی جمعی است، هر کس به اندازه توان خود برای اصلاح جامعه می‌کوشد و در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی، ساکت و بی‌تفاوت نمی‌ماند؛ چرا که منتظر مصلح جهانی در اندیشه و عمل، مسیر صلاح و راستی را طی می‌کند.

کوتاه سخن اینکه «انتظار» جریان مبارکی است که در تمام مویرگ‌های حیات فرد و اجتماع منتظر جاری است و در همه عرصه‌های زندگی، رنگ الهی به انسان و حیات او می‌بخشد و چه رنگی از رنگ الهی بهتر و ماندگارتر؟!

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿... صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...﴾^۲

رنگ الهی [بگیرید] و چه چیز از رنگ الهی داشتن نیکوتر است؟

با توجه به آنچه گذشت، وظایف منتظران مصلح کل، چیزی جز همان «رنگ خدایی داشتن» نیست که به برکت انتظار در جای جای زندگی فردی و جمعی آن‌ها جلوه گر می‌شود.

با این نگاه، دیگر آن وظایف بر دوش ما - منتظران - سنگینی نخواهد داشت؛ بلکه جریان شیرینی که به همه زوایای زندگی ما معنا و مفهومی زیبا بخشیده است، به شمار می‌آید. به راستی اگر فرمانروای ملک مهربانی و امیر کاروان مهرورزی، تو را به عنوان سربازی شایسته برای خیمه ایمان خواسته باشد و حضور تو را در سنگر حق، انتظار کشد،

۱. الغیبه نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۳۸.

چگونه خواهی بود؟ آیا باید بر تو تکالیفی را تحمیل کنند که چنین و چنان باش و این کار و آن کار را انجام ده یا تو خود راه انتظار را شناخته‌ای و برای همان مقصدی که برگزیده‌ای، گام خواهی زد؟

وظایف منتظران

در روایات و بیانات پیشوایان دین، وظایف فراوانی برای منتظران ظهور بیان شده است که در اینجا مهم‌ترین آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱. شناخت امام

پیمودن جاده انتظار، بدون شناختن امام منتظر ممکن نیست. استقامت و پایداری در وادی انتظار، وابسته به درک صحیح از پیشوای موعود است. بنابراین علاوه بر شناخت امام به اسم و نسب، لازم است از جایگاه امام و رتبه و مقام او نیز آگاهی کافی به دست آورد. ابونصر که از خدمت‌گذاران امام حسن عسکری علیه السلام است، پیش از غیبت امام مهدی علیه السلام به حضور آن حضرت می‌رسد. امام مهدی علیه السلام از او می‌پرسد: «آیا مرا می‌شناسی؟» پاسخ می‌دهد: «آری؛ شما سرور من و فرزند سرور من هستید». امام علیه السلام می‌فرماید: «مقصود من چنین شناختی نبود» ابونصر می‌گوید: «خودتان بفرمایید». امام علیه السلام می‌فرماید:

من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خداوند به [برکت] من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.^۱

اگر معرفت امام برای منتظر حاصل شود، او از هم اکنون خود را در جبهه امام می‌بیند و احساس می‌کند که در خیمه امام و کنار او قرار گرفته است. بنابراین لحظه‌ای در تلاش برای تقویت جبهه امام خویش کوتاهی نمی‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

...مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَمَنْ مَاتَ

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.

وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ؛

کسی که بمیرد، در حالی که امام خود را شناخته باشد، جلو افتادن یا تأخیر امر [ظهور] به او زیان نمی‌رساند. و کسی که بمیرد و حال آنکه امام خود را شناخته است، مانند کسی است که در خیمه امام و همراه او بوده است.

گفتنی است که این معرفت و شناخت، چنان مهم است که در کلام معصومان علیهم‌السلام آمده است که برای به دست آوردن آن، لازم است از خداوند طلب یاری شود. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«... در زمان غیبت طولانی امام مهدی علیه‌السلام باطل‌گرایان [در اعتقاد و دین خود] به شک و تردید گرفتار می‌شوند». زراره، از یاران خاص امام گفت: «اگر آن زمان را شاهد بودم، چه کنم؟»
امام صادق علیه‌السلام فرمود: «... این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِيْ نَفْسَكَ فَانِّكَ اِنْ لَّمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِيْ رَسُوْلَكَ فَانِّكَ اِنْ لَّمْ تُعَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِيْ حُجَّتَكَ فَانِّكَ اِنْ لَّمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيْنِيْ»^۲

آنچه تا کنون مطرح شد، معرفت به جایگاه امام در مجموعه نظام هستی است.^۳ او حجت پروردگار و جانشین به حق پیامبر و پیشوای همه مردم است که اطاعت او بر همگان واجب است؛ چرا که اطاعت از او همان اطاعت از خداست.

یکی دیگر از ابعاد معرفت امام، شناختن سیره و صفات امام است.^۴ این بُعد از شناخت، تأثیر عملی گسترده‌ای در رفتار و خلق و خوی منتظر می‌گذارد و بدیهی است که هر اندازه معرفت انسان به زوایای گوناگون زندگی امام و حجت الهی بیشتر و عمیق‌تر باشد،

۱. کافی، ج ۱، کتاب الحجه، باب «انه من عرف امامه لم يضره تقدم هذا الامر او تاخر»، ح ۵، ص ۳۷۱.

۲. الغيبة نعمانی، باب ۱۰، فصل ۳، ح ۶، ص ۱۷۰؛ نیز حاشیه مفاتیح‌الجنان، باب ششم، دعای زمان غیبت. ترجمه دعا: «خدایا! خودت را من بشناسان که به راستی اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! پیامبرت را به من بشناسان که به راستی اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجت [و خلیفه پیامبرت] را نخواهم شناخت. خدایا! حجت خود [امام زمان] را به من بشناسان که براستی اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد».

۳. درباره این موضوع در فصل اول کتاب، مباحثی بیان شد.

۴. درباره سیره و صفات امام مهدی علیه‌السلام در فصل آینده سخن خواهیم گفت.

آثار آن در بخش‌های گوناگون زندگی او بیشتر خواهد بود.

۲. الگوپذیری

وقتی معرفت به امام و جلوه‌های زیبای رفتاری آن بزرگوار به دست آمد، سخن از پیروی و الگوگرفتن از آن مظهر کمالات به میان می‌آید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خوشابه حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند؛ در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت من، در نزد من هستند.^۱

به راستی آن کس که در تقوا، عبادت، ساده زیستی، سخاوت، صبر و همه فضائل اخلاقی دنباله رو امام و مراد خویش است، چه رتبه بلندی نزد آن رهبر الهی خواهد داشت و آن گاه که به حضور مقدسش بار یابد، چه سربلند و سرافراز خواهد بود؟

آیا جز این است که منتظری که در طلب زیباترین پدیده عالم است، خود را به خوبی‌ها می‌آراید و از زشتی‌ها و رذائل اخلاقی دوری می‌کند و در مسیر انتظار همواره مراقب افکار و اعمال خویش است؟ و گرنه افتادن به دام بدی‌ها، رفته رفته فاصله او و معشوق خوبان را زیاده‌تر خواهد کرد و این، حقیقتی است که در بیان هشدار دهنده آن امام موعود آمده است:

فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ^۲؛

هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است، مگر آنچه از کارهای ایشان که به ما می‌رسد؛ اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم.

نهایت آرزوی منتظران، آن است که در برپایی دولت مهدوی و حکومت عدل جهانی سهمی داشته باشند و افتخار یابوری و همراهی آخرین حجت حق را به دست آورند؛ ولی مگر نیل به چنین سعادت بزرگی جز با خودسازی و آراستگی اخلاقی میسر است؟
امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ص ۵۳۵.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ؛

۱

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.

روشن است که در مسیر تحقق چنین خواسته‌ای، هیچ الگو و نمونه‌ای برتر از آن امام بزرگوار که آینه تمام زیبایی هاست، یافت نمی‌شود.

۳. یادِ امام

آنچه منتظران را در کسب معرفتِ امام و پیروی از آن بزرگوار یاری می‌دهد و پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد، پیوستگی و ارتباط مداوم با آن طیب جان‌ها است. به راستی وقتی آن امام مهربان امت، همیشه و همه جا به حال شیعیان خود نظر دارد و لحظه‌ای آن‌ها را از یاد نمی‌برد، آیا رواست که دلدادگان روی او به دنیا و تعلقات آن سرگرم شوند و از آن عزیز، غافل و بی‌خبر بمانند؟ راه و رسم دوستی و محبت آن است که در همه حال او را بر خود و دیگران مقدم بدارند. وقتی بر سجاده دعا می‌نشینند، از او آغاز نمایند و برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا کنند که آن بزرگوار خود فرمود:

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در همان است.^۲

و باید همواره زمزمه کنند:

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى ابائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقائداً وَناصراً وَ دليلاً وَ عَيْناً حَتّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً؛^۳

خدایا! برای ولی خود، حجت بن الحسن - که درود تو بر او و پدرانش باد - در این ساعت و در همه ساعات، سرپرست و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما و دیده بان باش، تا [آن زمان که] او را در زمین خود با میل و رغبت جای دهی، و برای مدتی طولانی او را در زمین بهره مند سازی.

منتظر حقیقی، هنگام صدقه دادن، ابتدا سلامتی وجود شریف امام خود را در نظر می

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۱، ح ۱۶، ص ۲۰۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۷.

۳. مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

گیرد و به هر بهانه، دستِ توسّل به دامن پر مهر او می‌زند و به اشتیاق ظهور مبارک او و دیدن جمال بی‌مثالش ناله سر می‌دهد:

عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ اَرٰی الْخَلْقَ وَلَا تُرٰی^۱؛

سخت است بر من که همه را ببینم و تو دیده نشوی.

رهر و راه انتظار در مجالسی که به نام آن محبوب دل‌ها تشکیل می‌شود، حضور می‌یابد تا ریشه‌های محبت او را در دل خود محکم‌تر کند و به مکان‌هایی مانند مسجد سهله و مسجد جمکران و سرداب مقدّس که منسوب به امام عصر علیه السلام است، رفت و آمد می‌کند. از زیباترین جلوه‌های یاد امام مهدی علیه السلام در زندگی منتظران ظهورش، آن است که هر روز با او تجدید عهد کرده، پیمان وفاداری ببندند و استواری خود را بر آن عهد اعلام کنند.

در فرازی از دعای عهد چنین می‌خوانیم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُجَدُّ لَهٗ فِی صَبِيْحَةٍ یُّوْمِیْ هٰذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ اَیَّامِیْ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَیْعَةً لَّهٗ فِی عُتْقٰی لَا اَحْوَلُ عَنْهَا وَلَا اَزْوَلُ اَبَدًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِیْنَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِیْنَ اِلَیْهِ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَلِیْنَ لِاَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِیْنَ عَنْهُ وَالسَّابِقِیْنَ اِلٰی اِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِیْنَ بَیْنَ یَدَیْهِ^۲

بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگی‌ام، عهد و پیمان و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم، با او تجدید می‌کنم که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از یاران و کمک کاران آن حضرت و مدافعان از حریم مقدس او و شتاب‌کنندگان به سوی او برای انجام خواسته‌هایش و اطاعت‌کنندگان از دستوراتش و حمایت‌کنندگان از وجود شریفش و سبقت‌جویان به سوی خواسته‌اش و شهیدان در رکاب حضرتش قرار ده.

اگر کسی پیوسته این عهد را بخواند و از عمق جان به مضامین آن پای بند باشد، هرگز به سستی گرفتار نمی‌شود و در تحقق آرمان‌های امام خود و زمینه‌سازی برای ظهور آن بزرگوار، لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند و به راستی که شایسته حضور در میدان یاری آن ذخیره الهی خواهد بود.

۱. همان، دعای ندبه.

۲. همان، دعای عهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس چهل بامداد، خدا را با این [دعای] عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد [و قائم علیه السلام را یاری دهد]....

۴. وحدت و همدلی

از وظایف تک تک افراد قبیله انتظار که بگذریم، جمعیت منتظران نیز باید طرح و برنامه‌ای داشته باشند که در راستای اهداف امام و حجت الهی باشد. به بیان دیگر، اجتماع منتظر، لازم است تلاش و حرکت خود را در مسیر رضایت رهبر موعود قرار دهد. بنابراین جامعه منتظر بر آن است که عهد و پیمان خود با امام را به انجام رساند، تا زمینه مناسب برای ظهور دولت مهدوی فراهم شود.

امام عصر علیه السلام در یکی از بیانات خود به چنین جمعیتی این گونه بشارت داده است: اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را در راه اطاعتش یاری دهد - در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، یکدل و مصمم باشند، البته نعمت دیدار، از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت ملاقات ما برای آن‌ها با معرفت کامل و راستین به ما، تعجیل می‌شود.^۱

آن عهد و پیمان، همان است که در کتاب خدا و سخنان نمایندگان خدا آمده است که مهم‌ترین آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱. تلاش در جهت پیروی از امامان علیهم السلام و دوستی با دوستان آن بزرگواران و بیزارى جستن از دشمنان آن‌ها.

امام باقر علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود:

خوشا حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند؛ در حالی که پیش از قیام، از او پیروی کرده باشند و با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی نموده باشد! آن‌ها رفیقان من و اهل دوستی و محبت من و گرامی‌ترین امت من نزد من در روز قیامت هستند.^۲

۱. احتجاج، ج ۲، ش ۳۶۰، ص ۶۰۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

۲. جمعیت منتظران در مقابل بدعت‌ها و انحراف‌ها در دین و رواج منکرات و زشتی‌ها در سطح جامعه، بی تفاوت نیستند. نیز در برابر فراموش شدن سنت‌های نیکو و ارزش‌های اخلاقی از خود واکنش نشان می‌دهند. این، پیمانی است که بر اساس تعالیم قرآن بر دوش منتظران نهاده شده است.

خداوند می‌فرماید:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱

باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ اینان رستگارانند.

بدون شک، سنت‌های اسلامی از مصادیق «خیر» و «معروف» و بدعت‌ها از نمونه‌های روشن «منکر» هستند.

۳. جامعه منتظر در برخورد با دیگران وظیفه دارد که تعاون و همکاری را سر فصل برنامه‌های خود قرار دهد. افراد این جامعه به دور از تنگ نظری و خودمحوری، پیوسته حال فقرا و نیازمندان جامعه را پی گیری می‌کنند و از آنان بی‌خبر نمی‌مانند. گروهی از شیعیان از امام باقر علیه السلام درخواست نصیحت کردند؛ حضرت فرمود:

از میان شما آنکه نیرومند است، ضعیف را یاری کند و آنکه بی‌نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما درباره دیگری خیرخواهی کند.^۲

گفتنی است که دایره این همکاری و همیاری، به محیطی که در آن زندگی می‌کنند محدود نیست؛ بلکه خیر و نیکی منتظران به محیط‌های دورتر و نیازمندان شهرهای دیگر نیز می‌رسد؛ زیرا در پرتو روح انتظار، هیچ جدایی و دوگانگی‌ای بین افراد احساس نمی‌شود.

۴. افرادی که عضو جامعه منتظر هستند، باید به جامعه رنگ و بوی مهدوی بدهند و نام و یاد امام را در همه عرصه‌ها منتشر کنند و گفتار و کردار امام را به عنوان سرآمد همه سخنان و شیوه‌ها به نمایش عمومی بگذارند که بدون تردید مورد عنایت و لطف ویژه

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ح ۵، ص ۱۲۳.

امامان علیهم السلام خواهند بود.

عبدالحمید واسطی از یاران امام باقر علیه السلام به آن حضرت می گوید: «ما در انتظار امر فرج همه زندگی خود را وقف کردیم؛ به گونه ای که برای بعضی از ما مشکلاتی را به همراه داشته است».

امام علیه السلام در پاسخ او می فرماید:

ای عبدالحمید! آیا گمان می کنی که خداوند راه رهایی [از مشکلات] را برای آن بنده ای که خود را وقف خداوند کرده باشد، قرار نداده است؟ آری؛ به خدا قسم! خداوند برای او راه چاره ای قرار خواهد داد. خداوند رحمت کند بنده ای را که امر [ولایت] ما را زنده دارد!^۱

سخن آخر اینکه جامعه منتظر باید بکوشند که در همه ابعاد زندگی اجتماعی، الگوی سایر اجتماعات باشند و همه زمینه های لازم برای ظهور منجی موعود را فراهم کنند.

آثار انتظار

بعضی گمان کرده اند که انتظار مصلح جهانی، افراد را در حالت سکون و بی تفاوتی قرار می دهد و منتظران، تا قیام اصلاح گری جهانی در مقابل بدی ها و پلیدی ها واکنشی نخواهند داشت، بلکه ساکت و بی تفاوت، دست روی دست خواهند گذاشت و تماشاگر جنایت ها خواهند بود.

این نگاه، یک نگاه سطحی و به دور از اندیشه و دقت است؛ زیرا با توجه به آنچه در حقیقت انتظار امام موعود و ویژگی های آن و نیز ابعاد انتظار و ویژگی های منتظران مطرح شد، روشن است که روحیه انتظار، آن هم با ویژگی های منحصر به فرد و جایگاه بی نظیر امام مهدی علیه السلام نه تنها سکون و سردی را به دنبال ندارد؛ بلکه بهترین عامل حرکت و پویایی است.

انتظار، در منتظر غوغایی مبارک و حرکتی هدف دار پدید می آورد. هر چه منتظر، به حقیقت انتظار، نزدیک تر شود، سرعت حرکت او به سوی مقصد بیشتر خواهد شد. در پرتو انتظار، آدمی از خود محوری رهایی می یابد و خود را جزئی از جامعه اسلامی می

بیند؛ بنابراین می‌کوشد تا جامعه را در حد توان خود به صلاح و درستی نزدیک کند و وقتی جامعه‌ای از عناصری این چنین با هویت تشکیل یابد، اجتماعی در جهت ترویج فضیلت‌ها پدید می‌آید و حرکت عمومی به سوی اقامه خوبی‌ها، شکل می‌گیرد. در چنین محیطی که محیط صلاح و سازندگی و فضای امیدبخشی و نشاط و عرصه تلاش و همیاری و همکاری است، زمینه رشد باورهای دینی و بینش عمیق مهدوی در افراد جامعه پدید می‌آید و منتظران که به برکت انتظار، در فساد محیط حل نشده‌اند بلکه هویت دینی و مرزهای اعتقادی خود را حفظ کرده‌اند، در برابر سختی‌ها و مشکلات دوران انتظار بردباری می‌کنند و به امید تحقق وعده حتمی الهی با پایداری، بلاها را به جان می‌خرند. راستی کدام مکتب و مذهبی را می‌شناسید که برای پیروان خود چنین مسیر روشنی را ترسیم کرده باشد؟ مسیری که با انگیزه‌ای الهی پیموده می‌شود و در نهایت پاداشی بس بزرگ را به ارمغان می‌آورد.

پاداش منتظران

خوشا به حال آنان که چشم به راه خوبی‌ها نشسته‌اند! چه بزرگ است پاداش آنان که به انتظار موعود جهانی روزگار می‌گذرانند و چه شکوهمند است رتبه و مقام آنان که منتظر حقیقی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستند!

بجاست که در بخش پایانی از فصل انتظار، از فضیلت و رتبه بی‌نظیر جرعه نوشان جام انتظار سخن بگوییم و نمونه‌هایی از کلمات پیشوایان دین را بیاوریم. امام صادق علیه السلام فرمود:

خوشا به حال شیعیان قائم ما [اهل بیت] آن‌ها که در دوران غیبت او، ظهورش را انتظار دارند و در ایام ظهورش سر به فرمان او می‌آورند. آن‌ها دوستان خدایند که هیچ ترس و اندوهی برای ایشان نخواهد بود.^۱

چه افتخاری از این برتر که مدال دوستی پروردگار را بر سینه دارند. چرا باید گرفتار غم و اندوه شوند و حال آنکه زندگی و مرگ آن‌ها ارزشی گران پیدا کرده است؟

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۳، ح ۵۴، ص ۳۹.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد، خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد.^۱

آری؛ آنان که در دوران غیبت بر ولایت امام زمان خود باقی بمانند و عهد و پیمان خود با آن بزرگوار را استوار دارند، مانند رزمندگانی هستند که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه، به خون خود غلطیده اند. منتظرانی که جان بر کف به انتظار یاری فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده اند، از هم اکنون در خیمه جنگ و در کنار امیر جبهه حق هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر کسی از شما [شیعیان] بمیرد، در حالی که منتظر امر [فرج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه] باشد، همانند کسی است که در کنار قائم علیه السلام و در خیمه اش بوده است». سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: «نه، بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیده و شمشیر زده است». سپس فرمود: «نه، به خدا قسم! بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده باشد».^۲

این گروه، همان جماعتی هستند که قرن‌ها پیش، پیامبر بزرگ خدا آن‌ها را برادران و رفقای خود خوانده است و دوستی و مودت قلبی خود را نسبت به ایشان اعلام کرده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

روزی پیامبر در حضور گروهی از اصحاب خود فرمود: «خدایا! برادران مرا به من نشان ده» و این جمله را دو بار فرمود. اصحاب حضرت گفتند: «ای رسول خدا! آیا ما برادران تو نیستیم؟»

فرمود: «نه؛ شما اصحاب من هستید. برادران من قومی هستند در آخرالزمان که به من ایمان می‌آورند، در حالی که هرگز مرا ندیده اند. خداوند، آن‌ها را به اسم خود و پدرانشان به من معرفی کرده است... استواری هر یک از ایشان در دین خود از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت‌تر است. آن‌ها مشعل‌های هدایت هستند که خداوند، آن‌ها را از

۱. همان، ج ۲، باب ۳۱، ح ۶، ص ۵۹۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۱۶، ص ۱۲۶.

فتنه‌های تیره و تار نجات می‌بخشد».^۱

پیامبر اسلام ﷺ در جای دیگر در مورد ایشان فرمود:

آن‌ها رفقای من و صاحبان دوستی و مودت من و گرامی‌ترین امت من نزد من هستند.^۲

اینان که به چنین مقام و رتبه‌ای نزد پیامبر ﷺ دست یافته‌اند، به شرف خطاب حضرت دوست مشرف می‌شوند؛ آن‌هم ندایی که سرشار از محبت و عشق است و بیان‌گر نهایت تقرب و نزدیکی آن‌ها به محضر حضرت حق است.

امام باقر علیّه السلام فرمود:

روزگاری بر مردم می‌آید که امامشان غایب خواهد بود؛ پس خوشا حال آنان که در آن زمان بر امر [ولایت] ما استوار بمانند. به راستی که کمترین پاداش آن‌ها این است که حضرت پروردگار، آن‌ها را چنین ندا می‌دهد: «ای بندگان من! به سر من [و امام غایب] ایمان آوردید و او را تصدیق کردید؛ پس شما را بشارت باد به پاداش نیکوی من، شما به حقیقت بندگان من هستید. اعمال شما را می‌پذیرم و از خطاهای شما می‌گذرم و به [برکت] شما باران را بر بندگانم نازل می‌کنم و بلا را از ایشان می‌گردانم. اگر شما [در میان مردم] نبودید، حتماً عذاب خود را [بر مردم گنهکار] می‌فرستادم».^۳

ولی به راستی چه چیز منتظران را آرام می‌کند و انتظار آن‌ها را پایان می‌دهد؟ چه چیز روشنی چشم ایشان است و دل بی‌قرار آن‌ها را قرار و آرام می‌بخشد؟ آیا آنان که عمری به جاده انتظار چشم دوخته‌اند و در همین مسیر با همه سختی‌هایش راه پیموده‌اند تا به دشت سر سبز موعود منتظر پای گذارند به پاداشی کمتر از هم نشینی با محبوب و معشوق خود راضی می‌شوند و چه فرجامی از این زیباتر و چه لحظه‌ای از این باشکوه‌تر؟!

امام کاظم علیّه السلام فرمود:

خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما، چنگ زنند و بر دوستی و بی‌زاری از دشمنانمان استوار بمانند. آن‌ها از ما هستند

۱. همان، ح ۸، ص ۱۲۳.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

۳. همان، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

و ما از آنها. آنها به پیشوایی ما راضی شدند [و امامت ما را پذیرفتند] و ما نیز به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم. خوشا حال ایشان! به خدا قسم! اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.^۱

۱. همان، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵، ص ۴۳.

خلاصه درس

- انتظار، به معنای چشم به راه بودن، امری فطری است که لازمه آن، تلاش برای رسیدن به هدف مورد انتظار است.
- انتظار مهدی عج انتظاری است که تنها با فراهم شدن زمینه‌های آن، به پایان خواهد رسید.
- در روایات انتظار ظهور امام مهدی عج بهترین عمل، توصیف شده است.
- انتظار ظهور مهدی عج در بُعد فردی و اجتماعی، آثار و ثمرات فراوانی به همراه دارد.
- انتظار مهدی عج انگیزه و شوق به سوی تحقق اهداف ظهور یعنی عدالت و شکوفایی را در منتظران پدید می‌آورد.
- مهم‌ترین وظایف منتظران، شناخت امام عجلایه، الگوپذیری، یاد حضرت و همگرایی است.
- بر اساس روایات، منتظران دوستان خدا و رفقای پیامبرند و پاداشی مساوی با پاداش شهدای صدر اسلام دارند.

پرسش‌های درس

۱. معنای انتظار و ویژگی‌های انتظار مهدوی را بیان کنید.
۲. ابعاد انتظار را توضیح دهید.
۳. سه مورد از مهم‌ترین وظایف منتظران ظهور را شرح دهید.
۴. آثار فردی و اجتماعی انتظار چیست؟
۵. امام سجاد علیه السلام پاداش منتظران ثابت قدم بر ولایت اهل بیت علیهم السلام را مساوی با چه چیز بیان می‌کند؟

پرسش‌های پژوهشی

۱. حقیقت انتظار را تبیین کنید. (حالت است یا عمل و مراد از عمل چیست؟)
۲. جایگاه منتظران و ارزش ایمان در عصر غیبت را تشریح کنید.
۳. راه‌های تقویت انتظار و شعله‌ور ساختن آن را بررسی نمایید.
۴. انتظار مثبت و منفی را به اختصار بیان کنید.

منابع بیشتر برای جهت مطالعه و پژوهش

۱. انتظار پویا، محمد مهدی آصفی.
۲. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری.
۳. انتظار و انسان معاصر، عزیزالله حیدری.
۴. مکیال المکارم، موسوی اصفهانی.
۵. نگاهی دوباره به انتظار، مجید حیدری نیک.
۶. تشیع و انتظار، محمدتقی خلجی.
۷. فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱ و ۲.
۸. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی.

دَرسِ یازدهم

شرایط ظهور

اهداف

- شناخت عوامل و زمینه‌های ظهور
- آگاهی از وظایف ما در برپایی حکومت جهانی

فوائد

- توجه به نقش انسان در زمینه سازی ظهور
- آگاهی از زمینه های ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه
- شناخت ویژگی یاران امام

مطالب آموزشی

مقدمه

زمینه‌ها

طرح و برنامه

رهبر

یاران

معرفت و اطاعت

عبادت و صلابت

جان نثاری و شهادت طلبی

شجاعت و دلیری

صبر و بردباری

اتحاد و همدلی

زهد و پارسایی

آمادگی مردمی

مقدمه

ظهور امام مهدی علیه السلام شرایط و نشانه‌هایی دارد که از آن‌ها به عنوان زمینه‌های ظهور و علائم آن یاد می‌شود. تفاوت این دو آن است که زمینه‌ها در تحقق ظهور تأثیر واقعی دارند، به گونه‌ای که با فراهم شدن آن‌ها ظهور امام اتفاق می‌افتد و بدون آن‌ها ظهور نخواهد بود؛ ولی علائم در وقوع ظهور نقشی ندارند، بلکه تنها نشانه‌هایی هستند که به وسیله آن‌ها می‌توان به اصل ظهور یا نزدیک شدن آن پی برد.

با توجه به تفاوت یادشده، به خوبی می‌توان دریافت که زمینه‌ها و شرایط نسبت به علائم و نشانه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ بنابراین لازم است بیش از آنکه به دنبال علائم هستیم به زمینه‌ها توجه کنیم و در حد توان خود در تحقق آن‌ها بکوشیم. به همین سبب ما ابتدا زمینه‌ها و شرایط ظهور را توضیح می‌دهیم و در پایان به اختصار، برخی از علائم ظهور را بر می‌شمریم.

زمینه‌های ظهور

هر پدیده‌ای در جهان با فراهم آمدن شرائط و زمینه‌های آن به وجود می‌آید و بدون تحقق زمینه‌ها، امکان وجود برای هیچ موجودی نخواهد بود. هر زمینی قابلیت پرورش دانه را ندارد و هر آب و هوایی مناسب رشد هر گیاه و نباتی نیست. کشاورز، وقتی می‌تواند

انتظار برداشت خوب از زمین داشته باشد که شرایط لازم را برای به دست آمدن محصول فراهم کرده باشد.

بر این اساس، هر انقلاب و رویداد اجتماعی نیز به زمینه‌ها و شرایط آن بستگی دارد. همان گونه که انقلاب اسلامی ایران نیز با فراهم آمدن مقدمات آن به پیروزی رسید، قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام که بزرگ‌ترین حرکت جهانی است نیز پیرو همین اصل است و بدون تحقق زمینه‌ها و شرایط آن به وقوع نخواهد پیوست.

مقصود از این سخن، آن است که تصور نشود امر قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام از روابط حاکم بر جهان آفرینش مستثنا است و حرکت اصلاحی آن بزرگوار از راه معجزه و بدون اسباب و عوامل عادی به سرانجام می‌رسد؛ بلکه بر اساس تعالیم قرآن و پیشوایان معصوم، سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند، امتناع دارد از اینکه امور را جز از راه اسباب [آن] فراهم آورد.^۱

و در روایتی نقل شده است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد:

«می‌گویند زمانی که امام مهدی علیه السلام قیام کند، همه امور بر وفق مراد او خواهد بود.»

حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست. قسم به آن کس که جانم در دست اوست! اگر بنا بود برای کسی کارها خود به خود درست شود، همانا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین می‌شد.»^۲

البته سخن فوق بدین معنا نیست که در قیام بزرگ مهدوی، امدادهای غیبی و آسمانی وجود نخواهد داشت؛ بلکه مقصود، آن است که در کنار امدادهای الهی، زمینه‌ها و عوامل و شرایط عادی نیز باید فراهم شود.

با این مقدمه ابتدا باید زمینه‌های ظهور را بشناسیم و سپس در راه تحقق آن‌ها گام برداریم.

۱. کافی، ج ۱، باب معرفه الامام و الرد الیه، ح ۷، ص ۱۸۲.

۲. الغیبه نعمانی، باب ۱۵، ح ۲، ص ۳۹۹.

مهم‌ترین زمینه‌های قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام چهار چیز است که هر یک را جداگانه بررسی می‌کنیم:

الف. طرح و برنامه

روشن است که هر قیام و حرکت اصلاحی به دو برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه‌ای جامع برای مبارزه با ناهنجاری‌های موجود از طریق سازماندهی نیروها.
۲. قانونی کامل و متناسب با همه نیازهای جامعه که ضامن تمام حقوق فردی و اجتماعی در یک نظام عادلانه حکومتی باشد و حرکت رو به رشد اجتماع را برای رسیدن به وضعیت آرمانی، ترسیم کند.

تعالیم قرآن کریم و سنت معصومان علیهم السلام که همان اسلام ناب است، به عنوان بهترین قانون و برنامه در اختیار امام عصر علیه السلام است و آن حضرت بر اساس این منشور جاوید الهی عمل خواهد کرد.^۱ آیات قرآن، توسط خداوند بزرگ که آگاه به تمام زوایای حیات آدمی و نیازهای مادی و معنوی اوست نازل شده است؛ بنابراین انقلاب جهانی او از نظر برنامه و قانون حکومتی، دارای پشتوانه‌ای بی‌نظیر است و با هیچ حرکت و جنبش اصلاحی دیگری قابل مقایسه نیست. شاهد این ادعا آن است که جهان امروز پس از تجربه قوانین بشری، به ضعف و سستی آن‌ها اقرار و اعتراف کرده و به تدریج، آماده پذیرش قوانین آسمانی شده است.

«آلوفین تافلر»، مشاور سیاستمداران آمریکا برای حل این بحران و اصلاح جامعه جهانی، نظریه «موج سوم»^۲ را ارائه کرده است؛ ولی در عین حال، اعترافات شگفت‌آوری در این باره مطرح می‌کند:

فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی‌کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه،

۱. امام باقر علیه السلام در توصیف امام مهدی علیه السلام فرمود: «يَعْمَلُ بَكْتَابِ اللَّهِ، لَا يَرَى مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛ او بر اساس کتاب خدا عمل خواهد کرد و هیچ بدی را نمی‌بیند، مگر اینکه آن را انکار می‌کند» (کافی، ج ۸، ش ۵۹۷، ص ۳۹۶).

۲. وی معتقد است تا به حال دو انقلاب کشاورزی و صنعتی تحول عظیمی در جهان ایجاد کرده و موج سوم که انقلاب الکترونیکی و فراصنعتی است، در راه است.

موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند اساسی و بنیادی یا حتی انقلابی اند؛ اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید - که همگی به منظور حل مشکلات ما تهیه و تدوین شده‌اند - کمانه می‌کنند و بر وخامت مشکلات ما می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل‌ها را هر چه بیشتر دامن می‌زند.^۱

ب. رهبری

در همه قیام‌ها، نیاز به رهبر از ابتدایی‌ترین ضرورت‌های قیام شمرده می‌شود. هر چه قیام، وسیع‌تر و دارای اهداف بلندتری باشد، نیاز به رهبری توانا و متناسب با آن اهداف بیشتر احساس می‌شود.

در مسیر مبارزه جهانی با ظلم و ستم و حاکمیت عدالت و مساوات در کره زمین وجود رهبری آگاه و توانا و دلسوز که از مدیریتی صحیح و قاطع برخوردار باشد، رکن اصلی و اساسی انقلاب است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه که عصاره انبیا و اولیا است به عنوان رهبر قیام بزرگ زنده و حاضر است، او تنها رهبری است که به دلیل ارتباط با عالم غیب، به همه هستی و روابط موجود در آن آگاهی کامل دارد و داناترین انسان‌های زمان خویش است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آگاه باشید که مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه وارث تمام علوم است و بر تمام دانش‌ها احاطه دارد.^۲

او یگانه رهبری است که از همه قید و بندها آزاد بوده و تنها دل در گرو رضایت آفریدگار عالم دارد؛ بنابراین قیام و حکومت جهانی از نظر رهبر و پیشوا نیز در بهترین شرایط قرار دارد.

۱. به سوی تمدن جدید، ص ۹۶ و ۹۷.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۷، ح ۱۵۵۱، ص ۲۰۵.

ج. یاران

یکی دیگر از زمینه‌ها و شرایط لازم برای تحقق ظهور، وجود یاورانی شایسته و لایق برای پشتیبانی از قیام و انجام کارهای حکومت جهانی است. بدیهی است وقتی انقلابی جهانی به وسیله رهبری آسمانی روی می‌دهد، یاورانی متناسب با آن می‌خواهد و این گونه نیست که هر کس ادعای یآوری کند، بتواند در آن میدان، حضور یابد.

در این باره به جریان زیر توجه کنید:

یکی از شیعیان امام صادق علیه السلام به نام سهل بن حسن خراسانی به آن حضرت می‌گوید: «چه چیز شما را بازداشته است از اینکه حق مسلم خود [حکومت] را به دست بگیرید؛ در حالی که صدهزار شیعه پا در رکاب و شمشیر زن در اختیار شماست؟» امام دستور می‌دهند تا تنور آتشی فراهم شود و چون شعله‌های آتش بالا می‌گیرد، به سهل می‌فرمایند: «ای خراسانی! برخیز و در تنور بنشین» سهل که گمان کرده است امام از او خشمگین شده است، شروع به عذر خواهی می‌کند و می‌گوید: «آقا! مرا ببخشید و به آتش شکنجه‌ام نکنید». امام می‌فرماید: «از تو گزاشتم».

در این حال، هارون مکی از شیعیان راستین حضرت وارد می‌شود و سلام می‌کند. امام صادق علیه السلام به او پاسخ می‌دهد و بدون هیچ مقدمه‌ای به او می‌فرماید: «در درون تنور بنشین». هارون مکی بی‌درنگ و بدون هیچ پرسشی، این کار را انجام می‌دهد. امام صادق علیه السلام در همان حال با مرد خراسانی گفت‌وگو می‌کند و درباره خراسان خبرهایی می‌دهد؛ چنانکه گویی خود شاهد آن بوده است. پس از مدتی به سهل می‌فرماید: «برخیز ای خراسانی! و داخل تنور را نگاه کن». سهل برخاسته و داخل تنور را نگاه می‌کند. هارون را می‌بیند که در میان شعله‌های آتش، چهار زانو نشسته است.

آن‌گاه امام علیه السلام از او می‌پرسد: «در خراسان، چند نفر مثل هارون می‌شناسی؟» خراسانی می‌گوید: «به خدا قسم! یک نفر هم این گونه سراغ ندارم». حضرت می‌فرماید: «آگاه باش! ما در زمانی که پنج نفر یاور و پشتیبان پیدا نکنیم، قیام نمی‌کنیم. ما بهتر می‌دانیم که کدام زمان، زمان قیام است».^۱

۱. بحار الانور، ج ۴۷، ح ۱۷۲ ص ۱۲۳.

بنابراین جا دارد صفات و ویژگی‌های یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را در آئینه روایات پیشوایان دینی مرور کنیم، تا بدین وسیله جایگاه خود را شناخته و در پی رفع کمبودهای خود باشیم.

۱. معرفت و اطاعت

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه از شناخت عمیق درباره خداوند و امام خود برخوردارند و با آگاهی کامل در میدان حق حضور یافته‌اند. امیرالمؤمنین ع درباره آن‌ها فرموده است: «مردانی که خدا را چنان که شایسته است، شناخته‌اند.»^۱

شناخت و اعتقاد آنان نسبت به امام نیز در ژرفای وجودشان ریشه دوانیده و سراسر وجودشان را فرا گرفته است. این، شناختی فراتر از دانستن نام و نشان و نسب امام است و معرفت به حق ولایت امام و جایگاه بلند او در مجموعه هستی است. این، همان معرفتی است که آن‌ها را سرشار از محبت او کرده و مطیع و گوش به فرمان او قرار داده است؛ زیرا می‌دانند سخن امام سخن خدا و اطاعت از او اطاعت از خداست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف آن‌ها فرموده است: آن‌ها در اطاعت از امام خویش می‌کوشند.^۲

۲. عبادت و صلابت

یاوران مهدی در عبادت از پیشوای خود الگو گرفته‌اند و روزها و شب‌ها را با ذکر شیرین حق سپری می‌کنند. امام صادق ع درباره آن‌ها فرمود: شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند.^۳ در سخنی دیگر فرمود: بر فراز اسب‌ها، خدا را تسبیح می‌گویند.^۴

و همین ذکر خداست که از آنان مردانی آهنین ساخته است که هیچ چیز صلابت و

۱. منتخب الاثر، فصل ۸، باب ۱، ح ۲، ص ۶۱۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۴، ح ۱۱، ص ۵۰۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۸۲، ص ۳۰۸.

۴. همان.

استواری ای آن‌ها را در هم نمی‌شکند. امام صادق علیه السلام فرمود:

آنان مردانی هستند که گویی دل هایشان پاره‌های آهن است.^۱

۳. جان نثاری و شهادت طلبی

معرفت عمیق یاران، به امام مهدی، دل‌های آن‌ها را سرشار از عشق به امام می‌کند؛ بنابراین در میدان رزم او را چون نگینی در میان می‌گیرند و جان خود را سپر بلای او می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

[یاران مهدی] در میدان رزم در اطراف او می‌چرخند و با جان خود، از او محافظت می‌کنند.^۲

و نیز فرمود:

آن‌ها آرزو می‌کنند که در راه خدا به شهادت برسند.^۳

۴. شجاعت و دلیری

یاران مهدی علیه السلام مانند مولایشان افرادی شجاع و مردانی پولادین هستند امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف آن‌ها فرمود:

همه آن‌ها شیرانی هستند که از بیشه‌ها بیرون شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا می‌کنند.^۴

۵. صبر و بردباری

بدیهی است که مبارزه بر ضد ظلم جهانی و برقراری حکومت عدل جهانی، با رنج و مشقت‌های فراوان همراه است. یاوران امام در راه تحقق آرمان‌های جهانی امام مهدی علیه السلام مشکلات و ناگواری‌ها را به جان می‌خرند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز می‌شمارند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

آن‌ها گروهی هستند که به سبب صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ح ۶۴۲، ص ۱۳۷.

نمی‌گذارند و از این که جان خویش را تقدیم آستان حضرت حق می‌کنند، به خود نمی‌بالند و آن را بزرگ نمی‌شمارند.^۱

۶. اتحاد و همدلی

امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف همدلی و اتحاد یاران امام چنین فرمود:
«ایشان یکدل و هماهنگ هستند».^۲

این یکدلی به سبب آن است که خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی در وجود آنان نیست. آن‌ها با اعتقادی صحیح در زیر یک پرچم و برای یک هدف، قیام می‌کنند و این خود یکی از عوامل پیروزی آن‌ها بر جبهه مقابل می‌باشد.

۷. زهد و پارسایی

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف یاران مهدی علیه السلام فرمود:

او از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای نیندوزند و گندم و جوی ذخیره نکنند.^۳

آنان اهداف بلندی دارند و برای آرمانی بزرگ برخاسته‌اند و مادیات دنیا نباید آن‌ها را از اهداف و آرمان‌ها باز دارد؛ بنابراین آن‌ها که با دیدن زرق و برق دنیا، چشم‌هایشان خیره می‌شود و دل‌هایشان می‌لرزد در میان یاوران ویژه امام مهدی علیه السلام جایی ندارند. آنچه گذشت بخشی از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام بود. به سبب برخورداری از این خصوصیات، در روایات از آنان به بزرگی یاد شده است و پیشوایان معصوم علیهم السلام زبان به ستایش و بزرگداشت آنان گشوده‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف آنان فرموده است:

وَأُولَئِكَ هُمُ خِيَارُ الْأُمَّةِ؛

آنان بهترین امت [من] هستند.^۴

و در سخنی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

۱. همان.

۲. همان.

۳. منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۱۱، ح ۴، ص ۵۸۱.

۴. کتاب الغیبه، طوسی، ح ۹۵، ص ۴۷۳.

فَبَابِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةٍ قَلِيلَةٍ أَسْمَائُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ؛

پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در زمین ناشناخته‌اند!

البته یاوران مهدی علیه السلام طبق لیاقت و شایستگی‌ها در رده‌های مختلف قرار می‌گیرند. در روایات آمده است که آن حضرت علاوه بر ۳۱۳ نفر یار ویژه که اعضای اصلی قیام را تشکیل می‌دهند، از لشکری ده هزار نفری نیز برخوردار است و به علاوه خیل عظیم مؤمنان منتظر به یاری او خواهند شتافت.

د. آمادگی عمومی

در مقاطع مختلف تاریخ امامان معصوم علیهم السلام، این حقیقت مشاهده می‌شود که مردم، آمادگی لازم برای استفاده بهتر از حضور امام را نداشتند. آنان در زمان‌های گوناگون فیض محضر معصوم را قدر ندانستند و از زمزم جاری هدایت‌های او آن چنان که بایسته بود بهره نبردند. خداوند متعال آخرین حجت حق را پنهان کرد تا هر زمان که آمادگی عمومی برای پذیرش او فراهم شد، ظاهر شود و همگان را از سرچشمه معارف الهی سیراب سازد.

بنابراین وجود آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است و به وسیله آن، حرکت اصلاحی آن حضرت به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

در قرآن کریم آمده است گروهی از بنی اسرائیل که از ظلم و ستم جالوت به ستوه آمده بودند از پیامبر زمان خود خواستند که برای آن‌ها فرماندهی را برگزیند تا تحت فرمان او به نبرد با جالوت پردازند. خواستن فرمانده برای جنگ، نوعی آمادگی را در آن‌ها نشان می‌داد؛ اگر چه تعداد فراوانی در بین راه سست شدند و عده کمی تا پایان مبارزه ماندند.^۲

پس امر ظهور، زمانی است که همه از عمق جان خواهان عدالت اجتماعی، امنیت اخلاقی و روانی و رشد و شکوفایی معنوی باشند. وقتی مردم از بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها خسته شوند و ببینند که آشکارا حقوق ضعیفان به وسیله صاحبان قدرت و ثروت پایمال

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۲۹، ص ۷۵۵.

۲. رک: سوره بقره، آیه ۲۴۶-۲۵۱.

می‌گردد و امکانات مادی در انحصار عده‌ای محدود است، عطش عدالت خواهی به اوج می‌رسد.

زمانی که فساد اخلاقی در انواع مختلف رواج پیدا کند و افراد در انجام کارهای ضد اخلاقی بر یک‌دیگر سبقت بگیرند، اشتیاق به ظهور پیشوایی که حاکمیت او، امنیت و سلامتی اخلاقی و روانی را به بشریت هدیه خواهد کرد، فراوان می‌شود. آن‌گاه که مردم همه لذت‌های مادی را تجربه کنند، ولی از زندگی و حیات خود راضی نباشند و در پی جهانی برخوردار از معنویت باشند، تشنه آبشار لطف امام علیه السلام می‌شوند.

بدیهی است که شوق درک حضور امام، زمانی به اوج می‌رسد که بشریت با تجربه کردن دولت‌ها و نظام‌های مختلف بشری به این حقیقت برسد که تنها نجات دهنده عالم از فساد و تباهی، خلیفه و جانشین خدا در زمین حضرت مهدی علیه السلام است و یگانه برنامه‌ای که حیات پاک و طیبه را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد، قوانین الهی است؛ بنابراین با همه وجود نیاز به امام را درک می‌کنند و به دنبال این درک، برای فراهم شدن زمینه‌های ظهور او می‌کوشند و موانع را از سر راه او بر می‌دارند. در این زمان است که فرج و گشایش فرا می‌رسد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف آخرالزمان و دوران پیش از ظهور فرمود:
[زمانی می‌رسد] که انسان مؤمن هیچ پناهگاهی نمی‌یابد که از شرّ ظلم و تباهی به آن پناه برد، [در آن زمان] خداوند عزوجل مردی از خاندان مرا بر می‌انگیزد.^۱

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ح ۱۳۲، ص ۴۲۰.

خلاصه درس

- زمینه‌های ظهور، اموری است که در تحقق ظهور تأثیر واقعی دارد؛ به گونه‌ای که با فراهم شدن آن‌ها ظهور امام اتفاق می‌افتد و بدون آن‌ها ظهور نخواهد بود.
- مهم‌ترین زمینه‌های قیام حضرت عبارت است از: طرح و برنامه، رهبری، وجود یاران و آمادگی عمومی.
- ویژگی‌های مهم یاران حضرت عبارت است از: معرفت و اطاعت، عبادت و صلابت، شهادت طلبی، شجاعت، صبر و بردباری، اتحاد و پارسایی.
- پذیرش عمومی به معنای عطش عدالت خواهی و احساس نیاز به امام است.
- در دوره غیبت و آستانه ظهور، عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر تکلیف اصلی مردم است، تا شرایط ظهور آماده شود.

پرسش‌های درس

۱. تفاوت میان شرایط و علائم ظهور را با توجه به روایات توضیح دهید.
۲. وظیفه ما در برابر علائم و شرایط را بیان کنید.
۳. نقش عنصر رهبری به عنوان شرایط مهم تحقق حکومت عدل جهانی را تشریح نمایید.
۴. نقش آمادگی و اقبال عمومی در تحقق ظهور را توضیح دهید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. علت نیازمندی ظهور به شرایط و نقش مردم در این رابطه را تبیین نماید.
۲. چه نظریاتی پیرامون ظهور قابل طرح است؟ بیان کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. تاریخ غیبت کبری، سیدمحمد صدر.
۲. منتخب الاثر، آیت‌الله صافی گلپایگانی.
۳. الغیبه، نعمانی.
۴. کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق.
۵. فصلنامه انتظار موعود، ش ۷-۹.

دَرسِ دِوَازدَهَم

ظهور و نشانه‌های آن

اهداف

۱. شناخت سیر ظهور
۲. آگاهی از نشانه‌های ظهور حضرت

فوائد

۱. توجه به نقش انسان در زمینه سازی ظهور
۲. آگاهی از علائم ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

مطالب آموزشی

- زمان ظهور
- رازِ نهان بودن زمان ظهور
- علائم ظهور
- آثار و فوائد دانستن علائم
- انواع نشانه‌های ظهور
- علائم حتمی و غیرحتمی
- نشانه‌های حتمی ظهور
- الف. خروج سفیانی
- ب. خُسْف بیداء
- ج. خروج یمانی
- د. صیحه آسمانی
- هـ. قتل نفس زکیه
- علائم غیرحتمی
- خروج خراسانی
- خروج حسنی
- فتنه دجال
- جهان در آستانه ظهور
- هنگامه قیام
- چگونگی قیام

ظهر

وقتی سخن از ظهر به میان می‌آید، احساس دلپذیری به آدمی دست می‌دهد. گویی در فضای باغی سبز و کنار نهری جاری نشسته است و به آواز خوش بلبلان گوش می‌دهد. آری؛ ظهر زیبایی‌ها و انتشار خوبی‌ها، جان و تن خستگان را نشاط می‌بخشد و برق شادی در چشمان امیدواران روشن می‌کند.

در این بخش، درباره ظهر مهدی علیه السلام و آنچه در سایه سار حضور عینی او رخ خواهد داد، سخن می‌گوییم و به تماشای جمال بی‌مثالش بی‌حجاب غیبت می‌نشینیم.

زمان ظهر

یکی از پرسش‌هایی که همواره ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول کرده، این است که امام زمان علیه السلام چه زمانی ظهر می‌کند و آیا برای ظهر، وقتی تعیین شده است؟ پاسخ، این است که بر اساس سخنان پیشوایان دینی زمان ظهر بر مردم مخفی است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

ما نه در گذشته برای ظهر وقتی را تعیین کردیم و نه در آینده وقت تعیین می

کنیم.^۱

بنابراین کسانی که برای ظهور، زمان مشخصی را تعیین می‌کنند، قابل اعتنا نیستند. این مطلب در روایات مورد تأکید قرار گرفته است.

امام باقر علیه السلام به یکی از اصحاب خود که از زمان ظهور سؤال کرد فرمود:
وقت گذاران، دروغ می‌گویند، وقت گذاران دروغ می‌گویند، وقت گذاران دروغ می‌گویند.^۲

از این گونه روایات به خوبی می‌توان فهمید که همواره کسانی بوده‌اند که با انگیزه‌های شیطانی، برای ظهور، زمان تعیین می‌کرده‌اند. چنین افرادی در آینده هم وجود خواهند داشت؛ به همین سبب پیشوایان معصوم علیهم السلام از شیعیان خواسته‌اند که در برابر وقت گذاران بی تفاوت نباشند؛ بلکه آن‌ها را تکذیب کنند.

امام صادق علیه السلام در این زمینه به یکی از اصحاب خود فرمود:
از تکذیب کردن کسی که برای ظهور وقت تعیین می‌کند، هیچ پروایی نداشته باش؛ چرا که ما برای کسی وقت ظهور را تعیین نکرده ایم.^۳

راز نهان بودن زمان ظهور

چنانکه گفته شد، بر اساس اراده خداوند حکیم زمان ظهور بر ما مخفی است و بدون تردید، این مسأله به سبب حکمت‌هایی است که برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

تداوم امید

وقتی زمان ظهور پنهان باشد، نور امید در دل منتظران همه عصرها باقی خواهد ماند. با این امید پیوسته و مداوم است که منتظران می‌توانند در برابر سختی‌ها و فشارهای دوران غیبت مقاومت کنند. به راستی اگر به شیعیان سده‌های گذشته گفته می‌شد که ظهور در زمان شما رخ نمی‌دهد، بلکه در آینده دور اتفاق خواهد افتاد، آن‌ها با کدام امید در برابر فتنه‌های روزگار خود مقاومت می‌کردند و چگونه می‌توانستند گذرگاه‌های سخت دوران

۱. النبیة طوسی، فصل ۷، ح ۴۱۲، ص ۴۲۶.

۲. همان، ح ۴۱۱، ص ۴۲۵.

۳. همان، ح ۴۱۴، ص ۴۲۶.

غیبت را به سلامت پشت سر بگذارند؟

زمینه سازی

بدون تردید انتظار سازنده که از مهم‌ترین عوامل فعالیت و پویایی است، تنها در سایه پنهان بودن زمان ظهور شکل خواهد گرفت؛ زیرا با مشخص بودن زمان ظهور، کسانی که می‌دانند ظهور را درک نمی‌کنند، انگیزه‌ای برای تحرک و زمینه سازی نخواهند داشت و به سکون و رکود، روی خواهند آورد. حال آنکه با پنهان بودن زمان ظهور، انسان‌های همه عصرها و دوران‌ها به امید اینکه ظهور را در زمان خود ببینند، می‌کوشند تا زمینه‌های ظهور را فراهم کنند و جامعه خود را به جامعه‌ای صالح و پویا تبدیل نمایند.

به علاوه در صورت معین بودن وقت ظهور، چنانچه برای مصالحی ظهور، در زمان وعده داده شده رخ ندهد، چه بسا افرادی در اصل اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دچار تردید شوند.

امام باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال که آیا ظهور وقت مشخصی دارد، فرموده است: کسانی که وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند (و این سخن را تکرار فرمود). زمانی که موسی علیه السلام به دعوت پروردگار به مدت سی روز از میان قوم خود بیرون رفت و خداوند بر آن سی روز، ده روز دیگر افزود، قوم او گفتند: «موسی به وعده خود وفا نکرد» و آنچه نباید می‌کردند، کردند [از دین برگشتند و گوساله پرست شدند^۱].

البته زمان ظهور نامعلوم است؛ ولی برای آن، نشانه‌هایی گفته اند و سیمای جامعه پیش از ظهور را به تصویر کشیده اند که اینک به بررسی آن می‌پردازیم.

علائم ظهور

قیام و انقلاب جهانی امام مهدی نشانه‌هایی دارد. این نشانه‌ها در روایات فراوان و در کتاب‌های شیعیه و اهل سنت بیان شده‌اند. این دسته از روایات، هم از نظر درجه اعتبار و هم از جهت معنا و مفهوم آن نیازمند بحث و بررسی عالمانه‌اند و بدون آن در موارد زیادی،

۱. الغیبة نعمانی، باب ۱۶، ح ۱۳، ص ۳۰۵.

ابهام دارند.

آثار و فوائد دانستن علائم

دانستن نشانه‌های ظهور که به وسیله معصومان علیهم‌السلام بیان شده است آثار مثبتی در پی دارد که بعضی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

از سویی این علائم، نویدبخش فرج مهدی آل محمد علیهم‌السلام است؛ بنابراین وقوع هر یک از آن‌ها نور امید را در دل‌های منتظران، پرفروغ تر خواهد کرد و از سویی دیگر برای معاندان و منحرفان، مایه تذکر و هشدار است، تا از بدی و تباهی دست بردارند.

به علاوه، وقوع نشانه‌ها، منتظران را برای درک ظهور و کسب لیاقت همراهی و حضور در کنار امام موعود، آماده‌تر خواهد کرد. ضمن این که آگاهی از برخی از حوادث آینده، مانند آن چه به عنوان ارزش‌های ضد اخلاقی و فساد اجتماعی در نشانه‌های ظهور بیان شده است، شیعیان را در برنامه ریزی مناسب یاری می‌دهد.

همچنین نشانه‌ها، معیار خوبی برای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت است. اگر کسی ادعای مهدی بودن کرد؛ ولی سخن او با آنچه در روایات علائم آمده، هماهنگ و همراه نبود، دروغ او آشکار می‌شود.

انواع نشانه‌های ظهور

بیان این نکته مهم است که بعضی از نشانه‌ها نزدیکی ظهور را بشارت می‌دهند؛ مانند ندای آسمانی که در باره آن توضیح خواهیم داد؛ ولی بعضی دیگر درباره اصل ظهور نوید می‌دهند و برای تقویت ایمان و باور شیعیان به وعده ظهور مهدی موعود هستند؛ مانند اختلاف بنی عباس در حکومت که در کلمات امامان به عنوان نشان‌های ظهور بیان شده و فاصله زیادی تا ظهور داشته است.

نیز نشانه‌های ظهور، برخی پدیده‌های طبیعی و عادی هستند مانند قیام یمانی و بعضی دیگر، حوادثی غیرعادی و معجزه گونه هستند؛ مانند ندای آسمانی.

علائم حتمی و غیر حتمی

مهم‌ترین تقسیم‌بندی نشان‌های ظهور، همان است که در روایات متعدد به آن تصریح شده که علائم، دو گونه‌اند؛ «علائم حتمی» که بدون شک اتفاق خواهند افتاد، و «علائم غیر حتمی» که تنها در صورت تحقق شرایط و زمینه‌های آن‌ها واقع می‌شوند و اگر شرط آن‌ها پیش نیاید یا مانعی برای آن‌ها ایجاد شود، آن علائم رخ نخواهند داد.

نشانه‌های حتمی ظهور

مهم‌ترین بخش علائم ظهور، نشان‌هایی است که با عنوان علائم حتمی در روایات متعدد آمده‌اند و علما و اهل حدیث بیش از سایر علائم به آن‌ها توجه کرده و آن‌ها را پذیرفته‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

قیام قائم ما پنج نشانه دارد؛ خروج سفیانی، یمانی، ندای آسمانی، کشته شدن نفس زکیه و خسف بیداء.

در این بخش لازم است با توجه به روایات، این نشانه‌ها را بیشتر و بهتر بشناسیم.

الف. خروج سفیانی

خروج سفیانی یکی از علائم حتمی است که در روایات فراوان آمده و این گونه توصیف شده است:

سفیانی، مردی از نسل ابو سفیان است که اندکی پیش از ظهور قیام می‌کند. او از عناصر فاسدی است که با تظاهر به دینداری، گروه بسیاری را فریب می‌دهد و در بخشی از کشورهای اسلامی کشتار فراوان می‌کند و با مخالفان خود به شکل فجیعی برخورد می‌کند.

امام صادق علیه السلام درباره او فرمود:

اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین مردم را مشاهده کرده‌ای.^۱

شروع قیام سفیانی در ماه رجب است و پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن به عراق

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۵۷، ح ۱۰، ص ۵۵۷.

حمله کرده، در آنجا به کشتار گسترده‌ای دست می‌زند. بر اساس بعضی از روایات، مدت حکومت او نُه ماه است و از ابتدای خروج تا کشته شدن او، پانزده ماه طول می‌کشد.^۱

ب. خَسَف بیداء

«خسف» به معنای فرو رفتن و «بیداء» به نام منطقه‌ای میان مکه و مدینه است. مقصود از «خسف بیداء» این است که سفیانی، لشکری را برای مقابله با امام مهدی عج به سمت مکه گسیل می‌دارد. هنگامی که لشکر او به منطقه بیداء می‌رسد، به صورتی معجزه آسا در زمین فرو می‌رود.

این رویداد به عنوان یکی از علائم ظهور در روایات شیعه و سنی آمده است و در روایات شیعی از نشانه‌های حتمی است.

امام باقر ع در این باره فرمود:

به فرمانده سپاه سفیانی خبر می‌رسد که مهدی عج به سوی مکه رفته است، پس لشکری را در پی او روانه می‌کند؛ ولی او را نمی‌یابد... چون لشکر سفیانی به سرزمین بیداء رسید، ندا دهنده‌ای از آسمان آواز می‌دهد: «ای سرزمین بیداء! آنان را نابود کن»؛ پس آن سرزمین، لشکر را در خود فرو می‌برد.^۲

ج. خروج یمانی

قیام سرداری از سرزمین یمن یکی دیگر از علائم حتمی است که اندکی پیش از ظهور، رخ خواهد داد. وی که مردی صالح و مؤمن است بر ضد بدی‌ها و انحرافات قیام می‌کند و با تمام توان با بدی‌ها و تباهی‌ها مبارزه می‌کند. البته جزئیات حرکت و اقدامات او برای ما چندان روشن نیست.

امام باقر ع در این باره فرمود:

... در میان بیرق‌ها [یی که قبل از قیام مهدی عج بلند می‌شود] پرچمی هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است؛ چون به سوی

۱. الغیبه نعمانی، باب ۱۸، ح ۱، ص ۳۱۰.

۲. همان، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۲۸۹.

صاحب شما [امام مهدی علیه السلام] دعوت می‌کند.^۱

د. صیحه آسمانی

یکی دیگر از علائم حتمی که پیش از ظهور اتفاق می‌افتد، صیحه (ندای) آسمانی است. این ندای آسمانی که بر اساس بعضی از روایات، ندای جبرئیل علیه السلام است در ماه رمضان شنیده می‌شود.^۲ از آنجا که قیام مصلح کل، انقلابی جهانی است و همگان منتظر وقوع آن هستند، یکی از راه‌های آگاهی مردم جهان از این رویداد، همین ندای آسمانی خواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

قیام قائم علیه السلام تحقق نمی‌یابد، مگر اینکه ندا دهنده‌ای از آسمان ندایی دهد که اهل مشرق و مغرب، آن را بشنوند.^۳

این صیحه همچنان که مایه شادمانی مؤمنان است، هشدار برای بدکاران است تا از کردار زشت خود دست کشیده، به حلقه یاوران مصلح جهانی بپیوندند. محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حمایت از حضرت مهدی و پیروی از آن حضرت است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ندا داده می‌شود به اسم او و اسم پدرش [که]: «آگاه باشید به راستی که فلان پسر فلان»^۴ [حجت بن الحسن العسکری] قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است. پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید.

[امام صادق علیه السلام فرمود:] در آن هنگام هیچ صاحب روحی از آفریده‌های خدا باقی نمی‌ماند، مگر اینکه این ندا را خواهد شنید... و این، ندای جبرئیل است.^۵

۱. همان، ح ۱۳، ص ۲۶۴.

۲. همان، ص ۲۶۲.

۳. همان، باب ۱۸، ح ۱۴، ص ۲۶۵.

۴. در روایات، معمولاً از امام مهدی به صراحت نام نبرده‌اند که یکی از علت‌های آن، حفظ جان امام است.

۵. الغیبه نعمانی، باب ۱۶، ح ۶، ص ۳۰۱.

طبق بعضی از روایات پس از شنیده شدن ندای آسمانی، از زمین نیز صدایی بلند می‌شود. این ندا از شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می‌خواند و می‌کوشد تا مرم را از پیروی ندای آسمانی و بیعت با امام زمان باز دارد. بنابراین جبرئیل، مردم را به امام حق فرا می‌خواند و شیطان به سوی باطل و گمراهی. بدیهی است آن‌ها که در زمان غیبت، به امام غایب معتقد بوده، به دنبال رضایت اویند در آن روز نیز به ندای حق لبیک گفته و بدون هیچ تردیدی از امام خود پیروی خواهند کرد.

ه. قتل نفس زکیه

«نفس زکیه» به معنای انسان پاک و بی‌گناهی است که قتلی انجام نداده است. یکی از علائم حتمی که بیشتر در روایات شیعه بیان شده، این است که جوانی بی‌گناه در مسجد الحرام بین رکن و مقام کشته می‌شود. این رویداد به وسیله اهل مکه و در آستانه قیام مهدی خواهد بود. امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی نقل فرموده اند:

قائم علیه السلام به اصحاب خود می‌فرماید: «ای قوم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند؛ ولی من کسی را به سوی آن‌ها می‌فرستم تا حجت را بر ایشان تمام کنم... پس مردی از اصحاب خود را می‌خواند و به او می‌فرماید: «به سوی اهل مکه برو و بگو: "ای اهل مکه! من فرستاده فلان [مهدی] هستم. او خطاب به شما می‌گوید: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم و ما فرزندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم و سلاله پیامبرانیم و به راستی که مورد ظلم و ستم قرار گرفتیم و از زمانی که پیامبر از دنیا رفت، تا امروز، حق ما گرفته نشده است. پس اکنون ما شما را به یاری می‌خوانیم ما را یاری کنید».

چون آن جوان این سخن را بگوید مردم، او را بین رکن و مقام می‌کشند. او نفس زکیه است.^۱

برابر بعضی از روایات بین کشته شدن نفس زکیه و قیام قائم آن محمد صلی الله علیه و آله و سلم تنها پانزده شب فاصله خواهد بود.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۱.
۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۵۷، ح ۲، ص ۵۵۴.

علائم غیر حتمی

به جز علائم پنجگانه‌ای که توضیح دادیم، علائم فراوان دیگری برای ظهور بیان شده است که غیر حتمی هستند. بعضی از آن‌ها عبارتند از: خروج خراسانی، خروج سید حسنی، قیام شعیب بن صالح، خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی در ماه رمضان، بارش باران‌های فراوان و آشوب‌های فراگیر.

اکنون برخی از این نشانه‌ها را به اختصار توضیح می‌دهیم:

خروج خراسانی

در روایات متعدد از قیام مردی خراسانی، پیش از ظهور امام عصر علیه السلام یاد شده و گفته شده است که قیام او همزمان با خروج سفیانی و یمانی خواهد بود.^۱ گفتنی است که ویژگی‌های خراسانی و قیام او در روایات شیعه، به روشنی بیان نشده است؛ ولی به نظر می‌رسد که او از زمینه‌سازان ظهور مهدی علیه السلام خواهد بود.

خروج حسنی

در روایات شیعه از قیام مردی به عنوان حسنی یاد شده و از علائم ظهور شمرده شده است.

راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «فرج شما چه زمانی است؟» فرمود: ... وقتی شامی و یمانی ظاهر شوند و حسنی حرکت کند... [آن گاه که] مهدی علیه السلام از خدا برای ظهور اجازه می‌گیرد، در این زمان بعضی از یاران حسنی از این امر آگاه می‌شوند و به حسنی خبر می‌دهند و او قیام می‌کند ولی اهل مکه او را می‌کشند. پس در آن هنگام صاحب الامر ظهور می‌کند و مردم با او بیعت می‌کنند.^۲

از روایت بالا معلوم می‌شود که حرکت حسنی زمانی است که امر ظهور مهدی علیه السلام هنوز بر مردم جهان آشکار نشده و حسنی با قیام خود به دنبال زمینه‌سازی برای قیام بزرگ آن حضرت است.

۱. کتاب الغیبه، طوسی، ح ۴۴۳، ص ۴۴۶.

۲. کافی، ج ۸، ح ۲۸۵، ص ۲۲۴.

فتنه دجال

کلمه «دجال» از ریشه «دجل» و به معنای دروغ‌گو و حيله‌گر است. اين واژه پيش از اسلام در مسيحيت و در كتاب انجيل در معنای «ضد مسيح» بارها به کار رفته است. در رساله اول یوحنا نوشته است:

دروغ‌گو کیست جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ او دجال است که پدر و پسر را انکار می‌کند.^۱

به نظر می‌رسد حضرت عیسی عليه السلام خروج دجال را خبر داده و مردم را از فتنه‌اش پرهیز می‌داده است. در اسلام نیز مطالبی درباره دجال به ویژه در روایات اهل سنت آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

تمام پیامبرانی که بعد از نوح مبعوث شدند قوم خود را از فتنه دجال می‌ترسانیدند.^۲

نیز فرمود:

قیامت بر پا نشود، تا اینکه سی نفر دجال و دروغ‌گو ظاهر شوند.^۳

از این روایات، استفاده می‌شود که دجال، نام شخص معینی نیست و به هر دروغ‌گو و گمراه کننده‌ای گفته می‌شود و اینکه در بعضی از روایات از فردی خاص نام برده شده و برای او و مرکبش اوصاف عجیب و غریبی بیان گردیده، مدرک قابل اعتمادی ندارد؛ بلکه درباره دجال می‌توان چنین گفت که در آخر الزمان و نزدیک ظهور صاحب الامر عليه السلام شخصی پیدا خواهد شد که در حيله‌گری، سرآمد حقّه‌بازان است و در دروغ‌گویی بر تمام دجال‌های گذشته برتری دارد. با ادعاهای پوچش گروهی را گمراه می‌کند و چنین جلوه می‌دهد که حیات مردم و آب و نان آن‌ها به دست اوست. کارهای خوب را بد و کارهای بد را خوب معرفی می‌کند؛ اما کفرش بر همگان آشکار است.^۴ گفتنی است که بعضی از دانشمندان معتقدند که دجال، کنایه از استکبار جهانی و سلطه

۱. رساله اول یوحنا، باب ۲، آیه ۲۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۷، ح ۲، ص ۵۲۸.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ح ۴۰۰، ص ۶۹.

۴. ر.ک: دادگستر جهان، ص ۲۱۷ - ۲۱۹.

فرهنگ مادی بر جهان است؛ زیرا استکبار با تکیه بر ثروت و قدرت مادی و نیز فریب و نیرنگ، بسیاری از مردم را به تباهی و فساد می‌کشاند و از مسیر بندگی خدا به بردگی شیطان منحرف می‌کند. طبق این برداشت، «دجال» جریانی انحرافی است که پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه ایجاد می‌شود.^۱

جهان در آستانه ظهور

آخرین حجت پروردگار، غایب شد، تا پس از فراهم شدن زمینه‌ها ظاهر شود و جهان را از پرتو هدایت‌های مستقیم خود بهره مند کند. بشریت می‌توانست در دوران غیبت، به گونه‌ای عمل کند که هر چه زودتر شرایط حضور امام را آماده سازد؛ ولی به سبب پیروی از شیطان و هوای نفس و دور ماندن از تربیت صحیح قرآنی و نپذیرفتن ولایت و رهبری معصوم به بیراهه رفت و هر روز بنای ستمی را در دنیا قرار داد و ظلم و تباهی را گسترده کرد. او با انتخاب این مسیر، به سرانجام بسیار بدی رسید؛ جهانی پر از ظلم و جور، فساد و تباهی، روزگاری تهی از امنیت اخلاقی و روانی، حیاتی به دور از معنویت و پاکی و اجتماعی پر از تجاوزها و پایمال کردن حقوق زیردستان، محصول عملکرد انسان‌های دوران غیبت شد. واقعیتی که در کلام معصومان علیهم‌السلام از قرن‌ها قبل، پیش بینی شده و تصویر سیاه آن، ترسیم گشته بود.

امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود فرمود:

هنگامی که ببینی ظلم و ستم فراگیر شده، قرآن فراموش گشته و از روی هوا و هوس تفسیر گردیده، اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته، افراد با ایمان سکوت اختیار کرده، پیوند خویشاوندی بریده شده، چاپلوسی فراوان گشته، راه‌های خیر بدون رهرو و راه‌های شر مورد توجه قرار گرفته، حلال، حرام شده و حرام مجاز شمرده شده، سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا [و فساد و ابتذال] صرف گردیده، رشوه خواری در میان کارکنان دولت رایج شده، سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کرده که هیچ کس جرأت جلوگیری آن را ندارد، شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران آید، اما شنیدن باطل سهل و آسان باشد، برای غیر خدا به حج خانه خدا بشتابند، مردم سنگدل شوند [و عواطف بمیرد]، اگر

۱. ر.ک: حکومت جهانی / امام مهدی، ص ۱۷۸ - ۱۸۰.

کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست، هر سال فساد و بدعتی نو پیدا شود، [هرگاه دیدی اوضاع مردم اینگونه شده] مراقب خویش باش و از خدا نجات و رهایی از این وضع ناهنجار را بخواه [که فرج نزدیک است].^۱

البته این تصویر سیاه از دوران پیش از ظهور، چهره غالب آن دوره است؛ چرا که در همین روزگار هستند دین باوران حقیقی که بر عهد خود با خداوند استوار می‌مانند و مرزهای اعتقاد خود را پاس می‌دارند و در فساد محیط مضمحل نمی‌شوند و سرنوشت خود را به فرجام زشت دیگران پیوند نمی‌زنند. این‌ها از بهترین بندگان خدا و شیعیان امامان نور هستند که در روایات فراوان، تمجید و ستایش شده‌اند. اینان، هم خود پاک هستند و هم دیگران را به پاکی دعوت می‌کنند، چون نیک می‌دانند که می‌توان از راه ترویج خوبی‌ها و ساختن محیطی معطر به عطر ایمان، ظهور امام خوبی‌ها را پیش انداخت و مقدمات قیام و حکومت او را فراهم کرد، زیرا که زمانی قیام بر ضد بدی‌ها ممکن است که مصلح موعود یاورانی صالح داشته باشد.

بنابراین، جهان پیش از ظهور اگرچه دوران تلخی است، به دوره شیرین ظهور، پایان می‌گیرد و اگر چه روزگار فساد و ستمگری است، پاک بودن و دیگران را به خوبی‌ها دعوت کردن، از وظایف حتمی منتظران است که در تعجیل فرج و قیام مهدی آل محمد ﷺ تأثیر مستقیم دارد.

هنگامه قیام

همه می‌خواهند بدانند که در جریان قیام جهانی امام مهدی ﷺ چه حوادثی روی می‌دهد؟ حرکت امام از کجا و چگونه آغاز می‌شود؟ شیوه برخورد امام با گروه‌های مخالف چگونه است؟ و بالاخره چگونه آن حضرت بر تمام جهان غلبه خواهد کرد و رشته امور جهان را به دست خواهد گرفت؟ این‌گونه سؤال‌ها، فکر و اندیشه هر انسان مشتاق ظهور را به خود مشغول می‌کند؛ ولی واقعیت، این است که سخن گفتن درباره حوادث مربوط به ظهور، کاری بسیار مشکل است؛ چون گزارش دادن از آینده و اتفاقاتی است که هنوز

۱. کافی، ج ۸، ح ۷، ص ۳۶.

واقع نشده است و به طور طبیعی نمی توان اطلاع دقیقی از آن رویدادها داشت. بنابراین آنچه در این بخش می آوریم، حوادث و رخدادهای روزگار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که برابر روایات در کتاب های متعدد نقل شده است و تنها می تواند دور نمایی کلی از رویدادهای ایام ظهور را پیش روی خوانندگان ترسیم کند.

چگونگی قیام

وقتی ظلم و تباهی، چهره عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آن گاه که ستمگران، گستره زمین را جولانگه بدی ها و نامردی ها ساخته اند و مظلومان جهان، دست یاری خواهی را به آسمان گشوده اند، ناگهان ندایی آسمانی، سیاهی شب را می درد و در ماه خدا رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت می دهد.^۱ قلب ها به تپش می افتد و چشم ها خیره می گردد. شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره ای هستند و منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه از هر کسی سراغ کوی یار می گیرند و برای دیدار او و حضور در زمره یاوران او سر از پا نمی شناسند.

در آن زمان، سفیانی که بر منطقه وسیعی مانند سوریه، اردن و فلسطین سلطه دارد، سپاهی را تجهیز می کند، تا با امام مقابله کند. لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است، در محلی به نام بیداء به کام زمین می رود و نابود می شود.^۲

پس از شهادت نفس زکیه به فاصله کوتاهی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در سیمای مردی جوان در مسجدالحرام ظهور می کند؛ در حالی که پیراهن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تن دارد و پرچم آن حضرت را به دست گرفته است. او به دیوار کعبه تکیه می زند و در بین رکن و مقام،^۳ سرود ظهور را زمزمه می کند و پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می فرماید:

ای مردم! ما از خدای توانا یاری می طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما پاسخ دهد، به یآوری می خوانیم.

آن گاه خود و خاندانش را معرفی می کند و ندا می دهد:

۱. الغیبه نعمانی، باب ۱۴، ح ۱۷، ص ۳۶۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ح ۱، ص ۱۰.

۳. مراد مقام حضرت ابراهیم علیه السلام نزدیک خانه کعبه و مقصود از «رکن»، رکن حجر الاسود است.

فَاللّٰهُ اللّٰهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَانْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللّٰهُ تَعَالٰی؛

درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [در میدان عدالت گسترده و ستم ستیزی] تنها نگذارید و یاری‌مان کنید تا خدا شما را یاری کند.

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می‌گیرند و گروه گروه فرود می‌آیند و با امام بیعت می‌کنند؛ در حالی که پیشاپیش آن‌ها فرشته وحی، جبرئیل علیه السلام است. آن‌گاه ۳۱۳ انسان وارسته که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده‌اند همچون ستارگانی بر گرد خورشید تابناک امامت حلقه زده، پیمان وفاداری می‌بندند. این جریان سبز، جاری است تا آنکه ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام علیه السلام حضور می‌یابند و با آن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت می‌کنند.^۱

امام علیه السلام با خیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر مکه و اطراف آن مسلط می‌شوند و سرزمین پیامبر را از وجود ناهلان، پاک می‌کنند. آن‌گاه راهی مدینه می‌شود تا سایه عدالت و مهر را بر آن بگستراند و سرکشان شهر را بر جای خود بنشاند. سپس عازم عراق گشته و شهر کوفه را به عنوان مرکز حکومت جهانی برمی‌گزیند و از آنجا به مدیریت قیام می‌پردازد. آن حضرت برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتو قوانین قرآن و در هم کوبیدن بساط ظلم و ستم، یاران و سپاهیان نور را به نقاط مختلف عالم گسیل می‌دارد.

امام علیه السلام یک به یک سنگرهای کلیدی جهان را فتح می‌کند؛ زیرا علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار است و مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از لشکر رعب و وحشت مدد می‌گیرد؛ یعنی خداوند توانا چنان ترسی از او و یارانش در دل‌های دشمنان می‌افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست. امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم از ما به وسیله رُعب [وحشت در دل دشمنان] یاری می‌شود.^۲

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می‌شود، بیت المقدس است.^۳

۱. الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۳۹۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

۳. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۴، ح ۶۶۱، ص ۱۷۵.

و پس از آن، واقعه بسیار مبارکی اتفاق می افتد که در جریان قیام و انقلاب امام مهدی علیه السلام سرنوشت ساز است و جبهه آن حضرت را تقویت می کند و آن، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان است. حضرت مسیح علیه السلام که به فرموده قرآن زنده است و در آسمان ها به سر می برد به زمین می آید و پشت سر امام مهدی علیه السلام به نماز می ایستد. بدین وسیله فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی علیه السلام به همگان اعلام می کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم! اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طولانی می کند تا فرزندم مهدی علیه السلام در آن قیام کند. پس از آن، عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سر مهدی نماز می خواند.^۱

به دنبال این اقدام حضرت عیسی علیه السلام بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می دهند به پیشوای شیعیان، ایمان می آورند. گویی خدا عیسی علیه السلام را برای چنان روزی حفظ کرده است، تا چراغ هدایتی برای حق طلبان باشد.

البته ظهور معجزات به دست هدایت گر حضرت مهدی علیه السلام و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت از برنامه های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می کند.

در همین راستا امام علیه السلام الواح تورات تحریف نشده - کتاب مقدس یهود - را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است، خارج می کند.^۲ یهودیان که نشانه های امامت او را در الواح می بینند، به آن حضرت ایمان می آورند و پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می پیوندند. این گونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می شود و اسلام عزیز همه عالم را می گیرد همان گونه که قرآن کریم بشارت داده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۲. الغیبه نعمانی، باب ۱۳، ح ۲۶، ص ۳۳۵.

الْمُشْرِكُونَ^۱

او خدایی است که پیامبرش را با [دلائل] هدایت و دین حق فرستاد تا [سرانجام] آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند؛ اگرچه مشرکان را خوش نیاید.

با توجه به تصویری که ترسیم شد، تنها قلدران و ظالمان می‌مانند که حاضر به تسلیم شدن در برابر حق و حقیقت نیستند. این عده در مقابل جریان غالب و اکثریت مؤمنان تاب مقاومت ندارند و با شمشیر عدالت مهدی عج به کیفر اعمال ننگین خود خواهند رسید و زمین و اهل آن برای همیشه از شرّ و فساد آن‌ها ایمن خواهد شد.

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.

خلاصه درس

- زمان ظهور، مخفی و به اراده الهی و فراهم شدن زمینه‌های آن وابسته است.
- روایات ما را از تعیین وقت، برحذر داشته و به تکذیب تعیین کنندگان وقت، دستور داده‌اند.
- مخفی بودن زمان ظهور، موجب تداوم روح امید و افزایش انگیزه زمینه سازی می‌شود.
- هرچند چهره غالب جهان پیش از ظهور، ظلم و تباهی است، این به معنای ظالم شدن همه انسان‌ها نیست.
- ظهور حضرت دارای نشانه‌هایی است که حتماً به وقوع می‌پیوند این نشانه‌ها از این قرارند:
خروج سفیانی، قیام یمانی، خسف بیداء، صیحه آسمانی و قتل نفس زکیه.
- نشانه‌های دیگری برای ظهور ذکر شده است که اگر شرط آن‌ها پیش نیاید یا مانعی برای آن‌ها ایجاد شود، آن علائم رخ نخواهد داد.
- سرنجام امام از مکه حرکت خود را آغاز می‌کند، مردم جهان را به حق دعوت می‌نماید و با کمک یاران خود و امدادهای الهی، با مستکبران عالم تا عدالت گستری کامل می‌جنگد.

پرسش‌های درس

۱. تداوم روح زمینه‌سازی، چگونه معلول پنهان بودن زمان ظهور است؟
۲. چهار مورد از علائمی را که در روایات به عنوان علائم محتوم یاد شده است، با استناد به آن روایات معرفی نمائید.
۳. با توجه به شواهد روایی، چگونگی ظهور و قیام حضرت را ترسیم کنید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. رابطه بدا با ظهور، نشانه‌های حتمی و غیر حتمی را بیان کنید.
۲. آیا بین ظهور و قیام فاصله‌ای وجود دارد یا نه؟ تبیین نمایید.
۳. ظلم و ستم‌های قبل از قیام از علائم ظهورند یا از شرایط آن؟ بررسی کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. تاریخ ما بعد الظهور، سیدمحمد صدر.
۲. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، ناصر مکارم شیرازی.
۳. درسنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، ج ۳.
۴. موعود شناسی، علی اصغر رضوانی.

حکومت جهانی (۱):

برنامه‌های حکومت حضرت مهدی عج

اهداف

۱. آشنایی با اهداف حکومت حضرت در عصر ظهور
۲. الگوبری از برنامه‌های اصلاحی حضرت در عصر غیبت

فوائد

۱. آگاهی از اهداف حکومت امام
۲. شناخت برنامه‌های اصلاحی حضرت
۳. ایجاد میل و رغبت به ظهور

مطالب آموزشی

- اهداف حکومت
 - رشد معنوی
 - عدالت گستری
 - برنامه‌های حکومت
 - برنامه‌های فرهنگی
 - احیای کتاب و سنت
 - گسترش معرفت و اخلاق
 - نهضت علمی
 - مبارزه با بدعت‌ها
 - برنامه‌های اقتصادی
 - بهره‌وری از منابع طبیعی
 - توزیع عادلانه ثروت
 - عمران و آبادانی
 - برنامه‌های اجتماعی
 - احیای امر به معروف و نهی از منکر
 - مبارزه ریشه‌ای با فساد و رذایل
 - اجرای حدود
 - عدالت قضایی

پس از کنار رفتن ابرهای تیره و تار، خورشید جهان افروز رخ می‌نماید و چشمان منتظرِ دشت و دمن را روشنی می‌بخشد.

آری؛ پس از مبارزه‌ای فراگیر با فساد و تباهی و نامردمی، نوبت به استقرار حاکمیت دادگری می‌رسد و عدالت بر کرسی حکمرانی تکیه می‌زند، تا هر کس و هر چیز را در جای خود قرار دهد و سهم هر پدیده‌ای را به مقتضای حق و داد بپردازد. و بالأخره جهان و جهانیان، شاهد حکومتی خواهند بود که سراسر، حق و عدل است و کمترین ستم و ستمگری در گستره آن بر کسی نمی‌رود. حکومتی که مظهر صفات جمال و زیبایی پروردگار عالم است و در ساحت آن، بشر به تمام آرمان‌های فراموش شده خود دست می‌یابد.

ما در این فصل در چهار محور بحث خواهیم کرد:

۱. اهداف حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲. راهکارها و برنامه‌های حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در حوزه‌های مختلف
۳. دستاوردهای حکومت الهی دادگستر
۴. ویژگی‌های حکومت

اهداف حکومت

از آنجا که هدف از آفرینش هستی، کمال و نزدیکی هر چه بیشتر انسان به منبع همه

کمالات یعنی حضرت حق تعالی می‌باشد و برای نیل به این آرمان بزرگ، باید ابزار و وسائل آن فراهم شود، حکومت جهانی امام عصر علیه السلام در پی فراهم آوردن اسباب تقرب الی الله و برداشتن موانع از این مسیر است.

البته انسان از دو بُعد جسم و جان ترکیب یافته است و نیازهای او نیز به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌شود، بنابراین برای رسیدن به کمال، لازم است در هر دو جهت، حرکتی سنجیده و حساب شده داشته باشد. در این میان، «عدالت» که ره آورد بزرگ حاکمیت الهی است ضامن سلامت رشد انسان در سیر مادی و معنوی است. بنابراین، اهداف حکومت امام دوازدهم علیه السلام در دو محور رشد معنوی و اجرای عدالت قابل طرح است.

رشد معنوی

برای پی بردن به ارزش هدف‌های یادشده، لازم است نگاهی گذرا به حیات بشر در طول حاکمیت طاغوت‌ها بیفکنیم.

در طول زندگی انسان، به دور از حکومت حجت الهی، معنویت و ارزش‌های معنوی چه جایگاهی داشته است؟ آیا جز این است که بشریت گم گشته و راه گم کرده، پیوسته در مسیر انحطاط معنوی گام برداشته و با پیروی از تمایلات نفسانی و وسوسه‌های شیطانی یک یک زیبایی‌ها و خوبی‌های حیات خود را به فراموشی سپرده و با دست خود، آن‌ها را در گورستان شهوات دفن کرده است؟ پاکی و پاکدامنی، صداقت و درستکاری، تعاون و همکاری، گذشت و ایثار، احسان و نیکوکاری، جای خود را به هواپرستی و شهوترانی، دروغ و دغل بازی، خودمحوری و موقعیت جویی، خیانت و جنایت و زیاده خواهی و افزون طلبی داده است؛ و در یک کلمه، معنویت بشر، نفس‌های آخر را می‌کشد و در بسیاری از نواحی و برای بسیاری از آدم نماها اثری از آن باقی نمانده است.

حکومت آخرین ذخیره الهی در راستای زنده ساختن این بخش از وجود انسان، گام بر می‌دارد و برای جان بخشیدن به این پیکره افسرده تلاش می‌کند؛ تا طعم شیرین حیات واقعی و زندگی حقیقی را به آدم‌های مسجود ملائک بچشاند و به همگان یادآوری کند که از ابتدا مقرر شده بود که آنان در چنان حیاتی تنفس کنند و عطر پاکی‌ها و خوبی‌ها را با مشام جان، استشمام کنند؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.

بنابراین حیات معنوی که امتیاز بنی آدم از حیوانات است، بخش عمده و قسمت اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهد؛ زیرا آدمی با برخورداری از همین حیات است که «آدم» نامیده شده است و همین حیات است که او را به خداوند حیات آفرین می‌رساند و به مقام قرب او نائل می‌سازد.

از این رو در زمان حاکمیت ولیّ پروردگار، این بخش از وجود آدمی، سروسامان می‌گیرد و ارزش‌های انسانی در همه ابعاد زندگی، رونق و طراوت می‌یابد. صفا و صمیمیت، ایثار و وفا، راستی و درستی و... همه آنچه به عنوان «خوبی» از آن یاد می‌شود، همه جا را فرا می‌گیرد.

البته رسیدن به این هدف بزرگ و نقطه درخشان، به برنامه‌ای دقیق و جامع نیاز دارد که در بخش‌های آینده بیان خواهد شد.

عدالت گستری

بزرگ‌ترین زخم پیکر جامعه بشری در طول تمام قرون و اعصار گذشته، ظلم و ستم موجود در اجتماعات انسانی بوده است. بشریت همواره از رسیدن به حقوق خود در عرصه‌های مختلف محروم مانده است و هیچ‌گاه مواهب مادی و معنوی، عادلانه در بین بنی آدم تقسیم نشده است. همیشه در کنار شکم‌های انباشته از غذا، گروهی گرسنه مانده‌اند و پیوسته در نزدیکی کاخ‌ها و ویلاهای چند هزار متری، عده‌ای در حاشیه خیابان‌ها و بر سنگ‌فرش پیاده روها خوابیده‌اند. قدرت‌های زر و زور، مردم ضعیف و بیچاره را به بردگی کشیده‌اند و نژاد سفید بر کرده سیاهپوستان - تنها به جرم پوست سیاهشان - تازیانه مرگ فرود آورده است. در یک کلام، همیشه و همه جا حقوق ضعیفان و بینوایان، پایمال هواها و تمایلات زورمندان شده است و انسان همیشه در آرزوی دست یافتن به عدالت و مساوات، روزشماری کرده و رسیدن دوران شکوفایی عدالت را به انتظار نشسته است.

۱. سوره انفال، آیه ۲۴.

نهایت این انتظار، دوران سبز حکومت امام مهدی علیه السلام است. او به عنوان بزرگ‌ترین پیشوای دادگر در پی اجرای عدالت در گستره عالم و در همه زمینه‌های حیات خواهد بود. این حقیقت شیرین در بسیاری از روایات که مژده آمدن او را داده، بیان شده است. امام حسین علیه السلام فرمود:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند، آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند پس از آنکه از ستم و بیداد آکنده باشد. این چنین از پیامبر شنیدم.^۱

ده‌ها روایت دیگر داریم که از عدالت جهانی و ریشه کنی ستم و ستم‌گری در سایه حکومت موعود آخرین، خبر داده است.

جالب است دانسته شود که عدالت و دادگری از آشکارترین ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام است؛ به گونه‌ای که در بعضی از دعاها به آن لقب گرفته است:

اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلٰی وَلٰی اَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ؛

خداوند! به ولی امر خود درود فرست؛ همان که قیام کننده آرمانی و عدالت مورد انتظار همگان است.^۲

آری؛ او عدالت را سرلوحه اهداف انقلاب خویش قرار داده است؛ زیرا عدالت، زمینه ساز حیات حقیقی در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی است و زمین و اهل آن بدون عدالت، مردگان بی‌روحي هستند که زنده پنداشته می‌شوند.

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^۳ فرمود:

مقصود، این نیست که زمین را با باران زنده می‌کند؛ بلکه خداوند، مردانی را بر می‌انگیزد که عدالت را زنده می‌کنند؛ پس به سبب جان گرفتن عدل [در جامعه]، زمین زنده می‌شود...^۴

و تعبیر «زنده شدن زمین» اشاره به آن است که عدالت مهدوی، عدالتی است فراگیر و همه جایی، نه در بخشی از محیط‌ها و برای بعضی از افراد.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۰، ح ۴، ۵۸۴.

۲. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۳. «بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش، زنده خواهد کرد» (سوره حدید، آیه ۱۷).

۴. با توجه به روایات دیگر که آیه را به دوران امام مهدی علیه السلام تفسیر کرده است، مقصود از «مردان» در این روایت حضرت و یاوران او هستند (تفسیر البرهان، ذیل آیه فوق).

برنامه‌های حکومت

پس از آشنایی با اهداف حکومت، باید به بررسی برنامه‌های حکومت برای رسیدن به هدف‌های مذکور پردازیم، تا ضمن شناخت مسیر فعالیت‌ها در دوران سبز ظهور، الگویی برای دوران پیش از ظهور ترسیم شود، نیز آنان که به انتظار منجی بزرگ عالم هستند با روش‌های حکومتی و برنامه‌های اجرایی امام عصر علیه السلام آشنا شوند و خود و جامعه را برای پیمودن چنان راهی آماده کنند.

با استفاده از روایات فراوانی که درباره دوران حکومت امام مهدی علیه السلام موجود است، سه محور عمده برنامه‌های آن حکومت عبارتند از: برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های اجتماعی و برنامه‌های اقتصادی.

به بیان دیگر، جامعه بشری که به دلیل دوری از تعالیم ناب قرآن و سیره پیشوایان دینی، به انحطاط فرهنگی گرفتار شده، لازم است در پرتو یک انقلاب فرهنگی بزرگ، به دامن قرآن و عترت بازگردانده شود.

همچنین لزوم یک «برنامه جامع اجتماعی» به آن دلیل است که زخم‌های گوناگون پیکر اجتماع، التیام گیرد و برنامه‌های صحیحی که ضامن حیات واقعی جامعه و برخورداری همگان از حقوق الهی و انسانی است به جای روش‌های ظالمانه که جامعه را به هرج و مرج و فساد و تباهی و از بین رفتن حقوق ضعیفان کشانیده است، قرار گیرد و اجرا شود.

برای فراهم شدن زمینه‌های تعالی فرهنگی و رشد اجتماعی، برنامه اقتصادی نیز ضرورت دارد تا ضمن آن از تمام امکانات مادی زمینی به شکل عادلانه و در بستر مناسب استفاده شود. به بیان دیگر، با بهره‌گیری بهینه از مواهب طبیعی، رشد اقتصادی و تأمین معیشت برای همه طبقات و در همه محیط‌ها امکان پذیر شود.

پس از بیان اجمالی برنامه‌های حکومت امام دوازدهم علیه السلام به بررسی تفصیلی آن‌ها بر اساس روایات معصومان علیهم السلام می‌پردازیم و مهم‌ترین برنامه‌های حضرت را در هر بخش، مورد بحث قرار می‌دهیم:

الف. برنامه فرهنگی

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام تمام فعالیت‌های فرهنگی، در راستای رشد و تعالی علمی و عملی مردم خواهد بود و با جهل و نادانی در همه زمینه‌ها مقابله خواهد شد. مهم‌ترین محورهای جهاد فرهنگی در حکومت حق عبارتند از:

۱. احیای کتاب و سنت

پس از آنکه در همه اعصار، قرآن غریب و تنها مانده و در حاشیه زندگی به فراموشی سپرده شده بود، در زمان حکومت آخرین حجّت الهی، تعالیم حیات بخش قرآن به تمام عرصه زندگی بشر وارد می‌شود. همچنین سنت که همان گفتار و رفتار پیشوایان دینی است در همه جا به عنوان بهترین الگوی حیات انسانی مطرح می‌گردد و عملکرد همگان با معیار خدشه ناپذیر قرآن و عترت ارزیابی می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی رسا حکومت قرآنی امام مهدی علیه السلام را چنین توصیف کرده است:

در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند [امام مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و] هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌سازد و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را متوجه قرآن می‌کند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد.^۱

نیز در بیانی دیگر، آن حضرت دوران ظهور قرآن و حضور آن را در زندگی بشر چنین بشارت داده است:

... گویی هم اکنون شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده‌اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده، به مردم می‌آموزند...^۲

یاد دادن و یاد گرفتن قرآن، نقطه شروعی برای ترویج فرهنگ قرآنی و حاکمیت قرآن و احکام آن در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی است.

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۳۸، ص ۴۲۴.

۲. الغیبة نعمانی، باب ۲۱، ح ۳، ص ۳۳۳.

۲. گسترش معرفت و اخلاق

قرآن کریم و تعالیم اهل بیت علیهم السلام بر رشد اخلاقی و معنوی بشر بیشترین تأکید را انجام داده است؛ زیرا مهم‌ترین عامل رشد و تعالی انسان به سوی هدف بلند خلقت، اخلاق نیکو است. پیامبر صلی الله علیه و آله هدف از پیامبری خود را تکمیل مکارم اخلاق می‌شمرد^۱ و قرآن نیز آن بزرگوار را بهترین الگوی رفتاری برای همه مردم معرفی می‌کند؛^۲ ولی با کمال تأسف، به دلیل دوری بشر از راهنمایی‌های قرآن و اهل بیت، انحطاط اخلاقی در همه زمینه‌ها در جوامع بشری و به ویژه جامعه مسلمین آشکار گردیده و همین انحراف از ارزش‌های اخلاقی از عوامل مهم ویرانی حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها شده است.

حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه که حکومت خدا و ارزش‌های الهی بر جهان است، ترویج اخلاق را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ^۳؛

زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود بر سر بندگان خواهد نهاد و به وسیله آن، عقل‌های ایشان را جمع خواهد کرد و اخلاق آن‌ها را به کمال خواهد رساند.

از این تعبیر کنایه آمیز و زیبا استفاده می‌شود که در پرتو حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه که حکومت اخلاق و معنویت است، بستر مناسب برای کمال عقلی و اخلاقی بشر فراهم خواهد شد؛ زیرا همان‌گونه که اخلاق زشت و پست از نقصان عقل و خرد آدمی است، کمال عقل موجب بروز و ظهور اخلاق نیکو در انسان خواهد بود.

از سوی دیگر، محیط آکنده از هدایت‌های قرآن و سنت‌های الهی، آدمی را به سوی خوبی‌ها سوق می‌دهد؛ بنابراین از درون و برون همه کشش‌ها به سوی فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست و این‌گونه است که ارزشهای الهی و انسانی همه جایی و عالم گیر می‌شود.

۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ همانا من برای تکمیل مکارم اخلاق برانگیخته شدم» (بحار الانوار، ج ۶۸، ذیل حدیث ۱۷، ص ۳۸۲).

۲. اشاره به آیه «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة؛ و برای شما در رسول خدا الگوی نیکویی است» (سوره احزاب، آیه ۲۱).

۳. بحار الانوار، ۵۲، ح ۷۱، ص ۳۳۶.

۳. نهضت علمی

یکی از برنامه‌های فرهنگی حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه که خود منبع علوم و سرآمد همه عالمان زمان خویش است^۱، نهضت علمی و رشد دانش بشری به طور چشمگیر و بی‌سابقه است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از بشارت دادن به مهدی عجل الله تعالی فرجه درباره این بخش از اقدام او فرموده است:

...نهمین امام [از فرزندان امام حسین علیه السلام] قائم ایشان است که خداوند به دست او همه زمین را از روشنایی پر می‌کند. پس از آنکه گرفتار تاریکی گشته است، و تمام زمین را از عدالت و دادگری می‌آکند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد، و سراسر عالم را از علم و دانایی بهره مند می‌سازد، پس از آنکه به جهل و نادانی گرفتار شده باشد...^۲

این جنبش علمی و فکری، برای همه اقشار و طبقات جامعه است و در این شکوفایی، فرقی بین مرد و زن نیست؛ بلکه زنان نیز به رتبه‌های بلند علمی و دین‌شناسی می‌رسند. امام باقر علیه السلام فرمود:

در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به شما حکمت [و دانش] داده می‌شود، تا آن جا که زن در درون خانه اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کند.^۳

این، حکایت از آگاهی و شناخت عمیق از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام دارد؛ زیرا امر قضاوت، امری دشوار و سنگین است.

۴. مبارزه با بدعت‌ها

بدعت در مقابل «سنت» و به معنای داخل کردن اندیشه‌ها و آرای شخصی در دین و دینداری است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در معرفی بدعت گذاران فرمود:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید: «دانش او از همه شما بیشتر است». (الغیبة نعمانی، باب ۱۳، ح ۱، ص ۳۰۵).

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۴، ح ۵، ص ۴۸۷.

۳. الغیبة نعمانی، باب ۱۳، ح ۳۰، ص ۳۳۷.

بدعت گذاران، کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می‌ورزند و براساس رای و هواهای نفسانی خود عمل می‌کنند؛ هر چند شمار آن‌ها بسیار باشد.^۱

بنابراین بدعت به معنای مخالفت با خدا و کتاب و پیامبر او و حاکم کردن هواهای نفسانی و عمل کردن براساس تمایلات شخصی است و این، جز آن است که با الهام از کتاب و سنت و بر اساس معیارهای الهی تحقیق و تحلیلی نو ارائه شود. بدعت، امری است که سنت و شیوه خدا و پیامبر ﷺ را نابود می‌کند و هیچ آفتی برای دین، چنین شکننده و نابود کننده نیست.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

مَاهِدَمَ الدِّينَ مِثْلُ الْبِدْعِ؛^۲

هیچ چیز مانند بدعت‌ها دین را ویران و تباه نکرده است.

به همین دلیل است که سنت‌مداران، وظیفه دارند در مقابل بدعت گذاران قیام کنند و پرده از تزویر و نیرنگ آن‌ها بردارند و راه نادرست آن‌ها را برای مردمان آشکار و بدین گونه از گمراهی مردم جلوگیری کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هرگاه بدعت‌ها در میان امت آشکار شوند، بر عالم است که علم و دانش خود

را آشکار سازد و هر کس چنین نکند، نفرین خدا بر او باد!^۳

با تأسف باید گفت که پس از پیامبر و راه روشن او، چه بدعت‌ها که در دین نگذاشتند، و چه انحراف‌ها و کجی‌ها که در مسیر دینداری پدید نیاموردند، و چه گمراهی‌ها که در برابر مردم نگشودند! بدین سان چهره دین را واژگونه ساختند و رخسار تابناک آیین را به حجاب‌های هواها و سلیقه‌های شخصی پوشاندند. امامان معصوم علیهم السلام و به دنبال ایشان عالمان دین کوشیدند؛ ولی همچنان راه بدعت گذاری و سنت سوزی باز ماند و در دوران غیبت بیشتر شد.

و اکنون عالم در انتظار است که صاحب مکتب و موعود قرآن بیاید و در سایه سار

۱. کنز العمال، ج ۱۶، ح ۴۴۲۱۶، ص ۱۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ح ۹۸، ص ۹۱.

۳. کافی، ج ۱، باب البدع و الراي و المقائیس، ح ۲، ص ۵۴.

حکومت او سنت‌ها زنده گردیده و بدعت‌ها برچیده شود. و بی‌شک در رأس برنامه‌های اصلاحی او مبارزه با بدعت‌ها و گمراهی هاست، تا زمینه‌های هدایت و رشد و تعالی بشر فراهم شود.

امام باقر علیه السلام در ضمن سخنی بلند در توصیف زمان ظهور آن حضرت فرمود:
 ... وَلَا يَتْرُكُ بِدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا...؛

هیچ بدعتی را وانگدارد، مگر اینکه آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد، مگر اینکه آن را بر پا خواهد فرمود.

ب. برنامه اقتصادی

از شاخصه‌های یک جامعه سالم، اقتصاد سالم است. اگر از منابع ثروت در جامعه به درستی استفاده شود و امکانات تولید و توزیع در اختیار عده‌ای خاص نباشد، بلکه حکومت به همه قشرها توجه کرده و برای همه امکان بهره‌گیری از سرمایه‌ها را فراهم کند، جامعه‌ای ساخته می‌شود که امکان رشد معنوی نیز در آن بیشتر است. در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام نیز به جنبه اقتصادی و بهینه‌سازی وضع معیشتی مردم توجه شده است؛ بنابراین در حکومت قرآنی حضرت مهدی علیه السلام برای اقتصاد جهان، برنامه جامعی تدوین شده است که بر اساس آن اولاً امر تولید، سامان می‌یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره‌برداری می‌شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه طبقات توزیع می‌شود. بجاست در این باره، نیم نگاهی به روایات بیندازیم.

۱. بهره‌وری از منابع طبیعی

یکی از مشکلات بخش اقتصاد، استفاده نکردن صحیح و بجا از مواهب الهی است. اکنون نه از تمام ظرفیت خاک استفاده می‌شود و نه از آب به درستی در راه احیای زمین بهره‌برداری می‌گردد. در زمان امام مهدی علیه السلام و به برکت حکومت حقّ او آسمان، سخاوتمندانه می‌بارد و زمین بی‌دریغ بار می‌دهد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«... وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَانْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَلاَخْرَجَتْ اَلْاَرْضُ نَبَاتَهَا...»^۱

و چون قائم ما قیام کند، آسمان باران می‌ریزد و زمین گیاه بیرون می‌آورد....

در زمان حاکمیت آخرین حجت حق، همه زمین و امکانات آن در اختیار امام خوبان قرار می‌گیرد، تا سرمایه‌ای کلان برای پی ریزی اقتصادی سالم فراهم شود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«... تَطْوَى لَهُ الْاَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ...»^۲

زمین برای او پیچیده می‌شود [در لحظه‌ای از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رود] و تمام گنج‌های آن برای او آشکار می‌گردد.

۲. توزیع عادلانه ثروت

از مهم‌ترین عوامل اقتصاد بیمار در جوامع بشری، انباشته شدن ثروت در نزد گروهی خاص است. همیشه این گونه بوده است که افراد یا جمعیت‌هایی که برای خود - به هر دلیل - امتیازی قائل بوده‌اند، بر انبارهای ثروت عمومی چنگ انداخته و آن را در جهت منافع شخصی و گروهی به کار برده‌اند. امام مهدی علیه السلام با اینان مقابله خواهد کرد و ثروت همگانی را در اختیار همگان خواهد گذاشت و عدالت علوی را به همه نشان خواهد داد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«اِذَا قَامَ قَائِمُ اَهْلِ الْاُبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَةِ...»^۳

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [اموال را] به مساوی تقسیم می‌کند و در میان خلق به عدالت رفتار می‌نماید.

در زمان آن حضرت، اصل مساوات و برابری به اجرا در می‌آید و همگان از حقوق انسانی و الهی خود بهره‌مند می‌شوند.

۱. خصال، باب اربعمائه، ح ۱۰، ص ۶۸۵.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

۳. الغیبه نعمانی، باب ۱۳، ح ۲۶، ص ۲۴۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

شما را به مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم که در امت من برانگیخته خواهد شد... او اموال را به درستی تقسیم می‌کند.

کسی پرسید: «مراد چیست؟» فرمود: «یعنی بین مردم مساوات را اجرا خواهد کرد».^۱ و ره آورد این مساوات در سطح جامعه، آن است که فقر و تهیدستی ریشه کن گردیده، فاصله‌های طبقاتی برچیده می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود:

... امام مهدی علیه السلام میان مردم به مساوات رفتار می‌کند، به گونه‌ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.^۲

۳. عمران و آبادانی

در حکومت‌های بشری، بخش‌هایی از محیط زندگی آباد می‌شود که به گونه‌ای در ارتباط با حاکمان و اطرافیان و همفکران ایشان یا طبقه اشراف و بزرگان و صاحب نفوذها باشد و بقیه طبقات فراموش می‌شوند؛ ولی در حکومت امام مهدی علیه السلام که امر تولید و توزیع ساماندهی می‌شود، نعمت و آبادانی به همه جا می‌رسد.

امام باقر علیه السلام در توصیف روزگار امام مهدی علیه السلام فرمود:

... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمَرَ...^۳

در تمام زمین، هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند، جز اینکه آباد می‌شود.

ج. برنامه اجتماعی

یکی از ابعاد اصلاح ساختار جامعه بشری، پرداختن به برنامه‌های اجتماعی است. در حکومت دادگستر بزرگ عالم، برای سامان بخشی اجتماع، برنامه‌هایی بر اساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت در نظر گرفته شده است که به سبب اجرای آن‌ها محیط زندگی، زمینه‌ای آماده برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. در جهانی که تحت حاکمیت الهی است، خوبی‌ها

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۳۷، ص ۸۱

۲. همان، ج ۳۸، ص ۹۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

ترویج می‌شود و از بدی‌ها نهی می‌گردد و با بدکاران برخورد قانونی می‌شود. نیز حقوق اجتماعی افراد به مساوات پرداخت می‌شود و عدالت اجتماعی به معنای واقعی آن پیاده می‌گردد.

بجاست به روایات مراجعه کنیم و جلوه‌ای از آن دنیای زیبا را مشاهده کنیم:

۱. احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد؛ همان واجبی که قرآن کریم بر آن تأکید ورزیده و آن را از ویژگی‌های امت اسلامی به عنوان برگزیده امت‌ها شمرده است.^۱ همان امری که به سبب آن، همه واجبات الهی اقامه می‌شود^۲ و واگذاشتن آن، عامل اساسی در هلاکت و نابودی خوبی‌ها و رشد و گسترش بدی‌ها در اجتماعات بوده است. از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر آن است که رئیس حکومت و کارگزاران آن، امرکننده به خوبی‌ها و بازدارنده از زشتی‌ها باشند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

أَلْمَهْدَى وَ أَصْحَابُهُ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۳؛

مهدی و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۲. مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی

در حکومت مهدوی نهی از منکر که یکی از شاخصه‌های حکومت الهی است، تنها به زبان نخواهد بود؛ بلکه در عمل با منکرات و زشتی‌ها مقابله خواهد شد، تا جایی برای فساد و رذائل اخلاقی در جامعه نماند و محیط زندگی از زشتی‌ها پاک شود.

در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از یار غایب است چنین می‌خوانیم:

أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ^۴؛

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲. در سخنی از امام باقر درباره این واجب آمده: «ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر... فریضة عظيمة بها تقام الفرائض؛ امر به معروف و نهی از منکر... واجبی است که به سبب آن همه واجبات اقامه می‌شود» (کافی، ج ۵ باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ح ۱، ص ۵۵).

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۹، ص ۴۷.

کجاست نابود کننده آثار گمراهی و هوا و هوس؟ کجاست ریشه‌کن کننده ریسمان‌های دروغ و افترا؟

۳. اجرای حدود الهی

برخورد با مفسدان و تبهکاران جامعه، شیوه‌های گوناگون دارد. در حکومت امام مهدی علیه السلام از سویی با شیوه‌های فرهنگی و تعلیم معارف و تحکیم عقاید و ایمان، فاسقان و بزهکاران را به راه صلاح و راستی برمی گردانند و از سوی دیگر با تأمین نیازهای مشروع و معقول زندگی و اجرای عدالت اجتماعی، راه را بر فساد و تباهی می‌بندند؛ ولی با کسانی که با وجود همه این‌ها راه تجاوز به حقوق دیگران و زیرپا گذاشتن احکام الهی را می‌پیمایند و چارچوب قانون را نمی‌پذیرند، به گونه‌ای شدید برخورد می‌شود که سدّ راه تبهکاری آن‌ها گردد و نیز از ادامه روند فساد در جامعه توسط دیگران جلوگیری شود و آن، اجرای حدود الهی درباره مفسدان است که حدّ و مرز آن در قوانین کیفری اسلام بیان شده است.

در روایت بلندی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که حضرت جواد علیه السلام نقل کرده، در ضمن بیان خصوصیات امام مهدی علیه السلام آمده است:

او حدود الهی را اقامه [و اجرا] خواهد کرد.^۲

۴. عدالت قضایی

در رأس برنامه‌های حکومتی امام مهدی علیه السلام در سطح جامعه، اجرای عدالت در همه بخش‌هاست. اوست که همه عالم را پر از عدالت و دادگری می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و ستم آکنده باشد. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اجرای عدالت، بخش قضاوت است و این، همان بخشی است که بیشترین ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها در آن شده است. اموال، به ناحق مصادره گشته، خون‌ها، به ناحق ریخته شده و آبروی بی‌گناهان به خطر افتاده است. در محاکم قضایی دنیا، بیشترین ظلم بر مستضعفان عالم شده است و احکام صادره از آن‌ها تحت تأثیر نفوذ قدرتمندان و حاکمان ستمگر، مال و جان افراد و گروه‌های بسیاری را نابود کرده است. قاضیان دنیا طلب نیز برای جلب منافع مادی حکم‌های ظالمانه بسیاری را نوشته و اجرا کرده‌اند. خلاصه اینکه چه بسیار بی‌گناهی که به چوبه دار آویخته شده است

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ح ۴، ص ۳۱۱.

و چه بسا تبهکار و مجرمی که قانون خدا درباره او اجرا نگردیده است.

حاکمیت عدل گستر امام مهدی عج پایان همه ظلم‌ها و نهایت همه حق‌کشی‌هاست. او که مظهر عدالت پروردگار است، محکمه‌هایی دادگستر ایجاد می‌کند و قاضیانی صالح و مجریانی دقیق و خدا ترس می‌گمارد، تا به هیچ کس در هیچ جای عالم کمترین ستمی نرود.

حضرت رضا عج در ضمن روایتی بلند در توصیف امام مهدی عج و دوران طلایی ظهورش فرمود:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛

وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگار روشن شود و آن حضرت، ترازوی عدالت در میان خلق نهد؛ پس [چنان عدالت را جاری کند که] هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.

از این روایت دانسته می‌شود که عدالت قضایی حضرت، چنان گسترده و دقیق است که راه را بر ظالمان و سودجویان می‌بندد و از تکرار ظلم و ستم و عادی شدن تجاوز به حق دیگران، جلوگیری می‌کند.

خلاصه درس

- رشد معنوی و عدالت گستری جهانی، مهم‌ترین هدف حکومت مهدوی است.
- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه برای دستیابی به این اهداف و ریشه کنی مشکلات، برنامه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارد.
- اساسی ترین برنامه های فرهنگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه عبارتند از: احیای کتاب و سنت، گسترش اخلاق، شکوفایی علم و مبارزه با بدعت ها.
- برنامه حضرت در عرصه اقتصاد، بهره وری کامل از منابع طبیعی و گسترش عمران و آبادانی جهان است.
- احیای امر به معروف و نهی از منکر و اجرای حدود الهی از برنامه های اجتماعی حکومت مهدوی است.

پرسش‌های درس

۱. چرا احیا و توسعه ارزش‌های دینی و معنوی، از مهم‌ترین اهداف حکومت مهدوی محسوب می‌شود؟
۲. اهمیت و جایگاه عدالت و عدل گستری در حکومت جهانی مهدوی را توضیح دهید.
۳. امر به معروف در برنامه‌های مهدوی چه جایگاهی دارد؟
۴. برنامه‌های اقتصادی امام مهدی علیه السلام را با ذکر مورد توضیح دهید.
۵. سه نمونه از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی و اصلاحی حضرت را بیان کنید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. ظهور، پایان تاریخ است یا آغاز زندگی حقیقی بشر؟ این مقوله را تبیین نمایید.
۲. رشد مادی در هنگام ظهور را بررسی کنید.
۳. اهل کتاب در حکومت مهدوی چه سرنوشتی دارند؟

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. *اليوم الموعود*، سید محمد صدر.
۲. *حکومت جهانی مهدی*، مکارم شیرازی.
۳. *عصر زندگی*، محمد حکیمی.
۴. *آینده جهان*، رحیم کارگر.

درس چهاردهم

حکومت جهانی (۲):

دستاوردهای حکومت حضرت مهدی عج

اهداف

۱. شناخت دستاوردهای حکومت

فوائد:

۱. آشنایی با چشم انداز درخشان عصر ظهور
۲. عشق و شوق به فرا رسیدن زمان ظهور

مطالب آموزشی

۱. عدالت فراگیر
۲. رشد فکری و اخلاقی و ایمانی
۳. اتحاد و همدلی
۴. سلامت جسمی و روانی
۵. خیر و برکت فراوان
۶. ریشه کنی فقر
۷. حاکمیت اسلام و نابودی کفر
۸. امنیت عمومی
۹. گسترش دانش

افراد و جمعیت‌ها پیش از آنکه به حکومت برسند و قدرت را به دست گیرند، آرمان‌هایی را برای حکومت خود بیان می‌کنند و چه بسا برای رسیدن به آن اهداف، برنامه‌های خود را نیز اعلام می‌نمایند؛ اما معمولاً پس از رسیدن به قدرت و گذشت زمان، در اهداف خود ناکام مانده و گاهی از آنچه گفته بودند، عدول می‌کنند و یا به کلی آن ایده‌ها و اهداف مطرح شده را فراموش می‌کنند.

دست نیافتن به آرزوها و اهداف از پیش تعیین شده، یا به آن علت است که «هدف‌ها» واقعی و اصولی نبوده یا آن‌که برنامه‌های حکومت برای رسیدن به هدف‌ها، برنامه جامع و کاملی نبوده است و در بسیاری از موارد نیز سبب ناکامی، عدم لیاقت مجریان بوده است.

در حکومت امام مهدی علیه السلام اهداف، واقعی و اصیل هستند که ریشه در عمق وجدان‌های بشر دارند و همگان در آرزوی رسیدن به آن‌ها بوده‌اند. برنامه‌ها نیز بر اساس تعالیم قرآن و سنت معصومان تنظیم شده و در تمام بخش‌ها ضمانت اجرایی برای آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین دستاوردهای این انقلاب عظیم، بسیار چشمگیر و قابل توجه است. در یک جمله باید گفت: دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام پاسخ‌گوی تمام نیازهای معنوی و مادی بشر است که خداوند متعال در وجود انسان به امانت نهاده است.

در اینجا با توجه به روایات برخی از این دستاوردها را بیان می‌کنیم:

۱. عدالت فراگیر

در روایات فراوان، مهم‌ترین ره آورد قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام پر شدن جهان از عدالت و دادگری شمرده شده است که در بخش اهداف حکومت درباره آن سخن گفتیم. اما در این بخش بر آن حقیقت یاد شده، این واقعیت را می‌افزاییم که در حاکمیت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله عدالت در همه سطوح جامعه به صورت یک جریان جاری در تمام مویرگ‌های اجتماع در می‌آید و هیچ نهاد و مجموعه کوچک یا بزرگی نمی‌ماند، مگر اینکه عدالت در آن حاکم خواهد شد و روابط افراد با یک‌دیگر بر اساس آن پی ریزی خواهد گشت. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

به خدا قسم! عدالت [مهدی] را در خانه‌های مردم خواهد برد، آنچنان که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند.^۱

اینکه خانه که کوچک‌ترین نهاد جامعه است به کانون عدالت تبدیل می‌شود و روابط افراد خانواده با یک‌دیگر عادلانه می‌شود، حکایت از آن دارد که حکومت جهانی و عدل گستر مهدوی، نه با ابزار زور و قانون، بلکه بر اساس یک تربیت قرآنی که به عدالت و احسان فرمان می‌دهد^۲، افراد را پرورش می‌دهد. در فضایی این چنین همگان به حکم وظیفه انسانی و الهی خود، حقوق دیگران را - گرچه از نظر رتبه و مقام، جایگاهی نداشته باشند - محترم می‌شمارند.

در جامعه موعود مهدوی، عدالت، یک جریان فرهنگی اصیل و با پشتوانه قرآنی و حکومتی است که تخلف از آن تنها توسط معدودی از افراد صورت می‌گیرد که خود محور و منفعت طلب بوده و به دور از تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم السلام پرورش یافته‌اند. حکومت عادل نیز با آن‌ها برخورد جدی می‌کند و اجازه رشد و نمو به آن‌ها نمی‌دهد؛ به ویژه از نفوذ آن‌ها به سطوح حاکمیت جلوگیری می‌کند.

آری؛ عدالتی چنین فراگیر و همگانی ره آورد حکومت مهدی منتظر علیه السلام است و بدین سان عالی‌ترین هدف انقلاب امام مهدی علیه السلام که پر کردن عالم از عدل و داد بوده

۱. همان، ح ۱۳۱، ص ۳۶۲.

۲. قرآن می‌فرماید: ﴿ان الله يأمر بالعدل والاحسان؛ به راستی که خداوند به عدالت و نیکوکاری فرمان می‌دهد﴾ (سوره نحل، آیه ۹۰).

است به شکل کامل تحقق خواهد یافت. آن هم نه فقط عدالت اجتماعی؛ بلکه عدالت در همه ابعاد انسانی محقق می‌شود و ظلم و ستم و حق‌کشی در همه زوایای جامعه حتی در روابط اعضای خانواده با یک‌دیگر از بین خواهد رفت.

۲. رشد فکری و اخلاقی و ایمانی

در بخش قبل آمد که فراگیر شدن عدالت در جامعه به سبب تربیت صحیح افراد و رواج فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است. در روایات ما به رشد فکری و اخلاقی و ایمانی مردم در حاکمیت امام مهدی عج تصریح شده است. امام باقر ع فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند دست [عنایت] خویش بر سر بندگان خدا نهد و به برکت آن، عقل و خرد آن‌ها به کمال رسد.^۱

همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها به دنبال کمال عقل انسان، به دست می‌آید؛ زیرا عقل، پیامبر درونی انسان است که در صورت حاکم بودن آن بر کشور جسم و جان، آدمی به سوی صلاح و درستی خواهد رفت و مسیر بندگی پروردگار و نیل به سعادت، هموار خواهد شد.

از امام صادق ع درباره عقل پرسیدند؛ فرمود:

عقل، آن [حقیقتی] است که به سبب آن، خداوند عبادت می‌شود و به [راهنمایی] آن، بهشت به دست می‌آید.^۲

آری؛ امروز می‌بینیم که در جامعه بدون امام، شهوات بر عقل، غلبه دارد و نفس سرکش، یگانه فرمانروای افراد و گروه‌ها و احزاب است. پیامد این وضعیت، پایمال شدن حقوق انسان‌ها و فراموش شدن ارزش‌های الهی است؛ ولی در جامعه موعود و در سایه فرمانروایی حجت خدا که عقل کل است، عقول انسان‌ها، میدان دار و سگّان دار تصمیم و اقدام خواهد بود. بدیهی است که عقل به کمال رسیده، جز به خوبی و زیبایی فرمان نمی‌دهد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۷۱، ص ۳۳۶.

۲. کافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ح ۳، ص ۱۱.

۳. اتحاد و همدلی

طبق روایات، جمعیتی که تحت حاکمیت جهانی امام مهدی علیه السلام به سر می‌برند، با هم متحد و صمیمی خواهند بود و در زمان برپایی دولت مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی در دل‌های بندگان خدا نخواهد ماند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ...؛

وقتی قائم ما قیام کند، کینه از دل‌های بندگان برود.

در آن زمان، دیگر بهانه‌ای برای کینه توزی نیست؛ زیرا روزگار عدل و دادگری است و حقی از کسی ضایع نمی‌شود و روزگار خردورزی و تعقل است، نه عقل ستیزی و شهوت پرستی.^۱ بنابراین زمینه‌ای برای دشمنی و کینه جویی باقی نمی‌ماند؛ از این رو دل‌های مردم که تا پیش از این، پراکنده و دور از هم بود، انس و الفت می‌یابد و همگان به برادری قرآنی باز می‌گردند^۲ و با یکدیگر همدل و مهربان می‌شوند.

امام صادق علیه السلام در وصف روزگار سبز مهدوی فرمود:

[در آن ایام] خداوند وحدت و اُلفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار کند.^۳

اگر دست خدا در کار است، دیگر عجیب نیست که این همدلی و صمیمیت به جایی رسد که تصور آن در دنیای کنونی که بحران تضادها و کشمکش‌های مادی به اوج خود رسیده است، دشوار باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی بیان می‌شود. هر نیازمندی دست می‌برد و از جیب برادر ایمانی اش به مقدار نیاز برمی‌دارد و برادرش او را منع نمی‌کند.^۴

۱. در دو بخش قبلی به تفصیل درباره عدالت دوران امام مهدی علیه السلام و کمال عقلی مردم در آن روزگار، سخن گفته شد.

۲. اشاره به آیه «انما المؤمنون اخوة...» همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند... (سوره حجرات، آیه ۱۰).

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۵۵، ح ۷، ص ۵۴۸.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۱۶۴، ص ۳۷۲.

۴. سلامت جسمی و روانی

یکی از مشکلات بشر امروز، بروز بیماری‌های سخت و غیر قابل علاج است که محصول عوامل گوناگون از جمله آلودگی محیط زیست به سبب به کارگیری وسایل و سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی است. همچنین روابط نامشروع انسان‌ها با یک‌دیگر و نیز از بین بردن جنگل‌ها و آب‌های دریا از دیگر عوامل ظهور بیماری‌هایی مانند جذام، طاعون، فلج، سکت و ده‌ها بیماری دیگر است که بهداشت و درمان پیشرفته امروزی نیز قادر به معالجه آن‌ها نیست. بر بیماری‌های جسمی باید فهرست بلندی از امراض روحی و روانی را نیز افزود که زندگی را برای مردم جهان، تلخ و غیر قابل تحمل کرده است که این نیز به سبب روابط غلط حاکم بر جهان و انسان‌هاست.

در دولت کریمه مهدوی که روزگار عدالت گستری و حکومت فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست و روابط بر اساس برادری و برابری شکل می‌گیرد، بیماری‌های جسمی و روانی انسان از بین می‌رود و قوای بدنی و روحی انسان به طور شگفت‌انگیزی قوی و نیرومند می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌سازد و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند.^۱

در دولت آن سرور که دانش به گونه‌ای شگفت پیشرفت می‌کند، هیچ بیماری ناعلاجی نمی‌ماند و بهداشت و طب، رشد چشم‌گیری خواهد داشت. نیز به برکت وجود حضرت، بسیاری از بیماران شفا خواهند یافت.

امام باقر علیه السلام فرمود:

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر به بیماری دچار باشد، شفا می‌یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد، توانا و نیرومند می‌شود.^۲

۱. همان، ح ۱۳۸، ص ۳۶۴.

۲. همان، ح ۶۸، ص ۳۳۵.

۵. خیر و برکت فراوان

از دستاوردهای بزرگ حکومت قائم آل محمد علیهم السلام خیر و برکت فراوان و بی سابقه است. در بهار دولت او همه جا سبز و خرم شده، نشاط و حیات می یابد. آسمان می بارد و زمین می رویاند و برکات الهی سرشار و بی شمار می شوند.
امام صادق علیه السلام فرمود:

... خداوند به سبب او [امام مهدی علیه السلام] برکات آسمان ها و زمین را جاری می کند. [در ایام دولت او] آسمان می بارد و زمین، دانه می دهد.^۱

در سایه حکومت آن حضرت، کویری نمی ماند و همه زمین ها جامه حیات و شادابی به تن می کند. این تحول چشمگیر و فراوانی بی نظیر به آن دلیل است که روزگار مهدی، زمان جوانه زدن نهال پاکی و تقوا و شکوفایی گل های ایمان است و مردم در همه اصناف و اقشار تحت تربیت الهی قرار گرفته، روابط خود را بر اساس ارزش های خدایی انجام می دهند. خداوند نیز وعده فرموده است که چنین محیط پاکی را از برکات و خیرات، سیراب کند.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾

اگر مردم شهرها ایمان آورده، تقوا پیشه می کردند [درهای] برکات آسمان و زمین را به رویشان باز می کردیم.^۲

۶. ریشه کن شدن فقر

وقتی همه منابع زمینی برای امام مهدی علیه السلام آشکار شود و برکات آسمان و زمین بر مردم زمان او بی دریغ جریان یابد و به عدالت تقسیم گردد، جایی برای فقر و تهیدستی نمی ماند و بشریت در دولت امام مهدی علیه السلام برای همیشه از چنگال فقر و نداری رها می شود.^۳
در روزگار او روابط اقتصادی بر اساس برادری و برابری شکل می گیرد و اصل سودجویی و منفعت طلبی شخصی، جای خود را به حسّ دلسوزی و غمخواری و مواسات با برادران دینی می دهد. در این حال، همه به یک دیگر به عنوان اعضای یک خانواده

۱. الغیبه طوسی، ج ۱، ۴۹، ص ۱۸۸.

۲. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۳. ر.ک: منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۳، ۴، ص ۵۸۹ - ۵۹۳.

می نگرند و بوی یگانگی و یکرنگی در همه جا به مشام می رسد.
امام باقر علیه السلام فرمود:

... [امام مهدی علیه السلام] هر سال دو بار به مردم می بخشد و در هر ماه دوبار به آن ها روزی [و نیاز زندگی] عطا می کند و [در این کار] به مساوات بین مردم عمل می نماید، تا اینکه [چنان مردم بی نیاز می شوند که] هیچ کس نیازمند به زکات پیدا نمی شود...^۱

از روایات استفاده می شود که عدم نیازمندی مردم به سبب روحیه قناعت و بی نیازی روحی است. به بیان دیگر پیش از آنکه مردم از بیرون، صاحب مال فراوان شوند و بی نیاز گردند، روح بی نیازی، از درون در آن ها پیدا می شود و به آنچه خداوند از فضل خویش به آن ها عطا کرده، راضی و خشنود می شوند و چشمی به اموال دیگران نمی دوزند.
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در توصیف روزگار دولت مهدوی علیه السلام فرموده است:
... خداوند [روح] بی نیازی را در دل های بندگان قرار می دهد.^۲

این، در حالی است که پیش از ظهور روحیه آزمندی و زیاده طلبی عامل مؤثری در رقابت های غلط و انباشتن اموال بر روی هم و انفاق نکردن آن ها بوده است.
خلاصه اینکه در زمان امام مهدی علیه السلام بی نیازی از بیرون و درون خواهد بود. از سویی ثروت سرشار به عدالت تقسیم می شود و از سوی دیگر قناعت، ویژگی اخلاقی مردمان می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از اینکه درباره بخشش امام مهدی علیه السلام به مردم احادیثی فرموده است، می افزاید:

خداوند، دل های امت محمد را از بی نیازی پُر می کند و عدالت مهدوی همه آن ها را در بر می گیرد؛ به گونه ای که او [حضرت مهدی] امر می کند تا ندا دهنده ای اعلام کند، چه کسی نیازمند مال است؟ پس کسی از میان مردم بر نخیزد، مگر یک نفر.

پس امام [به او] می فرماید: «نزد خزانه دار برو و به او بگو: مهدی علیه السلام به تو

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۲۱۲، ص ۳۹۰.

۲. همان، ج ۵۱، ح ۳۷، ص ۸۴.

فرمان می‌دهد که به من مالی بدهی». پس خزانه دار به او می‌گوید: «جامه ات را بیاور»، تا اینکه وسط جامه اش را پُر می‌کند و چون آن را بر دوش می‌کشد، پشیمان می‌شود و می‌گوید: «چرا در میان امت محمد من از همه حریص‌تر باشم؟»... پس مال را بر می‌گرداند؛ ولی از او قبول نمی‌شود و به او گفته می‌شود: «ما آنچه عطا کردیم باز پس نمی‌گیریم».^۱

۷. حاکمیت اسلام و نابودی کفر

قرآن کریم در سه مورد وعده داده است که خداوند متعال، دین مقدس اسلام را جهان گیر خواهد کرد:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...﴾^۲

او خدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن دین را بر همه ادیان پیروز کند...

شکی نیست که وعده خداوند انجام شدنی و تخلف ناپذیر است؛ چنانکه قرآن فرموده است:

﴿...إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾^۳

ولی روشن است که با وجود همه مجاهدت‌ها و تلاش‌های بی‌دریغ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای خدا علیهم السلام تا کنون چنین رویداد مبارکی به وقوع نپیوسته است^۴ و همه مسلمانان امید دارند که این روزگار فرا رسد. البته این آرزویی حقیقی است که ریشه در بیانات پیشوایان معصوم دارد.

بنابراین در سایه حاکمیت آن حجت پروردگار بانگ «اشهدان لا اله الا الله» که پرچم توحید است و نوای «اشهد ان محمداً رسول الله» که علم اسلام است، همه جا را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک و کفر باقی نخواهد ماند.

۱. همان، ج ۳۸، ص ۹۲.

۲. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸؛ سوره صف، آیه ۹.

۳. سوره آل عمران، آیه ۹.

۴. این سخن، نه یک ادعا، بلکه یک واقعیت تاریخی است که مفسران بزرگ از شیعه و سنی از آن سخن گفته‌اند؛ مثل فخر رازی در *التفسیر الکبیر*، ج ۱۶، ص ۴۰؛ قرطبی در *تفسیر قرطبی*، ج ۸، ص ۱۲۱؛ طبرسی در *مجمع البیان*، ج ۵، ص ۳۵.

امام باقر علیه السلام در توضیح آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...»^۱ فرمود:

تأویل^۲ این آیه هنوز نیامده است. هرگاه قائم ما قیام کند آن کس که زمان او را در یابد، تأویل این آیه را خواهد دید. هر آینه [در آن زمان] دین محمد صلی الله علیه و آله به هر کجا که شب می رسد، خواهد رسید [و عالم گیر خواهد شد] به گونه ای که بر سطح زمین، اثری از شرک نخواهد ماند، همان گونه که خداوند فرموده [و وعده داده] است.^۳

البته این جهان شمولی اسلام، به سبب حقانیت و واقعیت «اسلام» است که در روزگار مهدی علیه السلام هر چه بیشتر و بهتر آشکار خواهد شد و همگان را به خود جلب خواهد کرد، مگر آنانکه از روی عناد و سرکشی، سر به طغیان بردارند که با شمشیر عدل مهدوی که دست انتقام پروردگار است، رو به رو خواهند شد.

آخرین نکته در این بخش، آن است که این وحدت عقیدتی که در پرتو حکومت امام مهدی علیه السلام به دست می آید، زمینه بسیار مناسبی برای تشکیل جامعه واحد جهانی است. جهان به دنبال همین اتحاد و یگانگی در اعتقاد، به یک قانون و نظام توحیدی تن می دهد و آن را می پذیرد. سپس در سایه آن، روابط فردی و اجتماعی خود را بر اساس معیارهایی که از یک عقیده و مرام گرفته شده است، تنظیم می کند. طبق این بیان، وحدت عقیدتی و جمع شدن همه مردم در زیر یک پرچم و دین واحد، یک ضرورت و نیاز جدی است که در حکومت امام مهدی علیه السلام حاصل خواهد شد.

۸. امنیّت عمومی

در حاکمیت امام مهدی علیه السلام که دوران فراگیری همه خوبی ها در همه عرصه های زندگی است، امنیّت که از بزرگ ترین نعمت های الهی و از عالی ترین آرزوهای انسان است، به دست می آید.

۱. «و با آنان [مشرکان] بجنگید، تا اینکه [در زمین] فتنه و فسادى نماند و آیین همه، دین خدا شود.» (سوره انفال، آیه ۳۹).

۲. برای تأویل، معانی مختلفی گفته اند که یکی از آنها معانی موجود در آیات است.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۴۱، ص ۵۵.

وقتی مردم از عقیده و مرامی واحد پیروی کنند و در روابط اجتماعی خود به اصول بلند اخلاقی پای بند باشند و عدالت در تمام مویرگ‌های حیات فردی و جمعی بشر جاری شود، بهانه‌ای برای ناامنی و ترس در هیچ بخشی از زندگی باقی نمی‌ماند. در جامعه‌ای که هر کسی به حقوق الهی و انسانی خود می‌رسد و با تجاوز و حق‌کشی - گرچه در طبقه حاکمان و در کمترین مقدار آن باشد - برخورد قانونی می‌شود، امنیت عمومی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

به دست ما [و در حکومت ما] روزگار سختی‌ها سپری می‌شود... چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. [در آن روزگار، چنان محیط امنی ایجاد شود] که زن، با همه زیب و زیور خود، از عراق تا شام برود... و چیزی او را نترساند.^۱

البته برای ما که در روزگار بی‌عدالتی‌ها و آزمندی‌ها و کینه‌توزی‌ها بسر می‌بریم، تصور چنان دوران سبزی، بسیار دشوار است؛ ولی چنانکه گفته شد، اگر به عوامل آن همه بدی و زشتی بنگریم و ببیندیشیم که این عوامل در حاکمیت حکومت حق، ریشه کن خواهد شد، خواهیم دانست که وعده الهی در تحقق جامعه امن و آرام، حتمی است.

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند... وعده داده است که به یقین در روی زمین، ایشان را خلیفه [و حاکم] کند... و پس از اینکه در ترس و نگرانی قرار داشتند، امنیت و آرامش را به ایشان عطا فرماید...^۲

امام صادق علیه السلام در معنای این آیه فرمود:

این آیه، درباره قائم و یارانش نازل شده است.^۳

۹. گسترش دانش

در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام، اسرار علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی

۱. خصال، باب اربعمائه، ح ۱۰، ص ۶۸۵.

۲. سوره نور، آیه ۵۵. توضیح و تفسیر آیه در درس «امام مهدی در قرآن» در همین کتاب بیان شد.

۳. الغیبه نعمانی، ح ۳۵، ص ۲۴۰.

آشکار می‌شود و دانش بشری به گونه‌ای غیر قابل تصوّر توسعه می‌یابد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تا کنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده و در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آن‌ها ضمیمه ساخته و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر می‌کند.^۱

بدیهی است که در این شرایط، رشد و توسعه علمی در همه زمینه‌ها برای انسان روی می‌دهد. در روایات متعدد، اشاراتی آمده است که نشان می‌دهد فاصله دانش صنعتی در آن زمان، با صنعت کنونی، بسیار زیاد خواهد بود؛^۲ همان‌گونه که صنعت کنونی با قرن‌های پیشین تفاوت چشمگیری دارد.

در اینجا به بعضی از روایات اشاره می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام درباره چگونگی ارتباطات در حکومت امام مهدی فرمود:

در روزگار قائم علیه السلام مؤمن در مشرق زمین، برادرش را که در مغرب زمین است می‌بیند...^۳

نیز فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می‌دهد؛ به گونه‌ای که آن حضرت از فاصله یک برید [چهار فرسنگ] با شیعیان خود سخن می‌گوید و آنان سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند؛ در حالی که او در جایگاه خود قرار دارد.^۴

درباره میزان آگاهی حضرت مهدی علیه السلام از احوال مردم به عنوان رئیس حکومت و

مرکز تصمیم‌گیری و فرماندهی، در روایت آمده است:

اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید، بیم آن دارد که مبدا دیوارهای

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۷۳، ص ۳۳۶.

۲. البته ممکن است که روایات مذکور، به اعجاز هم اشاره داشته باشد.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۲۱۳، ص ۳۹۱.

۴. همان، ح ۷۲، ص ۳۳۶.

خانه اش گزارش دهند.^۱

با توجه به وسایل پیشرفته ارتباطی، درک این روایات آسان تر است؛ ولی معلوم نیست که آیا همین وسائل به صورت پیشرفته تر به کار گرفته می شود یا سیستم دیگری که پیچیدگی بیشتری دارد، جایگزین وسائل امروزی خواهد شد.

۱. همان، ح ۲۱۲، ص ۳۹۰.

خلاصه درس

- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به سبب داشتن اهداف اصیل، برنامه های جامع و کارگزاران لایق، به بهترین نتیجه می رسد.
- دستاوردهای حکومتی حضرت عبارتند از: عدالت فراگیر، رشد اخلاق و ایمان، اتحاد و همدلی، سلامتی جسمی و روحی جامعه، فزونی برکات، امنیت عمومی، رشد علم و حاکمیت جهانی اسلام.
- اساسی ترین دستاورد حکومت مهدوی، عبودیت کامل الهی و ریشه کنی شرک است.
- بر اثر برکات فراوان الهی و در پی فراگیری حس بی نیازی در مردم، فقر برای همیشه ریشه کن می شود.

پرسش‌های درس

۱. دستاوردهای حکومت مهدوی را بیان کنید.
۲. چه عواملی سبب شده است که بشر به آرزوها و اهداف اصولی نایل نشود؟
۳. آیا مراد از اتحاد در عصر ظهور، رفع مرزهای جغرافیایی جهان است؟

پرسش‌های پژوهشی

۱. وضعیت جهان پس از ظهور را تبیین کنید.
۲. چه عواملی در رسیدن به اهداف حکومت مهدوی نقش اساسی دارند؟
۳. برقراری امنیت و عدالت فراگیر، از اهداف و دستاوردهای قیام است یا حکومت؟ تبیین کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. فصل‌نامه/انتظار موعود، شماره ۸ و ۹ و ۱۳.
۲. سیمای آفتاب، حبیب‌الله طاهری.
۳. عصر زندگی، محمد حکیمی.
۴. تاریخ ما بعدالظهور، سیدمحمد صدر.
۵. چشم‌اندازی به حکومت حضرت مهدی علیه السلام نجم‌الدین طبسی.
۶. منتخب‌الاثار، لطف‌الله صافی گلپایگانی.

درس پانزدهم

حکومت جهانی (۳): ویژگی های حکومت و سیره حضرت مهدی عج

اهداف

۱. شناخت گستره حکومت
۲. شناخت مدت حکومت
۳. آشنایی با سیره شخصی و حکومتی امام مهدی عج

فوائد

۱. آشنایی با چشم انداز درخشان عصر ظهور
۲. درک جذابیت برنامه های دوران ظهور
۳. عشق و شوق به فرا رسیدن زمان ظهور

مطالب آموزشی

- ویژگی های حکومت مهدوی
۱. قلمرو حکومت و مرکز آن
 ۲. مدت حکومت
 ۳. سیره حکومتی امام مهدی عج
۱. سیره جهادی و مبارزاتی
 ۲. سیره قضایی
 ۳. سیره مدیریتی
 ۴. سیره اقتصادی
 ۵. سیره شخصی
- مقبولیت عمومی

در بخش‌های قبل درباره اهداف، برنامه‌ها و دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام سخن گفته شد. در پایان به برخی از ویژگی‌های حکومت مانند قلمرو حکومت و مرکز آن، مدت حکومت و روش کارگزاران و معرفی آن‌ها و نیز سیره رهبر بزرگ حکومت، می‌پردازیم.

قلمرو حکومت و مرکز آن

تردیدی نیست که حکومت حضرت مهدی علیه السلام حکومتی جهانی است؛ زیرا او موعود همه بشریت و تحقق بخش آرزوی همه انسان‌هاست؛ بنابراین آنچه از زیبایی‌ها و خوبی‌ها در سایه حکومت او به وجود آید، سراسر زمین را فرا خواهد گرفت. این حقیقتی است که روایات فراوان، شاهد آن است که به گروه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف. روایات بسیاری که مضمون آن چنین است: مهدی علیه السلام زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.^۱ کلمه «زمین» (الأرض) سرتاسر کره خاکی را در بر می‌گیرد و هیچ دلیلی وجود ندارد که معنای آن را به بخشی از زمین محدود کنیم.

ب. روایاتی که از تسلط امام مهدی علیه السلام بر مناطق مختلف جهان خبر داده است که گستردگی و پراکندگی و اهمیت آن مناطق، حکایت از سلطه آن حضرت بر تمام جهان

۱. کمال الدین و تمام النعمة، باب ۲۵، ح ۱، ۴، ۵ و....

دارد و معلوم می شود که نام بردن از شهرها و کشورها در روایات، از باب نمونه و مثال بوده و میزان درک مخاطبان روایات در آن زمان نیز ملاحظه شده است.

در روایات مختلف از روم، چین، دیلم یا کوه های دیلم، ترک، سند، هند، قسطنطنیه، کابل شاه و خزر به عنوان مناطقی که امام مهدی بر آنها مسلط خواهد شد و آنها را فتح خواهد کرد، نام برده شده است.^۱

گفتنی است که در زمان امامان علیهم السلام مناطق یادشده بر بخش های بسیار گسترده تری نسبت به زمان ما، گفته می شده است؛ برای مثال «روم» شامل همه اروپا و حتی قاره آمریکا می شده و مراد از چین، همه شرق آسیا بوده که شامل ژاپن نیز می شود؛ همان گونه که «هند»، پاکستان امروز را هم شامل بوده است. شهر قسطنطنیه همان استانبول است که در جهان آن روز به عنوان مقاوم ترین شهرها و مناطق از آن، یاد می شده و در واقع فتح آن، یک پیروزی و موفقیت بزرگ شمرده می شده است؛ زیرا یکی از راه های اصلی ورود به قاره اروپا بوده است. خلاصه اینکه تسلط امام مهدی علیه السلام بر مناطق حساس و مهم جهان، حکایت از گستردگی جهانی فرمانروایی آن حضرت دارد. ج. گذشته از روایات دسته اول و دسته دوم، روایات متعددی در دست است که به روشنی از جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام خبر می دهد.

در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که خداوند متعال فرموده است:

... من دین خود را به دست آنها [پیشوایان دوازده گانه] بر همه آیین ها پیروز می کنم و به دست ایشان، فرمان خود را [بر همه] چیره خواهم ساخت و به [قیام] آخرین آنها سراسر زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد و او را بر مشرق و مغرب زمین فرمانروا خواهم گردانم...^۲

امام باقر علیه السلام فرمود:

أَلْقَائِمُ مِنَّا... يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...^۳

قائم علیه السلام از ما [خاندان پیامبر] است... [او کسی است که] فرمانروایی او

۱. الغیبه نعمانی، باب ۱۳، ح ۲۲، ص ۳۳۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.

۳. همان، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

مشرق و مغرب [عالم] را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان غلبه می‌دهد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.

اما مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، شهر تاریخی کوفه است که در آن زمان، وسعت زیادی خواهد یافت؛ به گونه‌ای که شهر نجف را که در چند کیلومتری کوفه است، شامل می‌شود. به همین دلیل است که در بعضی روایات، کوفه و در بعضی دیگر نجف به عنوان مرکز حکومت نام برده شده است.

امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی طولانی فرمود:

مرکز حکومت او [حضرت مهدی علیه السلام] شهر کوفه خواهد بود و محل قضاوت او مسجد کوفه.^۱

گفتنی است شهر کوفه از دیرزمان، مورد توجه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و محل زمامداری حضرت علی علیه السلام بوده است و مسجد مشهور آن، یکی از چهار مسجد معروف جهان اسلام است که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن نماز و خطبه می‌خوانده و نیز در آن به امر قضاوت می‌پرداخته است و در نهایت در محراب همان مسجد، به شهادت رسیده است.

مدت حکومت

پس از اینکه عالم بشریت، یک دوره بسیار طولانی از حاکمیت ظلم و ستم را پشت سر گذاشت، جهان با ظهور آخرین حجّت پروردگار به سوی حاکمیت خوبی‌ها خواهد رفت و حکومت در دست حاکمان و نیکان قرار خواهد گرفت و این، وعده حتمی خداوند است.

حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی علیه السلام آغاز می‌شود، تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمان تکرار نخواهد شد. در سخنی که پیش از این از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد، آمده است که خداوند بزرگ، حاکمیت آخرین پیشوای معصوم را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت می‌دهد و در پایان می‌افزاید:

[پس از آنکه مهدی علیه السلام به حکومت رسید] دولت او را دوام خواهم بخشید و

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

پیوسته تا قیامت، روزگار [و حاکمیت زمین] را در دست اولیا و دوستان خود، دست به دست خواهیم کرد.^۱

بنابراین نظام عادلانه‌ای که امام مهدی علیه السلام برپا خواهد کرد، دولتی است که پس از آن، برای دیگران دولتی نخواهد بود و در حقیقت، تاریخ جدیدی از حیات بشر شروع خواهد شد که سراسر در زیر حاکمیت الهی بسر خواهد بُرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

دولت ما آخرین دولت هاست. هیچ خاندان صاحب دولتی نمی‌ماند، مگر اینکه پیش از ما، حاکم می‌شوند، تا وقتی [حکومت اهل بیت بر پا شد و] شیوه حکمرانی ما را دیدند، نگویند: اگر ما هم حاکم می‌شدیم، همین‌گونه عمل می‌کردیم.^۲

بنابراین مدت استمرار نظام الهی پس از ظهور، جدا از مدت حکومت شخص امام مهدی علیه السلام است که مطابق روایات، آن حضرت باقی‌مانده عمر خود را حاکم بوده و سرانجام چشم از جهان فرو خواهد بست.

تردید نیست که مدت حکومت امام مهدی علیه السلام باید به قدری باشد که امکان تحول جهانی و استقرار عدالت در همه مناطق عالم وجود داشته باشد؛ ولی اینکه این هدف در چند سال قابل دسترسی است، قابل تخمین و گمانه زنی نیست و باید به روایات امامان معصوم علیهم السلام رجوع کرد. البته با توجه به قابلیت‌های آن رهبر الهی و توفیق و مدد غیبی برای آن حضرت و اصحاب و یاران شایسته‌ای که در اختیار اوست و آمادگی جهانی برای پذیرفتن حاکمیت ارزش‌ها و زیبایی‌ها در زمان ظهور، ممکن است رسالت مهدی موعود علیه السلام در زمانی نسبتاً کوتاه انجام شود و جریانی که بشریت در طول قرون متمادی از ایجاد آن ناتوان بوده است، در کمتر از ده سال اتفاق افتد.

روایاتی که مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را بیان می‌کنند، بسیار گوناگونند. بعضی از آن‌ها مدت حکومت آن حضرت را پنج سال و تعدادی از آن‌ها هفت سال و برخی دیگر هشت، نه و ده سال بیان کرده است. چند روایت هم مدت حکومت را نوزده

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.

۲. الغیبه طوسی، فصل ۸، ح ۴۹۳، ص ۴۷۲.

سال و چند ماه و بالاخره چهل و ۳۰۹ سال بر شمرده است.^۱

گذشته از اینکه علت این همه اختلاف در روایات، روشن نیست، پیدا کردن مدت واقعی حکومت از میان این روایات کاری دشوار است؛ اما بعضی از علمای شیعه با توجه به فراوانی و شهرت روایات هفت سال، این نظر را انتخاب کرده‌اند.^۲

بعضی دیگر نیز گفته‌اند مدت حکومت امام مهدی علیه السلام هفت سال است؛ ولی هر سال از سال‌های حکومت حضرت به اندازه ده سال از سال‌های ماست که این مطلب نیز در بعضی روایات آمده است:

راوی از امام صادق علیه السلام درباره مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام سؤال می‌کند و امام می‌فرماید:

[حضرت مهدی علیه السلام] هفت سال حکومت می‌کند که برابر هفتاد سال از سال‌های روزگار شमाست.^۳

مرحوم مجلسی رحمه الله می‌فرماید:

روایاتی را که درباره مدت حکومت امام علیه السلام رسیده است باید به احتمال‌های زیر توجه کرد: برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت. بعضی مطابق سال‌ها و روزهایی است که ما با آن‌ها آشنایم و بعضی مطابق سال‌ها و ماه‌های روزگار حضرت است که طولانی می‌باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.^۴

سیره حکومتی امام

هر حاکمی در حکومت و بخش‌های مختلف مدیریت خود شیوه‌ای مخصوص دارد که این خود از مشخصه‌های حکومت اوست. امام موعود و مهدی منتظر علیه السلام نیز وقتی حکومت جهان را به دست گیرد، در تدبیر نظام جهانی خود روش خاصی دارد. در ضمن

۱. برای آگاهی از روایات، ر.ک: چشم‌اندازی به حکومت حضرت مهدی علیه السلام، ص ۱۷۳-۱۷۵ رجوع شود.

۲. ر.ک: «المهدی»، سیدصدرالدین صدر، ص ۲۳۹؛ تاریخ مابعدالظهور، سیدمحمد صدر.

۳. الغیبه طوسی، فصل ۸، ح ۴۹۷، ص ۴۷۴.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

مباحث گذشته به گوشه‌هایی از شیوه عملکرد آن حضرت اشاره شد؛ ولی به سبب اهمیت موضوع، مناسب است در این مجال به گونه مستقل به آن پردازیم و در زلال سخنان پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام شیوه حکومتی امام مهدی علیه السلام را بهتر و بیشتر بشناسیم. آنچه در ابتدا باید بر آن تأکید شود، این است که روایات، یک تصویر کلی از سیره آن بزرگوار به دست داده است و آن، عبارت است از اینکه سیره امام مهدی همان سیره و روش پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و آن گونه که پیامبر در زمان خود با جاهلیت بشری در همه ابعاد آن مبارزه کرد و اسلام ناب که ضامن سعادت دنیا و آخرت است را بر محیط خود حاکم کرد، حضرت مهدی علیه السلام نیز با ظهور خود با جاهلیت جدید که دردناک‌تر از جاهلیت قدیم است برخورد خواهد کرد و ارزش‌های اسلامی و الهی را بر ویرانه‌های جاهلیت مدرن، بنا خواهد کرد.

از امام صادق علیه السلام درباره سیره حضرت مهدی علیه السلام سؤال شد؛ فرمود:

يُصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيُسْتَأْنَفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛^۱

امام مهدی علیه السلام مانند پیامبر اسلام عمل خواهد کرد. همان گونه که پیامبر آنچه از روش جاهلیت [مرسوم] بود را از میان برد، همین گونه روش‌های جاهلی پیش از ظهور خود را نابود خواهد ساخت و اسلام را از نو پی ریزی خواهد کرد.

این سیاست کلی امام موعود علیه السلام در زمان حاکمیت اوست. البته شرایط زمانی متفاوت، موجب تغییراتی در شیوه اجرا و حکومت داری می‌شود که در روایات، مطرح شده و ما در بخش‌های جداگانه به آن‌ها می‌پردازیم.

سیره جهادی و مبارزاتی

امام مهدی علیه السلام با انقلاب جهانی خود بساط کفر و شرک را از گستره زمین بر می‌چیند و همگان را به دین مقدس اسلام دعوت می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده است:

شیوه او [امام مهدی علیه السلام] شیوه من است و مردم را بر آیین و شریعت من قرار

۱. الغیبه نعمانی، باب ۱۳، ح ۱۳، ص ۲۳۶.

می‌دهد.^۱

البته آن حضرت در شرایطی ظهور می‌کند که حق به گونه‌ای آشکار، معرفی گردیده و از هر جهت بر مردم جهان، حجت تمام شده است.

با این حال طبق برخی از روایات، حضرت مهدی علیه السلام تورات و انجیل واقعی و تحریف نشده را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد و به وسیله آنها با یهودیان و مسیحیان جهان احتجاج می‌کند که بسیاری از ایشان مسلمان می‌شوند.^۲

در این میان آنچه که گرایش ملت‌های گوناگون را به اسلام بیشتر می‌کند، آن است که همگان آشکارا می‌بینند که مهدی علیه السلام با امدادهای غیبی یاری می‌گردد و نشانه‌های پیامبران همچون عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و زره و شمشیر و پرچم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را همراه دارد^۳ و برای تحقق اهداف پیامبران خدا و برقراری عدالت جهانی قیام کرده است. روشن است که در چنین بستری که حق و حقیقت، آشکارا بر جهانیان عرضه شده است، تنها کسانی در جبهه باطل باقی می‌مانند که به کلی هویت انسانی و الهی خود را از دست داده باشند. اینان همان‌ها هستند که جز فساد و تباهی و ظلم، از آنها سر نمی‌زند و لازم است ساحت دولت مهدوی از لوث وجود آنان پاک شود. اینجاست که شمشیر برنده عدالت مهدوی از نیام برآمده و با قدرت و صولت، بر پیکر ستمکاران لجوج فروود می‌آید و کسی از آنها را باقی نمی‌گذارد. این شیوه و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بوده است.^۴

سیره قضایی امام

از آنجا که موعود منتظر برای استقرار عدالت در تمام زمین ذخیره شده است، برای انجام رسالت خود به یک سیستم قضایی مستحکم نیاز دارد؛ بنابراین آن حضرت در این بخش به شیوه جدّ بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام عمل می‌کند و با جدّیت و قدرت به دنبال به دست آوردن حقوق پایمال شده مردمان است و حق را در هر کجا باشد، گرفته، به صاحب آن بر می‌گرداند. آن حضرت چنان به عدالت رفتار می‌کند که مطابق روایات، زندگان آرزو می‌کنند که

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ح ۶، ص ۱۲۲.

۲. ر.ک: الفتن، ص ۲۴۹-۲۵۱.

۳. ر.ک به اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۳۹ - ۴۹۴.

۴. همان، ص ۴۵۰.

مردگان برگردند و از برکت عدل او بهره مند شوند.^۱

گفتنی است که بخشی از روایات، بیان گر آن است که امام مهدی علیه السلام در مقام قضاوت مانند حضرت سلیمان و حضرت داوود علیهم السلام عمل می کند و مانند آنها با علم الهی ای که دارد، حکم می کند، نه با استناد به شاهد و گواه.

امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مانند داوود و سلیمان علیهم السلام داوری می کند؛ [یعنی] شاهد و گواه، طلب نمی کند.^۲

شاید راز این گونه داوری، آن است که به سبب اعتماد بر علم الهی، عدالت واقعی بر پا می شود؛ در حالی که وقتی بر گواهان و سخن آنها تکیه می شود، عدالت ظاهری حاکم می شود؛ زیرا به هر حال شاهدان از میان انسان ها هستند و احتمال اشتباه هست.

البته درک چگونگی قضاوت امام مهدی علیه السلام به شیوه گفته شده، کار دشواری است؛ ولی می توان فهمید که این شیوه با اوضاع روزگار آن حضرت، سازگار است.

سیره مدیریتی امام علیه السلام

یکی از ارکان مهم حکومت، کارگزاران آن هستند. وقتی مسئولان حکومتی افرادی شایسته باشند، کار دولت و ملت به سامان خواهد رسید و دست یابی به اهداف حکومت، آسان تر خواهد بود.

حضرت مهدی علیه السلام به عنوان رئیس حکومت جهانی، برای مناطق گوناگون عالم، حاکمانی را از میان بهترین یاوران خود بر می گزیند. آنها تمام ویژگی های یک حاکم اسلامی از قبیل دانش مدیریت، تعهد و پاکی در نیت و عمل و شجاعت در تصمیم گیری را دارا هستند. با این حال، شخص امام علیه السلام به عنوان فرمانروای بزرگ و مرکز مدیریت عالم، پیوسته عملکرد حاکمان را زیر نظر دارد و با شدت و دقت و بدون چشم پوشی، کار آنها را حساب رسی می کند. این ویژگی مهم که پیش از حکومت امام مهدی علیه السلام نادیده گرفته شده، در روایات به عنوان یکی از علامت های حضرت مهدی علیه السلام بیان گردیده

۱. الفتن، ص ۹۹.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷.

است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

عَلَامَةُ الْمُهْدَى أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَالِ جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ؛

علامت مهدی علیه السلام آن است که با کارگزاران خود شدید [و دقیق] است. دست بخشنده‌ای دارد و با مسکینان مهربان است.

سیره اقتصادی امام

روش امام مهدی علیه السلام در امور مالی حکومت بر مبنای مساوات قرار دارد. این، همان روش پسندیده‌ای است که در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وجود داشته است که پس از او، این شیوه تغییر یافت و معیارهای دروغینی برای پرداخت‌های بی حساب به افراد، جای آن را گرفت و سبب پیدایش فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی آن روز شد. اگرچه امیرالمؤمنین و امام حسن علیه السلام در مدت خلافت خود به نظام برابری در پرداخت اموال مسلمین پای بند بودند، پس از ایشان بنی امیه اموال مسلمانان را مانند ملک شخصی خود و بر طبق مصالح فردی، به کار می‌بردند و از این راه، پایه‌های حکومت نامشروع خود را محکم می‌کردند. آن‌ها زمین‌های کشاورزی یا غیر آن از ثروت‌ها و اموال عمومی را به نزدیکان خود می‌بخشیدند و این کار که به ویژه در زمان خلیفه سوم و دوران بنی امیه رایج شده بود، حالتی رسمی پیدا کرد.

امام مهدی علیه السلام که مظهر عدالت و دادگری است، بیت المال مردم را به عنوان ثروتی عمومی که همگان در آن شریک هستند قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که هیچ گونه تبعیض و امتیاز خواهی در آن راه نداشته باشد و بخشش ثروت‌ها و زمین‌ها به کلی ممنوع باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

... إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اَضْمَحَلَّتْ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ؛

زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع [زمین‌هایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود درآورده یا واگذار کرده اند] از بین می‌رود؛ به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.

۱. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ح ۹۴، ص ۳۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ح ۵۹، ص ۵۹.

دیگر از شاخصه های سیره مالی امام، آن است که در راستای رفع نیازهای مادی و ایجاد رفاهی معقول برای زندگی تمام افراد، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اموال فراوانی به مردم می بخشد و در حکومت او هر نیازمندی که از او طلب می کند، اموال زیادی دریافت می کند.

پیامبر ص فرمود:

... فَهُوَ يَخْتُوُ الْمَالَ حَتَّى أَ؛

او [مهدی عجل الله تعالی فرجه] اموال را به فراوانی می بخشد.

این شیوه، برای ایجاد زمینه های اصلاح فردی و اجتماعی است که هدف بزرگ امام خوبان است. آن حضرت با رفع نیاز مردم از جهت مادی، در پی ایجاد زمینه مناسب برای پرداختن افراد به طاعت و عبادت پروردگار است که در بخش اهداف حکومت به تفصیل درباره آن سخن گفتیم.

سیره شخصی امام

سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در رفتار شخصی و نیز در ارتباط با مردم، نمایان گر یک حاکم اسلامی نمونه است که حکومت در نگاه او وسیله ای است برای خدمت به مردم و رسانیدن آن ها به قله های کمال، نه جایگاهی برای زراندوزی و ستم گری و استعمار. به راستی که آن امام صالحان در کرسی حکم فرمایی، یادآور حکومت پیامبر اکرم ص و امیرالمؤمنین ع است. با وجود آنکه همه اموال و ثروت ها در اختیار اوست، در زندگی شخصی خود در پایین ترین سطح به سر می برد و به کمترین ها قناعت می کند. امیرالمؤمنین ع در توصیف او فرموده است:

امام [مهدی عجل الله تعالی فرجه] با خود عهد می بندد که [اگرچه حاکم و رهبر جامعه بشری است؛ ولی] همانند رعیت خود راه رود و مانند آنان بپوشد و بر مرکبی همچون مرکب آن ها سوار شود... و به کم قناعت کند.^۲

امیرالمؤمنین ع خود چنین بود و در زندگی دنیا و خوراک و پوشش آن زهدی پیامبر گونه داشت. مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز در این میدان به آن حضرت اقتدا خواهد کرد.

۱. معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه، ج ۱، ح ۸۵، ص ۲۸۳.

۲. منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۱۱، ح ۴، ص ۵۸۱.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامَ وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ؛

وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی علیه السلام را در بر می‌کند و روش او را پیش می‌گیرد.

او که درباره خود سخت گیر و دقیق است، با امت چون پدری مهربان است و آسایش و راحتی آن‌ها را می‌خواهد؛ به گونه‌ای که در روایت امام رضا علیه السلام این گونه توصیف شده است:

الْأَمَامُ، الْإِنْسُ الرِّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ مَفْنَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ؛^۱

امام، آن همدم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی [که پشتیبان برادر] است و مادر دلسوز برای فرزند خردسال است و پناهگاه بندگان در واقعه هولناک.

آری، او چنان با امت صمیمی و نزدیک است که همه او را پناهگاه خود می‌دانند.

از پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که درباره مهدی علیه السلام فرموده است:

امّتش به او پناه می‌برند؛ آن گونه که زن‌بورها به ملکه خود پناهنده می‌شوند.^۲

او مصداق کامل رهبری است که از میان مردم برگزیده شده و در بین آن‌ها و مانند آن‌ها زندگی می‌کند؛ به همین دلیل دردهای آن‌ها را به خوبی می‌شناسد و درمان آن را می‌داند. تمام همّت خود را برای بهبودی حال آن‌ها به کار می‌گیرد و در این راه، تنها به رضایت الهی می‌اندیشد. در این صورت چرا امت در کنار او به آرامش و امنیت نرسد و به کدام دلیل دل به غیر او بسپارد؟

مقبولیت عمومی

یکی از دغدغه‌های حکومت‌ها، جلب رضایت عموم بوده است؛ ولی به دلیل ضعف های بسیاری که در اداره مجموعه‌ها وجود داشته، چنین رضایتی حاصل نشده است. از ویژگی‌های اساسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام همین است که مورد قبول همه افراد و

۱. کافی، ج ۶، باب اللباس، ح ۱۵، ص ۴۴۴.

۲. همان، ج ۱، کتاب الحجه، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح ۱، ص ۲۰۰.

۳. منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۷، ح ۲، ص ۵۹۸.

اجتماعات بشری است. نه تنها همه اهل زمین که ساکنان آسمان نیز از آن حکومت الهی و فرمانروای عدل گستر رضایت کامل دارند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

شما را بشارت می‌دهم به مهدی... اهل آسمان و زمین از او [و حکومت او] راضی هستند.^۱

چگونه ممکن است کسی از حاکمیت مهدی عج ناراضی باشد و حال آنکه برای همه جهانیان روشن می‌شود که صلاح امر بشر و سعادت او در همه جنبه‌های مادی و معنوی تنها در سایه حکومت الهی آن حضرت است؟!

بجاست در پایان این بخش، کلام جاودانه امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان حسن ختام بیاوریم:

... خداوند او [امام مهدی] را به وسیله فرشتگان خود تأیید می‌کند و یاران او را حفظ می‌کند و به وسیله نشانه‌های خود یاری‌اش می‌کند. او را بر اهل زمین پیروز می‌گرداند به گونه‌ای که [همه] با میل و رغبت یا به اکراه به او می‌گروند و زمین را از عدل و داد و از روشنایی و دلیل پر می‌کند. شهرها به او ایمان می‌آورند، تا اینکه کافری نمی‌ماند جز آنکه ایمان می‌آورد و زشت کاری نمی‌ماند، جز آنکه نیکو می‌شود. در حکومت او درندگان با هم آشتی می‌کنند و زمین برکت‌های خود را بیرون می‌ریزد و آسمان خیرات خود را فرو می‌بارد و گنج‌ها [ی زمین] برای او آشکار می‌شوند... پس خوشا حال آنکه روزگار او را ببیند و سخن او را بشنود!^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۳۷، ص ۸۱

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴

خلاصه درس

- قلمرو حکومت امام مهدی علیه السلام جهانی و مرکز حکومت ایشان، شهر کوفه خواهد بود.
- مدت حکومت حضرت در روایات، متفاوت نقل شده است.
- حکومت مهدوی تا تحقق کامل وعده های الهی، مانند حاکمیت کامل اسلام، برقراری امنیت، عدالت جهانی و ریشه کنی شرک ادامه دارد.
- بر اساس روایات سیره امام مهدی علیه السلام همان سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.
- امام مهدی در قضاوت به شاهد و قسم اکتفا نمی کند و در صورت نیاز برای عدالت گستری، از علم الهی خود نیز استفاده می کند.
- امام مهدی علیه السلام در زندگی شخصی خود در پایین ترین سطح به سر می برد و به کمترین ها قناعت می کند.
- حکومت حضرت مهدی علیه السلام مورد قبول همه افراد و اجتماعات بشری، حتی ساکنان آسمان خواهد بود.

پرسش های درس

۱. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام طبق روایات چند سال است؟
۲. سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام در حوزه قضا و مدیریت را شرح دهید.
۳. در روایات، عطایای سالانه و ماهانه امام مهدی علیه السلام به مردم چند بار ذکر شده است؟
۴. مقبولیت مردمی حکومت مهدوی را تشریح کنید.

پرسش های پژوهشی

۱. روایات مدت زمان حکومت حضرت مهدی علیه السلام را تحلیل و بررسی نمایید.
۲. وضعیت جهان پس از ظهور را تبیین کنید.
۳. اینکه سیره شخصی امام مهدی در عصر حکومت مانند جدش امام علی است را چگونه تحلیل می کنید؟

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. حکومت جهانی مهدی، مکارم شیرازی.
۲. سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری.
۳. عصر زندگی، محمد حکیمی.
۴. تاریخ مابعدالظهور، سید محمد صدر.
۵. چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی علیه السلام نجم الدین طبسی.
۶. منتخب الاثر، لطفاً... صافی گلپایگانی.

درس شانزدهم

رجعت

اهداف

- بررسی جایگاه رجعت در اعتقاد شیعه
- شناخت رجعت کنندگان

فوائد

- آشنایی با چیستی و چگونگی رجعت
- آشنایی با دلایل و فلسفه رجعت
- شناخت زمان رجعت و رجعت کنندگان

مطالب آموزشی

- معنا و پیشینه تاریخی رجعت (با توجه به شواهد قرآنی، روایی و تاریخی)
- دلایل اثبات رجعت (دلایل عقلی، قرآنی، حدیثی)
- فلسفه رجعت
- زمان وقوع رجعت
- رجعت کنندگان

یکی از حوادث مهم هنگام ظهور، موضوع رجعت و بازگشت نیکان و بدان به دنیا است که از عقاید شیعه است و در آثار اسلامی بحث‌های فراوانی درباره آن بیان شده است. در این بخش به اختصار به این موضوع می‌پردازیم و بحث‌های تکمیلی را به کتاب‌های مستقل در این موضوع وا می‌گذاریم.

مفهوم رجعت

«رجعت» در لغت به معنای بازگشت است و در فرهنگ دینی، عبارت است از بازگشت حجت‌های الهی و امامان معصوم و گروهی از مؤمنان خالص و کفار و منافقان به عالم دنیا؛ یعنی ایشان به امر خداوند بار دیگر زنده می‌شوند و به دنیا برمی‌گردند و این، دورنمایی از رستاخیز است که پیش از قیامت در همین عالم اتفاق می‌افتد.

فلسفه رجعت

امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی که درباره رجعت آمده، فرموده است: مؤمنان برمی‌گردند، تا عزیز شوند و چشمان آنان روشن گردد، و تبهکاران برمی‌گردند، تا خداوند، آن‌ها را خوار کند.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ح ۵۵، ص ۶۴.

درست است که جایگاه اصلی برای پاداش و کیفر انسان‌ها، عالم آخرت است؛ ولی خداوند اراده فرموده است که بخشی از اجر و کیفر آن‌ها را در همین دنیا عملی کند. هدف دیگر از رجعت، برخورداری مؤمنان از سعادت یاری حضرت ولی عصر علیه السلام بیان شده است. این مهم در ضمن دعاها و نیز بیانات بعضی از علما مطرح گردیده است. سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) از عالمان بزرگ شیعه می‌تویسد:

همانا خداوند هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام گروهی از شیعیان آن حضرت را که قبلاً از دنیا رفته اند، برمی گرداند، تا به ثواب یاری آن حضرت نائل شوند...

در زیارت امام عصر در سرداب مقدس^۲ سامراء آمده است:

مولای، فان ادرکني الموت قبل ظهورک فانی أتوسل بک و بآبائک الطاهرين إلی الله تعالی و أسئله أن یصلی علی محمد و آل محمد و أن یجعل لی کرّة فی ظهورک و رجعة فی آیامک لأبلغ من طاعتک مرادی و أشفی من اعدائک فوادی؛^۳
مولای من! اگر پیش از ظهور تو مرگ، مرا دریابد، به وسیله تو و پدران پاکت به خدای بزرگ متوسل می‌شوم و از او می‌خواهم که بر محمد و خاندان او درود فرستد و برای من بازگشتی در ظهور تو و روزگار [دولت] تو قرار دهد، تا به مقصود خود در زمینه اطاعت تو نائل شوم، و قلبم را از [خواری] دشمنانت شفا دهم.

جایگاه رجعت در متون دینی

رجعت از عقاید مسلم شیعه است که پشتوانه آن، ده‌ها آیه قرآن و صدها روایت از پیامبر و امامان علیهم السلام است.

محدث بزرگ مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب/ *یقاظ* ۵۲۰ حدیث درباره رجعت نقل کرده است. مرحوم علامه مجلسی نیز گفته است:

۱. رسائل، شریف مرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. سرداب، محلی است در کنار حرم امام هادی و امام عسکری علیهما السلام که عبادتگاه این دو امام و نیز امام زمان علیه السلام بوده است و شیعیان، آنجا را زیارت می‌کنند.

۳. مفاتیح الجنان، آداب سرداب مقدس، زیارت دوم صاحب الأمر علیه السلام.

اگر احادیث رجعت متواتر^۱ نباشد، دیگر در هیچ موردی نمی‌توان ادعای تواتر کرد.^۲ گذشته از آیات و روایات فراوان، همه علمای شیعه بر این حقیقت، اتفاق نظر دارند؛ چنانکه مرحوم شیخ حرّ عاملی به این مطلب تصریح کرده و بلکه ثبوت رجعت را از ضروریات مذهب شیعه دانسته است.^۳

رجعت، در قرآن و روایات

در آیات متعددی از قرآن، آشکارا جریان بازگشت افرادی از مردگان به دنیا مطرح شده و روایات زیادی از اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر این آیات وارد شده است که دو نمونه را بیان می‌کنیم:

یک. از نمونه‌های بسیار روشن رجعت و بازگشت به دنیا جریان عزیر است. او یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود که پس از مرگ، دوباره زنده شد و به دنیا بازگشت. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿أَوَكَلَدَىٰ مَر عَلَىٰ قَرِيهٍ وَهِيَ خَاوِيهٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالِ انِّى يَحْيِى هَذِهِ اللّٰهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَاَمَاتَهُ اللّٰهُ مَاتَهُ عَامٌ ثُمَّ بَعَثَهُ... فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۴

خلاصه داستان عزیر چنین است:

عزیر در مسیر خود از شهری گذشت که ویران شده و ساکنان آن، همگی مرده بودند و اجساد آن‌ها پوسیده و استخوان‌های آن‌ها خرد شده بود. با تعجب گفت: «چگونه خداوند این مردگان را زنده خواهد کرد؟» در این هنگام، خداوند جان او را گرفت و صد سال بعد، او را دوباره زنده کرد. در برابر چشمانش، مرکب سواری او را که الاغی مرده و پوسیده بود، دوباره زنده کرد، تا چگونگی رستخیز انسان‌ها را به او نشان دهد.

۱. متواتر به روایاتی می‌گویند که تعداد روایت کنندگان آن‌ها به قدری زیاد است که احتمال اجتماع آن‌ها بر دروغ را غیرممکن می‌سازد.
 ۲. رجعت (خادمی شیرازی)، ص ۱۴۰.
 ۳. همان، ص ۱۴۵.
 ۴. سوره بقره، آیه ۲۵۹.

بنابراین بازگشت به دنیا برای عزیر اتفاق افتاده و این دلیلی است روشن بر امکان رجعت در آینده جهان. به بیان دیگر، چون رجعت در گذشته تاریخ اتفاق افتاده، در آینده نیز می‌تواند رخ دهد و به قول معروف، بهترین دلیل بر امکان یک پدیده، این است که قبلاً واقع شده است.

دو. نمونه دیگر، بازگشت گروهی از قوم موسی علیه السلام به دنیا است.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون﴾^۱

آن‌گاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم، تا شاید سپاس‌گزار باشید.

این آیه دربارهٔ هفتاد نفر از برگزیدگان قوم موسی علیه السلام است که همراه آن حضرت به کوه طور رفتند، تا گفت و گوی موسی علیه السلام با خداوند را ببینند و گرفتن الواح از جانب خدا را شاهد باشند. وقتی گفت و گوی موسی علیه السلام را با خدا دیدند، گفتند: «ای موسی! ما به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر اینکه خداوند را آشکارا ببینیم».

موسی علیه السلام آن‌ها را از این خواسته بی‌جا و غیرممکن باز داشت؛ ولی آن‌ها اصرار کردند و سرانجام با صاعقه الهی، همگی مردند. موسی علیه السلام از این واقعه ناراحت شد و از پیامدهای آن در میان بنی اسرائیل نگران بود؛ بنابراین از خداوند خواست که آن‌ها را به زندگی برگرداند. درخواست او پذیرفته شد و مطابق آیه یاد شده، خداوند آن‌ها را به زندگی دنیا برگردانید؛^۲ به گونه‌ای که طبق روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام،^۳ این عده به خانه‌های خود بازگشتند و مدتی زندگی کردند و صاحب فرزند شدند و پس از رسیدن اجلشان از دنیا رفتند.^۴

آیات بالا درباره رجعت در اقوام گذشته است؛ ولی آیتانی از قرآن، دلیل بر «رجعت به دنیا در پایان تاریخ و آینده» است که دو نمونه را بیان می‌کنیم:

۱. سوره بقره، آیه ۵۶.

۲. ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ح ۷۲، ص ۷۳ و ۱۲۹.

۴. آیات دیگری مانند آیات ۷۳، ۲۴۳ و ۲۵۹ سوره بقره نیز بر زنده شدن و بازگشتن به این دنیا دلالت دارند.

۱. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿و یوم نحشر من کل امة فوجاً ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون﴾^۱

روزی که از هر امتی گروهی را بر می‌انگیزیم، از آن‌ها که آیات ما را تکذیب می‌کردند؛ پس آن‌ها بازداشته می‌شوند.

در این آیه سخن از روزی است که در آن «گروهی از مردم» برانگیخته می‌شوند؛ بنابراین اشاره به روزی غیر از روز قیامت دارد، زیرا در قیامت، همه انسان‌ها از اولین و آخرین محشور می‌شوند. مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان نوشته است که براساس روایات بسیار از اهل بیت علیهم‌السلام این آیه مربوط به گروهی از شیعیان حضرت مهدی علیه‌السلام و نیز عده‌ای از دشمنان آن حضرت است که در دوران ظهور او به دنیا باز می‌گردند.^۲

در یکی از آن روایات آمده است که از امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه سؤال شد؛ آن حضرت فرمود: «مردم در مورد آن، چه می‌گویند؟» راوی گفت: «آن‌ها می‌گویند: این آیه درباره قیامت است». امام صادق علیه‌السلام فرمود: «آیا خداوند در روز قیامت گروهی را بر می‌انگیزد و گروه دیگر را رها می‌کند؟ [اینگونه نیست] این آیه درباره رجعت است؛ اما آیه قیامت این آیه است [که خداوند می‌فرماید]: «و حشرنا هم فلم نغادر منهم أحداً» [یعنی: آنان را برانگیختیم و هیچ کس از آن‌ها را وانگذاشتیم].»^۳

۲. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿و حرام علی قریة اهلکنها انهم لایرجعون﴾^۴

ممنوع است [باز آمدن به دنیا] بر مردم شهری که آن را هلاک کردیم که آن‌ها بر نمی‌گردند.

این آیه نیز از مهم‌ترین دلایل‌های رجعت است؛ زیرا در قیامت همه مردم و از جمله اقوامی که به عذاب الهی هلاک شده‌اند، برمی‌گردند. این حقیقت در روایات متعدد بیان شده است.

امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

هر قریه‌ای که خداوند اهل آن را با عذاب هلاک کرده است، در رجعت باز

۱. سوره نمل، آیه ۸۳.

۲. مجمع البیان، ذیل آیه ۸۳ سوره نمل.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ح ۲۷، ص ۵۱.

۴. سوره انبیاء، آیه ۹۵.

نمی‌گردند. این آیه از بزرگ‌ترین دلایل رجعت است؛ زیرا هیچ کس از مسلمانان منکر آن نیست که همه مردم در قیامت بازمی‌گردند؛ چه کسی که هلاک شده و چه کسی که هلاک نشده است. پس سخن خداوند [که فرموده] «لایرجعون [= باز نمی‌گردند]» مربوط به رجعت است؛ اما در قیامت [هلاک شدگان به عذاب الهی هم] باز می‌گردند تا در آتش داخل شوند.^۱

رجعت در ادعیه و زیارات

قابل ذکر است موضوع رجعت در دعاها و زیاراتی که از امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده نیز مطرح گردیده است. در زیارت جامعه کبیره که از امام هادی علیه‌السلام روایت شده می‌خوانیم:

معترف بکم، مؤمن بایابکم، مصدق بر جعتکم، منتظر لامرکم^۲؛
[ای امامان و حجت‌های خدا!] من به شما [و امامت شما] اعتراف می‌کنم و بازگشت شما را [به این دنیا] باور دارم و رجعت شما را تصدیق می‌کنم و امر شما را انتظار می‌کشم.

در بعضی از زیارت‌های مخصوص به حضرت مهدی علیه‌السلام از جمله زیارت آل یاسین نیز این موضوع با صراحت بیان شده است.

ویژگی‌های رجعت

از میان روایات فراوان می‌توان این مطالب را درباره رجعت بیان کرد.
۱. رجعت از روزهای بزرگ و مهم عالم است که از آن در قرآن به «ایام الله» [= روزهای خدا] یاد شده است.
امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«ایام الله سه روز است: روز قیام قائم علیه‌السلام، روز رجعت و روز قیامت.^۳

۲. اعتقاد به رجعت از نشانه‌های شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ح ۲۹، ص ۵۲.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ح ۵۳، ص ۶۳.

امام صادق علیه السلام فرمود:

از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نداشته باشد.^۱

۳. رجعت برای همه مردم نیست؛ بلکه مخصوص مؤمنان خالص و کفار و منافقان خالص است.^۲

۴. از جمله مؤمنان رجعت کننده، پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام هستند. اولین امامی که در زمان رجعت و پس از امام مهدی علیه السلام حکومت عدل جهانی را برعهده می گیرد، حضرت امام حسین علیه السلام است که سال های بسیار حکومت خواهد کرد.^۳

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که امام حسین علیه السلام همراه با یاران شهیدش رجعت می کنند، هفتاد نفر از پیامبران نیز با او رجعت می نمایند.^۴

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

یرجع الیکم نبیکم و امیر المؤمنین و الائمه^۵؛

پیامبر شما و امیر المؤمنین و امامان به سوی شما مجدداً باز می گردند.

۵. در بخشی از روایات رجعت از نیکان امت های گذشته مانند اصحاب کهف و مؤمن آل فرعون، نام برده شده است. نیز از اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یاران ائمه علیهم السلام افرادی مانند سلمان فارسی، مقداد، مالک اشتر، ابو ذر، انصاری، فضل بن عمر، و اسماعیل بن جعفر [از فرزندان امام صادق علیه السلام] به عنوان رجعت کنندگان یاد شده اند.

۶. برای همه مؤمنان و منتظران واقعی ظهور مهدی علیه السلام که پیش از ظهور آن عزیز از دنیا رفتند، امکان رجعت به دنیا و یاری آن امام وجود دارد.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس چهل بامداد، خدا را با [دعای] عهد بخواند، از یاوران قائم خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون

۱. همان، ح ۱۰۱، ص ۹۲.

۲. همان، ح ۱، ص ۳۹.

۳. همان، ح ۱۹، ص ۴۶.

۴. همان، ج ۳، ص ۸۹.

۵. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۷، ح ۱۷۱۶، ص ۴۵۸.

آورد [و قائم عليه السلام را یاری دهد]^۱...

۷. کفار و منافقان هرگز به میل و اراده خود به دنیا باز نمی گردند؛ بلکه از روی اجبار به رجعت تن می دهند؛ ولی رجعت مؤمنان، اختیاری است.

امام صادق عليه السلام می فرماید:

هنگامی که حضرت مهدی عليه السلام قیام کند، مأموران الهی به سراغ مؤمنان خفته در قبرها می روند و به آن ها اعلام می کنند که: «ای بنده خدا! مولایت ظهور کرده است. اگر می خواهی به او پیوندی، می توانی و اگر می خواهی در نعمت های الهی (برزخ) بمانی، بمان».^۲

۱. ر. ک: مفاتیح الجنان، دعای عهد.
 ۲. کتاب الغیبه، طوسی، ح ۴۷۰، ص ۴۵۹.

خلاصه درس

- رجعت در لغت به معنای بازگشت و در اصطلاح دینی عبارت است از زنده شدن گروهی از مؤمنان واقعی و کفار خالص قبل از قیامت و برگشت آنان به دنیا.
- روایات، فلسفه رجعت را مشاهده عزت اسلام و شوکت مؤمنان و ذلت و خواری ستمکاران و کافران دانسته‌اند.
- در روایات از رجعت، به عنوان «ایام الله» یاد شده و اعتقاد به آن از نشانه‌های شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام شمرده شده است.
- رجعت، از عقاید مسلم شیعه است که دارای دلایل قرآنی و روایی متعددی است.
- طبق روایات، اولین امامی که به دنیا رجعت می‌کند، امام حسین علیه‌السلام است که سال‌ها حکومت خواهد نمود.

پرسش‌های درس

۱. معنای رجعت را توضیح دهید.
۲. فلسفه رجعت را با توجه به روایات، شرح دهید.
۳. آیا اعتقاد به رجعت، اختصاص به شیعه دارد یا اعتقاد عموم مسلمانان است؟
۴. دو آیه از آیات دال بر اثبات رجعت را بیان کنید.
۵. پنج مواد از ویژگی‌های رجعت که در روایات ذکر شده است را توضیح دهید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. انواع رجعت را تبیین نمایید.
۲. فلسفه رجعت را بیان کنید.
۳. دلایل قرآنی به وقوع رجعت را بررسی کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. شیعه و رجعت، محمدرضا طبسی.
۲. رجعت، علامه مجلسی.
۳. فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۹.
۴. رجعت از نظر شیعه، نجم‌الدین طبسی.
۵. رجعت، خادمی شیرازی.

آسیب شناسی مباحث مهدویت

اهداف

- شناخت آسیب‌های مهدویت
- روش مبارزه و پیش‌گیری از انحرافات و لغزش‌ها

فوائد

- آگاهی بیشتر از معیارهای تشخیص مباحث از خرافات
- توجه به خطرات برداشت‌های انحرافی از مفاهیم مهدویت
- تکذیب مدعیان دروغین نیابت و مهدویت

مطالب آموزشی

۱. مقدمه

- الف. معنای آسیب شناسی
- ب. ضرورت آسیب شناسی مباحث مهدوی
- برداشت‌ها و تفسیرهای غلط از مفاهیم مهدویت
- استعجال و تعیین وقت ظهور حضرت
- تطبیق علایم ظهور بر افراد خاص
- مدعیان دروغین مهدویت و سفارت

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی، ممکن است آفت‌هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد. فرهنگ دینی نیز گاهی به آفت‌هایی گرفتار می‌شود که حرکت رو به کمال آن را کند می‌کند. بحث «آسیب شناسی دینی» عهده دار شناختن آن آفت‌ها و شیوه مقابله با آنهاست.

لازم است درباره آنچه به عنوان آسیب‌های فرهنگ ناب مهدوی مطرح می‌شود، بحث کنیم تا ضمن آشنایی با آسیب‌ها به راه‌های خنثا سازی و رویارویی با آنها بیندیشیم. آسیب‌های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آنها موجب سستی اعتقاد مردم و به ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی علیه السلام یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار می‌شود و گاهی نیز سبب گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف می‌گردد. بنابراین آشنایی با این آسیب‌ها، منتظران آن امام بزرگ را از کجروی در اعتقاد و رفتار حفظ خواهد کرد.

در اینجا مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ مهدویت را در عنوان‌هایی جدا از یک‌دیگر بررسی می‌کنیم:

برداشت‌های غلط

از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت‌های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. تحلیل نادرست و ناقص از روایات به دریافت غیر صحیح می‌

انجامد که چند نمونه از آن را بیان می کنیم.

۱. برداشت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است که بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام عصر علیه السلام خواهد بود، پس ما در برابر تباهی ها و ناهنجاری ها هیچ وظیفه ای نداریم و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی علیه السلام باید برای ترویج بدی ها و زشتی ها در جامعه اقدام کنیم. این اندیشه نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می داند.

بنیان گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله در نقد این دیدگاه فرموده است:
ما اگر دستان می رسید و قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم ها و جورها را از عالم برداریم تکلیف شرعی ماست؛ منتهی ما نمی توانیم. اینکه هست، این است که حضرت [امام مهدی علیه السلام] عالم را پر می کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.^۱

آن رهبر فقید همچنین در ادامه بیانات خود فرموده است:

[آیا] ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟^۲

گفتنی است که ما در ابتدای بحث «انتظار» درباره معنای صحیح انتظار سخن گفتیم.
۲. بعضی افراد از ظاهر برخی از روایات، این گونه برداشت کرده اند که هر قیامی قبل از قیام امام مهدی علیه السلام محکوم و مردود است؛ بنابراین در برابر قیام و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که قیامی بر ضد طاغوت و استکبار و در جهت برقراری احکام الهی بوده است، موضع نادرستی گرفته اند.

در پاسخ باید گفت که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه حدود و قصاص و نیز جهاد با دشمنان و مبارزه فراگیر با فساد جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست؛ بنابراین تلاش برای برقراری نظام اسلامی، کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات به معنای شرکت در قیام های باطل است که انگیزه الهی ندارد یا قیام هایی که بدون

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۲. همان.

توجه به شرایط و زمینه‌های لازم انجام می‌گیرد و یا حرکت‌هایی که به عنوان قیام مهدوی شروع می‌گردد؛ نه اینکه هر انقلاب و حرکتی که در مسیر اصلاح جامعه است، مردود شمرده شود.^۱

۳. یکی دیگر از برداشت‌های غلط در فرهنگ مهدویت، نشان دادن چهره خشونت آمیز از امام مهدی علیه السلام است.

بر خلاف تصوّر بعضی افراد که می‌اندیشند امام مهدی علیه السلام با شمشیر عدالت، دریایی از خون به راه می‌اندازد و بسیاری را از دم تیغ عبور می‌دهد، امام عصر علیه السلام مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله ابتدا همگان را با بیان روشن و دلایل آشکار به اسلام و قرآن می‌خواند و بیشتر مردم، دعوت آن حضرت را پاسخ می‌دهند و به او می‌پیوندند. بنابراین امام علیه السلام تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می‌زنند و جز زبان شمشیر نمی‌فهمند با سلاح برخورد می‌کند.

استعجال ظهور

یکی دیگر از آسیب‌های جدی در فرهنگ مهدویت، استعجال ظهور است. استعجال به معنای عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آن است. انسان‌های عجول به سبب ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست می‌دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده‌ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسأله انتظار، انسان منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق، خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می‌کند؛ ولی هرگز عجله نمی‌نماید و هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود، باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد؛ بلکه با وجود شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان می‌دهد و برای تحقق همه زمینه‌های لازم برای ظهور می‌کوشد و بردباری می‌کند.

عبدالرحمن بن کثیر گوید:

۱. برای اطلاع بیشتر درباره این موضوع ر.ک: دادگستر جهان، ص ۲۵۴ - ۳۰۰.

خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهرم داخل شد و عرض کرد: «قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می شود؟» امام فرمود: «ای مهرم! دروغ گفتند وقت گذاران، و هلاک شدند شتاب کنندگان، و نجات یافتند تسلیم شدگان».^۱

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن سبب است که به دنبال عجله، روحیه یأس و نومیدی در انسان منتظر، پیدا می شود، آرامش و صبوری را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می شود و از تأخیر ظهور بی قرار می گردد. او این بیماری را به دیگران نیز سرایت می دهد و گاهی به سبب استعجال ظهور به حالت انکار وجود امام، گرفتار می شود.

گفتنی است که منشأ استعجال ظهور، آن است که نمی داند ظهور از سنت های الهی است و مانند همه سنت ها باید پس از تحقق همه شرایط و زمینه ها، انجام گیرد.

تعیین زمان ظهور

از آسیب های فرهنگ مهدویت آن است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند؛ در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است. در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است و وقت گذاران، دروغ گو شمرده شده اند. از امام باقر علیه السلام سؤال شد: «آیا برای ظهور وقت (معینی) است؟» حضرت فرمود: آن ها که برای ظهور تعیین وقت می کنند، دروغ می گویند. (و دو بار این جمله را تکرار کرد).^۲

با این حال، بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور تعیین وقت می کنند که کمترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده اند؛ ولی خلاف آن دیده اند.

بنابراین منتظران واقعی باید خود را از دام شیادان و نیز نادانان حفظ کنند و درباره زمان ظهور، تنها منتظر اراده پروردگار باشند.

۱. کافی، ج ۱، باب کراهیه التوقیت، ح ۲، ص ۳۶۸.

۲. الغیبه طوسی، ح ۴۱۱، ص ۴۲۶.

تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص

در روایات فراوان، نشانه‌هایی برای ظهور امام مهدی علیه السلام بیان شده است؛ اما کیفیت دقیق و خصوصیات آن‌ها روشن نیست و این بستری برای تحلیل‌ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی شده است. هر از چند گاهی، بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده‌های موجود بر می‌آیند و بدین وسیله از نزدیکی ظهور خبر می‌دهند.

این جریان نیز از آسیب‌های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می‌انجامد؛ برای مثال وقتی شخصیت سفیانی به فردی خاص که در فلان منطقه است تفسیر شود و درباره دجال، تحلیل‌های بی‌دلیل مطرح گردد و به دنبال آن، بشارت ظهور در زمانی بسیار نزدیک، به همگان داده شود، اما از طی شدن سالیانی، امام علیه السلام ظهور نکند، عده‌ای به انحراف و اشتباه گرفتار می‌شوند و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می‌گردند.

طرح مباحث غیر ضروری

در فرهنگ ناب مهدوی، معارف فراوانی است که پرداختن به آن‌ها یک ضرورت شمرده می‌شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد آن‌ها در زمان غیبت بسیار مهم است.

گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب گفتار و مقاله‌ها و نشریات و حتی کنفرانس‌ها به بحث‌هایی روی می‌آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آن‌ها احساس نمی‌شود و بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه‌ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می‌گردد.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت یا وجود فرزند برای آن بزرگوار و یا محل زندگی حضرت و مانند آن از نمونه‌های بحث‌های غیر ضروری است که بجاست جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار بدهد؛ به همین دلیل گفت‌وگو درباره شرایط و زمینه‌های ظهور نیز بر بحث علایم ظهور مقدم است؛ زیرا آشنایی با شرایط ظهور، مشتاقان امام را به حرکت در راستای تحقق آن شرایط ترغیب می‌کند.

این نکته نیز مهم است که در طرح مباحث مهدویت، جامع‌نگری لازم است. مقصود این است که در هنگام گفت‌وگو درباره یک موضوع، مجموعه معارف مهدویت مطالعه

شوند. گاهی بعضی افراد با مطالعه برخی از روایات و بدون در نظر گرفتن روایات دیگر، تحلیل‌های نادرستی از جریان مهدویت بیان می‌کنند؛ برای مثال با ملاحظه روایاتی که از جنگ طولانی و خونریزی فراوان خبر داده است، چهره بسیار خشنی از امام غایب ترسیم می‌کنند و از روایات دیگر که جلوه‌های محبت و مهربانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را بیان کرده و سیره و اخلاق او را همانند خلق و خوی جدّ گرامی‌اش پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معرفی نموده است، غافل می‌مانند. بدیهی است که دقت در هر دو دسته روایات، این حقیقت را بیان می‌کند که برخورد امام عجل الله تعالی فرجه با همه انسان‌های حق طلب - چه رسد به شیعیان و دوستان آن بزرگوار - با دریایی از مهربانی و صفا و صمیمیت خواهد بود و شمشیر انتقام آن ذخیره الهی تنها بر گرده ستمگران و پیروان آن‌ها فرود خواهد آمد.

بنابراین گفت‌وگو درباره موضوع مهدویت صلاحیت علمی کافی می‌خواهد و آن‌ها که چنین صلاحیتی ندارند نباید به این میدان وارد شوند و ورود آن‌ها به این عرصه می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری به فرهنگ مهدویت وارد کند.

مدعیان دروغین

یکی دیگر از آسیب‌های معارف مهدویت، ظهور مدعیان دروغین در این جریان مقدّس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه افرادی به دروغ ادعا کرده‌اند که با آن حضرت، ارتباط خاص دارند یا از سوی آن بزرگوار، به مقام نیابت خاص رسیده‌اند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آخرین نامه خود به نایب چهارم، تصریح فرموده‌اند:

تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را سامان ده و درباره جانشینی [پس] از خود، به هیچ کس وصیت نکن که غیبت کامل [= غیبت کبرا] فرا رسیده است... و در آینده بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده [و ارتباط با من] می‌کنند. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه [آسمانی] ادعای مشاهده کند، دروغ‌گو است.^۱

با این بیان روشن، هر شیعه آگاهی وظیفه دارد، مدعیان ارتباط و نیابت خاص را

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴۵، ص ۲۹۴. توضیح اینکه مقصود از «مشاهده» همان نیابت است، نه صرف دیدار؛ چنان‌که علامه مجلسی رحمته الله فرموده است.

تکذیب کند و راه نفوذ و سودجویی این فرصت طلبان و دنیا خواهان را ببندد. بعضی از این دروغ‌گویان پا را فراتر نهاده و پس از ادّعیای نیابت، مدّعی مهدویت شده‌اند و در پی این ادّعیای باطل، مکتب و فرقه‌ای انحرافی را بنیان نهاده‌اند و زمینه انحراف اعتقادی عدّه بسیاری را فراهم کرده‌اند.^۱ با مطالعه تاریخچه این گروه‌ها روشن می‌شود که بسیاری از آن‌ها با پشتیبانی و حمایت استعمار به وجود آمده و به حیات خود ادامه داده‌اند. روشن است که شکل‌گیری فرقه‌ها و گروه‌های منحرف و پیوستن و اعتماد کردن افراد به مدّعیان مهدویت یا نیابت، در جهل و نادانی آن‌ها ریشه دارد. شوق فراوان به دیدار امام علیه السلام بدون معرفت و آگاهی کافی به آن حضرت و غفلت از وجود شیّادان در این عرصه، زمینه ساز ارتباط با مدّعیان دروغین می‌شود. بنابراین شیعیان منتظر باید با آگاهی کافی از معارف ناب مهدویت خود را از دام نیرنگ بازان حفظ کنند و با پیروی از علمای متعهّد شیعه، در مسیر روشن مکتب، گام بردارند.

۱. یکی از این فرقه‌های منحرف، فرقه بابیت است که رهبر آن «علی محمد شیرازی»، ابتدا ادّعیای نیابت امام مهدی علیه السلام را مطرح کرد و پس از آن مدّعی شد که همان مهدی موعود است و در نهایت ادّعیای پیامبری هم کرد. این فرقه منحرف، زمینه شکل‌گیری فرقه ضالّه بهائیت شد.

خلاصه درس

- از مهم ترین آسیب های معارف مهدویت، تفسیرها و برداشتهای غلط از آموزه های آن است.
- برداشت نادرست از مفهوم انتظار، مردود دانستن قیام در عصر غیبت، نشان دادن چهره خشن از امام علیه السلام و... از مصادیق بارز انحراف در فهم و تفسیر معارف مهدویت می باشد.
- تعیین وقت ظهور، تطبیق علائم بر مصادیق خاص، ادعاهای دروغین درباره ارتباط با حضرت یا نیابت از آن حضرت، از آسیب های جدی در حوزه مباحث مهدویت به شمار می آید.

پرسش‌های درس

۱. سه نمونه از برداشت‌های غلط در حوزه مباحث مهدویت را بیان کنید.
۲. فرق استعجال با توقیت را توضیح دهید.
۳. مهم‌ترین پیامد منفی تطبیق‌گرایی را توضیح دهید.
۴. وظیفه شیعیان در قبال مدعیان دروغین ارتباط و نیابت را با توجه به توقیع بیان کنید.

پرسش‌های پژوهشی

۱. پیامدهای افراط و تفریط در ارائه‌ی چهره‌ی مهر و غضب از امام مهدی عج را ذکر کنید.
۲. مهم‌ترین آسیب واقع شده در مورد انتظار و منشأ آن را بیان نمایید.
۳. علل و زمینه‌های پیدایش فرق انحرافی را بررسی کنید.

منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. قیام و انقلاب جهانی امام مهدی عج شهید مطهری.
۲. اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، محمدصابر جعفری.
۳. فصلنامه انتظار موعود، شماره‌های ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵.
۴. معارف مهدوی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. مفاتیح الجنان.
۳. نهج البلاغه، فیض الاسلام.
۴. ابراهیم امینی، *دادگستر جهان*، قم، شفق، ۱۳۸۰ ش.
۵. ابن بابویه القمی، محمد بن علی بن الحسین، *خصال*، قم، نشر الاسلامی، ۱۴۲۶ ق.
۶. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، *کمال الدین*، مترجم پهلوان، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ ش.
۷. ابن بابویه، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، *علل الشرايع*، قم، مؤمنین، ۱۳۸۰ ش.
۸. ابن حنبل، احمد، *مسند احمد*، دار صادر، بیروت، بی تا.
۹. ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابی بکر، قرطبی، *تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)*، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۰. احمد بن علی ابی طالب، *طبرسی، الاحتجاج*، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ هـ ق.
۱۱. ألوفین تافلر، *به سوی تمدن جدید*، تهران، نشر سیمرغ، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. بحرانی، سیدهاشم، *البرهان*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل ابو عبدالله، *صحیح البخاری*، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ ق.
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالمستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. حر العاملی، الامام الشیخ محمد بن الحسن، *وسائل الشیعه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۶. اثبات الهداة، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۱۰۴ ق.
۱۷. خادمی شیرازی، محمد، *رجعت*، بی جا، مؤسسه الغدیر، ۱۴۱۱ ق.
۱۸. خانی، فاضل، *ترجمه تورات*، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۹. خمینی، امام روح الله الموسوی، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.

۲۰. رازی، امام فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، سوم، بی جا، بی تا.
۲۱. سجستانی الأزدی، ابی داود سلیمان بن الاشعث دار ابن حزم، سنن ابن داود، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۲۲. شافعی، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز، عقد الدرر، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. الشریف المرتضی، سیدابوالقاسم علی بن حسینی الموسوی (السید مرتضی)، رسائل، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق.
۲۴. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، معانی الاخبار، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵هـ.ش.
۲۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، السیده المعصومه، ۱۴۱۹ ق.
۲۶. صدر، سید صدر الدین، المهدی، بی جا، بی تا، بی تا.
۲۷. صدوق، ابوجعفر محمد، عیون اخبارالرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۸. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، جماعه المدرسین، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الکبیر، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۳۰. طبرسی نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰ش.
۳۱. طبسی، محمد رضا، الشیعه و الرجعه، نجف المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۵ش.
۳۲. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۳۳. طوسی، شیخ الطایفه ابی جعفر محمد بن الحسن، الغیبه، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.
۳۴. فریدونی، حسین، زنده روزگاران، تهران، آفاق، ۱۳۸۱ش.
۳۵. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، اسوه، ۱۴۲۲ق.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دار الکتب للطباعه و النشر، ۱۴۰۴ق.
۳۷. کلینی الرازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، بیروت، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ق.
۳۸. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، علی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۰. مروزی، حافظ ابوعبدالله نعیم بن حماد، الفتن، قاهره، توحید، ۱۴۱۲ ق.
۴۱. معجم احادیث الامام المهدی، الهیئة العلمیة، المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ش.
۴۳. _____، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، نسل جوان، ۱۳۸۰ش.
۴۴. مهدی پور، علی اکبر، راز طول عمر امام زمان علیه السلام، قم، طاووس بهشت، ۱۳۷۸ش.
۴۵. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب، الغیبه، قم، صدوق، ۱۳۷۶ش.

